

جایگاه

ایران

در
آسیای مرکزی

مهدی سنایی «نهادنی»





جایگاه ایران در آسیای مرکزی

مهدی سنایی «نهادنی»



اسکن شد

جایگاه ایران در آسیای مرکزی

مهدی سنایی «نهادنی»

انتشارات بین المللی الهدی



تهران: خیابان میرداماد، خیابان کازرون (جنب پمپ بنزین)، کوچه نیک نام،

پلاک ۱۱، تلفن: ۶۴۰۶۲۶۱، ۲۲۲۷۹۸۹ فاکس: ۶۴۰۶۲۴۰

نام کتاب: جایگاه ایران در آسیای مرکزی

نویسنده: مهدی سنایی «نهادندی»

چاپ اول: ۱۳۷۶

تیراژ: ۳۰۰۰

قیمت: ۵۰۰۰ ریال

ناشر: انتشارات بین المللی الهدی

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



«برای مادرم که نمونه شکیبایی است»

فهرست

پیشگفتار..... یک

کلیات..... ۱

آثار داخلی فروپاشی شوروی..... ۷

آسیای مرکزی و تشدید گروههای منطقه‌ای..... ۱۰

آثار بین‌المللی فروپاشی..... ۱۳

یادداشتها..... ۱۷

فصل اول - علایق فرهنگی..... ۲۱

تاریخ و سنن مشترک..... ۲۳

حکومت بلشویک‌ها و تلاش برای محو گذشته..... ۳۳

تلاش برای بازسازی هویت..... ۳۷

اسلام..... ۴۹

اسلام رسمی و غیر رسمی..... ۵۴

تصوف..... ۶۰

اسلام پس از فروپاشی شوروی..... ۶۴

زبان فارسی..... ۷۱

ایرانیان منطقه..... ۷۶

تاجیک‌ها..... ۸۲

یادداشتها..... ۱۰۱

۱۰۷.....	فصل دوم - علایق اقتصادی
۱۰۹.....	وضعیت اقتصادی جمهوری های آسیای مرکزی
۱۱۲.....	منابع طبیعی جمهوری های آسیای مرکزی
۱۱۳.....	قزاقستان
۱۱۴.....	ترکمنستان
۱۱۶.....	ازبکستان
۱۱۷.....	قرقیزستان
۱۱۷.....	تاجیکستان
۱۲۷.....	نیازهای ارتباطی
۱۳۶.....	شبکه حمل و نقل در جمهوری اسلامی ایران
۱۴۱.....	موقعیت مواصلاتی ایران
۱۵۵.....	همکاری های اقتصادی
۱۵۵.....	همکاری های تجاری
۱۵۸.....	ایران و ترکمنستان
۱۶۱.....	مبادلات بازرگانی ایران و قزاقستان
۱۶۳.....	مبادلات ایران و ازبکستان
۱۶۵.....	مبادلات ایران و قرقیزستان
۱۶۶.....	مبادلات ایران و تاجیکستان
۱۷۳.....	همکاری ها در زمینه منابع و معادن
۱۹۱.....	یادداشتها

فصل سوم.....	۱۹۵
جایگاه آسیای مرکزی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران.....	۱۹۷
ایران و روسیه.....	۲۰۵
روس‌ها در چشم ایرانیان.....	۲۰۶
عضویت در ناتو.....	۲۱۲
ایران، غرب و امریکا.....	۲۱۷
یادداشتها.....	۲۳۴
منابع فارسی: الف - کتاب.....	۲۳۷
ب - مقالات، مجلات و روزنامه‌ها.....	۲۴۳
منابع انگلیسی.....	۲۴۷
منابع به زبان روسی.....	۲۵۱
سایر منابع.....	۲۵۲

ای نام تو بهترین سرآغاز

آنچه هم‌اکنون به صورت کتاب به زینت طبع آراسته می‌شود، نخست مقاله‌ای مفصل در زمینه علایق فرهنگی و اقتصادی میان ایران و آسیای مرکزی بود که مسبوق به حضور بنده در دانشگاه‌های جمهوری‌های آسیای مرکزی و سابقه پژوهش علمی و روشمند در این موضوعات به نگارش در آمد. پس از آن در سال ۱۳۷۵ به مدد مطالعات و پژوهش در تهران و مراجعات مکرر به منابع خارجی کتابخانه‌های این جمهوری‌ها، در دانشگاه تهران شکل یک پژوهش مفصل و در آخر با اصلاحات و اضافات دیگری فرجام خویش را به شکل نوشته حاضر یافت.

با توجه به کمبود منابع در موضوع آسیای مرکزی و حضور عملی اینجانب در میان اندیشمندان این منطقه، به نظر می‌رسد پژوهش انجام یافته حاضر، نکات معتناهایی برای علاقه‌مندان این حوزه مطالعاتی در بردارد. در عین حال به همان دلیل کمبود منابع و با توجه به اینکه این نوشتار در بخش‌های اقتصادی حاوی برخی اطلاعاتی است که در گذر زمان تغییر می‌یابند، انجام پژوهشهای روشمند دیگر نیز در زمینه روابط ایران و آسیای مرکزی، با توجه به پیشینه مشترک تاریخی، همسایگی ما با این منطقه و جایگاه ویژه آن در سیاست خارجی ج.ا. ایران ضرورت می‌یابد.

بدیهی است آسیای مرکزی همچون زمینه‌های فرهنگی و اقتصادی در بعد پژوهش نیز توجه جدی سیاست‌گزاران و پژوهشگران ما را می‌طلبد. شاید جولان نمایندگان سایر کشورها و دولت‌ها که امروزه در هر شهر و روستای این جمهوری‌ها در حال فعالیت هستند و با خود پیام‌های دینی و فرهنگی عرضه می‌کنند در منطقه‌ای که در همسایگی ماست و بخش گسترده‌ای از آن در طول تاریخ، حوزه تمدن و

فرهنگ ایران - اسلامی بوده است، بسیار تکان دهنده باشد.

با وجود آن که ریشه‌های عمیق تاریخی و فرهنگی، ایران و آسیای مرکزی را به هم پیوند می‌دهد، شناخت کنونی ما از این منطقه بسیار کم است، چنانکه ضرورت انجام پژوهشهای گسترده در زوایای زندگی سیاسی و اجتماعی این جمهوری‌ها و تأسیس پژوهشگاه‌های مشترک با این جمهوری‌ها به صورت جدی احساس می‌شود. بدون تردید توجه به اولویت‌بندی مناطق نفوذ ج.ا.ایران در برنامه‌ریزی‌های کلان فرهنگی برای برون مرزها ثمرات فراوانی را در مسیر گسترش و احیای روابط میان ایران و آسیای مرکزی به بار خواهد آورد.

در پایان لازم است از اساتید، دوستان و همکارانی که در تدوین و چاپ کتاب کمک نموده‌اند، قدردانی نمایم.

با این امید که تألیف و چاپ این کتاب خدمتی کوچک در قلمرو دانش و فرهنگ باشد.

ومن ... التوفیق و علیه التکلیان

مهدی سنایی آذرماه ۱۳۷۶

الماتی

کلیات

آسیای مرکزی، از نظر ژئواستراتژیکی، موقعیت برجسته‌ای در نقشه جهان دارد. این منطقه که شامل ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و قزاقستان می‌باشد، تحت محاصره اروپا، روسیه، چین و هند قرار دارد و از جنوب توسط بلوک کشورهای مسلمان، یعنی افغانستان، ایران، پاکستان و ترکیه احاطه شده است. آسیای مرکزی با بیش از ۵۰ میلیون جمعیت و ۳/۹۹۴/۴۰۰ کیلومتر مربع مساحت مجموعاً نزدیک به ۱۰٪ مساحت قاره آسیا و کمتر از ۳٪ جمعیت این قاره را به خود اختصاص داده است. ۱

آسیای مرکزی، در طول تاریخ، مهد فرهنگ‌های بزرگ بشری و گذرگاه اروپا به آسیا و بالعکس بوده و مورخین از آن به عنوان مرز میان تمدن اسلام و سایر تمدن‌ها یاد کرده‌اند. این منطقه، که قسمت عظیمی از آن تا پایان قرن هیجدهم، تحت تصرف روسیه درآمد، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، یکبار دیگر در صحنه سیاسی جهان اهمیت یافت.

در زمینه حدود و ثغور آسیای مرکزی، در دوره‌های مختلف تاریخ، از جانب مورخین و نویسندگان اظهارات متفاوتی صورت گرفته است. اما به هر حال، این

منطقه که طی دو قرن، سلطهٔ روسیهٔ مرکزی را از سرگذرانده است، پس از انقلاب بلشویکی و با سیاست مشت آهنین استالین مرزبندی‌های موجود را پذیرفت و به صورت پنج جمهوری مستقل در آمد.^۲

در نوشته‌های دانشمندان انگلیسی و آلمانی، این منطقه «آسیای مرکزی» نامیده شده است، در حالی که دانشمندان متأخر فرانسوی و نوشته‌های روسی آن را «آسیای میانه» نامیده‌اند. در واقع آنچه از محدودهٔ جغرافیایی امروز، به عنوان آسیای مرکزی یا میانه شناخته می‌شود مربوط به یک قرن اخیر است که بخشی از محدودهٔ جغرافیایی، شامل نواحی غربی ارتفاعات «تیان شان» و «فلات پامیر» را تا دریای خزر در برمی‌گیرد. در عین حال مراجعه به آمار و نوشته‌هایی که اصطلاح آسیای مرکزی را به کار برده‌اند نشان‌دهندهٔ آن است که نویسندگان مختلف، آسیای مرکزی را به ناحیه‌ای مشخص محدود نکرده‌اند.^۳ دکتر ولایتی در تعریف آسیای مرکزی می‌نویسد: «امروز کلمهٔ آسیای مرکزی به نقطه‌ای از آسیا اطلاق می‌شود که در گذشته نامهای دیگری داشته است. بخش اعظم آسیای مرکزی امروز، ماوراءالنهر گذشته است».^۴

«گرگوار فرامکین» آسیای مرکزی را همان ترکستان غربی می‌داند.^۵ در کتابی که شش تن از محققین دانشگاه‌های امریکا تحت عنوان نوسازی در آسیای مرکزی نوشته‌اند، آسیای مرکزی شامل ایران، افغانستان، کشورهای تازه استقلال یافته (قزاقستان، ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان) و همچنین تبت و سین‌کیانگ و مغولستان دانسته شده است.^۶

آقای تکمیل همایون در بارهٔ پیدایش اصطلاح آسیای مرکزی و محدودهٔ جغرافیایی آن می‌نویسد، «از نیمه قرن نوزدهم به این سر، سیاحان اروپایی و جغرافی دانان بر پایهٔ عینیت‌های جغرافیایی و تقسیم‌بندی‌های اقلیمی (با در نظر گرفتن سلسله کوه‌ها، رودهای بزرگ و دیگر موقعیت‌های زمین‌شناختی) در قارهٔ بزرگ آسیا بخشی را به نام آسیای مرکزی نامیدند». نامبرده با اشاره به اینکه آسیای مرکزی از تقسیمات جدید قارهٔ آسیاست، این بخش را، با اندکی مسامحه، بر این مناطق اطلاق می‌کند:

پنج کشور استقلال یافتهٔ کنونی یعنی - ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و قزاقستان - ترکستان چین یا ایغورستان (سین‌کیانگ)، بخش غربی مغولستان، تبت شمالی، کشمیر، بخش شمالی پاکستان، افغانستان و بخشی از خراسان و مازندران ایران. ^۷

در نقشه‌ای که روی جلد مجلهٔ مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز چاپ می‌شود افغانستان نیز جزء آسیای میانه به حساب آمده است. نقشهٔ پشت جلد نشریهٔ کروینک آسیای مرکزی و قفقاز که در لندن چاپ می‌شود آسیای مرکزی را از خزر تا سین‌کیانگ نشان می‌دهد. ^۸

در فرهنگ فارسی معین در بارهٔ آسیای مرکزی آمده است: «بخشی از آسیا که شامل کشورهای مغولستان، ترکستان، ایران، افغانستان و تبت می‌باشد». ^۹ در همین فرهنگ در مورد ترکستان که در تعریف آسیای مرکزی آمده بود چنین می‌خوانیم: «ناحیه‌ای است در آسیا که از شمال به سیبری، از مغرب به بحر خزر،

از جنوب به افغانستان، هند و تبت و از مشرق به مغولستان محدود است و بین اتحاد جماهیر شوروی و چین تقسیم شده است». چنان که مشاهده می‌شود محدوده‌ای که در ذیل ترکستان بیان شده تقریباً همین محدوده آسیای مرکزی است و اینها نشانه ابهام در اصطلاحات مختلف و در محدوده دقیق آسیای مرکزی است.

در فرهنگ عمید آسیای مرکزی و آسیای میانه مترادف آمده‌اند و در مورد آنها چنین گفته شده است: «متصرفات روسیه در شرق بحر خزر و شمال شرقی ایران شامل ترکمنستان و ازبکستان و تاجیکستان. این ناحیه را در قدیم خوارزم و ماوراءالنهر می‌گفتند». ۱۰

به هر حال در مورد دو اصطلاح آسیای مرکزی و آسیای میانه ابهام فراوانی هست؛ چنان که با تفحص در آرای نویسندگانی که در این زمینه تحقیقاتی داشته‌اند نمی‌توان به رأی واحدی دست یافت. برخی نویسندگان هر دو اصطلاح آسیای میانه و مرکزی را جدید می‌دانند و معتقدند که این دو اصطلاح بیشتر دارای بار سیاسی است تا اینکه تعیین‌کننده محدوده‌های جغرافیایی باشد و لذا به جای آن، اصطلاح خراسان بزرگ و ماوراءالنهر را مطرح می‌نمایند. ۱۱

برخی دیگر از نویسندگان معتقدند که آسیای مرکزی اصطلاحی شناخته شده است و روس‌ها با اهداف سیاسی، اصطلاح «آسیای میانه» را برای پنج کشور کنونی تازه استقلال یافته آسیای مرکزی (ترکمنستان، قزاقستان، تاجیکستان، قرقیزستان و ازبکستان) وضع نمودند. ۱۲ برخی از همین

نویسندگان برای این نکته نبود اصطلاح آسیای میانه را در دائرة المعارف روسیه در ۱۸۹۰ میلادی (۱۲۶۹ ه.ش) شاهد می‌آورند و ذکر می‌نمایند که در دومین دائرة المعارف بزرگ شوروی که در سال ۱۹۵۷ میلادی (۱۳۲۶ ه.ش) به چاپ رسیده است این اصطلاح ذکر شده است. ۱۳

با توجه به آنچه در ذیل دو اصطلاح آسیای مرکزی و آسیای میانه گفته شده است و علی‌رغم ابهامی که در این زمینه وجود دارد، اشاره به چند نکته ضروری است:

۱. برای تعیین دقیق محدوده جغرافیایی آسیای میانه مرکزی، هیچ یک از دو عامل قومیت و خصوصیات قومی تعیین‌کننده نیست. اقوام متعددی، از جمله اقوام ترک، تبتی، تاجیک و مغول در نقاط مختلف آسیای مرکزی زندگی می‌کنند. دیگر اینکه در صورت صرف نظر از بودایی‌های فلات تبت و چینی‌های جلگه منچوری، آسیای مرکزی از شمال به استپهای قزاقستان، از جنوب به شمال افغانستان، از غرب به دریای خزر و از شرق به حوزه سین‌کیانگ متصل است. آسیای مرکزی با این محدوده، دارای پیشینه مشترک فرهنگی، اعتقادی و تاریخی و سنن و آداب مشترکی با کشور ایران است. همچنین گسترش زبان فارسی در دوره‌هایی از تاریخ در این منطقه به آن ویژگی خاص بخشیده است. گفتنی است که بخش شمالی قزاقستان کنونی در مرز روسیه تحت این حوزه جغرافیایی قرار نمی‌گیرد.

۲. مطالعاتی که پس از فروپاشی شوروی در مورد آسیای مرکزی انجام می‌شود

جمهوری‌های پنج‌گانه مسلمان‌نشین این منطقه را مورد نظر دارد. این رساله نیز از آسیای مرکزی و یا آسیای میانه، پنج جمهوری تازه استقلال یافته این منطقه (قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، ترکمنستان و تاجیکستان) را مد نظر قرار می‌دهد که با مرزهای کنونی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به وجود آمدند.

به دنبال تحولات عظیم «پروستریکا» و «گلاسنوست» در اتحاد جماهیر شوروی و با بروز علائم فروپاشی ابر قدرت شرق، در آخرین روزهای سال ۱۹۹۱ میلادی (۱۳۷۰ ه.ش)، تعداد ۱۱ جمهوری اتحاد جماهیر شوروی، با توافق برای تأسیس کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (CIS) * انحلال اتحاد جماهیر شوروی را اعلام نمودند ۱۴، به صورتی که در ژانویه ۱۹۹۲ م، چیزی به نام «ابر قدرت شرق» در صحنه سیاسی جهان حضور نداشت. به این ترتیب، جمهوری‌های آسیای مرکزی نیز با فروپاشی شوروی، هر یک راه استقلال سیاسی و اقتصادی خویش را در پیش گرفتند.

فروپاشی شوروی و ظهور جمهوری‌های متعدد مستقل، آثار فراوانی را در برداشته است. بازتاب این فروپاشی را در سه بُعد داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی می‌توان مشاهده کرد.

آثار داخلی فروپاشی شوروی

در داخل جمهوری‌های آسیای میانه، بازتاب این فروپاشی، دارای دو جلوه مثبت و منفی بوده است. جمهوری‌های نو استقلال از سویی طعم شیرین استقلال را چشیدند و از سوی دیگر با سیل عظیمی از مشکلات و مصائب روبه‌رو شدند که سالهای متمادی دست به گریبان آن خواهند بود. با فرو خفتن نغمه‌های شادی جشن‌های استقلال، جمهوری‌های آسیای مرکزی از سویی دریافتند که با تاریخی تحریف شده روبه‌رو هستند، که پاسخ به پرسش در زمینه هویت ملی آنان را در ابهام نگه می‌دارد. از سوی دیگر نیز خود را دست به گریبان ساختار اجتماعی و اقتصادی ضعیفی دیدند که مشکلات عظیمی را پیش پای آنان می‌گذارد. مردم جمهوری‌های آسیای مرکزی در ابتدای استقلال به شدت تحت تأثیر روحیه استقلال خواهی بودند و چنان گمان می‌کردند که تنها مشکل آنها در دوره‌های گذشته استیلا و سلطه روسیه مرکزی بر این جمهوری‌ها بوده است. با گذشت مدتی از استقلال این جمهوری‌ها، نخبگان منطقه دریافتند که راهی دشوار پیش روی دارند و به این نکته رسیدند که آنچه به دست آورده‌اند استقلال به تمام معنا نیست و جاده‌ها صعب‌العبور فراوانی را برای رسیدن به استقلال کامل می‌باید طی کنند. یکی از علل این وضعیت، شکل‌گیری این جمهوری‌ها در طول دهه‌های متمادی به صورت استانها و ایالت‌های مکمل هم

می‌باشد. مردم جمهوری‌های آسیای مرکزی نیز با گذشت مدتی از فروپاشی شوروی در این نکته تردید نمودند که حکومت‌های موجود بتوانند شرایط اقتصادی و زندگی بهتری را نسبت به دوره گذشته برای آنان فراهم نمایند. افزایش اعجاب‌انگیز سطح قیمت‌ها، کم‌پیدا و یا ناپیدا شدن برخی اقلام ضروری مورد استفاده مردم، کاهش امکانات رفاهی که از جانب دولت در جامعه می‌باید ارائه شود، متوقف شدن بسیاری از خدمات اجتماعی به دلیل ضعف دولت پس از فروپاشی و فساد و ناامنی روزافزون در جوامع مسائلی است که جمهوری‌های آسیای مرکزی و به طور اعم جمهوری‌های مشترک‌المنافع دست به گریبان آن هستند. با اطمینان می‌توان گفت که «فروپاشی»، به صورت بسیار عمیقی در جماهیر شوروی سابق رخ داده است. این فروپاشی به صورت همه جانبه و در زمینه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی انجام یافته است. پدیده مذکور بیش از آن که خود موجب مصائب و معضلاتی شده باشد پرده از روی ساختارهای ناقص سیاسی و اقتصادی در این جمهوری‌ها برکشیده است.

«نیکولاشیولیف» اقتصاددان شوروی سابق، این گونه به غوطه‌ور بودن جمهوری‌های آسیای مرکزی، در سیل عظیم مشکلات اقتصادی اشاره می‌کند: «این جمهوری‌ها به حداقل ۲۰ سال کمک‌های بلاعوض اقتصادی برای دوام و بقا احتیاج دارند». ۱۵ مشکلات اقتصادی در جمهوری‌های شوروی چنان حاد است که «اکن ژاکوب» اقتصاددان مشهور فرانسوی، اقتصاد را عامل فروپاشی شوروی می‌داند. ۱۶ به هر حال این جمهوری‌ها با بهره‌گیری از استقلال سیاسی خویش

کلیات

به سرعت راه پیشرفت و بازسازی اقتصادی را در پیش گرفته و در صدد به کار گیری و جذب همه امکانات داخل و کمکهای خارجی برای این منظور هستند.

آسیای مرکزی و تشدید گروههای منطقه‌ای

استقلال یافتن جمهوری‌های شوروی، مسائل تازه‌ای را در سطح منطقه‌ای نیز به وجود آورده است. فروپاشی شوروی، به عنوان عاملی در روند تشدید گروههای منطقه‌ای در سطح جهان تلقی شده است. در عین حال، «منطقه‌گرایی»، یکی از پایه‌های اصلی نظم جهانی، پس از فروپاشی نظام دو قطبی محسوب می‌شود. پیشرفت در روند وحدت اروپا، تصویب پیمان *NAFTA* در امریکای شمالی و توجه جدی به *ASEAN* (اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا) همه ناشی از همین اصل منطقه‌گرایی می‌باشد.

نیازهای داخلی جوامع آسیای میانه و رشد گروههای منطقه‌ای در سطح جهان، راه روشنی را پیش‌روی رهبران این جمهوری‌ها می‌گذارد که به همکاری‌های منطقه‌ای، چه در قالب سازمان اقتصادی اکو، و چه در چارچوب روابط دوجانبه با کشورهای منطقه، به عنوان مهمترین عنصر در رشد و شکوفایی کشورهایشان نگاه کنند. کشورهای آسیای میانه هم اکنون توسط حلقه‌های متعدد و در چارچوب *CIS* به روسیه متصل می‌شوند. مسائل متعددی از جمله وجود اقلیت روس در همه جمهوری‌های آسیای میانه (و حتی نزدیک به نصف در قزاقستان) وابستگی کامل صنایع و اقتصاد این جمهوری‌ها به روسیه، مشکلات امنیتی موجود در بعضی از این جمهوری‌ها، حضور روسیه

را در این منطقه اقتضا می‌نماید. در عین حال روسیه نیز تلاش دارد همچنان تسلط خود را بر این جمهوری‌ها حفظ نماید.

در حالی که حلقه‌های مختلفی جمهوری‌های آسیای میانه را به روسیه فدراتیو متصل می‌کند، دولت یاد شده نیز به حفظ سلطه خود تمایل دارد، کشورهای دیگر منطقه و همچنین سایر کشورها - همچون امریکا، اسرائیل و برخی کشورهای اروپایی - با اشتیاق فراوان دست به فعالیت در این جمهوری‌ها زده‌اند. ترکیه، ایران، پاکستان، چین، عربستان، هند و مصر از جمله کشورهایی هستند که در آسیای میانه حضور یافته‌اند. از میان کشورهای منطقه بزرگترین تلاشها از جانب ایران و ترکیه صورت گرفته است، به صورتی که حضور افراد، نمایندگان و شرکت‌های این دو کشور در جمهوری‌های آسیای میانه به وضوح مشهود است. این دو کشور در تلاشند تا پایه‌های ارتباط خویش با آسیای میانه، و جای خویش را در این جمهوری‌ها تحکیم نمایند. کشور پاکستان نیز تلاش نموده است که جایگاه خویش را در اذهان دولتمردان این جمهوری‌ها، با اهمیت جلوه دهد. بی‌نظیر بوتو پاکستان را پل ارتباط این جمهوری‌ها با اروپا و اقیانوس هند خوانده است. ۱۷

علاوه بر این، ترکیه، ایران و پاکستان که بنیان‌گذاران سازمان اقتصادی اکو هستند، تلاش نموده‌اند، همکاری خود با این جمهوری‌ها را از طریق فعال نمودن این سازمان گسترش دهند. در همین راستا، در اجلاس سران اکو در تهران (بهمن ۱۳۷۰) جمهوری‌های آذربایجان، ترکمنستان، ازبکستان و قرقیزستان به

عضویت این سازمان درآمدند. قزاقستان و افغانستان هم در اجلاس بعدی به این سازمان پیوستند. هم اکنون اکو با ده کشور عضو، بیش از هفت میلیون کیلومتر مربع مساحت و حدود سیصد میلیون نفر جمعیت را در برمی گیرد.

ترکیه، تلاش نموده تا خود را به عنوان الگویی برای جوامع آسیای مرکزی طرح نماید، در حالی که برخی کشورهای دیگر نیز خواستار نقش مشابه، اما غیرفعال‌تری بوده‌اند. چین نیز کشوری است بزرگ و دارای تواناییهای عظیم اقتصادی که با سه جمهوری آسیای مرکزی (قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان) هم مرز است.

همسایگی این جمهوری‌ها با چین، به عنوان قدرتی بزرگ و با توانایی اقتصادی عظیم، پدیده‌ای است که می‌تواند مزایای فراوانی برای این جمهوری‌ها در بر داشته باشد. با توجه به موارد فوق می‌توان آینده همکاری‌های مختلف در آسیای مرکزی را در چهارچوب بلوکهای منطقه‌ای ارزیابی نمود و هم اکنون از بلوکهای منطقه‌ای متعددی با توجه به آینده همکاری‌ها در آسیای مرکزی نام برده می‌شود.

آثار بین‌المللی فروپاشی

بدون شک آینده همکاری‌ها در آسیای مرکزی تحت تأثیر نظام روابط بین‌الملل خواهد بود و تصمیمات، نهادها و سازمانهای بین‌المللی، به‌علاوه چگونگی چرخش قدرت در سطح نظام بین‌الملل، تأثیر اساسی در این زمینه خواهد داشت. امروزه که نظام بین‌الملل به صورت تک قطبی در آمده و ابر قدرت شرق توانایی سابق خویش را از دست داده است، مباحث جمهوری‌های تازه استقلال یافته در محافل سیاسی و علمی به صورت جدی مطرح است. جایگاه آسیای مرکزی در روابط بین‌الملل، همچون جایگاه روسیه مرکزی در نظم نوین جهانی، چندان مشخص نیست، و پس از این دوره «گذار» با قطعیت بیشتری می‌توان در این زمینه اظهار نظر کرد. به هر حال آنچه از نظام دو قطبی پیشین به جای مانده است، همانا بقای سلطه و نفوذ روسیه در این جمهوری‌هاست، و به همین دلیل چگونگی روابط این جمهوری‌ها با روسیه، در مقابل دیگر کشورها و سازمانهای منطقه‌ای، تعیین‌کننده خواهد بود. هم‌اکنون مهمترین عامل در سیاست غرب نسبت به این مناطق، نحوه تعیین اولویت‌ها میان روسیه و آسیای مرکزی است. جمهوری‌های آسیای میانه، توجه فراوان مراکز مطالعات آکادمیک در اروپا و آمریکا را نیز جلب نموده‌اند. در این میان به همکاری‌های منطقه‌ای بذل توجه فراوان شده است. مؤسسه صلح آمریکا در

سال ۱۳۷۳ اعلام نمود که ۶۰ هزار دلار به محققى که رقابت ایران و ترکیه را در آسیای میانه بررسی نماید، خواهد پرداخت. ۱۸

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق، جمهوری‌های آسیای مرکزی به صورت جولانگاه شرکت‌ها، کارخانه‌ها و کمپانیهای غربی نیز در آمده است. با وجود اینکه شرکت‌های غربی از سال ۱۹۸۶م (۱۳۶۵هـ ش) فعالیت خود را آرام آرام در این جمهوری‌ها آغاز نموده‌اند، این فعالیتها پس از استقلال یافتن جمهوری‌ها بسیار گسترش یافته است، چنان که یک نگاه سطحی نیز هم اکنون حضور این شرکت‌ها را در جمهوری‌های مذکور در سطح شهر و خیابانها به راحتی احساس می‌نماید. هر چند برخی ناآرامی‌های سیاسی و اجتماعی در درون روسیه به شرکت‌های غربی این اطمینان را داد که با خاطر آسوده‌تری می‌توانند در جمهوری‌های آسیای مرکزی فعالیت نمایند، اما هنوز هم عدم قطعیت در سیاستگذاری آینده روسیه مرکزی نسبت به این جمهوری‌ها و معضلات حقوقی و قانونی که برای سرمایه‌گذاری در این جمهوری‌ها وجود دارد، مشکلاتی است که پیش روی این شرکت‌ها قرار دارد. در عین حال سرمایه‌داران غربی قراردادهای متعدد فراوانی را در زمینه‌های مختلف با این جمهوری‌ها به امضا رسانده‌اند که آینده اقتصاد و سیاست را در این جمهوری‌ها تحت تأثیر قرار خواهد داد. ۱۹

جمهوری‌های آسیای مرکزی (به استثنای تاجیکستان) روابط بسیار عمیقی با ترکیه، چین و کشورهای غربی (اروپا و آمریکا) ایجاد نموده‌اند. کشورهای مذکور سرمایه‌گذارهای متعدد و کلانی در این جمهوری‌ها انجام داده و حضور

گسترده خویش را در منطقه تثبیت نموده‌اند. سران این جمهوری‌ها به روابط عمیق با ترکیه، چین و غرب به عنوان سه سپر عمده در مقابل نفوذ سنتی روسیه می‌نگرند. کشورهای یاد شده در روابط خویش با جمهوری‌ها حوزه‌هایی از نفوذ اقتصادی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی روسیه را اشغال می‌نماید. در روابط با ترکیه علاوه بر ابعاد اقتصادی از دیدگاه ترمیم فرهنگ و بازسازی هویت ملی جمهوری‌ها نگریسته می‌شود. چین نیز علاوه بر سرمایه‌گذاری‌های عظیم اقتصادی با توجه به همسایگی با این جمهوری‌ها می‌تواند نقش مهمی در تأمین امنیت منطقه ایفا نماید. اصرار اروپای غربی بر پذیرش این جمهوری‌ها برای عضویت در ناتو و مخالفت روسیه با این امر نیز در همین راستا قابل تحلیل است. ۲۰

علاوه بر این کشورها، کشورهای دیگر آسیا چون ژاپن، هند، کره و عربستان سعودی نیز فعالیتهایی در منطقه آغاز نموده‌اند و قراردادهایی در زمینه‌های مختلف به امضا رسانده‌اند. با این حال فعالیت همسایگان این جمهوری‌ها، یعنی سه عضو اصلی سازمان همکاری‌های اقتصادی اکو (ایران، ترکیه، پاکستان) بسیار مورد توجه قرار گرفته است. دلیل اصلی این توجه نیازهای متعدد و متقابل این جمهوری‌ها و سه کشور مذکور به همدیگر است. ضمن اینکه روابط متقابل با دو کشور ایران و ترکیه همسو و هماهنگ با پیشینه تاریخی، روابط فرهنگی و سنن مشترک نیز می‌باشد. ۲۱

جمهوری اسلامی ایران پس از فروپاشی شوروی و استقلال یافتن

جمهوری‌های آسیای مرکزی تلاشهای گسترده‌ای را در این منطقه آغاز نموده است. آنچه مسلم است اینکه گرایشهای مختلفی از جمله تاریخ مشترک، مرزهای طولانی، زمینه‌های اقتصادی و دوره‌های طولانی نفوذ فرهنگ ایرانی در این منطقه، این جمهوری‌ها را به سمت جمهوری اسلامی ایران می‌کشاند. در این نوشته تلاش می‌شود زمینه‌ها مختلف فعالیت و علایق جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی مورد بررسی قرار گیرد و در این ارتباط در حد امکان اولویت‌ها و عناصر اصلی تعیین‌کننده در روابط جمهوری اسلامی ایران با جمهوری‌های آسیای مرکزی مشخص شود. اهتمام نویسنده بر این است که در مواردی، آلترناتیوهای منطقه‌ای و رقابتهای موجود نیز مورد اشاره قرار گیرد.

 یادداشتها :

1. *Dani & Masson, History of Civilization of Central Asia, Vol. 1, Paris : Unesco, 1992, P. 19.*
2. *Syed & Siddiqui, Central Asia, A Historical Retrospective, National Development and Security, Vol, II, No. 1, Aug. 1993, P. 39.*
۳. ر.ک. شیرین، آکیو، اقوام مسلمان اتحاد شوروی، ترجمه محمد حسین آریا (تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۶۷ ه.ش) ص ۳۳۵.
۴. علی اکبر ولایتی، «نگاهی دوباره به تاریخ آسیای مرکزی»، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز (تهران دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه تابستان ۱۳۷۱ ه.ش) سال اول، ش اول، ص ۱.
۵. گرگور افرامکین، باستان‌شناسی در آسیای مرکزی، ترجمه صادق ملک شهمیزادی (تهران مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه، ۱۳۷۲) ص ۲.
۶. عدن نیبی، «آسیای مرکزی، نقش قومیت و مذهب»، ترجمه «کاملیا احتشامی» مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۳۷۱ ه.ش، ش ۱، ص ۷۳-۱۷۲.
۷. ناصر تکمیل همایون، «نگاهی به آسیا و شناخت آسیای مرکزی»، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز ۱۳۷۱ ه.ش، ش سوم.

3. *The Society for Central Asian Studies, London, 1949*

۹. دکتر محمد معین، فرهنگ فارسی، اعلام ذیل: آسیای مرکزی.
۱۰. فرهنگ عمید، تاریخ و جغرافیا، اطلاعات عمومی (سازمان انتشارات جاویدان، تهران ۱۳۶۴ ه.ش).
۱۱. مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی (تهران، ج اول، ۱۳۶۹ ه.ش) ص ۳۷۹.
۱۲. ناصر تکمیل همایون، پیشین.
۱۳. ر.ک. به. آ. یلنستسکی، خراسان و ماوراءالنهر، ترجمه دکتر پرویز ورجاوند، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ۱۳۷۱ ه.ش) ص ۱۳.
۱۴. بنای جامعه مذکور در ۸ دسامبر ۱۹۹۱ م توسط روسیه، اوکراین و روسیه سفید در شهر «مینسک» پایتخت کشور اخیر گذاشته شد. سپس در ۲۱ دسامبر ۱۹۹۱ م و به دنبال اجلاس رؤسای جمهور جمهوری‌های آسیای مرکزی در عشق‌آباد در اجلاس آلماتا پایتخت قزاقستان جمهوری‌های دیگر نیز به این جامعه پیوستند.
۱۵. اکبر تقوی، جمهوری‌های آسیای میانه (تهران دفتر سیاسی عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی ۱۳۷۳ ه.ش).
۱۶. مصطفی رحیمی، چرا شوروی متلاشی شد؟ (تهران نشر البرز ۱۳۷۳ ه.ش).
۱۷. مجله صفحه اول، ویژه نروز ۱۳۷۳ ه.ش، ش ۲۶ و ۲۵، ص ۱۵ و ۱۴.
۱۸. همان.

۱۹. ر.ک. به: آلکساندر آلیمف، «منابع معدنی و زراعی آسیای مرکزی» ترجمه بدالزمان شهبازی، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز (تهران دفتر مطالعات سیاسی وزارت خارجه ۱۳۷۳ ه.ش) ش ۸، ص ۳۲۷.
۲۰. عمرسریک کاسینوف، آسیای مرکزی در آستانه قرن ۲۱: دومین بازی بزرگ، هفته نامه پانوراما، به زبان روسی، چاپ آلماتی، ۱۴ مارس ۱۹۹۷ م.
۲۱. ر.ک: الهه کولائی، موانع همگرایی در اکو، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۷۵ ه.ش.



فصل اول

« علایق فرهنگی »

تاریخ و سنن مشترک
اسلام، دین مشترک
زبان فارسی

تاریخ و سنن مشترک

روابط و مناسبات جمهوری اسلامی ایران و آسیای مرکزی به صورت قابل توجهی مبتنی بر علایق فرهنگی میان دو کشور است.

پس از استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی، ابتدائاً و پیش از هر چیز، در روابط میان ایران و این منطقه پیشینه‌های مشترک مورد توجه قرار گرفت. در مقالات، گفته‌ها و نوشته‌های متعدد به زمینه‌هایی همچون سنن مشترک، دین مشترک و علاقه به زبان فارسی در منطقه اشاره شد.

اصولاً نوعی پذیرش مردمی نسبت به جمهوری اسلامی ایران، در میان مردمان آسیای مرکزی وجود دارد. این استقبال به دلیل احساس تعلقی است که سرچشمه در تاریخ مشترک ملت ایران و ملل آسیای مرکزی دارد. بخش اعظم سرزمینهای کنونی آسیای مرکزی دارای پیشینه مشترک با ایران است و از سوی دیگر علاقه مردم آسیای مرکزی به ایران، در سنت‌های مشترک آنها ریشه دارد. پیوند آسیای مرکزی با ایران به قبل از ظهور اسلام و بلکه به قبل از ظهور مسیحیت برمی‌گردد. منطقه عظیمی از آسیای مرکزی کنونی در گذشته جزئی از ایران بوده است. ۱ در سده‌های چهارم و سوم پیش از میلاد، «ماساوت‌ها» تقریباً

همه طوایف بیابانگرد آسیای مرکزی در شمال تا شرق تا کوههای «تیان‌شان» و احتمالاً بسیاری از طوایف استپهای قزاقستان را مقهور ساختند. این امر منجر به گسترش فرهنگ آنها شد که تا حدود زیادی از فرهنگ ایران هخامنشی اقتباس شده بود. در این دوران هنر ایرانی نیز به نحو مؤثری برخی کارهای دستی را در استپ‌ها تحت تأثیر قرار داد. در سده‌های پنجم و ششم قبل از میلاد در استپ‌های کنونی قزاقستان و آسیای مرکزی «سکاها» و «سارمات‌ها» زندگی می‌کردند که اقوامی ایرانی زبان بودند. ماساژت‌ها اگرچه در سده‌های سوم و چهارم قبل از میلاد فرهنگ جدیدی معروف به «پروخورفکایی» را در منطقه گسترش دادند، اما چنان که گفته شد فرهنگ ایرانی وارد این فرهنگ جدید شده بود و بسیاری از عناصر فرهنگ سارماتی باستانی را در آن وارد کرده بود.^۲

بخش اعظم آسیای مرکزی همان ماوراءالنهر گذشته است. این سرزمین خاستگاه آریائیان بوده است. این سرزمین همان «ایران و یجه» است که در اوستا از آن یاد شده و بخشهایی از آسیای مرکزی را نیز شامل می‌شده است. منطقه آسیای مرکزی که در قدیم‌الایام ماوراءالنهر یا خراسان بزرگ نامیده می‌شد، پس از ظهور اسلام و گسترش اسلام به این منطقه، به صورت یکی از مراکز تحولات علمی و فرهنگی در آمد. ایرانیان سهم بزرگی در گسترش اسلام در آسیای مرکزی داشتند و به همین دلیل در ماوراءالنهر خراسان با استفاده از نظام و نهادهای آموزش و پرورش ایران باستان، مدارس رونق خاصی یافت و کانونی شد برای تربیت دانشمندانی بزرگ.^۳

ماوراءالنهر و قرغانه از قرن دهم و یازدهم میلادی تحت سیطره قراخانیان، مغولان، جغتائیان و تیموریان درآمد. از نیمه دوم سده ششم هجری، (۱۲ میلادی) دولت خوارزم وارد صحنه شد و در زمان سلطان علاءالدین محمد خوارزمشاه به اوج قدرت خود رسید.

با آن که ترکان حاکم با خلافت عباسی پیوند داشتند و از پیشرفت تشیع و قدرت ایرانیان جلوگیری می‌کردند، لکن عناصر ایرانی از لحاظ سیاسی و هم فرهنگی توانستند نفوذ فراوانی پیدا کنند. در کل تمدن اسلام، علوم و فنون و معارف و حکمت و هنر و ادب پیشرفت فراوانی یافت. این امر بدون تردید بیانگر وجود نظام آموزش و پرورش پیوند یافته با فرهنگ ایرانی بود، بویژه اینکه فرهنگ و به طور اعم آموزش در این دوران در سراسر ایران زمین و بویژه خراسان و ماوراءالنهر از ویژگیهای برجسته‌ای برخوردار بود.

در فاصله سده‌های نهم تا دوازدهم میلادی (سوم تا ششم هجری) ترکمانان و ازبکان به سرزمینهای آسیای مرکزی آمدند و قدرت بزرگی را شکل دادند. در اواخر سده پانزده و اوایل سده شانزده میلادی (۹ و ۱۰ هجری) ازبکان بخشهایی از آسیای مرکزی را به تصرف خود در آوردند. در سالهای ۱۵۰۱-۱۵۰۰ میلادی (۹۰۵-۹۰۶ هجری) محمدخان شیبانی پس از جنگ با نوادگان تیمور، شهر سمرقند را تصرف کرد و دولت شیبانیان را تأسیس کرد و پس از تصرف ماوراءالنهر و خراسان به قزاقستان لشکر کشید. شیبانی‌ها قدرت عظیمی را در منطقه شکل دادند و در سال ۱۵۱۰ میلادی (۹۱۵ هجری) شاه

اسماعیل صفوی به قصد رهایی خراسان و ماوراءالنهر با شیانی‌ها به جنگ پرداخت که این جنگ به شکست ازبکان انجامید. شیانیان تا سال ۱۵۹۹ میلادی (۱۰۰۷ هجری) بر اراضی آسیای مرکزی فرمانروایی داشتند و از این سال حکومت در دست هشترخانیان قرار گرفت. در سالهای ۴۰ قرن هیجده میلادی نادرشاه به این منطقه لشگرکشی کرد. هدف نادرشاه این بود که یکبار دیگر وحدت سیاسی ایران و ماوراءالنهر را که توسط شیانی‌ها از هم گسسته بود تجدید نماید و بخارا به تصرف خود در آورد.

امپراتوری روسیه نیز که از قرن هیجده فعالیت خود را آغاز نموده بود توانست تا پایان این قرن بخش‌های وسیعی از آسیای مرکزی را به تصرف خود درآورد. در ادامه این روند شهر تاریخی بخارا در سال ۱۸۳۴ میلادی (۱۲۴۲ هجری) سقوط کرد. به دنبال آن روس‌ها ترکمنستان را در سال ۱۸۶۲ میلادی (۱۲۷۰ هجری) به خاک خود ضمیمه نمودند و در سال ۱۹۱۷ میلادی (۱۳۲۵ هجری) با انقلاب بلشویکی امپراتوری روسیه به «اتحاد شوروی» تغییر نام داد و درصدد ایجاد یک نوع هویت فرهنگی واحد در سراسر قلمرو خود برآمد.

جاده ابریشم نیز در طی تاریخ حلقهٔ اتصالی بوده است میان ایران و آسیای مرکزی. با مطالعهٔ جادهٔ ابریشم اطلاعات فراوانی از تاریخ و فرهنگ جوامع انسانی که در این مسیر می‌زیسته‌اند به دست می‌آید. همراه کاروانهایی که از این جاده می‌گذشت صنعتگران، هنرمندان و معماران نیز حرکت می‌کردند و فرهنگ و آداب و رسوم خویش را به اقصی نقاط می‌بردند. این جاده از سوئی به تمدن

یونانی و لاتین ختم می‌شد و از سوی دیگر به تمدن آسیای شرقی و چین و به همین دلیل تأثیر فرهنگ‌ها را بر یکدیگر مشاهده می‌کنیم و مثلاً مجسمه‌هایی از بودا را می‌بینیم که به سبک یونانی و رومی ساخته شده است. در میان راه این جاده، فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی قرار داشت که از طریق همین جاده علم، معرفت و زبان فارسی و فرهنگ ایرانی را به دیگر جوامع عرضه می‌کرد. اوج دوران ارتباط فرهنگی در مسیر جاده ابریشم به دوران تشکیل حکومت‌های اسلامی در مسیر این جاده بر می‌گردد. در طول این دوران در شهرهای مسیر جاده کتابخانه‌های بزرگی تأسیس شد و تبادل اطلاعات و علم میان جوامع مسلمان با یونان و چین فزونی گرفت. جاده ابریشم در طول تاریخ وسیله‌ای بوده است برای حضور فرهنگ، هنر و زبان ایرانی در سرزمینهای آسیای مرکزی؛ چنان که به وضوح فرهنگ و زبان ایرانی در شهرهای مسیر این راه از بخارا تا کاشغر حضور محسوس‌تری دارد.

از آنچه گفته شد درمی‌یابیم که فرهنگ، سنت‌ها و هنر ایرانی، چه در دوره‌ای که ماوراءالنهر بخشی از سرزمین ایران محسوب می‌شده است و چه بس از آن، در همه زوایای زندگی مردم آسیای مرکزی دیده می‌شود. زبانهای محلی اقوام آسیای مرکزی مملو از کلمات و اصطلاحات فارسی است. نان، داروخانه، آشخانه، کوچه، پیغامبر و فرشته و دهها کلمه دیگر از جمله کلمات فارسی است که توسط همه اقوام آسیای مرکزی مورد استفاده قرار می‌گیرد. آثار قدیمی که در موزه‌های این منطقه دیده می‌شود عموماً به زبان فارسی است. بجز در

بخش‌های شمالی قزاقستان که سابقه سکونت و شهرنشینی در آن وجود ندارد در سایر مناطق آسیای مرکزی هنر و معماری ایرانی در اکثر ساختمانهای به جا مانده از دوره‌های پیشین هویداست. مدارس و مساجد بخارا، مدارس علمیه در سمرقند، مساجد، ساختمانهای قدیمی در جنوب قرقیزستان، ساختمان مقبره خواجه احمد یسوی، عارف بزرگ قزاق، و دهها ساختمان در این منطقه با سبک معماری ایرانیان ساخته شده است و در بسیاری از آنان نامهای اساتید ایرانی سازنده بنا بر روی ساختمان نوشته شده است. حال و هوای مدرسه شیردار در سمرقند، مدرسه میر عرب در بخارا و حتی مقبره خواجه احمد یسوی در شهر ترکستان در استان جنوبی قزاقستان درست همان حال و هوای مدرسه چهارباغ، مسجد امام اصفهان و بناهای تاریخی دیگر در سایر شهرهای ایرانی است. طرح بیرونی و درونی همه این ساختمانها دقیقاً مشابه بناهای موجود در ایران است. پس از این که این مناطق از سیطره مستقیم حکومت ایران خارج شد و با گسترش فرهنگ اسلام در آسیای مرکزی، حضور فرهنگ ایرانیان همراه بوده است با تبلیغ و نشر اسلام، به گونه‌ای که در این دوره ما یک تمدن اسلامی - ایرانی را در منطقه می‌بینیم. ایرانیان نقش بسزایی در ترویج اسلام در منطقه داشته‌اند و در عین حال زبان و فرهنگ ایرانی را نیز گسترش می‌داده‌اند. مردم ازبکستان، بسیاری از احکام اسلام را به زبان فارسی آموخته‌اند و به عنوان مثال نیت نماز جنازه را هنوز هم به فارسی می‌خوانند.

از دیدگاه نویسنده آنچه از فرهنگ و تمدن در منطقه آسیای مرکزی وجود

دارد و مربوط به قرون اولیه ظهور اسلام و پس از آن می باشد در چارچوب «خدمات متقابل اسلام و ایران» قابل فهم است. وحدتی که در هنر و معماری در بناهای موجود در سرزمین ایران و آسیای مرکزی کنونی نیز دیده می شود در این چارچوب قابل توضیح است.

جاده ابریشم، کاروانسرای شاه عباسی، زیچ الغ بیگ، برج طغرل، مسجد کاشغر، میدان ریگستان سمرقند، مقبره امیرنصر سامانی، مسجد شیخ لطف الله، خرابه های شهر اترار در جنوب قزاقستان، مقبره شیخ صفی الدین اردبیلی، کوزه های سفالی تپه افراسیاب و هزاران اثر دیگر، آثار باقی مانده از نیاکان ماست که به نام مردمان گوناگون و با عنوان مشترک ایرانی - اسلامی بر صفحه تاریخ نقش بسته اند. قابل توجه است که استفاده از کلمات فراوان فارسی، چون پیغامبر و فرشته (که معادل عربی نیز دارند) و... در کلمات مردم محلی آسیای مرکزی، این تأثیر متقابل را نشان می دهد و این نکته را آشکار می نماید که اسلام در بسیاری نقاط آسیای مرکزی توسط ایرانیان گسترش یافته است.

بسیاری از محققین معتقدند که نخستین فرهنگی که اقوام محلی آسیای مرکزی با آن روبه رو شدند فرهنگ ایرانی بوده است. مختار عویضف نویسنده قزاق شهادت می دهد که در بین ایل قزاق که قومی بیسواد بودند داستانهای شاهنامه و لیلی مجنون نقل می شد. ۴

تاریخ مناطق و مردمان آسیای مرکزی نیز به زبان فارسی تدوین شده است. این واقعیت به دلیل استیلای فرهنگی ایران بر منطقه و همچنین به این دلیل بوده

است که مورخان عمده در قرنهای نهم تا یازدهم هجری (پانزدهم تا هفدهم میلادی) به زبان فارسی کتابهای خود را تدوین نموده‌اند. از جمله این کتابها می‌توان شیبانی نامه کمال‌الدین بنیائی، زبده‌الآثار مولانا عبدالله بن محمد بن علی نصراللهی، تاریخ ابوالخیر خانی مسعود ابن عثمان کوهستانی، بدایع الوقایع زیدالدین محمود و اصفی را می‌توان نام برد که به بررسی تاریخ این مناطق پرداخته‌اند. ۵

پیشینه و فرهنگ مشترک دو ملت را به راحتی می‌توان از طریق دانشمندان، شعرا و مظاهر ملی این جمهوری‌ها نیز بررسی و ادراک نمود. بسیاری از شعرا و دانشمندان آسیای مرکزی در یک مکتب آموزشی ایرانی - اسلامی درس آموخته‌اند. ۶ مختومقلی فراغی، علیشیر نوائی، صدرالدین عینی و آبی که از شعرای بنام و مورد احترام در جمهوری‌های آسیای مرکزی هستند درس آموخته و مکتب شعرای ایرانی هستند و همه خود به صراحت این نکته را یادآور شده‌اند.

از سوی دیگر شعرای بنام ما چون حافظ، فردوسی، سعدی و خیام در نزد عموم مردم این مناطق شناخته شده هستند و برخی شعرهای آنان ورد زبان عامه مردم است.

دکتر علی اکبر ولایتی با اشاره به این واقعیت می‌گوید:

«مردم، سمرقند را به رودکی و سوزنی بالغ بیک، بخارا را به محمد بن اسماعیل بخاری، ابوعلی سینا و عمیق و ابوالفضل محمد بن عبدالله بلعمی،

خوارزم را به خوارزمی، جاراالله زمخشری، ابوریحان بیرونی، ترمذ را به ترمذی، ایبورد را به انوری، بُست را به ابوسلیمان المقدسی، رأس اخوان الصفا، بلخ را به مولانا، ناصر خسرو و عنصری، ابومحشر و ابوشکور بلخی، خیره را به شیخ نجم‌الدین کبری و حُجند را به کمال‌الدین محمد و... می‌شناسند». ۷

همه دانشمندان مسلمان مذکور نقش مهمی در ایجاد فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی داشته‌اند و بسیاری از آنان در زبان، تاریخ و فرهنگ ایران چنان جایگاهی عظیم یافته‌اند که کمتر این سؤال پیش می‌آید که آیا با توجه به قلمرو کنونی ایران این دانشمندان ایرانی محسوب می‌شوند یا نه؟ در حالی که زادگاه بسیاری از دانشمندان مذکور در مناطق فعلی آسیای مرکزی است، اما دست پرورده فرهنگ و آموزش ایرانی و اسلامی هستند و در دنیا به عنوان دانشمندان ایرانی شناخته می‌شوند. برای برخی از این دانشمندان، چون زمخشری، نجم‌الدین کبری و فارابی، ایران حلقه اتصال به جهان اسلام و تمدن و آموزش اسلامی نیز بوده است نفوذ و گسترش فرهنگ ایرانی چنان بود که مقابله حکومت ترکان در آسیای مرکزی با حکومت‌های ایرانی نیز نتوانست این فرهنگ را تحت الشعاع قرار دهد. در برخی موارد حکومت‌گران ترک در عین مقابله با دولتمردان ایران، خود موجب گسترش فرهنگ و هنر ایرانی شده‌اند. این نکته بویژه در بنای ساختمانهای بزرگ با معماری ایرانی در عهد حکومت ترکان در آسیای مرکزی دیده می‌شود. امیر تیمور، به شهادت برخی نویسندگان معاصر آسیای مرکزی، برای ساختن بسیاری از بناها از جمله بنای مقبره خواجه احمد

یسوی (عارف و شاعر معروف قزاق) در جنوب قزاقستان از اساتید زبردست ایرانی استفاده کرد.^۸

با افزایش نفوذ روسیه در قرون هجده و نوزده میلادی و بویژه با تشکیل اتحاد جماهیر شوروی در قرن بیستم، ما شاهد نوعی رکود نسبی در روابط فرهنگ ایران با آسیای مرکزی هستیم، با این حال حضور فرهنگ و سنن ایرانی در آسیای مرکزی چنان گسترده بوده است که از دیدگاه برخی نویسندگان در اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیستم مانعی بر سر راه ترویج فرهنگ روسی تلقی شده است.^۹

حکومت بلشویک‌ها و تلاش برای محو گذشته

حکومت روسیه مرکزی پس از به قدرت رسیدن بلشویک‌ها و تشکیل اتحاد شوروی دست به سلسله اقداماتی برای ایجاد نوعی هویت جدید با هدف ایجاد خلق واحد شوروی زد. هدف بلشویک‌ها تحت‌الشعاع قرار دادن ملیت‌های مختلف مسلمان و فرهنگ‌های قومی بود. برای دستیابی به این هدف و به منظور کم‌رنگ کردن و محو فرهنگ‌های قومیِ مردمان مسلمان آسیای مرکزی، سردمداران شوروی سابق به سه اقدام اساسی دست زدند:

الف) از سال ۱۹۲۵ میلادی (۱۳۰۴ ه.ش) حرکتی گسترده برای بستن و خراب کردن مساجد آغاز شد، به صورتی که از قریب ۲۷ هزار مسجد در سراسر منطقه تحت سلطه روسیه، در دهه ۱۹۴۰ میلادی ۱۳۱۹ ه.ش، تنها هزار مسجد باقی ماند. مارکسیسم در تئوری خود جایگاهی برای هیچ یک از مذاهب قائل نبود و در واقع مقابل مذهب بود، با این حال علی‌رغم مبارزه با مذهب در چارچوب افکار مارکسیستی، دولت شوروی کلیسای ارتدوکس مسیحی را برتری داد. ^{۱۰}

ب) تغییر خط و زبان عربی و فارسی به خط و زبان روسی بود. در حالی که قبل از این، خط عربی رایج بود و در میان بسیاری از این مردم زبان فارسی زبان اداری بود و زبان ترکی جغتایی هم زبان تکلم ترک زبانها بود. علی‌رغم شیوع خط عربی در همه مناطق آسیای مرکزی و همچنین رواج زبان فارسی در بسیاری

مناطق و با این که تاریخ اقوام این مناطق به این خط و با این زبان مکتوب شده بود، در ۱۹۲۸ م. / ۱۳۰۷ هـ ش الفبای لاتین جایگزین الفبای فارسی - عربی شد و در ۱۹۴۰ م. / ۱۳۱۹ هـ ش الفبا و خط روسی رسمیت یافت.

پ (طی این اقدام حساب شده، تعداد زیادی از روس‌ها، اوکراینی‌ها و ژرمنها به این سرزمینها کوچ داده شدند. حکومت شوروی به این وسیله تلاش نمود که سلطه خود را در همه مناطق تحکیم نموده، فرهنگ و سنن محلی را تحت الشعاع قرار دهد. اسکان روس‌ها در آسیای مرکزی که از دوره تراز آغاز شده بود پس از ۱۹۲۷ م. / ۱۳۰۶ هـ ش شدت یافت. در فاصله ۱۹۲۹ تا ۱۹۵۹ م. / ۱۳۰۸ تا ۱۳۳۸ هـ ش آمار روسی‌های آسیای مرکزی به ۸/۴۹۰/۰۰۰ رسید. تمام برنامه‌های آموزشی، علمی و فرهنگی در دهه‌های مختلف قرن بیستم درصدد تضعیف فرهنگ محلی و توسعه و ترویج فرهنگ روسی بوده است؛ مارکسیسم، به عنوان یک اصل اساسی، سایه خود را بر تمام شؤون علمی و فرهنگی گسترده و مبنای اصلی استدلال در همه علوم انسانی قرار گرفته است. در دوره طولانی حکومت اتحاد جماهیر شوروی تمام اخبار و اطلاعات از مجاری مخصوصی به مردم می‌رسیده است. کتابها و جزوات دانشگاهی همه براساس اندیشه مارکسیستی و در چهارچوبه خاص ارائه می‌شده است. با توجه به وضعیت خاص اتحاد شوروی همه امور فرهنگی به صورتی کانالیزه شده بود که همه امکانات را در خدمت ایجاد خلق واحد شوروی قرار دهد. در این دوران هیچ کتابی مستقیماً از یک زبان خارجی به یک زبان محلی مانند از یکی، قزاقی

یا قرقیزی ترجمه نمی شده است، بلکه ابتدا به زبان روسی و سپس از روسی به زبان محلی ترجمه می شده است. علاوه بر این، اخبار یک طرفه رادیو و تلویزیون شوروی سابق و محدودیتهایی که برای دسترسی به اطلاعات از منابع خارجی وجود داشت نیز به این روند کمک می نمود. نگارنده با سؤالاتی که طی سالهای ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۵ هـ ش در سطح دانشگاهیان و نویسندگان دو جمهوری قزاقستان و قرقیزستان طرح نموده، در نهایت شگفتی چنین دریافتم که آنها هیچ گونه اطلاعی از ارسال نامه‌ای از جانب امام خمینی (ره) به گورباچف، رهبر وقت اتحاد شوروی، نداشتند. این واقعیت نشان می دهد که حکومت اتحاد شوروی چگونه مجاری اطلاع و اخبار رسانی به مردم را محدود نموده و به چه صورتی توانسته بود تنها در چارچوب دیدگاهها و سیاستهای مورد نظر حکومت، اخبار را به اطلاع مردم برساند، چنان که این مردم حتی از نامه امام خمینی (ره) به گورباچف که یک پدیده و خبر مربوط به داخل خود شوروی بوده است و در همان وقت از همه شبکه‌های خبری دنیا پخش شده است، بی اطلاع مانده‌اند.

علی‌رغم طرح و اجرای برنامه‌های همه جانبه از سوی رهبران اتحاد شوروی برای محوریت شرقی و اسلامی مردم مسلمان آسیای مرکزی در طی دهه‌های متمادی، اقدامات متعدد جمهوری‌های آسیای مرکزی پس از استقلال نشان داد که مردمان این جمهوری‌ها به فرهنگ و سنت‌های خود پایبند مانده‌اند؛ در حالی که هدف نهایی دولت و جامعه شوروی خلق انسانهایی بود که طراز نوین و

سوسیالیستی باشند و مفهوم انسان نوین سوسیالیستی، زیربنای فکری، آموزش و پرورش جدید، فرهنگ و هنر و مبانی نظری رفتار اجتماعی محسوب می‌شد، با این که همه افکار و اقدامات فرهنگی باید به نحوی در زایش چنین انسانهایی فعالیت می‌کردند، اما این برنامه‌های مدرن برای ایجاد یک هویت جدید ناموفق ماند. مناطق مختلف آسیای مرکزی از سویی دارای سابقه تاریخی طولانی، سنت‌های قومی بسیار قوی و سهم در علم، فلسفه و تمدن شرق بودند و از سوی دیگر مشمول اجرای برنامه ایجاد خلق واحد شوروی شدند که به نفی بسیاری از سنت‌های قومی و ایجاد یک هویت واحد در سراسر شوروی منجر می‌شد. با این همه برنامه ایجاد خلق واحد، به دلایلی، از جمله عامل قومیت‌ها که یکی از علل اصلی فروپاشی شوروی به شمار می‌آید، ناموفق ماند. در عین حال این برنامه‌ها تأثیرات بسیار جدی در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی این مناطق داشته است. این وضعیت پس از فروپاشی به صورت آشکارتری بروز نمود به همین دلیل یکی از مسائل مهم در این جمهوری‌ها پس از فروپاشی اتحاد شوروی مسئله تعیین هویت ملی است. مردم جمهوری‌های آسیای مرکزی در برابر برنامه‌های تحمیلی بلشویک‌ها مقاومت نمودند و از طریق مقاومت‌های درون قومی، سنت‌ها و اصالت‌های دینی و قومی خویش را حفظ نمودند. با این حال با توجه به حاکمیت هفتاد ساله نظام آموزشی اتحاد شوروی و تأثیرات عمیقی که حاکمیت کمونیست‌ها در این جوامع گذاشته است هم‌اکنون این جمهوری‌ها با بحران هویت ملی روبه‌رو هستند.

تلاش برای بازسازی هویت

جمهوری‌های آسیای مرکزی پس از استقلال و از سال ۱۹۹۱ م. / ۱۳۷۰ ه‍.ش به صورت جدی درصدد بازسازی، ایجاد و تعیین هویت ملی خویش بوده‌اند. این فعالیتها در واقع در راستای جایگزین نمودن یک هویت قومی و ملی به جای هویت قبلی و عام موجود در اتحاد شوروی بوده است. برخی از این جمهوری‌ها همچون ترکمنستان در این مسیر از مشکلات کمتری برخوردارند که علت آن دوری از روسیه مرکزی و حضور اندک روس‌ها در این سرزمین است، اما برخی جمهوری‌ها، چون قزاقستان، با مشکلاتی مواجه هستند و همسایگی با روسیه، حضور گسترده جمعیت روس و حضور نزدیک به صد ملیت مختلف در این جمهوری موانعی را بر سر مسیر بازسازی هویت قومی و ملی این کشور می‌گذارد. این روند نشان می‌دهد که مسئله اصلی در تعیین هویت ملی در جمهوری‌های آسیای مرکزی چگونگی فاصله گرفتن از روسیه و تعیین یک هویت قومی جدای از روس‌هاست. جمهوری‌های آسیای مرکزی در این مسیر دو اقدام اساسی انجام داده‌اند: ۱۳

الف) مطرح کردن یک هویت منطقه‌ای. «پدیده باز شدن منطقه‌ای» اصطلاحی است که این گرایش را مورد بحث قرار می‌دهد؛ به این معنا که به یک هویت جمعی در آسیای مرکزی توجه می‌شود که به گذشته، سنت‌ها و فرهنگ مشترک

آنها اشاره می‌نماید. اگر چه این موضوع به معنای یک اجماع در هویت نیست، اما به جوانب مختلفی اشاره دارد که مردمان منطقه را گرد هم جمع می‌نماید. این هویت منطقه‌ای، آسیای مرکزی را به ایران، افغانستان و ایالت سین‌کیانگ چین متصل می‌نماید.

جمهوری‌های آسیای مرکزی در این راستا تلاش نموده‌اند که این هویت منطقه‌ای را به صورت جدی مورد بحث قرار دهند و مراکز علمی این جمهوری‌ها مطالعاتی را در این زمینه آغاز نموده‌اند. این بحران ناشی از یک نوع دوگانگی است که در فرهنگ این ملتها به دلیل قطع اتصال با گذشته در طی دهه‌های متمادی بوجود آمده است. حکومت شوروی تلاش می‌کرد هویت مشترکی برای بیش از دویست ملیت که در اتحاد شوروی زندگی می‌کردند، ایجاد نماید. در این راستا ایدئولوژی واحد مارکسیستی - لنینیستی به عنوان عقیده واحد برای همه ملیتها اعلام شد، خط سرلیک به عنوان تنها خط در تمام جمهوری‌ها اعمال شد و نهایتاً زبان روسی نیز جایگزین زبانهای قومی شد. این برنامه‌ها با روش فردی رهبران شوروی بویژه با نقش ساختاری و بسیار مؤثر استالین انجام پذیرفت. این برنامه‌ها درصدد ایجاد یک نوع انسان جدید در تمام اتحاد شوروی با عنوان «انسان نوین سوسیالیستی» بود. ۱۱

ناکامی اتحاد شوروی در ایجاد یک هویت سیاسی مشترک، با فروپاشی این ابرقدرت منجر به گسستگی هویت در جمهوری‌های شوروی شد. در واقع همه ابعاد هویت واحد بر ایدئولوژی مارکسیستی مبتنی شده بود که از کارایی افتاده و

بحرانهای جدی در زمینه هویت در جمهوریهای مختلف ایجاد نمود. همین بحران هویت به عنوان یکی از علل اصلی فروپاشی شوروی شمرده شده است. بحران هویت در سرزمین شوروی پس از فروپاشی، روسیه مرکزی را هم در بر می گیرد، به صورتی که اقوام متعدد در سرزمین کنونی روسیه نیز در قالب یک هویت مشترک نمی گنجد.

یکی از موضوعات عمده پس از استقلال در جمهوریهای آسیای مرکزی نیز مسئله تعیین هویت است. قطع اتصال از گذشته، عواقب برنامه ایجاد خلق واحد شوروی که آثار فراوانی نیز در فرهنگ و ساختار این جوامع گذشته است، تدوین بخشی از تاریخ این اقوام به وسیله مورخین روسی، تربیت یافتن بسیاری از نخبگان فعلی در دامن فرهنگ و آموزش روسیه مرکزی، عدم تناسب مرزبندیهای موجود با تاریخ این اقوام، از جمله مواردی است که گسستگی هایی در زمینه تعیین هویت ملی در جمهوریهای آسیای مرکزی ایجاد می نماید. ۱۲

ب) یک اقدام اساسی دیگر جمهوریهای آسیای مرکزی، تلاش در جهت طرح و بزرگداشت مظاهر ملی و قومی، از جمله تقویت زبان محلی و قومی است. پس از استقلال در همه جمهوریهای آسیای مرکزی زبان محلی این جمهوریها (ترکمنی، قرقیزی، قزاقی، تاجیکی و ازبکی) زبانهای رسمی و اصلی اعلام شده اند؛ هر چند به دلایل مختلف در حال حاضر این زبانها نتوانند نقش موردنظر را ایفاء نمایند، اما اعلام این زبانها به عنوان زبانهای دولتی برنامه های متعددی را برای تقویت و ترویج آنها به همراه خواهد داشت.

یکی دیگر از اقدامات مؤثر جمهوری‌های آسیای مرکزی در این زمینه توجه به بزرگان و اندیشمندان محلی این جمهوری‌هاست. این جمهوری‌ها تلاش نموده‌اند شخصیت‌هایی را به عنوان چهره ملی مورد توجه قرار دهند و به این وسیله به بازسازی هویت ملی و قومی خویش کمک نمایند.

مختومقلی فراغی، آباء قوننبایف، مناس، علیشیرنویسی و فردوسی و صدرالدین عینی شخصیت‌هایی هستند که در جمهوری‌های ترکمنستان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان و تاجیکستان بسیار مورد توجه قرار گرفته‌اند. پس از استقلال، جمهوری‌های آسیای مرکزی - بیشتر از نویسندگان و مشاهیر اتحاد شوروی سابق - شاهد معرفی این شخصیت‌ها، چاپ کتاب در مورد آنها و شخصیت‌پردازی آنان بوده‌اند. این چهره‌ها به عنوان مظاهر ملی و شخصیت‌هایی که نمونه وحدت قومی هستند بسیار مورد تقدیر قرار گرفته‌اند. دقت در شخصیت هر یک از اینها از سوئی بیانگر این نکته است که مردمان این جمهوری‌ها به فرهنگ و سنت‌های گذشته پایبند مانده‌اند و از سوی دیگر نشان می‌دهد که شخصیت‌های محبوب مردمان این جمهوری‌ها تا چه اندازه به شعرا، بزرگان و اسطوره‌های ادب پارسی نزدیک هستند.

«مختومقلی فراغی» «۱۷۸۰-۱۷۳۰ م. / ۱۱۵۹-۱۱۰۹ ه. ش» چهره ملی ترکمنستان، شاعری بوده است دانشمند که بسیار مورد احترام قوم ترکمن می‌باشد. مدفن این شاعر که شعرهای وی ورد زبان مردم ترکمن است در ترکمن صحرای ایران قرار دارد. اصولاً وی در آثارش کاملاً متأثر از شعرا و نویسندگان

ایرانی است. در ترکمنستان هم اکنون خیابانها، دانشگاهها و مراکز متعدد دیگری به نام این شاعر ترکمن نامگذاری شده است. مختومقلی با الهام از بزرگان ادب فارسی شعرهایش را با نکات اخلاقی و جنبه‌های تعلیمی همراه نموده است.

«آبای قوننبایف» (۱۹۰۴-۱۸۴۵ م. / ۱۲۸۳-۱۲۲۴ ه.ش) شاعر و متفکر قزاق که هم‌اکنون به عنوان بزرگترین چهره ملی قزاقستان شناخته می‌شود با علوم دینی و ادبیات شرق، بویژه ادبیات کهن ایران و شعرای بزرگ ایران، چون فردوسی، سعدی، حافظ، مولوی، نظامی و دیگران آشنا بود. وی اشعار حماسی و غزلیات شاعران بزرگ شرق از جمله فردوسی، نظامی و سعدی و حافظ را از روی متن اصلی و گاه از ترجمه‌های جغتائی خوانده است و برای اولین بار عروض را از شعر فارسی اخذ و وارد شعر قزاقی کرد. وی بویژه به داستانهای هزار و یک شب علاقه زیادی داشته است. ۱۴

آبای قوننبایف که مؤسس ادبیات قزاقی است و پس از استقلال در قزاقستان به شخصیت وی بسیار پرداخته شده است، بارها در اشعارش از روح شعرای بزرگ ایران استمداد جسته است. ۱۵ سال ۱۹۹۵ م از جانب یونسکو سال آبای اعلام شد و با همکاری این سازمان و دولت قزاقستان جشن‌های مفصلی به مناسبت یکصد و پنجاهمین سالروز تولد آبای در قزاقستان برگزار شد. همچنین از سوی بسیاری از کشورها مراسم تجلیل از آبای به نشانه اعلام دوستی با ملت و دولت قزاقستان برگزار شد. در ایران نیز در آبان ماه سال ۱۳۷۴ ه.ش هفته آبای برگزار شد. تأثیر فرهنگ ایرانی بر آبای، شخصیت ملی قزاقستان، چنان بزرگ

بوده است که طلعت ماماشف، وزیر فرهنگ جمهوری قزاقستان، طی سخنانی اظهار کرد: «آبای در مکتب شعرای بزرگ ایران درس آموخته است». ۱۶

«مناس» قهرمان ملی و اسطوره‌ای قرقیزستان نیز یک چهره کاملاً شرقی و حماسی است شعرهای فراوانی که در مورد او سروده شده است یادآور شعرهای حماسی فردوسی است. شعرهای فراوانی نیز در مورد مناس سروده شده است و مناس خوانی در قرون گذشته در میان قوم قرقیز بسیار حائز اهمیت بوده است. مناس خوانها در میان مردم از احترام خاصی برخوردار بوده‌اند.

جالب توجه است که مورخین قرقیز گفته‌اند، مادر مناس تاجیک بوده است و به زبان فارسی تکلم می‌نموده است. مهمترین کتابی نیز که در مورد مناس به جای مانده است به زبان فارسی است. سال ۱۳۷۴ هـ ش مراسم هزاره مناس به صورت مفصل و با حضور مقامات و شخصیت‌هایی از سایر کشورها برگزار شد. علیشیر نوائی شاعر زبردست ازبکستان و بزرگترین شاعر زبان جغتائی، چهره‌ای است که در ازبکستان دارای محبوبیت و شهرت ملی است. وی در اشعارش «فانی» تخلص کرده است و در زبان فارسی نیز نویسنده‌ای زبردست بوده است. علیشیر نوائی، ملقب به نظام‌الدین ابن‌امیر، (۸۴۴-۹۰۶ هـ ق) از کودکی در مدرسه و مکتب تربیت یافت و در بزرگی به وزارت رسید. وی مشوق شعرا و ادبا بود و عبدالرحمن جامی از خواص وی بود. جامی در اشعارش وی را ستوده و کتاب نفحات الانس را به پیشنهاد وی به فارسی روان تحریر کرد. علیشیر نوائی به فارسی نیز شعر گفته و دیوان فارسی وی شامل ۶۰۰۰ (شش

هزار) بیت شعر می‌باشد.

علیشیر نوائی در ازبکستان چنان مورد احترام است که هر زوج جوانی در تاشکند در مراسم عروسی خود به عنوان سنت می‌باید بر سر مقبره وی حاضر شوند. وی کاملاً متأثر از شعرای ایرانی است و همین از او شاعری بزرگ در آسیای مرکزی ساخته است.

در مورد تاجیک‌ها نیاز به سخن نیست. تنها به اشاره می‌توان گفت که فردوسی در تاجیکستان از شخصیتی فزاینده‌تر از تصور ما ایرانیان در ذهن مردم و اندیشمندان این خطه برخوردار است. فردوسی یک شخصیت هویت‌بخش به قوم ایرانی پنداشته می‌شود که تاجیک‌ها خویش را بخشی از این قوم می‌دانند. در تاجیکستان اشعار فردوسی، حافظ، سعدی و خیام ورد زبان مردم است و احساس تعلق به ایران و زبان فارسی بیش از اینهاست، که در جای دیگر توضیح داده خواهد شد.

«صدرالدین عینی» نیز رهبر ادبیات نوین تاجیک است که در تاجیکستان چهره‌ای شناخته شده و مورد احترام است. کتاب نمونه‌های ادبیات تاجیک وی که بارها در مسکو و دیگر جمهوری‌ها به چاپ رسیده است از شهرت خاصی برخوردار است و به دلیل حمایت از ادبیات اصیل تاجیکی و فارسی بسیار مورد احترام اندیشمندان و مردم تاجیک است.

انتخاب شخصیتهای یاد شده، به عنوان چهره‌های ملی در جمهوری‌های آسیای مرکزی نشان می‌دهد که مردمان این سرزمینها علی‌رغم دهه‌های متمادی

تسلط روس‌ها، هویت ملی خویش را در فرهنگ و سنن محلی خود و در دین اسلام جستجو می‌کنند.

بدون تردید تجلیل مظاهر ملی و قومی در جمهوری‌های آسیای مرکزی در چهارچوب گسستگی از هویت پیشین (انسان نوین سوسیالیستی) و احیای هویت اصیل قومی و محلی قابل تحلیل است. نویسندگان این جمهوری‌ها اکنون با حمایت سران دولتها در کار تدوین تاریخ اقوام خویش هستند. این نکته از آنجا حائز اهمیت است که طی دو سه قرن اخیر تاریخ منطقه را نویسندگان روسی نگاشته‌اند و هم‌اکنون برای بازسازی هویت ملی و محلی همه آنچه نگاشته شده است می‌باید مورد بازبینی قرار گیرد.

این بازگشت به اصالت خویش به حدی است که در برخی موارد موضع افراطی به خود می‌گیرد. در این گونه اظهارنظرها و نوشته‌ها تأثیرات مثبت آمیزش این اقوام با ملت روس نادیده گرفته می‌شود و بسیاری از مظاهر قومی بدون دقت و بررسی از حافظه تاریخ استخراج شده مورد تجلیل قرار می‌گیرند.

در این جابه‌جائی و انتقال، بسیار جالب توجه است که پیکره تیمور لنگ هم‌اکنون در میدان سرخ تاشکند که اکنون «میدان مستقلی» (استقلال) نام گرفته است درست در جایگاه پیکره لنین گذاشته شده است. تجلیل از شخصیت‌های ملی در این جمهوری‌ها بویژه در ازبکستان در برخی موارد حال و هوای قوم‌گرایی افراطی (پان ترکیسم) نیز به خود گرفته است. ۱۷

در راستای بازسازی هویت ملی، این جمهوری‌ها به بزرگداشت شهرهای تاریخی خویش نیز دست زده‌اند. این موضوع در قزاقستان و قرقیزستان که بخش‌های مرکز و شمالی آنان تا قبل از قرون اخیر مسکون نبوده‌اند بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. شهرهای اش و ترکستان در قرقیزستان و قزاقستان به عنوان پایتخت‌های معنوی این جمهوری‌ها نام برده می‌شوند و پس از استقلال بسیار مورد توجه قرار گرفته‌اند. این دو جمهوری هم‌اکنون در تدارک برگزاری جشن بزرگداشت این شهرها در سال (۱۳۷۷ ه. ش) هستند. قزاقستان هزار و پانصدمین سال بنای شهر ترکستان و قرقیزستان سه هزاره‌اش را جشن خواهد گرفت.

در حالی که این دو جمهوری از شمال تحت تأثیر فرهنگ و سلطه روس بوده‌اند توجه به این شهرها به عنوان نوعی بازگشت به جنوب و تمدن ماوراءالنهر نیز تلقی می‌شود.

از آنچه در این بخش مورد بحث قرار گرفت چنین استنباط می‌شود که فروپاشی شوروی برای جمهوری‌های آسیای مرکزی موجب توجه به یک هویت قومی، ملی و منطقه‌ای شده است. این توجه به رهیابی تاریخ و فرهنگ گذشته این اقوام در تعیین هویت ملی در این جمهوری‌ها می‌انجامد. با توجه به تاریخ مشترک، سنت‌های فرهنگی مشترک میان ایران با آسیای مرکزی هر گونه توجه و ارجاع به گذشته در این منطقه بدون تردید نام ایران را نیز به میان می‌آورد. این پیشینه مشترک به وضوح در نوع شخصیت‌هایی که این جمهوری‌ها

پس از استقلال به عنوان مظاهر ملی خود انتخاب نموده‌اند دیده می‌شود. یکی دیگر از عوامل مهمی که موجب اتصال ایران و آسیای مرکزی می‌شود و ناشی از روابط تاریخی ایران با این منطقه است وجود اقلیتهایی از هر دو طرف در آن سوی مرزهاست. این واقعیت ریشه در تاریخ دارد و از زمانی که رفت و آمد میان ایرانیان با اقوام آسیای مرکزی از طریق جاده ابریشم وجود داشت عده زیادی از ایرانیان به مناطق آسیای مرکزی مهاجرت نموده و در آنجا ساکن شدند و بسیاری نیز از آسیای مرکزی به ایران مهاجرت نمودند. به مبحث ایرانیان مهاجر به آسیای مرکزی به تفصیل در جای دیگر پرداخته خواهد شد.

در ایران هم اکنون جمعیت عظیمی از مردم ترکمن در نواحی مختلف استان مازندران و در مرزهای ترکمنستان زندگی می‌کنند. این گروه حافظ اصالتها و سنن قومی خویش نیز بوده‌اند به عنوان یک عنصر مهم در پیوند ایران و ترکمنستان تلقی می‌شود.

اقلیت کوچکی (نزدیک به ده هزار نفر) از قزاقها نیز که در دهه ۱۹۳۰م به ایران مهاجرت نمودند در گرگان ساکن هستند. در دهه ۱۹۳۰م به دنبال فشارهای استالین برای سیطره بر قبائل قزاق عده زیادی از آنها مجبور به مهاجرت شدند. این قزاقها به کشورهای ترکیه، چین و افغانستان پناهنده شدند. عده‌ای نیز به ایران آمدند و در شمال ایران سکونت گزیدند. دولت قزاقستان با توجه به تلاش در جهت افزایش جمعیت قزاقها در کل سرزمین قزاقستان طی چند سال گذشته درصدد بوده است که این گروه به موطن اصلی خود برگردند. این برنامه با توجه

به مشکلات اقتصادی موجود در قزاقستان با مشکلاتی روبه‌روست.

از میان سنت‌ها و مظاهر وحدت میان مردم ایران و آسیای مرکزی یکی برگزاری جشن نوروز و مراسم احیای طبیعت است. این مراسم در جمهوری‌های آسیای مرکزی، پس از استقلال به صورت مفصل برگزار می‌شود که حاکی از یک نوع بازگشت به اصالت واحد پارسی است. عید نوروز در سالهای اخیر در همه جمهوری‌های آسیای مرکزی با مراسم متعدد و جشن‌های مردمی همراه است. ایجاد بازارهای نوروزی و برنامه‌های متنوع دیگر به جشن‌های نوروز در این منطقه جلوه زیباتری می‌بخشد. در این جمهوری‌ها مراسم جشن نوروز با حضور رؤسای جمهوری و مقامات دولتی برگزار می‌شود که نشانه اهمیت دولتمردان این جمهوری‌ها به این امر نیز می‌باشد. جشن‌های نوروز در دانشگاه‌ها، مدارس و مراکز متعدد فرهنگی نیز به صورت جداگانه برگزار می‌شود. گروههای موسیقی نیز از سایر کشورها برای برپائی این مراسم دعوت می‌شوند. جالب توجه است که نوروز، بر اساس سنت تاریخی قزاقستان به مدت یک ماه برگزار می‌شود. این سنت که پس از استقلال احیاء شده است مورد توجه جدی نویسندگان ایرانی نیز قرار گرفته است.

از آنچه به اختصار در این بخش مورد بحث قرار گرفت درمی‌یابیم که چگونه حلقه‌های متعددی تاریخ، فرهنگ و بالطبع سنن و روحیات مردم ایران و آسیای مرکزی را به هم پیوند زده است و به این نتیجه می‌رسیم که این فرهنگ مشترک نقش خود را در احیای روابط این ملت‌ها ایفا خواهد نمود.

اسلام

اسلام بخشی از هویت مردمان آسیای مرکزی است که قبل و پس از استقلال این جمهوری‌ها نقش مؤثری در وحدت قومی و ملی مردم ایفا نموده است. حضور اسلام در آسیای مرکزی به قرون اولیه هجری بر می‌گردد. پیش از اسلام نیز مذاهب توحیدی در این منطقه ریشه یافته بود. یهودیت کهن‌ترین مذهب اعتقادی توحیدی در این منطقه است. یهودیان روابط تجاری و بازرگانی وسیعی با همسایگان منطقه‌ای ایجاد نمودند.

آسیای مرکزی محل تماسهای بشری و روابط متقابل فرهنگی و تبادل افکار بوده است و کیش‌های متعددی در آن تبلیغ شده و در طول دوره‌هایی گسترش یافته‌اند. با این حال پس از ظهور اسلام، این مکتب توحیدی به صورت اعتقاد غالب در منطقه درآمد. ^{۱۸}

اسلام همچنین بخشی از فرهنگ مردم آسیای مرکزی است که عملکرد مؤثری در تاریخ این مناطق داشته است. گرچه گرویدن به دین مبین اسلام در مناطق مختلف آسیای مرکزی، به دوره‌های متفاوت تاریخ برمی‌گردد، به صورتی که در برخی مناطق، این سابقه، مربوط به قرون اولیه پس از هجرت و

در برخی مناطق دیگر، (مانند بخشی از قزاقستان) قرون هیجده و نوزده می‌باشد، اما سنن و رسوم همه این مناطق به وضوح متأثر از اسلام است. بیابان‌نشینهای آسیای مرکزی حدوداً در سال ۶۸۰ میلادی، به اسلام گرویدند. اوج شکوفایی اسلام در این منطقه دوره حکومت ابوجعفر منصور عباسی بوده است. از این تاریخ ارتباط میان این منطقه با حکومت اسلامی در بغداد استوار گردید. در طول این دوران و پس از آن، آسیای مرکزی، بخشی از مناطق اسلامی محسوب می‌شد و از طریق جاده ابریشم با کشورهای مسلمان مرتبط بود. در طول این دوران مساجد و مدارس مذهبی فراوان تأسیس شد و رونق یافت. برای اولین بار و پس از سقوط غازان، در اواسط قرن شانزدهم، مسلمانان، تحت حکومت روسیه تزاری درآمدند. پس از این و به تدریج مناطق بیشتری تحت سلطه روسیه درآمد. با این حال تا اوایل قرن بیستم، هنوز اسلام به عنوان عنصری رسمی در زندگی و جامعه مردمان این مناطق ایفای نقش می‌نمود. با استقرار حکومت کمونیستی، روند اسلام ستیزی آغاز شد و هزاران مسجد و مدرسه مذهبی تخریب گردید. در طی این دوره، ترکستان تجزیه شد و برنامه تشکیل خلق جدید شوروی به اجرا درآمد که در طی آن چندین بار مسلمانان به شدت سرکوب شدند. این سرکوبها در سه مورد به تبعید بخش عظیمی از مسلمانان دیگر مناطق به آسیای مرکزی انجامید. یکبار گروه کثیری از تاتارها به اتهام تماس با آلمانیها توسط استالین، بار دیگر، تعدادی از مسلمانان از جنوب گرجستان و یکبار هم بخشی از مسلمانان چچن، اینگوش و داغستان به مناطق

مختلف آسیای مرکزی تبعید شدند. ۱۹ همین مهاجرت‌ها امروزه به صورت پدیده تنوع ملیت‌های مختلف مسلمان در آسیای مرکزی مشاهده می‌شود. در سرزمین شوروی بیشتر مسلمانان در آسیای میانه، قفقاز و ساحل رود ولگا زندگی می‌کنند. اغلب مسلمانان شوروی پیر و فرقه حنفی (یکی از چهار فرقه مذهب تسنن) هستند. علاوه بر این در قفقاز پیروان مذهب شافعی (یکی دیگر از چهار فرقه مذهب تسنن) و در تاجیکستان بخشی از پیروان مذهب اسماعیلی زندگی می‌کنند. مسلمانان ماوراء قفقاز ترکیبی از شیعه و سنی هستند.

در اتحاد شوروی در دوره حکومت بلشویک‌ها فرهنگ اسلامی به صورت جدی سرکوب شد. در اصل، مارکسیسم که مبنای اولیه حکومت بلشویک‌ها بود خود نافی هرگونه مذهب بود، اما جهت‌گیریهای بعدی نشان داد که بیش از همه اصول فرهنگ اسلامی، بویژه در مناطق مسلمان‌نشین آسیای مرکزی و قفقاز، مورد تهاجم قرار گرفت. این اسلام‌زدایی از طریق سیاستهای ضد مذهبی رسمی، اصلاح آموزش و پرورش، نفی ساختارهای مذهبی و سنتی پیشین و برنامه روسی کردن از طریق تغییر زبان و ساکن کردن جمعیت روسی در این مناطق انجام گرفت. حکومت اتحاد شوروی برای اطمینان از محدودیت امور مربوط به اسلام و مسلمانان با ایجاد نهادهای رسمی تلاش نمود که حداقل به نحو صوری رهبری اسلامی را نگاهداشته و در چهارچوب حکومت بلشویکی به طور محدود به این نهادها اجازه فعالیت دهد. ۲۰

مطالعات قبل و پس از فروپاشی شوروی نشان می‌دهد که بلشویک‌ها

نتوانسته‌اند اسلام را از زندگی مردم مسلمان آسیای مرکزی حذف نمایند و فرهنگ اسلام به صورت جدی نقش خود را در زندگی مردم این مناطق ایفا می‌نموده است. در حالی که در دوره حکومت تزار آزادی ادیان وجود داشته، دولت کمونیست اتحاد جماهیر شوروی، طی دو مرحله به اسلام‌زدائی در آسیای مرکزی و شیوع فرهنگ روسی در این مناطق دست زد.

در مقابل موج اسلام ستیزی دولت مرکزی دو نوع مقاومت از جانب مردم آسیای مرکزی بروز کرد:

۱. در مناطق مختلف جنبش‌هایی نظیر نهضت باسماچی و قیام مردم باشقیر و... به وقوع پیوست که به شدت از جانب روسیه مرکزی سرکوب شد. در ۱۹۲۹م در محاکم معروف تاشکند عده کثیری از مسلمانان به نام «پیشوایان نهضت» محاکمه شدند.

۲. مردم تلاش نمودند طی یک مقاومت داخلی، سنن و آداب قومی و اسلامی خویش را حفظ نمایند. ازدواج‌های درون گروهی یکی از نمادهای مهم حفظ سنن و تعصبات مذهبی و قومی در آسیای مرکزی بوده است. قرقیزها ۹۵٪، قزاقها ۹۳٪، ترکمنها ۹۰٪، ازبکها ۸۶٪ ازدواج‌هایشان قومی و درون گروهی بوده است. این در حالی است که در قزاقستان، نزدیک به نصف جمعیت را ملیت‌های اروپائی و در قرقیزستان، یک چهارم جمعیت را روس‌ها تشکیل می‌دهند.

با وجود سرکوبهای شدید در آسیای مرکزی، برنامه تشکیل خلق جدید

شوروی و تحت الشعاع قرار دادن ملیت‌های مختلف مسلمان، ناکام ماند و مردم این نواحی در شکل اسلام رسمی و غیررسمی (که به آن اشاره خواهد شد) سنن و آداب خویش را حفظ نمودند. برخی از نویسندگان همین ناکامی در محو ملیتها را یکی از عوامل اصلی فروپاشی شوروی دانسته‌اند. ۲۱ در اینجا به دو پدیده در آسیای مرکزی اشاره می‌کنیم:

۱. تفکیک میان اسلام رسمی و غیررسمی.
۲. وجود فرقه‌های متعدد تصوف در این نواحی.

● اسلام رسمی و غیر رسمی

در سرزمین اتحاد شوروی سابق بیش از ۴۰ مذهب و فرقه دینی وجود دارد. مسیحیت در این میان از رتبه اول برخوردار است و اسلام دارای مقام دوم است. اغلب مسلمانان در جمهوری‌های آسیای مرکزی، آذربایجان، تاتارستان و باشقیرستان زندگی می‌کنند. در زمان حکومت بلشویک‌ها با توجه به اینکه از سویی آزادی ادیان اعلام شده بود و از سوی دیگر دولت نمی‌خواست مذهب به عنوان یک عامل محرک و مؤثر در زندگی مردم نقش داشته باشد، مراکزی برای اداره امور مسلمانان شوروی ایجاد شد. به وجود آمدن این مراکز در واقع یک نوع اعتراف از جانب حکام شوروی شمرده می‌شد مبنی بر اینکه جدا کردن مردم مسلمان از اسلام و برداشتن فرهنگ دینی از صحنه زندگی مسلمانان غیرممکن است.

با توجه به این واقعیت از سال ۱۹۴۶م. / ۱۳۲۵ هـ ش چهار مرکز مستقل

برای اداره امور دینی مسلمانان شوروی ایجاد شد: ۲۲

- اداره روحانی مسلمانان آسیای میانه و قزاقستان در شهر تاشکند

- مرکز روحانی مسلمانان بخش اروپایی اتحاد شوروی و سیبری در شهر «اوا»

- اداره روحانی مسلمانان قفقاز شمالی در شهر «ماخاچ قلعه»

- اداره روحانی مسلمانان ماوراء قفقاز در شهر باکو

سه اداره اول مخصوص مدیریت امور دینی مسلمانان سنی است و در رأس آنها یک مفتی قرار دارد. اداره روحانی مسلمانان ماوراء قفقاز نیز که شامل مسلمانان سنی و شیعه است تحت ریاست شیخ الاسلام قرار دارد. رؤسای ادارات روحانی در کنگره نمایندگان روحانیون و متدینین به اسلام انتخاب می شوند.

اداره روحانی مذکور کار صدور فتوی، حل مسائل دینی، ارسال پیام برای مسلمانان و اعزام مسلمانان برای زیارت مکه و دیگر اماکن مقدسه را به عهده دارند. اداره روحانی آسیای مرکزی و قزاقستان امور فرق دینی موجود در پنج جمهوری را رهبری می کند. این اداره از شعب مختلف فتوی، نمایندگی های اداره در جمهوری ها، شعبه روابط بین المللی و هیئت تحریریه مجله مسلمانان خاور شوروی تشکیل می شود.

اداره دینی آسیای مرکزی و قزاقستان روابطی با حوزه های علمیه در دیگر کشورهای اسلامی بویژه جامعه الازهر مصر داشته است.

یکی از کارهای عمده ادارات دینی در جمهوری های شوروی چاپ متون دینی بوده است. طبق گفته برخی نویسندگان در سی سال اخیر در شوروی قرآن مجید ۹ بار به چاپ رسیده و منتشر شده است.

در مسکو در سالهای ۱۹۶۹ و ۱۹۸۶ م. ۱۳۴۸ و ۱۳۶۵ هـ دو بار قرآن به زبان روسی، به برگردان «کراچکفسکی» متخصص مشهور زبان عربی، چاپ و منتشر شده است. این برگردان در سراسر خاک شوروی و بویژه در جمهوری های

آسیای مرکزی بسیار استفاده شده است. الجامع الصحيح به قلم امام البخاری، زندگی‌نامه امام البخاری در دو جلد، الشمائل النبویه، دستور زبان عربی، هدایت النش، اصول الفقه، المطالعات الازهریه و دهها کتاب دیگر از جمله کتابهایی است که اداره دینی آسیای مرکزی و قزاقستان چاپ کرده است. از سال ۱۹۶۸م در تاشکند مجله «مسلمانان خاور شوروی» به زبانهای عربی، فارسی، دری، انگلیسی و فرانسه و ازبکی چاپ می‌شده است. در این مجله مقالات دینی، فتاوی و دیگر مطالب مربوط به امور دینی چاپ می‌شده است. ۲۳

مرکز دینی آسیای مرکزی و قزاقستان همچنین دو مؤسسه آموزشی «مدرسه میرعرب» در بخارا و انستیتوی امام اسماعیل بخاری در تاشکند را تحت اداره خود دارد. عموم روحانیون رسمی جمهوری‌های آسیای مرکزی تربیت یافته این دو مدرسه هستند. تأسیس مدرسه میرعرب در بخارا به اوایل قرن شانزده میلادی/اواخر قرن نهم هجری برمی‌گردد. شیخ قاضی عسکر، عالم نامدار قرن نوزده میلادی/سیزده هجری، میان مالک، مفسر و محدث برجسته اواخر قرن نوزده میلادی/قرن سیزده و چهارده هجری و صدرالدین عینی، از دانشمندان معروف تاجیک، در همین مدرسه تربیت یافته‌اند. پس از تأسیس اداره روحانی آسیای مرکزی و قزاقستان، ۱۹۴۶م. / ۱۳۲۵ هـ ش این مدرسه تحت مدیریت این مرکز قرار گرفت. مدرسه میرعرب یکی از مدارس دینی شناخته شده در جهان اسلام است و طلاب فراوانی در رشته‌های مختلف علوم دینی تربیت نموده است. در سال ۱۹۵۸م. / ۱۳۳۷ هـ ش انستیتوی «امام اسماعیل بخاری» نیز از جانب

اداره روحانی آسیای مرکزی و قزاقستان تأسیس شد. ۲۴ این مؤسسه با برنامه‌های آموزش دانشگاهی اداره شد و در آن دانشجویان فراوانی از رشته‌های مختلف فقه، تفسیر و... تربیت یافته‌اند.

روحانیون تربیت شده در این دو مؤسسه آموزشی پس از چند سال تحصیل به عنوان ائمه جماعات مساجد مختلف شهرهای آسیای مرکزی انجام وظیفه می‌نمودند و به ترویج اسلام و حل مشکلات و مسائل دینی مردم مسلمان می‌پرداختند.

اداره روحانی آسیای مرکزی و قفقاز، مساجد مختلفی را نیز در شهرهای متعدد اداره می‌نموده و روابط مستمری میان اداره با این مساجد وجود داشته است. عملکرد اداره روحانی در واقع عملکرد اسلام رسمی و دولتی را در این جمهوری‌ها نشان می‌دهد، اما کارکرد اسلام در این جوامع منحصر به همین نبوده است و مجاری غیر رسمی تبلیغ و ترویج اسلام نیز قابل توجه است.

اسلام غیر رسمی در شوروی، عبارت بود از: وجود روحیات مذهبی خودجوش در میان مردم، فعالیت ملاهائی که از نظر مراکز مذهبی رسمیت نداشتند، حفظ ارتباط و محبت با مقدسات اسلام در زندگی و نهایتاً و در یک کلام حفظ اسلام در چهارچوب سنن و آداب قومی. هر چند که وجود مراکز رسمی اسلامی در حفظ اسلام در آسیای مرکزی مؤثر بوده است، اما آنچه ملیت‌های مسلمان را تقریباً دست نخورده باقی گذاشته است و نهایتاً برنامه ایجاد خلق واحد در شوروی را ناکام گذاشته است، روحیات مذهبی و پابندی

مردم به اصالت خویش بوده است. همین اسلام غیر رسمی بود که موجب شد همزمان با اجرای اصلاحات پروستریکا، بانگ اذان از میان تجمعات مردم و از مناره‌های مساجد برخیزد و نغمه توحید را به سراسر شهرها و روستاها برساند. طریقت‌های مختلف در آسیای مرکزی، عهده‌دار اصلی حفظ دین در میان مردم بوده‌اند و به صورت غیر رسمی شیوه زندگی اجتماعی مردم را بخصوص در جوامع دور از شهرهای بزرگ شکل می‌داده‌اند.

نقش اسلام غیر رسمی در زندگی مردم این مناطق را در دو قالب مختلف، به خوبی می‌توان توضیح داد:

الف) در میان مسلمانان سه نوع وفاداری به اسلام وجود دارد: وفاداری قبیله‌ای، وفاداری ملی و وفاداری فراملی. اگر چه وفاداریهای ملی و فراملی اسلامی در حکومت کمونیستی به سستی گرائید و این روحیه در میان مردم به ظاهر پژمرده شد، اما مردم این مناطق در روابط درون قبیله‌ای خود، قواعد اسلام را حفظ نمودند و در واقع به این وسیله ابراز داشتند که هرگز هویت ملی خویش را در یک حکومت کمونیستی جستجو نمی‌نمایند. همین ارزشهای اسلامی در قالب سنت‌های قبیله‌ای بود که به محض ایجاد فرصت در زمان پروستریکا، وفاداری ملی اسلامی را به منصه ظهور رساند. امروز، جمهوری‌های آسیای میانه در حال بازیابی هویت خویش، به عنوان جزیی از جامعه واحد کشورهای مسلمان هستند.

ب) نظریه «زندگی روزمره» «میتسل دوسه‌تو» ۲۵ نیز به خوبی می‌تواند این

پدیده را توضیح دهد. او معتقد است که همهٔ مردم با عقاید بزرگ و آرمانی زندگی نمی‌کنند، بلکه یک برنامهٔ روزمرهٔ زندگی، اوقات آنان را پرمی‌کند. از این دیدگاه اسلام، نقش مهمی در نقشهٔ روزمرهٔ زندگی مردمان آسیای مرکزی داشته است، و به این صورت هویت اسلامی این جوامع حفظ شده است.

● تصوف

طریقت‌ها و مسالک مختلف مذهبی، نقش عمده‌ای در آسیای مرکزی ایفا نموده است. مسلک‌های نقشبندیه، کبرویه، طریقت یاسوی، قادریه و چشتیه، از مسالک مهم این منطقه به شمار می‌روند.

این فرقه‌های تصوف، در دوره‌های متفاوت در آسیای مرکزی شیوع یافته است. مهمترین آنها، مسلک نقشبندیه است. این طریقت در قرن چهاردهم میلادی ۸/ هجری توسط بهاءالدین نقشبند پایه‌گذاری شد و سپس به تدریج از طریق راه ابریشم، از ایران و آسیای مرکزی به چین رسید. این فرقه در ایران، هند، ترکیه و بالکان نیز پیروانی دارد. شیرین آکینر در زمینه تصوف در آسیای مرکزی چنین می‌گوید:

از همان ابتدای اشاعه اسلام در این خطه، تصوف در ازبکستان رو به شکوفایی نهاد. بخارا و خیوه که دو مرکز از مهمترین مراکز تعلیمات صوفیه در قرون وسطی به شمار می‌رفتند در ازبکستان کنونی واقع‌اند. هر دوی این مرکز در اشاعه مکاتب تصوف در کل جهان اسلام از اهمیت شایانی برخوردار هستند. نجم‌الدین کبری ۱۲۲۱-۱۱۴۵ م. / ۵۲۴-۶۰۰ ه. ش در خیوه به تعلیم طریقتی پرداخت که به کبرویه مشهور است و بهاءالدین

نقشبندی ۱۳۸۹-۱۳۱۸ م. / ۶۹۷-۷۶۸ ه. ش در بخارا مسلک نقشبندی معروف به طریقت خواجهگان را اشاعه داد این دو مخصوصاً نقشبندی نفوذ ریشه‌داری یافت و در سراسر آسیای میانه و قفقاز، نواحی ولگا، آناتولی، کردستان و هند منتشر شد. اکنون نیز صاحب بزرگترین فرقه تصوف است و همچنان پیروانی را در خاور و باختر به خود جذب می‌کند. ۲۶

«قادریه» نیز فرقه‌ای است که با ورود چین و اینگوشها به قزاقستان و پس از انقلاب اکتبر به عنوان یک فرقه منسجم مطرح شد. در مورد قادریه دو نکته قابل توجه است:

۱. چینها و اینگوشها نقش بسیار مهمی در حفظ اسلام نه تنها در منطقه قفقاز که در کل اتحاد شوروی بویژه آسیای مرکزی داشته‌اند.

۲. قزاقستان در دهه‌های مختلف حکومت بلشویک‌ها پناهگاهی بوده است برای مهاجرینی که از دیگر جمهوری‌ها مجبور به مهاجرت شده‌اند. چین و اینگوشها در دوره حکومت استالین در مقاومت و مبارزاتی که با حکومت مرکزی داشتند مجبور به مهاجرت شدند. عده‌ای از گروه مهاجرین در قزاقستان سکونت گزیدند. قادریه نیز فرقه‌ای است که محصول سکونت این گروهها در قزاقستان بوده است و نقش مهمی در حفظ اسلام در قزاقستان داشته است.

«طریقت یسوی» نیز با رهبری «خواجه احمد یسوی» یکی از فرقه‌های با نفوذ صوفیه در قزاقستان و طریقتی مشهور در کل آسیای مرکزی است. خواجه

احمد یسوی از جنوب قزاقستان برخاست و با الهام از مسلک نقشبندیه طریقت جدیدی را بنا نهاد. خواجه احمد یسوی و شاگردان وی تأثیر بسزائی در تبلیغ و ترویج اسلام در جنوب قزاقستان داشتند. مقبره وی که در شهر ترکستان در استان جنوبی قزاقستان قرار دارد به دستور امیر تیمور و به دست معماران و استادکاران ایرانی و با سبک معماری اسلامی- ایرانی ساخته شده است. ۲۷

خواجه احمد یسوی بسیار مورد احترام مردم مسلمان آسیای مرکزی است و مقبره وی زیارتگاه مشتاقان از قزاقستان و سایر جمهوری‌های همجوار است. همچنان که مردم نواحی مختلف آسیای مرکزی برای زیارت مقبره امام بهاءالدین نقشبند و حاجت خواستن از او راهی شهر بخارا می‌شوند. عده بسیاری نیز راه درازی را تا ترکستان برای زیارت مقبره خواجه احمد یسوی طی می‌کنند. نویسنده خود در هر دو مکان مذکور شاهد حضور جمعیت زائر و احترام و تقدیس نسبت به این مکانهای مقدس از جانب مردم بوده است. قزاقها زیارت مقبره خواجه احمد یسوی را حج اصغر می‌دانند و به هر مسافری پس از بازگشت از ترکستان «زیارت قبول» می‌گویند. حکومت قزاقستان نیز به خواجه احمد یسوی ارج فراوان گذاشته است و پس از استقلال، شهر ترکستان را به عنوان پایتخت معنوی مورد توجه فراوان قرار داده است.

نقشبندیه، بزرگترین فرقه صوفیه در دنیاست. پیروان این فرقه از آسیای مرکزی تا سواحل بالکان و یوگسلاوی و در هند و شبه قاره پراکنده‌اند. این طریقت خدمات فراوانی در حفظ و گسترش اسلام در نقاط مختلف دنیا ارائه

داده است. یکی از اصول اساسی این طریقت احترام به سلف صالح است که این فرقه را با آن که از صوفیه اهل تسنن است به مکتب شیعه بسیار نزدیک نموده است. چنان که اشاره شد مقبره امام بهاءالدین نقشبند، مؤسس این طریقت، در بخارا بسیار مورد توجه مردم منطقه است و بسیاری از مردم که از راه دور برای زیارت این بارگاه می آیند بخشی از راه را برای طلب حاجت به صورت پیاده طی می کنند.

به هر حال، تشریح نقش تصوف در آسیای مرکزی، که خود بخشی از کارکرد اسلام غیر رسمی را نشان می دهد نیاز به تحقیقی جداگانه دارد؛ اما قابل توجه است که این طریقت ها چگونه به عنوان «حرس» و نگهبان اسلام ایفای نقش کرده و در حفظ اسلام مؤثر بوده اند. این طریقت ها روحانیون بسیاری را تربیت کرده اند که در میان مردم از نفوذ فراوان برخوردار بوده اند و در دوران کمونیستی نیز روحانیون تربیت یافته این طریقت ها، اگر چه در چارچوب ادارات قاضیات رسمی جایگاهی نداشته اند، اما رهبری مذهبی مردم در دست آنها بوده است.

از آنچه به صورت خلاصه در این بخش گفته شد درمی یابیم که علی رغم اقدامات متعدد از جانب دولت مرکزی روسیه و با وجود اجرای برنامه های متعددی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم فرهنگ و اصول اسلامی را مورد تهاجم قرار می داد، مردم مسلمان جمهوری های آسیای مرکزی و قفقاز اسلام را فراموش ننموده اند و به روشهای مختلف، از جمله در چارچوب سنت های قومی و محلی، آن را نگاه داشته اند. این واقعیت با فروپاشی شوروی به خوبی آشکار شد.

اسلام پس از فروپاشی شوروی

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال یافتن جمهوری‌های آسیای مرکزی، مردم مشتاقانه به اصالت خویش روی آوردند و در صدد تجدید ساختارهایی برآمدند که توسط حکومت روس‌ها نابود شده بود. مردم با اشتیاق تمام به تأسیس مدارس مذهبی و بنای مساجد متعدد دست زده‌اند و با شور و شوق، در اعیاد اسلامی شرکت نموده و در صفوف نماز جماعت حضور می‌یابند. در ازبکستان، در حالی که در سالهای قبل از استقلال تنها ۲۰۰ مسجد وجود داشته است، هم اکنون این تعداد به ۵۰۰۰ رسیده و ۲ مدرسه علمیه به ۵۰ مدرسه بالغ شده است. در همه مراکز و شهرهای آسیای مرکزی، هم اکنون مساجد در حال بنا هستند و در بسیاری جاها مدارس علمیه نیز بنا می‌شود. هم اکنون در عشق‌آباد بیش از ۱۰ مسجد بزرگ تأسیس شده یا در حال تأسیس است. بزرگترین مسجد این جمهوری به نام مسجد «ترکمنباشی» (لقب رئیس جمهوری) اخیراً در عشق‌آباد افتتاح شد. حتی در قزاقستان که جمعیت مسلمانان کمتر از نصف کل جمعیت است در همه شهرها و بسیاری روستاها مسجد تأسیس شده است. بر اساس آمار اعلام شده از سوی اداره دینی این جمهوری تعداد مساجد در سال ۱۳۷۵ هـ ش به ۵۰۰۰ رسیده است. ۲۸

صفوف متراکم نماز جماعت در مساجد جمهوری‌ها در ماه مبارک رمضان،

برگزاری نماز عید فطر به صورت باشکوه در همه جمهوری‌ها، صفوف طولانی «نماز تراویح» در شبهای ماه رمضان در مساجد، جمعیت انبوه شرکت‌کننده در نماز عید فطر آلماتی و طی سالهای اخیر با حضور رئیس‌جمهوری «نظربایف» و همسرش در میان جمعیت، نغمه‌های اذان طلاب، در مدرسه‌های علمی سمرقند و بخارا، برگزاری نماز عید فطر در میدان لنین شهر بیشکک در زیر مجسمه لنین که با یک دست به سوی مسکو اشاره می‌کند، مترنم شدن نغمه «سالها دل طلب جام‌جم از ما می‌کرد...» بر زبان تاجیک‌ها، پرچسب‌های «لااله الاالله» بر شیشه اتومبیلها در تاشکند، همه و... همه بیانگر این نکته است که نه تنها مردم آسیای مرکزی اسلام را فراموش نکرده‌اند که خود را بخشی از ملت اسلامی می‌دانند و در تلاشند که هویت اسلامی خویش را بازسازی نمایند.

در آسیای مرکزی، مذهب (اسلام)، به عنوان اساس ابراز هویت ملی، از اهمیت خاصی برخوردار است. ۲۹ این واقعیت موجب شده است که سران و دولتمردان آسیای مرکزی نه تنها مخالف شناخت بهتر اسلام در کشورهايشان نباشند، که به حفظ هویت اسلامی مردمشان تمایل نشان دهند. دولتمردان آسیای مرکزی مایلند که ملت‌هایشان خود را به عنوان مردمی مسلمان بشناسند، با این حال به هیچ وجه تمایل ندارند که با یک جامعه مذهبی روبه‌رو شوند که مذهب‌یون آن داعیه‌هایی در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی داشته باشند. نکات مختلفی را می‌باید در این رابطه مورد توجه قرار داد:

الف) دولت روسیه مرکزی طی دهه‌های متمادی تلاش کرده است هویت اسلامی و قومی مردم محلی این جمهوری‌ها را محو نماید و یک نوع فرهنگ واحد اسلاویانی و سوسیالیستی به وجود آورد و طبیعی است که پس از فروپاشی شوروی و استقلال یافتن این جمهوری‌ها، دولتمردان این کشور از فرصت استفاده نموده و از اسلام نیز به عنوان ابزار اظهار هویت ملی خود استفاده نمایند.

توسعه‌طلبی‌ها و تمایل روسیه به حفظ سلطه مداوم خود بر این جمهوری‌ها باعث می‌شود که این جمهوری‌ها به دنبال یک هویت اقتصادی مستقل باشند.

ب) از سوی دیگر سران این جمهوری‌ها همان رهبران حزبی سابق‌اند که بدیهی است به دنبال ایجاد یک جامعه مذهبی نیستند و با حساسیت مواظب‌اند که تبلیغات مذهبی در یک چهارچوب خاص و در دایره اختیارات دولت انجام شود. ۳۰ این دولتمردان به هیچ وجه تحمل داعیه گروه‌های مذهبی در زمینه‌های سیاسی را نخواهند داشت. سرکوب و تبعید گروه‌های مسلمان در ازبکستان توسط «اسلام کریم‌اف»، رئیس جمهوری این کشور، و انحلال «حزب آلاش» در قزاقستان نمونه‌هایی از این برخورد است. مشارکت دولتمردان این کشورها در اعیاد مذهبی و احترام به شعار اسلامی و اظهارات تشویق‌آمیزی که گاهی نسبت به مذهب صورت می‌گیرد نیز در چهارچوب استفاده از اسلام به عنوان عامل هویت بخش ملی توسط این حکومتها قابل بررسی است.

مردم آسیای مرکزی، اهل تسنن و عموماً اهل فرقه حنفی هستند. اقلیت

ناچیزی از شیعیان نیز در این جمهوری‌ها هستند که آذربایجانیهای آسیای مرکزی و ایرانی‌الاصل‌ها آن را شکل می‌دهند. شمار ایرانی‌الاصل‌ها در غیر از سمرقند آنقدر نیست که تجمع و تشکلی را به وجود آورد، اما آذربایجانیها شناخته شده و در همه جمهوری‌های آسیای مرکزی دارای تشکل‌اند. منظور از آذربایجانیها کسانی است که در دهه‌های اخیر از آذربایجان شوروی به آسیای مرکزی مهاجرت نموده‌اند. این گروه در ترکمنستان دارای تشکل کاملاً شناخته شده و مسجدی با امام شیعه در شهرهای عشق‌آباد، مرو و کراسنودسکی هستند. در تاشکند نیز این گروه به هم پیوسته‌اند و دارای تجمعات مذهبی هستند و مراسم متعددی را در کنار هم برگزار می‌نمایند. جامعه شیعیان سمرقند تشکل بسیار شناخته شده‌ای است که عموماً از ایرانیانی تشکیل شده که در دوره مهاجرت اول ایرانیان به آسیای مرکزی (تفصیل این مطالب خواهد آمد) به این منطقه مهاجرت نموده‌اند. این گروه بهتر از سایر شیعیان در نقاط دیگر آسیای مرکزی هویت شیعی خود را می‌شناسند. آذریها همچنین در قزاقستان حضور دارند و اخیراً مراکز فرهنگی متعددی در شهرهای این جمهوری تأسیس نموده‌اند. ^{۳۱}

رقم دقیقی از مجموع شیعیان آسیای مرکزی در دست نیست و با توجه به دهه‌های متمادی حکومت کمونیستها گرفتن آمار این گروه مثل هم نبوده است، اما با حضور مستمر در جمهوری‌های آسیای مرکزی می‌توان دریافت که گروه آذریها و ایرانی‌الاصل‌ها در حال حاضر، به عنوان یک تجمع شیعی چندان در سطح منطقه مطرح نیست، اما این نکته نیز قابل توجه است که پس از استقلال،

این گروه‌ها به صورت تجمعات جدا از اهل تسنن، مراسم مذهبی خود را برگزار می‌کنند و با افزایش اطلاعات مذهبی، آنها نیز می‌توانند در سطح جمهوری‌های آسیای مرکزی دارای اثر باشند.

گفتنی است که سطح اطلاعات مذهبی مردم آسیای مرکزی در حال حاضر بسیار پائین است. این وضعیت به دلیل دهه‌های متمادی فترت (بلکه ممنوعیت) در کار ترویج و تبلیغ مذهب بوده است؛ بگذریم از اینکه تبلیغات منفی نیز نسبت به دین صورت می‌گرفته است. علی‌رغم اینکه کار مساجد و اداره‌های قاضیات پس از استقلال بسیار رونق یافته است و مدارس علمیه و مساجد بی‌شماری در طول همین چندین سال ساخته شده است، اما سطح تحصیلات و تعلیمات مذهبی حتی در میان روحانیون و ملاهای مساجد نیز پائین است. هم‌اکنون طالبی از این جمهوری‌ها به سایر کشورها، از قبیل ترکیه، مصر، عربستان و مراکش برای گذراندن دوره‌های آموزش اسلامی می‌روند. سه کشور ترکیه، مصر و عربستان فعالیت‌های گسترده‌ای در زمینه امور مذهبی در این جمهوری‌ها آغاز کرده‌اند. از پاکستان نیز مبلغین فراوانی برای ترویج و تبلیغ اسلام به منطقه آسیای مرکزی وارد می‌شوند. ۳۲ ترکیه علی‌رغم فعالیت‌های متفاوت دیگر کشورها، با توجه به وحدت مذهب و زبان، در زمینه همکاری‌های مذهبی و دینی با این جمهوری‌ها نقش اساسی را دارد.

جمهوری اسلامی ایران نیز همکاری‌های محدودی در زمینه‌های مذهبی با این جمهوری‌ها دارد. گرایش نسبی مساجد و علمای دینی آسیای مرکزی به

سوی جمهوری اسلامی ایران از دو عامل ناشی می‌شود:

الف (بخشی از تاریخ و گذشته مشترک ایران با مناطقی از آسیای مرکزی به دوران اسلامی برمی‌گردد و در چارچوب هویت اسلامی مشترک قابل توضیح است. این ارتباط دیرینه تا حدی است که اسلام در برخی از مناطق آسیای مرکزی توسط ایرانیان گسترش یافته است و زبان فارسی نیز در این مناطق آمیخته با مفاهیم و متون مذهبی شیوع نسبی یافته است. بر این اساس برخی نویسندگان و مقامات در جمهوری‌های آسیای مرکزی مایل به بازگشت به یک نوع هویت شرقی و توجه به تمدن شرقی هستند و اسلام را نیز بخشی از این هویت می‌دانند. این نویسندگان مایلند که با جمهوری اسلامی ایران نیز که در هر دو زمینه (تاریخ شرق - اسلام) غنی است همکاری نمایند.

ب (جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشور بزرگ اسلامی در سطح منطقه و جهان مطرح است و متدینین این مناطق نیز به جمهوری اسلامی ایران با دیده احترام و تقدیس می‌نگرند. این احترام ناشی از این واقعیت است که جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از مدافعین اصلی حقوق مسلمانان و حفظ ارزشهای اسلامی است.

جمهوری اسلامی ایران نیز روابط خویش را در این زمینه با توجه به حساسیتهای موجود نسبت به بنیادگرایی اسلامی و همچنین با توجه به اینکه مردم منطقه اهل تسنن هستند تنظیم نموده است.

زبان فارسی

زبان فارسی، در آسیای مرکزی شناخته شده و رایج است. این زبان در بخش‌های مختلف این منطقه کم و بیش مورد توجه بوده و در تاجیکستان زبان محاوره مردم است. در تاشکند، دوشنبه و عشق‌آباد، ضرب‌المثلها و اشعار فارسی وردزبان مردم محلی است و میان فردوسی، حافظ و سعدی با شعرا و ادبای بزرگ این منطقه تفاوتی گذاشته نمی‌شود و در سمرقند و بخارا نیز اکثریت مردم تاجیک و دارای گویش فارسی هستند. در شهرهای این منطقه، پس از استقلال، مردم با دیدن ایرانیان نغمه «بوی جوی مولیان آید همی» سر می‌دهند. علل رواج زبان فارسی در آسیای مرکزی را، می‌باید در پیشینه فرهنگی و اجتماعی این مناطق جستجو کرد. تاریخ مشترک این مناطق با ایران موجب شده است که زبان فارسی امروزه در کشورهای افغانستان، تاجیکستان و برخی مناطق ترکمنستان، قزاقستان، ازبکستان و قرقیزستان رواج داشته باشد. همچنین انواعی از گویش‌های فارسی چون بلوچی و کردی در ترکمنستان رواج دارد. به غیر از تاجیکی که خود نوعی گویش فارسی محسوب می‌شود، زبانهای ترکمنی، ازبکی، قرقیزی و قزاقی نیز کاملاً متأثر از زبان فارسی هستند و اصطلاحات،

لغات و ضرب‌المثل‌های فراوانی از این زبان به وام گرفته‌اند. زبان تاجیکی خود در زمرهٔ زبانهای ایرانی جنوب غربی که از لهجه‌های باستانی ناحیه جنوب غربی فلات ایران ریشه گرفته‌اند، محسوب می‌شود. علاوه بر این در تاجیکستان تدریس زبان فارسی نیز سابقه‌ای طولانی دارد. در ازبکستان شعر پارسی با رودکی پا به عرصه وجود نهاد که اهل قریه «پنج رودک» از توابع سمرقند بود و اکنون مزار او در این قریه است. «ابوحفص سعدی» مؤلف یک کتاب لغت فارسی نیز از همین ناحیه برخاسته است. ابوریحان بیرونی، ابوعلی سینا، معنوی بخارائی، منشوری سمرقندی، مُنجیک ترمذی و دیباجی سمرقندی از دانشمندان، ادبا و شعرای پارسی‌گوی این منطقه در قرن چهارم و پنجم بوده‌اند. در قرن ششم هجری نیز نویسندگانی چون رشیدالدین وطواط، نظامی عروضی، شهاب‌الدین ترمذی، عوفی بخارائی و شیخ نجم‌الدین کبری از این منطقه برخاسته‌اند. به همین ترتیب در قرون هفتم و هشتم و پس از آن دانشمندان و ادبای پارسی‌گوی فراوانی از این منطقه پدید آمده‌اند که ذکر نام همهٔ آنها از عهدهٔ این کتاب خارج است. ۳۳ وجود این تعداد شاعر و ادیب، که برخی از آنها از مشاهیر و بزرگان ادب، هنر و شعر فارسی هستند، عمق نفوذ فرهنگ و زبان فارسی را در این منطقه نشان می‌دهد. این سابقهٔ عمیق زبان فارسی در ازبکستان، هم اکنون علاوه بر رواج کامل این زبان در مناطقی از سمرقند و بخارا، در وجود لغات فراوان فارسی در زبان ازبکی تجلی یافته است. در قزاقستان و قرقیزستان نیز تأثیر زبان و ادب فارسی در فرهنگ و سنن محلی کاملاً مشهود است. از سه

گویش موجود در قرقیزستان (شمالی، جنوب شرقی، جنوب غربی) گویش اخیر متأثر از زبان فارسی است. در قزاقستان نیز تأثیر زبان فارسی و کلمات فارسی در زبان قزاقی بسیار قابل توجه است. چنان که برخی نویسندگان قزاق معتقدند ۳۰٪ کلمات زبان قزاقی را لغات فارسی و عربی تشکیل می‌دهند. غلغل اصلی نقش بزرگ زبان فارسی در آسیای مرکزی را می‌باید در «تاریخ و پیشینه مشترک»، «حضور ایرانیان در آسیای مرکزی» و «تاجیک‌ها» جستجو کرد. این سابقه فرهنگ، هنر و زبان ایرانی در آسیای مرکزی چنان جدی است که نگارنده خود بارها از زبان دانشمندان و نویسندگان منطقه شنیده است که در طول تاریخ، زبان فارسی برای ملل آسیای مرکزی، زبان علم، فرهنگ، شیوه حکومت‌داری روش‌بازرگانی و در یک کلام زبان تمدن بوده است. این نویسندگان فارسی را در چشم مردم منطقه با زبان فرانسه از دیدگاه روس‌ها مقایسه می‌کنند؛ یعنی همچنان که روس‌ها به زبان فرانسه به عنوان زبان تمدن می‌نگریسته‌اند مردم این منطقه نیز نسبت به زبان فارسی چنین دیدگاهی داشته‌اند. آقای دکتر مراد ژورینوف، وزیر پیشین آموزش قزاقستان، (در ملاقاتی با ایشان) چندین مرتبه این نکته را تکرار کرد که علاقه مردم این منطقه به زبان فارسی در طول تاریخ با اشتیاق فراگیری که اکنون دانشجویان و دانش‌آموزان به فراگیری زبان انگلیسی دارند قابل مقایسه است. مردم آسیای مرکزی زبان فارسی را زبان دین نیز می‌دانند و اسلام را نیز از زبان ایرانیان فراگرفته‌اند. در واقع لغات عربی نیز توسط ایرانیان به زبانهای محلی این منطقه وارد شده است. عمق نفوذ زبان فارسی در

این منطقه را به آسانی می‌توان از حکایتی در گلستان سعدی (باب پنجم، حکایت هفدهم) که بیانگر حضور شیخ شیراز در شهر کاشغر (شرقی‌ترین نقطه ترکستان) است دریافت. در این حکایت آمده است که طلاب مدرسه این شهر چگونه به زبان فارسی تکلم می‌کرده‌اند و حتی سعدی و اشعارش را به خوبی می‌شناخته‌اند. این سابقه تاریخی موجب شده است که پس از استقلال این جمهوری‌ها در دانشگاه‌های خود توجه خاصی به زبان فارسی بنماید. بخش‌های زبان فارسی در دانشگاه‌های آسیای مرکزی رونق خاصی یافته است و بخش‌های جدیدی نیز در دیگر دانشگاه‌ها افتتاح شده است. در تاشکند تدریس زبان فارسی سابقه طولانی دارد و بسیاری از اساتید زبان فارسی آسیای مرکزی در دانشگاه‌های تاشکند درس خوانده‌اند. در ترکمنستان نیز زبان فارسی در دانشگاه مختمقلی و یک دانشگاه دیگر تدریس می‌شود و هم اکنون نزدیک به دویست نفر دانشجوی زبان فارسی در این جمهوری مشغول فراگیری زبان و ادبیات فارسی هستند. ۳۴ در قزاقستان هم اکنون در چهار دانشگاه مجموعاً پنج بخش زبان فارسی وجود دارد. در دانشگاه‌های «الفارابی» زبانهای جهان، «خبرنگاری بین‌المللی» و «خواجه‌احمد یسوی» هم اکنون مجموعاً بیش از دویست نفر دانشجوی زبان فارسی مشغول به تحصیل این زبان هستند. در قرقیزستان نیز در سالهای اخیر در «دانشگاه علوم اجتماعی» و «دانشگاه ملی» این جمهوری بخش زبان فارسی افتتاح شده است. در قزاقستان همچنین در دو مدرسه ۱۲ و ۱۳۷ آلماتی، پایتخت این جمهوری، بیش از ۱۰۰ نفر زبان فارسی

می‌آموزند. ۳۵ در مورد تاجیکستان و گسترده آموزش و تدریس زبان فارسی در این جمهوری نیاز به سخن نیست.

تدریس و آموزش زبان فارسی در آسیای مرکزی در سالهای اخیر مورد حمایت جدی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است. کمک به بخش‌های زبان فارسی از جهت وسائل کمک آموزشی و دیگر احتیاجات این بخشها، اعزام اساتید زبان فارسی برای تدریس در دانشگاههای این جمهوری‌ها، چاپ کتابهای آموزش زبان فارسی به زبانهای محلی، برگزاری دوره‌های بازآموزی برای اساتید و دانشجویان منطقه در تهران، پذیرش گروهی از دانشجویان در دوره‌های کارشناسی و برگزاری سمینارهای متعدد در زمینه زبان فارسی از این جمله‌اند.

● ایرانیان منطقه

در طی دوره‌های مختلف، به علل متفاوت، عده‌ای از ایرانیان به مناطق آسیای مرکزی مهاجرت نموده‌اند. این جمعیت در همه نقاط اتحاد شوروی سابق پراکنده‌اند، با این حال، اکثر آنها در دو جمهوری ازبکستان و ترکمنستان زندگی می‌کنند.

فارس‌های آسیای مرکزی، تحت دو گروه فارسیها و گروه ایرانیها شناخته می‌شوند. طی قرون متمادی، این گروهها به قصد تجارت و یا به خاطر جاذبه مراکز بزرگ تعلیم اسلامی راهی آسیای مرکزی شده‌اند. حملات مختلف حکومت صفویه و انتقال اسرای ایرانی که توسط ترکمنها به این منطقه برده شدند نیز موجب سکونت مردم فارس در آسیای مرکزی شده است. شواهد تاریخی هیچ تفاوت ماهوی در میان دو گروه یاد شده نشان نمی‌دهد و گاهی از هر دو گروه به نام «ایرانی» یا «فارس» نام برده می‌شود. آمارهایی از این دو گروه مربوط به اوایل قرن بیستم موجود است، اما در دهه‌های بعد هر دو گروه، تحت نام واحدی سرشماری شده و بعدها آمار دقیقی از آنها ارائه نشده است.

در ۱۹۲۶ م. / ۱۳۰۵ ه. ش، مجموع جمعیت ایرانیها، قریب ۲۰/۰۰۰ ذکر شده است. در ترکمنستان نیز این رقم نزدیک به ۷ هزار اعلام شده است. با توجه به جو حاکم در دوره کمونیزم قطعاً آمارهای موجود واقعی نیست و شمار

ایرانیان آسیای مرکزی بسیار بیش از اینهاست. از سال ۱۹۲۶ م. / ۱۳۰۵ هـ ش به بعد ایرانیان در سرشماریها زبان فارسی را به عنوان زبان مادری خود اعلام نکرده، در عین حال هویت خویش را ایرانی می دانسته اند. در همین سال شمار ایرانیها و فارس ها در مجموع بیش از ۵۰/۰۰۰ نفر اعلام شده است. ۳۶ علاوه بر آسیای مرکزی، تعدادی از ایرانیان در آذربایجان، ارمنستان، گرجستان، داغستان و سایر جمهوری ها زندگی می کنند.

موج مهاجرت ایرانیان به آسیای مرکزی در چهار دوره مختلف قابل بررسی است:

الف (مهاجرت دوره اول از گروه بازرگانان، طالبان علم و اسرائی شکل می گیرد که در دوره صفویه و پس از آن، به آسیای مرکزی مهاجرت کرده اند و بسیاری از آنان در سمرقند و بخارا زندگی می کنند. این گروه هم اکنون، جامعه شیعیان سمرقند و بخارا را تشکیل می دهند.

ب (در قرن نوزدهم، مهاجرت یهودیان مشهد، موج دوم مهاجران ایرانی بود که در منطقه آسیای مرکزی ساکن شده و در ظاهر تشیع را پذیرفتند. اینان عشق آباد را مرکز سکونت خویش قرار دادند. بیشتر اعضای این گروه در دهه ۱۹۳۰ م. / ۱۳۰۹ هـ ش به اجبار به ایران برگردانده شدند.

پ (عده زیادی از بهائیان نیز که تحت فشار حکومت ایران، مجبور به مهاجرت شده بودند در آسیای مرکزی سکونت گزیده اند.

ج (آخرین گروه پناهندگان سیاسی بوده اند که بعد از ۱۹۴۸ م. / ۱۹۲۷ هـ ش به

این منطقه رفته‌اند. به هر حال، ایرانیان در سراسر آسیای مرکزی پراکنده‌اند و اگر به دلیل جو حاکم، در ظاهر در اقوام محلی مستحیل شده‌اند، اما هویت خویش را حفظ کرده‌اند و فرهنگ و سنن اقوام محلی آسیای مرکزی را به فرهنگ ایرانی درآمیخته‌اند.

علاوه بر اینها در سالهای پس از ۱۹۴۶م، تعداد کثیری از ایرانیان، با بسته شدن مرزها توسط حکومت شوروی، در آن سوی مرز مانده‌اند. در برخی نقاط، ساکنان این سو و آن سوی مرز ترکمنستان و ایران، دارای چنان فرهنگ مشترکی هستند که مرزهای کنونی به هیچ وجه نمی‌تواند میان آنها فاصله بيفکند. در برخی نقاط ترکمنستان ایرانی‌الاصل‌ها، با ملیت فارسی زندگی می‌کنند. اینان کسانی هستند که با بسته شدن مرزها، پس از جنگ دوم، در آن سوی مرز ماندند، ولی همچنان هویت خویش را حفظ کرده‌اند و حاملان سنت‌ها و فرهنگ اصیل ایرانی هستند. روستای «باقر» در ۲۰ کیلومتری عشق‌آباد جمعیتی از ایرانیان را در خود جای داده است که دارای یک نوع گویش فارسی (کردی کورمانجی) هستند که همان گویش رایج در شهرها و روستاهای مرزی خراسان است. ۳۷ یک ایرانی با ورود به «باقر» به هیچ وجه احساس غربت از وطن نمی‌نماید و مراسم عروسی، وفات و عزاداری عاشورا و اربعین در این روستا کاملاً مشابه مراسمی است که در ایران برگزار می‌شود. یک نظاره‌گر محقق با دقت در مردمان مختلف آسیای مرکزی به این نکته می‌رسد که چگونه فرهنگ‌ها و سنت‌ها در لابه‌لای تاریخ و در جریان حوادث تاب می‌آورند و علی‌رغم دوره‌هایی از رکود اختناق و

سلطه، با اندک نسیم آزادی چگونه شکوفا شده و بروز می‌نمایند. در سرخس ترکمنستان زندگی، فرهنگ و زبان مردم تفاوتی با مردم ایران ندارد؛ تنها دست‌حادثه این مردم را در آن سوی مرز قرار داده است. ایرانیهای ترکمنستان ولو اینکه در مناطق مختلف پراکنده‌اند، به خوبی همدیگر را می‌شناسند و روابط و ازدواج‌های درون‌گروهمی دارند. در جمهوری‌های دیگر نیز به تناسب شماری از ایرانیان پراکنده هستند.

با استقلال یافتن جمهوری‌ها و به تعبیر مردم محلی، با باز شدن مرزها جمعیت زیادی از ایرانیان به دنبال اقوام و خویشان خود راهی شهرهای ایران شدند و برادران و پدران و فرزندان بسیاری پس از دهه‌های متمادی فراق به همدیگر رسیدند. در این رابطه، ذکر چند نمونه از موارد متعددی که خود آنها را مشاهده کرده‌ام و نشان می‌دهد که چگونه ایرانیان حافظ هویت اسلامی و فارسی خویش بوده‌اند اشاره می‌کنم.

۱. «میرعلی اکبر اضطرابی» ساکن شهر ساحلی «کراسنودسکی» در ترکمنستان پیرمردی است ۶۰ ساله از شمال ایران که پس از جنگ دوم در جستجوی پدر خویش که در آن سوی مرز مانده، راهی ترکمنستان شده است. وی نه هرگز توانسته است پدر خویش را که به دلیل نداشتن شناسنامه توسط عوامل استالین به سیبری تبعید شده است ببیند و نه امکان برگشتن به ایران برایش وجود داشته است. او که امام و بانی مسجد شیعیان کراسنودسکی و شمع محفل این جمع بود متأسفانه در سال ۱۳۷۲ بدرود حیات گفت. «میرعلی اکبر» در طول این ۴۰

سال مانند یک تبعیدی زندگی کرده است و هرگز مسکن خود را وطن خویش تلقی ننموده است وی که طبعی شاعرانه نیز داشت در تمام این مدت رادیوی ایران را مخفیانه گوش می‌کرده است و بسیاری از وقایع انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی را در قالب شعر سروده است.

۲. «حسن» پیرمردی است هفتاد ساله و مشهدی که در جنب مسجد شیعیان در عشق‌آباد سکونت دارد. وی که هنوز اسم خیابانها و مغازه‌های مشهد را در خاطر دارد و با لهجه غلیظ مشهدی سخن می‌گوید هنگام بسته شدن مرزها در آن سوری مرز مانده است. مشهدی حسن به سیبری تبعید شده و پس از تحمل سالها کار مشقت‌بار با یک زن روس ازدواج نموده است. وی که در طول جنگ تحمیلی هر روز صبح دو رکعت نماز به نیت پیروزی ایران می‌خوانده است دچار بحران هویت شده است و حتی با زنی که چهل سال با او زندگی کرده است احساس بیگانگی می‌کند و بیشتر از تکیه به خانواده خویش که دچار یک نوع دوگانگی است، به گذشته خویش رجوع می‌کند. او حتی هنگام مهمان کردن ما به بهانه‌هایی زنش را از خانه بیرون فرستاد که خودش غذا را تهیه و پخت نماید. اینها و نمونه‌های بی‌شمار دیگر، ایرانیانی هستند که با حفظ هویت خویش، حامل فرهنگ و سنت اسلامی و ایرانی بوده‌اند.

از گروه ایرانیان که پس از ۱۹۴۶م (پایان جنگ جهانی دوم) در آسیای مرکزی ساکن شده‌اند نزدیک به ۱۰۰۰ نفر در قزاقستان زندگی می‌کنند. این گروه که اغلب در سنین نوجوانی و سرباز بوده‌اند بالاجبار همراه پیشه‌وری به خاک اتحاد

شوروی برده شده و از باکو به قزاقستان فرستاده شده‌اند. این گروه که هم اکنون با خانواده و فرزندان خویش جمعیت بسیار بیشتری را تشکیل می‌دهند در چند شهر قزاقستان زندگی می‌کنند و کاملاً دارای هویت و فرهنگ ایرانی هستند. ۳۸

● تاجیک‌ها

تاجیک‌ها، حاملان اصلی فرهنگ و ادب فارسی در آسیای مرکزی هستند؛ گذشته تاریخ اینان، این نکته را به خوبی روشن می‌سازد. تاجیک‌ها قومی ایرانی هستند که در منطقه آسیای مرکزی، بخشی از افغانستان و شمال شرق خراسان بزرگ و ماوراءالنهر سکونت داشته و دارند.

در دائرةالمعارف اسلامی ذیل کلمه «تاجیک» آمده است: «در روزگار ما گاه ایرانیان شرقی را در مقابل ایرانیان خاک اصلی ایران تاجیک می‌خوانند. خطی (فرضی) که از استرآباد به یزد کشیده شود به عنوان مرز غربی اقامتگاه تاجیکان معرفی شده است». ۳۹

در بررسی قومیت تاجیک‌ها به یک اتفاق نظر در میان بسیاری از مورخین دست می‌یابیم که این گروه قومی ایرانی هستند که در ماوراءالنهر زندگی می‌کنند. علاوه بر این بسیاری از مورخین کلمه «تاجیک» را عمومیت داده و در مواردی آن را بر همه اقوام ایرانی اطلاق نموده‌اند و به عبارتی همه فارسی‌زبانان دنیا را تاجیک نامیده‌اند. ۴۰

برخی از مورخین، تاجیکان را نژاد اولیه آریایی می‌دانند و معتقدند که نژاد آریائی اولین بار در سرزمین تاجیکان و در ماوراءالنهر پدید آمده است و سپس وارد حوزه کنونی سرزمین ایران شده است.

سعید نفیسی می‌گوید:

«در شمال شرقی ایران امروز، سرزمین بسیار حاصلخیزی واقع است که ما دلبستگی مخصوصی به آن داریم. بسیاری از علمای بزرگ عقیده دارند که نژاد آریائی در آن سرزمین، در دامنه کوههای هندوکش در کنار رود جیحون و سیحون، نخستین روزهای زندگی خویش را گذرانیده‌اند. کتاب آسمانی اوستا کشوری را نشان می‌دهد که آب و هوای آن بهشتی بود و اجداد ما نخست در آنجا پرورش یافتند و به قرینه می‌توان یافت که مراد همان ارض مو عود ایرانیان و همین خطه دلکش سواحل جیحون و سیحون است. علمای تاریخ عقیده دارند که ما ایرانیان از آنجا آمده‌ایم و ایران امروز به منزله خانه دوم ماست. ۴۱

سرزمین تاجیکان در تاریخ به نام ایران و ایرانیان پیوند خورده است. در اساطیر و تاریخ باستان نیز نام این سرزمین برده شده است. در دوره هخامنشیان و سپس در روزگار ساسانیان این منطقه یکی از آبادترین قسمت‌های ایران به شمار می‌آمده است. پس از پذیرش اسلام نیز خوارزم و ماوراءالنهر و خراسان آبادترین ولایات آسیای مرکزی بوده است. در قرون سوم و چهارم دو سلسله صفاریان و سامانیان در این منطقه قدرتی عظیم یافتند.

پس از این دوره و حتی قرنهای متمادی این منطقه بزرگترین شعرای زبان فارسی را پرورده است. پیشرو این سلسله رودکی و حلقه آخرین این زنجیره

جامی است.

دانشمندان بزرگی چون ابوعلی سینا (۹۸۰-۱۰۳۷) فیلسوف و شاعر بزرگ، ناصرخسرو (۱۰۸۸-۱۰۰۳) فیلسوف و شاعر بزرگ عمرخيام (۱۱۳۳-۱۰۴۰)، ادیب صابر ترمذی (وفات ۱۱۵۲)، نظامی عروضی سمرقندی (قرن هفتم) کمال خجندی (وفات ۱۳۹۰) عبدالرحمن جامی (۱۴۹۳-۱۴۱۴) همگی مظاهر افتخار تاجیکانند.

این خطه از نظر تربیت دانشمندان بسیار زرخیر بوده است و از جمله تربیت یافتگان این منطقه همچنین می‌توان از عمیق بخارائی (قرن ۱۲)، رشیدی سمرقندی (قرن ۱۲)، اثیرالدین اخسیکتی (وفات ۱۲۱۲)، سیف اسفرنگی (قرن ۱۲) و خواجه عصمت بخارائی (وفات ۱۴۲۶) نام برد. ۴۲

با توجه به همسایگی با مناطق ترک‌نشین تاجیکان همیشه مورد هجوم اقوام ترک بوده‌اند. این سرنوشت محتومی است که تاجیک‌ها در طول تاریخ با آن زندگی نموده‌اند و این همسایگی مشکلات فراوانی را برای این قوم در طول تاریخ به وجود آورده است. در واقع تاجیک‌ها مرز برخورد تمدن و فرهنگ ایرانی با اقوام ترک بوده‌اند. تاجیک‌ها نماینده تمدن و فرهنگ ایران بودند و از این رهگذر ترکان به ایشان نیاز داشتند، اما با این همه در طی تاریخ به دفعات متعدد تاجیکان مورد حمله ترک‌ها قرار گرفته‌اند. از قرن یازدهم میلادی (پنجم هجری) به بعد بسیاری از نواحی ایرانی‌نشین با حملات ترک‌ها به طور روزافزونی زیر فرمانروائی ترک‌ها درآمد. با این حال برخی مناطق نیز خود را از این خطر

رهانیدند به طور کلی تاجیک‌ها در حفظ هویت ایرانی و فارسی خویش بسیار مقاومت کردند. ۴۳

در سده‌های اخیر نیز تاجیکان به صورت جدی مورد تهاجم فرهنگ روس قرار گرفتند، با این حال تاجیک‌ها مقاوم‌ترین قوم آسیای مرکزی در حفظ هویت، فرهنگ و زبان خویش بوده‌اند. تاجیکستان سرسخت‌ترین جمهوری در مقابل برنامه ایجاد خلق واحد شوروی بود و در مقابل این برنامه که توسط روسیه مرکزی به اجرا در می‌آمد به صورت شدیدتری، در مقایسه با دیگر اقوام، به روابط و مقاومت درون قومی روی آورد.

تاجیک‌ها، در حفظ زبان فارسی نیز مقاومت فراوان از خود نشان داده‌اند. زبان فارسی که در تاجیکستان «زبان نیاکان» گفته می‌شود و یکی از ارکان اصلی حفظ هویت در این جمهوری است تاجیک‌ها دوران متمادی خود را با این زبان از خطر نفوذ و سلطه فرهنگ و زبان ترکی نگاه داشتند و طی دهه‌های اخیر نیز زبان نیاکان را سدی در مقابل گسترش فرهنگ روسی قرار دادند... برای تاجیک‌ها زبان فارسی بیش از آنچه در ایران وجود دارد حائز اهمیت است. هر تاجیک به عنوان بخشی از هویت قومی خود به زبان نیاکان نگاه می‌کند و به همین دلیل احترام خاصی نسبت به این زبان قائل است. علاوه بر این تاجیکان بزرگان شعر و ادب فارسی، از قبیل فردوسی، رودکی، بیدل دهلوی و... از جایگاهی ویژه برخوردارند و بویژه در میان دانشگاہیان و دانشمندان تاجیک توجه ویژه‌ای نسبت به این شخصیتها ابراز می‌شود.

زبان فارسی امروزی تاجیکستان شباهت زیادی به فارسی دری دارد. ملک الشعراء بهار در این زمینه می‌نویسد: «زبان فارسی دری اصلاً لهجه اهالی ماوراءالنهر، سمرقند و بخارا است که در این جایگاه تاجیکان زندگی می‌کنند».^{۴۴} حفظ گونه اصیل زبان فارسی در تاجیکستان و عدم تغییر و تحول فراوان در آن، چنان که در ایران پدید آمده است، به این دلیل است که دهه‌های متمادی سلطه زبان روسی، قرون متمادی فشار زبان ترکی و همچنین محصور بودن تاجیکستان در خشکی موجب شده است که این زبان از رشد لازم برخوردار نباشد. با این حال این به معنای عدم تغییر در زبان فارسی تاجیکستان نیست، بلکه گویش‌های زبان تاجیکی در نواحی مرزی این کشور کمی متأثر از زبان همسایگان است. تفاوت‌های اندک زبان تاجیکی رایج در تاجیکستان و بخشهایی از سمرقند و بخارا (که در گذشته جزئی از تاجیکستان بودند و در تقسیمات استالینی از این منطقه جدا و ضمیمه ازبکستان شدند) با زبان فارسی مربوط به یک قرن اخیر است. زبان تاجیکی هم اکنون دارای چهار گویش در مناطق مختلف تاجیکستان است:

۱. گویش شمالی، شامل نواحی سمرقند، بخارا، فرغانه، اوراتوبه و پنج‌کنت.
 ۲. گویش جنوبی، شامل نواحی بدخشان، کولاب و قره‌نگین.
 ۳. گویش جنوب شرقی، شامل نواحی درور.
 ۴. گویش مرکزی، شامل نواحی زرافشان و سخ.
- تفاوت میان این گویش‌ها در آواشناسی و تلفظ کلمات است. زبان تاجیکی

در دره فرغانه، دره زرافشان، کشک و پس از آن در مناطقی چون شمال غربی دره فرغانه و شهر نمندگان رواج بیشتری نسبت به سایر مناطق تاجیکستان دارد.

خط مردم تاجیک تا سال ۱۹۳۰ م. / ۱۳۰۹ هـ ش عربی بود و در این سال خط لاتین جانشین آن شد. در سال ۱۹۴۰ م. / ۱۳۱۹ هـ ش نیز خط سریلیک جانشین خط لاتین شد. در طول سالهای پس از ۱۹۴۰ م. تمام مطبوعات تاجیکستان در حالی که دارای زبان تاجیکی (فارسی) است به خط سریلیک چاپ می شده است. این واقعیت ناگوار موجب شده است که عموم مردم در حالی که به زبان تاجیکی گفتگو می کنند قادر به خواندن و نوشتن الفبا و خط فارسی نباشند.

پس از استقلال (در سال ۱۳۷۰) زبان نیاکان به عنوان زبان رسمی کشور اعلام شد و به همه مردم از جمله اقلیت روس فرصت داده شد که طی ده سال زبان مذکور را بیاموزند.

گسترش و تقویت زبان فارسی که روند آن طی دهه های گذشته به علت سلطه خط و زبان روسی کند شده بود، در رأس برنامه های دولت تاجیکستان قرار گرفته است و برخی از مقامات این کشور این موضوع را به صراحت بیان نموده اند. ۴۵ در ارتباط در مؤسسات مختلف کمیته های زبان بوجود آمده است تا واژگان فارسی لازم برای بیان اندیشه های علمی، فنی و نظیر اینها را بجویند. تاجیک ها علاوه بر گویش تاجیکی به زبان فارسی کنونی نیز اهتمام فراوان داشته اند. تدریس زبان فارسی به عنوان یک رشته دانشگاهی از سال ۱۹۳۲ م. / ۱۳۱۱ هـ ش در دانشگاهها و آکادمیهای متعدد آغاز شده است.

دانشسرای عالی دوشنبه، آکادمی علوم، دانشگاه دولتی تاجیکستان و دانشسراهای خجند و کولاب از این جمله‌اند. بنیاد فرهنگ تاجیکستان نیز در سال ۱۹۸۷ م. / ۱۳۶۶ ه. ش با هدف احیای سنت‌های فرهنگی و زبان فارسی تأسیس شد. ۴۶

یکی از مشکلات تاجیکستان برای انتقال به خط فارسی هزینه‌هایی است که این کار در بردارد؛ تمام کتابهای آموزشی موجود به خط سریلیک می‌باشد و برای انتقال از خط سریلیک به خط فارسی لازم است همه این کتابها کنار گذاشته و مواد جدید چاپ شود. با مشکلات اقتصادی موجود در تاجیکستان این کار مشکلات فراوانی را بر دوش دولت می‌گذارد. نکته دیگر اینکه مردم بزرگسال به خط سریلیک خو کرده‌اند و لازم است آموزش خط فارسی در میان کودکان جدی‌تر گرفته شود.

تاجیکستان، با توجه به مشترکات فراوانی که با ایران دارد پس از استقلال تمایل زیادی به سوی جمهوری اسلامی ایران نشان داده است و هویت خویش را در ایران، زبان فارسی و اسلام جستجو کرده است. علاقه تاجیک‌ها به ایران و زبان فارسی وصف ناشدنی است. پس از استقلال احساس تاجیک‌ها نسبت به ایرانیان احساس فرزندی بود که سالیان طولانی از مادر خویش جدا نگهداشته شده است. پس از استقلال، مراکز متعددی در کار احیای سنت‌های فرهنگی و زبان فارسی فعالیت می‌کنند. «بنیاد فرهنگ تاجیکستان» به برپایی نمایشگاه‌ها و جشنواره‌های متعدد با همکاری ایران دست زده است و نشریه فرهنگ را به

چاپ رسانده است. «بنیاد فارسی» نیز در ۱۳۷۰ هـ ش با هدف ترویج زبان فارسی تأسیس شده است. تاجیک‌ها به شعر و ادب کلاسیک فارسی بسیار علاقه‌مند هستند و به اشعار فردوسی، رودکی، حافظ، سعدی و بیدل دهلوی عشق می‌ورزند. امام‌علی رحمانف رئیس‌جمهور فعلی این کشور به این واقعیت چنین اشاره می‌کند:

«هزار سال است مردم ما از شاهنامه غذای روح بر می‌دارند. هدف همه ما از خرد و کلان باید بیرون کشیدن تاجیکستان از ورطه هلاکت باشد. باید به خود آئیم و گناه همدیگر را ببخشیم. اگر چنین نکنیم روح فردوسی از ما دامن‌گیر خواهد بود.

به پیش برادر برادر به جنگ نیاید اگر باشدش نام و ننگ
از این پس به خیره نریزند خون که تخت جفاییشان شد نگون» ۴۷

زبان فارسی برای تاجیک‌ها، هم وسیله خودشناسی بوده است و هم پایه خودآگاهی تاریخی، که به این وسیله سیمای ملی و فرهنگی خویش را حفظ نموده‌اند. تاجیک‌ها، در میان شعرای ایرانی، نسبت به فردوسی احترام ویژه‌ای قائل هستند و اشعار وی ورد زبان عموم مردم است. به پاس احترام به وی، پیکر این شاعر در میدان بزرگ شهر نصب شده است.

تاجیک‌ها به موسیقی ایران نیز علاقه بسیار دارند و کاستها و نوارهای

ویدئویی موسیقی ایرانی به وفور در تاجیکستان یافت می‌شود. مرکز خبر پراکنی بی‌بی‌سی، برای تبلیغ برنامه‌های خود در آسیای مرکزی از این زمینه بهره جسته در دی ماه سال ۱۳۷۳ ه.ش کنسرت‌های متعددی با دعوت یکی از خوانندگان ایرانی مقیم لوس آنجلس در شهر دوشنبه برگزار نمود.

جمهوری اسلامی ایران نیز، پس از استقلال تاجیکستان به این جمهوری توجه زیادی نموده است. ایران اولین کشوری بود که در آذرماه سال ۱۳۷۰ ه.ش سفارتخانه خود را در شهر دوشنبه افتتاح نمود. نام خیابانی که سفارت در آن واقع است از «مارکسیم گورکی» به خیابان «تهران» تغییر یافت. علاوه بر فعالیتهای سیاسی و اقتصادی، در بعد فرهنگی کارهای متعددی در این چند سال از سوی جمهوری اسلامی ایران صورت پذیرفته است. از جمله در شهر دوشنبه پژوهشکده زبان تشکیل شده و جزوه‌های مربوط به الفبای فارسی چاپ و منتشر شده است و اساتید خط فارسی به این جمهوری اعزام شده‌اند. کتابهای متعددی نیز برای کودکان و نوجوانان به خط فارسی و سریلیک چاپ و منتشر شده است.

جمهوری اسلامی ایران در شهر دوشنبه کتابخانه رودکی و در شهر کولاب کتابخانه امیرکبیر را افتتاح نموده است و کتابهایی نیز برای تقویت کتابخانه‌های شهرهای خجند، پنجه‌کنت، خاروق و... ارسال نموده است. تحقیقات مشترکی نیز میان دانشمندان دو کشور آغاز شده است.

در شهریور ۱۳۷۳ ه.ش سمپوزیوم بین‌المللی «هزاره شاهنامه» در دوشنبه با

حضور جمع زیادی از ادب دوستان ایرانی برگزار شد. در قطعنامه پایانی این سمپوزیوم پیشنهاد شد کمیسیون بین‌المللی نشر و ترجمه صحیح شاهنامه در تهران ایجاد شود. همچنین در روزهای شانزدهم و هفدهم شهریور ماه ۱۳۷۳ هـ ش سمینار بین‌المللی «زبان فارسی؛ زبان علم» در شهر دوشنبه برگزار شد. این چهارمین سمینار این ارتباط بوده و سه سمینار قبلی در تهران برگزار شده است.

در تلویزیون تاجیکستان فیلم‌های ایرانی متعددی پخش می‌شود. پس از استقلال نزدیک به پنجاه حلقه فیلم سینمایی و مستند از تولیدات پس از انقلاب در ایران در جمهوری تاجیکستان پخش شده است. ۴۸

در تاجیکستان هم اکنون بجز سفارت، نهادهای دیگر ایرانی نیز فعال هستند. کمیته امداد امام خمینی (ره)، بانک تجارت، دفتر نمایندگی خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، صدا و سیما، جمعیت هلال احمر، خانه فرهنگ، کتابخانه الهادی و کتابفروشی سروش از جمله این نهادهاست.

علاوه بر توجه خاصی که نسبت به زبان فارسی و فرهنگ ایرانی در تاجیکستان می‌شود، علاقه‌مندی به اسلام و پایبندی بیشتر به احکام این دین در میان تاجیکان نسبت به برخی دیگر از اقوام آسیای مرکزی موجب شده است که تاجیک‌ها به ایران‌گرایی ویژه‌ای پیدا نمایند و علاوه بر این، جمهوری اسلامی ایران از نقش محوری در تحولات تاجیکستان برخوردار باشد.

متأسفانه درگیری‌ها و نااملایمات فعلی در این جمهوری ضربات زیادی به

روند بازسازی هویت در تاجیکستان زده است، اما با این حال تاجیکان ایران را پناهگاه اصلی خود می‌دانند و انتظار دارند که جمهوری اسلامی ایران در این راستا نقش فعال‌تری ایفا نمایند. «اکبر تورسان‌زاده» یکی از نویسندگان تاجیک چنین نوشته است:

در یک جهت مهم شکل شعور تاریخی میان تاجیکان عبارت از این است که الآن آنها خود را نه فقط در پیوندگاه اجداد و اولادشان می‌بینند، بلکه ایرانی بودن خود را نیز اقرار می‌کنند، یعنی اکنون احساس می‌کنند که تاجیکان و ایرانیان نه فقط از خود «در آفرینش از یک گوه‌رند» بلکه «اعضای یک پیکر» و «عضوهای یک تن واحد معنوی» هم هستند که آنها را بقای ابدی

خواهد بخشید». ۴۹

اگر چه وقوع جنگ در تاجیکستان کارها را از روال عادی خارج نموده است، اما جمهوری اسلامی ایران از زمینه‌ها و ظرفیت موجود در روابط ایران با تاجیکستان بهره‌برداری لازم را نکرده است.

برای تحقق کامل هدف گسترش و توسعه روابط با تاجیکستان بیش از هر چیز نیاز به یک شعور و درک مشترک میان دو ملت هست. از دیدگاه نویسنده در موضوع تاجیک‌ها و تاجیکستان ما می‌بایست تصور وحدت قومی، زبانی، فرهنگی و دینی میان دو کشور را در میان مردم و مسئولین گسترش دهیم. تاجیک‌ها در ابتدای استقلال از اینکه عامه مردم ایران تاجیکستان را نیز یک

جمهوری در ردیف سایر جمهوری‌های آسیای مرکزی می‌دانند و از آنها تصور نسبتاً یکسانی دارند رنجیده شدند. برخی نویسندگان تاجیک این موضوع را به صراحت بیان کرده‌اند و برخی دیگر نیز معتقدند تاجیکستان و به صورت کلی آسیای مرکزی و افغانستان جایگاه لازم را در ذهنیت دست‌اندرکاران و همچنین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پیدا ننموده است. ۵۰

در پایان این بخش و برای روشن‌تر شدن احساس و انتظاری که تاجیکان نسبت به ایران دارند بخشهایی از نامه «تیمور ذوالفقاروف» شاعر، نویسنده و نمایشنامه‌نویس معروف تاجیکستان را به آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهوری اسلامی ایران، می‌آوریم. وی نویسنده‌ای مشهور و دارای احترام خاص در میان دانشمندان تاجیکستان است که در مسکو زندگی می‌کند:

«جناب آقای رئیس‌جمهوری! این جانب در روز ۲۲ نوامبر ۱۹۹۴م برای اولین بار وارد خاک ایران شدم. فقط یک هفته فرصت داشتم که در تهران بمانم که بعد از آن به مسکو برگشتم. متأسفانه نتوانستم به شهرهای مقدس اصفهان، شیراز، یزد و مشهد که زمانی پدرم در آنجا زندگی می‌کرده بروم و... جناب آقای رئیس‌جمهوری! من برخی از آثار خجسته جناب‌عالی را مطالعه کرده‌ام. بدون شک، شما فیلسوف خردمندی هستید. در عین حال ریاست یک کشور کبیر را برعهده دارید... وقتی که من با هواپیما وارد ایران شدم، اولین احساس من این بود که من خیلی گناهکارم و عمر من پراز معاصی بوده است و اینکه تنها در این مرز و بوم، در پارکهای پائیزی که هر برگ درخت ریخته در آنجا پاک شده است،

در کشوری که خیابانها و قلوب مردمش پاک هستند و سیاه‌مستان او‌باشان پیدا نمی‌شوند به گناه خود پی بردم... جناب آقای رئیس‌جمهوری! اکنون تاجیکستان، زادگاه من، چنین آشیانه‌ای ویران شده و گهواره‌ای که با سیل برده شده باشد گردیده است... پنج برادر تنی بودند: پامیر، خجند، کولاب، حضار و عزم و حالا این برادران به کشتن همدیگر پرداختند، زیرا که اسمشان با هم فرق می‌کند. آنها در «خانهٔ کودک» بزرگ شدند چون که یتیم بودند و پدر و مادر خود را نمی‌شناختند. ناگهان فهمیدند که پدرشان زنده است. مادر هم زنده است و آنها یتیم نیستند، اسم پدرشان ایران است. مگر پدر نمی‌تواند پیش فرزندان خود برود و به خونریزی خانوادگی پایان دهد. مگر ۶۰ میلیون ایرانی نمی‌توانند به ۴ میلیون برادر تاجیک خود که پشت دیوار همجوار گرسنگی می‌کشند و به همدیگر تیراندازی می‌کنند یاری رسانند؟

وقتی که من زن ایرانی را می‌بینم که با وقار در خیابانهای تهران با مانتو و روسری خود راه می‌رود، به یاد کوههای پوشیده با مه صبحگاهی مرواریدی می‌افتم. زن، راز و سرکبیر عشق، مرگ و تولد است... در غرب برهنگی و پول جای این سر را گرفته است...

پدرم تاجیک و مادرم روس است... مدتهاست که در مسکو زندگی می‌کنم... ولی بعد از آن به ایران آمدم و خانهٔ خودم را دیدم، خانهٔ بی‌کران مردم من. هیچ حریق آن را نخواهد سوزاند. خدا یار و نگهدارش باد». ۵۱

جمع‌بندی

از آنچه به صورت فشرده در زمینه تاریخ، دین و زبان مشترک میان مردم ایران و ملت‌های آسیای مرکزی گفته شد، روشن شد که قرابت و تشابه فرهنگی جدی میان طرفین وجود دارد. این فرهنگ مشترک که در قالب سنن و آداب، مظاهر ملی، احساسات و آمال مشترک ظهور نموده است، سرنوشت و آینده آنان را به هم پیوند می‌دهد. در این مورد ملل آسیای مرکزی که سالها از اصالت خویش به دور مانده‌اند، اگر خویش‌نشن خویش را فراموش نکرده باشد (که چنان که گفته شد نکرده‌اند) بدون شک در جستجو و بازیابی اصل خویش پیکان توجه را به سوی ملت، دین، فرهنگ، ادب و زبان کشور ایران قرار خواهد داد. دلیل این امر، چنان که گفته شد، مشترکات میان ایران و آسیای مرکزی است. این فرهنگ مشترک، در چهارچوب نظریه‌های «تأثیر فرهنگ بر سیاست» زمینه‌های نفوذ ایران در منطقه را نشان خواهد داد. اگر از نظریاتی که سیاست را به تمامه انعکاسی از فرهنگ جامعه می‌دانند چشم‌پوشیم، بدون شک فرهنگ، سنن و آداب جوامع همراه عوامل دیگر، در برنامه سیاستگذاری کشور در نظر گرفته خواهد شد، این امر در جوامعی مانند جمهوری‌های آسیای مرکزی، با توجه به دوام قومیت‌ها و قبیله‌ها و نقش تعیین‌کننده آن‌انکارناپذیر است.

هم اینها موجب می‌شود که سیاست‌گزاران آسیای مرکزی هرگز نقش

جمهوری اسلامی ایران را در سرنوشت جمهوری‌هایشان فراموش نکنند. جمهوری اسلامی ایران نیز با بهره‌گیری از زمینه‌های یاد شده در طی سالیان اخیر فعالیت‌های فرهنگی مختلفی را در این جمهوری‌ها به انجام رسانده است.

عقد موافقت‌نامه‌های فرهنگی با جمهوری‌های آسیای مرکزی (بجز ازبکستان). ۵۲ عقد مبادله‌نامه‌های فرهنگی برای اجرای موافقت‌نامه‌های مذکور، امضای قرارداد میان دانشگاه‌های این جمهوری‌ها با برخی دانشگاه‌های ایران، به عنوان نمونه قرارداد تبادل استاد و دانشجو میان دانشگاه ملی الفارابی قزاقستان با دانشگاه تهران، اعزام اساتید زبان فارسی به قزاقستان و قرقیزستان، افتتاح کتابفروشی انتشارات بین‌المللی الهدی در عشق‌آباد، دوشنبه، بیشکک و خجند و توافق برای افتتاح فروشگاه مشابه در قزاقستان، برگزاری فستیوال‌های متعدد فیلم‌های ایرانی، اعزام گروه‌های مختلف کنسرت موسیقی و تئاتر در مناسبت‌های مختلف بویژه در ایام نوروز، پذیرش محدود دانشجویان زبان فارسی برای کارآموزی در دانشگاه‌های تهران، برگزاری دوره‌های بازآموزی برای اساتید زبان فارسی برای کارآموزی در دانشگاه‌های تهران، برگزاری دوره‌های بازآموزی برای اساتید زبان فارسی آسیای مرکزی در تهران، برگزاری اجلاس گروه کشورهای فارسی زبان، برگزاری اجلاس فرهنگی کشورهای عضو سازمان اکو در تهران، ایجاد راینیهای فرهنگی در عشق‌آباد، آلماتی و دوشنبه، دعوت اساتید دانشگاه و محققین این جمهوری‌ها برای شرکت در کنفرانسها و سمینارهایی که در زمینه‌های مختلف در تهران برگزار می‌شود، افتتاح چندین بخش جدید زبان

فارسی در دانشگاه‌های این جمهوری‌ها، دعوت روزنامه‌نگارها و مطبوعات این کشور برای تبادل اطلاعات به ایران، اعزام عده‌ای از مسئولین و مردم محلی این جمهوری‌ها از جانب نمایندگی‌های سیاسی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در این منطقه برای شرکت در مراسم سالگرد دهه پیروزی انقلاب اسلامی و ایام سالگرد رحلت امام خمینی(ره)، شرکت فعال در مراسم استقلال این جمهوری‌ها بویژه در ترکمنستان و تاجیکستان، برگزاری هفته‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در این جمهوری‌ها، چاپ و نشر کتابهای متعدد در ارتباط با تاریخ، فرهنگ و شخصیت‌های فرهنگی این جمهوری‌ها، بویژه تاجیکستان، برگزاری هفته‌های فرهنگی این جمهوری‌ها در ایران و اقدامات متعدد دیگر از جمله فعالیتهایی است که در زمینه فرهنگی انجام گرفته است.

در پایان این فصل به نکاتی چند اشاره می‌کنیم:

۱. میزان علائق جمهوری‌های آسیای مرکزی با ایران یکسان نیست. در این زمینه وضع تاجیکستان و ترکمنستان با دیگر جمهوری‌ها متفاوت است. تاجیکستان با توجه به فرهنگ نزدیکتری که به ایران دارد و به دلیل وجود زبان مشترک میان دو ملت، رشد بیشتر اسلام‌خواهی و وجود احزاب اسلامی پس از استقلال به سوی جمهوری اسلامی ایران و آنچه از فرهنگ سنت در ایران وجود دارد نظر داشته است. تاجیک‌ها در دوران تسلط روس‌ها نیز مقاومت بیشتری از خود نشان داده‌اند.

ترکمنستان نیز به دلیل مرز مشترک طولانی با ایران، از اهمیت ویژه‌ای

برخوردار است. این جمهوری، از طریق دو استان خراسان و مازندران و همچنین دریای خزر نزدیک به ۱۵۰۰ کیلومتر مرز مشترک با ایران دارد. پیشینه مشترک، وجود اقلیت ترکمن در شمال ایران، مقبره مختومقلی فراعی، شاعر ترکمن، در شهر گنبد در ایران، حضور ایرانیان مهاجر در دوره‌های مختلف در شهرهای این جمهوری موجب نزدیکی هر چه بیشتر خلق ترکمن به جمهوری اسلامی ایران شده است. وجود سمرقند و بخارا در خاک ازبکستان مردم این جمهوری را به ملت ایران نزدیک می‌نماید و این به سابقه فرهنگ و تمدن اسلامی در این منطقه و حضور ایرانیان در این ناحیه برمی‌گردد، علاوه بر این سرزمین و ملت ازبکستان دارای استعدادهای بسیار قوی در زمینه اسلام و فرهنگ شرقی است. مدارس و مکاتب دینی سمرقند، بخارا سابقه هزار ساله دارند و زبان فارسی نیز با ورود اسلام به این منطقه در قرون اولیه پس از هجرت، صورت و تحول دیگر یافته، در شکل‌دهی فرهنگ و تمدن این منطقه تأثیر بسزا داشته است. ازبکستان در آسیای مرکزی حکم مصر را در میان اعراب دارد. این کشور از نظر پیشینه مذهبی، علمی و فرهنگی بسیار غنی است. اسلام مردم در ازبکستان در مقایسه با دیگر جمهوری‌ها اسلام شناخته شده‌ای است و کمتر تحت تأثیر قومیت‌ها قرار گرفته است. با این حال حکام فعلی تاشکند به شدت مراقب رشد اسلام‌خواهی در این جمهوری هستند. این حساسیت‌ها نیز خود به دلیل وجود زمینه‌های رهبری مذهبی جنبشهای اسلامی در آسیای مرکزی در جمهوری ازبکستان است.

۲. گرایش به جمهوری اسلامی ایران، در میان مردم و نخبگان آسیای مرکزی یکسان نیست. گرایش به ایران نوعی گرایش مردمی همه جانبه و خودجوش است. با این حال برخی از نخبگان و حکام آسیای مرکزی بیشتر به سوی غرب و ترکیه گرایش دارند. تمایل به سکولاریزم و لائیسم سیاسی در میان برخی از نخبگان و حکام سیاسی آسیای مرکزی رواج دارد. این موضوع خود نیاز به گفتاری جداگانه و مفصل دارد. ۵۴ به هر حال این موضوع سبب نشده است که روابط جمهوری‌های مذکور با ایران تنها جنبه اقتصادی داشته باشد.

۳. در آسیای مرکزی به صورت پراکنده جمعیتی از شیعیان زندگی می‌کنند. این گروه را عموماً ایرانی‌الاصل‌ها و آذربایجانی‌الاصل‌های مقیم در آسیای مرکزی شکل می‌دهند. در ترکمنستان و ازبکستان شیعیان دارای تجمعات شناخته شده‌ای هستند، با این حال در قزاقستان و قرقیزستان در میان جمعیت‌های دیگر پراکنده‌اند. وجود آمار دقیقی از این گروه و محل سکونت و تجمع آنان برای جمهوری اسلامی ایران دارای کمال اهمیت است. در ترکمنستان، شیعیان در عشق‌آباد، کراسنودسکی و روستای باقر دارای مساجد جداگانه‌ای هستند. توجه به این گروه بویژه ایرانی‌الاصل‌ها از اهمیت بسیار برخوردار است. متأسفانه تا به حال در این زمینه توجه لازم نشده است، در حالی که سایر کشورها همچون آلمان، کره و ترکیه اقلیت‌های خود را در آسیای مرکزی به صورت جدی مورد حمایت قرار داده‌اند.

۴. اهل سنت ساکن در شمال ایران، پیوندهای عمیقی با آسیای مرکزی دارند. این

پیوند به مقدار زیادی از طریق حضور فرقه نقشبندیه در شمال ایران ایجاد شده است. سلسله بخش از علمای اهل تسنن در ترکمن صحرای ایران به سلسله علمای اهل تصوف در آسیای میانه و نهایتاً داغستان روسیه پیوند می خورد. اهل سنت شمال ایران، مانند مردم آسیای مرکزی، حنفی مذهب هستند و در گذشته ارتباط تنگاتنگی با هم داشته اند. به هر حال برای جمهوری اسلامی ایران، این پدیده، در رابطه با سیاستگذاری نسبت به منطقه و بویژه با ترکمنستان استراتژیک و حائز اهمیت است.

 یادداشتها :

۱. ر.ک: شیرین آکیز، پیشین، ص ۳۴۰؛ همچنین ر.ک. اکبر تقوی، پیشین، ص ۱۹.
2. *Dvornik , f. The Making of Central and Eastern Europe, London, 1949.*
۳. دکتر میرالدین احمد، نهاد آموزش اسلامی، محمد حسین ساکت (مشهد: آستان قدس رضوی) ۱۳۶۸، ص ۱۱۰-۱۱۱.
۴. دکتر صفر عبدالله، فرهنگ ایرانی در قزاقستان (سفارت جمهوری اسلامی ایران در قزاقستان، آلماتی، ۱۳۷۴).
۵. همان.
۶. جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، (تهران: امیرکبیر ۱۳۵۶) ص ۵-۲۷.
۷. علی اکبر ولایتی، پیشین.
۸. گزارش وزیر فرهنگ قزاقستان در افتتاحیه نمایشگاه فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قزاقستان، دی ماه ۱۳۷۴ ه.ش، سفارت جمهوری اسلامی ایران - آلماتی.
۹. ر.ک: مصطفی رحیمی، پیشین.
۱۰. ر.ک: نوراحمد بابا، اضطراهای به ارث رسیده و چشم اندازهای ثبات و توسعه

در آسیای مرکزی، دفتر مطالعات سیاسی وزارت خارجه ۱۳۷۳.

11. *Robert Conquest, The Last Empire, Nationality and the Soviet future (Stanford : Hoover Institution Press, 1986).*

12. *Richard Little, Governing the Soviet Union (New York : Longman, 1989) PP, 237-932.*

۱۳. سیدمحمدکاظم سجادپور، «گستگی هویت در جمهوری‌های...»، مجله

مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال چهارم، ش ۹، بهار ۱۳۷۴.

۱۴. عوض اف، پژوهشهای چاپ نشده راجع به آبی شناسی، آلماتا، ۱۹۸۸م، ص

۲۳۸، (به زبان روسی).

۱۵. ر.ک: نگاهی به زندگی و آثار آبی، دکتر صفربدالله و فرزانه خجندی،

(تهران: انتشارات سروش ۱۳۷۴).

۱۶. گزارش وزیر فرهنگ قزاقستان در افتتاحیه نمایشگاه فرهنگی جمهوری

اسلامی ایران در آلماتا، پیشین.

۱۷. ر.ک: مناس، نامعلوم (تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی ۱۳۷۴).

و همچنین به: شریف شکروف، مسائل اوراسیایی در پرتو اندیشه‌های

«گومیلیوف» نشریه چراغ روز، مسکو، ش ۱. سال ۱۹۹۶م.

۱۸. ر.ک به: سیدحسن فصاحت، ترجمه بدرالزمان شهبازی، مجله مطالعات

آسیای مرکزی و قفقاز، (تهران: دفتر مطالعات بین‌المللی وزارت خارجه،

تابستان ۱۳۷۳ هـ ش) ش ۵، ص ۱۴۴.

۱۹. ر.ک: الکساندر بنیگسن، مسلمانان شوروی؛ گذشته، حال، آینده (تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰).

20. *Daghestani and Amerah, Muslims in the Former Soviet Union, Amman: Center for International Studies, royal Scintific Society, 1992 PP.7 - 21.*

۲۱. ر.ک: زیگینو برژینسکی، شکست بزرگ، (تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۱) ص ۱۲۱.

۲۲. اسکندر دلد، اسلام در شوروی، تهران، مرکز فرهنگی - هنری اقبال لاهوری، ۱۳۶۷ ه.ش، ص ۶۷-۷۸.

۲۳. همان، ص ۷۹-۸۹.

۲۴. شیرین آکیز، پیشین، ص ۳۵۸.

۲۵. ر.ک: مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال اول ص ۳، ۱۳۷۱ ه.ش، ص ۲۹۸.

۲۶. شیرین آکیز، پیشین ۳۵۹.

۲۷. ر.ک: نگاهی به ترکستان. (قزاقستان، وزارت فرهنگ جمهوری قزاقستان، ۱۹۹۵).

۲۸. رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قزاقستان، اخبار فرهنگی قزاقستان (قزاقستان، آلماتی، سفارت جمهوری اسلامی ایران) ش ۲۳، سال ۱۳۷۵ ه.ش.

۲۹. زیگینو برژینسکی، پیشین، ص ۱۲۱.

30. *Ahmad hassan Dani, New Light on Central Asia, (Lahor: Song - e - Meel Publicatians, 1993.*

۳۱. رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قزاقستان، بولتن اخبار فرهنگی (آلمان)، سفارت جمهوری اسلامی ایران در قزاقستان) ش ۱۵ و ۱۶ سال ۱۳۷۵ ه.ش.

۳۲. ر.ک: اوکاموتو، «آسیای میانه، اسلام» مجله یومیوری، ژاپن، ۱۹۹۱/۳/۶، به زبان ژاپنی، بانک اطلاعات اداره کل مطبوعات خارجی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۳۳. منیژه تراب زاده و...، ماهیت تحولات در آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی ۱۳۷۳.

۳۴. گزارش مصاحبه رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در ترکمنستان، بایگانی رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در ترکمنستان، آذر ماه ۱۳۷۴ ه.ش.

۳۵. روزنامه ایران، دوشنبه اول اسفند ۱۳۷۳ ه.ش.

۳۶. شیرین آکیز، پیشین، ص ۴۴۸.

۳۷. ذکر این نکته لازم است که این کردهای مرزنشین در دوره صفویه (ظاهراً شاه عباس) از کردستان به نواحی مرزی خراسان مهاجرت داده شدند تا نگهبان مرزها و سرزمینهای تازه فتح شده باشند.

۳۸. ر.ک: مهدی سنایی، ایرانیان آسیای مرکزی (سفارت جمهوری اسلامی ایران

- در قزاقستان، دی ماه ۱۳۷۴ ه.ش).
۳۹. «تاجیکان» تاجیکان در مسیر تاریخ، گردآوری میرزا شکورزاده، ص ۳-۶ به نقل از دائرة المعارف اسلامی.
۴۰. همان منبع، ص ۷.
۴۱. ر.ک: سعید نفیسی، «سرزمین پاک نیاکانم»، تاجیکان در مسیر تاریخ، گردآوری میرزا شکورزاده، ص ۹-۱۲.
۴۲. ر.ک.به: صدرالدین عینی، «معانی کلمه تاجیک»، مجله صدای شرق، شماره ۸، سال ۱۹۹۵م چاپ دوشنبه.
- و همچنین ر.ک: احمد بشیری، تاجیک‌ها و جشن نوروز، مجله گزارش، فروردین ۱۳۷۶ ه.ش.
۴۳. تاجیکان در مسیر تاریخ، ص ۴۸-۶۰.
۴۴. همان منبع، ص ۴۵.
۴۵. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۷۵ ه.ش، ش ۴۸۸۹، ص ۱۱.
۴۶. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، آشنایی با جمهوری‌های مستقل آسیای میانه و قفقاز، (تهران ۱۳۷۱ ه.ش) ص ۵۱.
۴۷. مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال سوم، ش ۶، ص ۱۷۶.
۴۸. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۷۵ ه.ش، ش ۴۸۹۳.
۴۹. مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال اول، ش.ا، ص ۱۶.
۵۰. محمد جان شکوراف، خلا معنوی در تاجیکستان و رسالت تاریخی ایران،

مجله آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۱۶، زمستان ۱۳۷۵ ه.ش.

۵۱. همان منبع، سال چهارم، شماره ۱۱، پاییز ۱۳۷۴، ص ۷-۱۳.

۵۲. مجله چشم‌انداز، ش ۱، معاونت بین‌الملل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۱۳۷۳.

۵۳. مجله صفحه اول، ش ۲۱، ص ۶۰.

۵۴. ر.ک: جلیل روشندل، «نقش پان‌ترکیسم در همگرایی منطقه‌ای»، مجله
مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۱۶ زمستان ۱۳۷۵ ه.ش.



فصل دوم

« علایق اقتصادی »

وضعیت اقتصادی جمهوری‌ها

وضعیت اقتصادی جمهوری‌ها

صرف نظر از قضاوت در زمینه نتایج سلطه روس‌ها بر آسیای مرکزی، در مورد اقتصاد آسیای مرکزی با این واقعیت مواجهیم که فروپاشی شوروی مشکلات فراوانی برای جمهوری‌های آسیای مرکزی ایجاد نموده است. اقتصاد جمهوری‌های شوروی سابق اقتصادی به هم وابسته بود که هر بخش آن بخش‌های دیگر در سایر جمهوری‌ها را تکمیل می‌کند. این واقعیت به این دلیل است که اولاً اتحاد شوروی در مجموع کشور واحدی بوده و جمهوری‌های مختلف استانهای آن بوده‌اند، به گونه‌ای که هیچ یک مستقلاً قادر به تأمین همه اقلام مورد نیاز خود نبوده‌اند. ثانیاً بر اساس برنامه اقتصادی دولت اتحاد شوروی کارخانجات و بخش‌های مختلف اقتصادی میان جمهوری‌های مختلف تقسیم شد و هر جمهوری نیازهای مختلفش را با مبادله با سایر جمهوری‌ها مرتفع می‌کرده است. البته این تقسیمات نیز عادلانه نبوده و هر چه از طرف شمال به جنوب می‌آیم سطوح اقتصاد، تکنولوژی و تکنیک پائین می‌آید. چنین به نظر می‌آید که هر چه به طرف شمال می‌رویم صنایع و کارخانجات فراوانترند و هر چه به جنوب می‌آیم بیشتر تأمین منابع خام و مواد اولیه مطرح است.

این به هم پیوستگی اقتصادی با فروپاشی شوروی موجب مشکلات فراوانی برای جمهوری‌های آسیای مرکزی شد. فروپاشی شوروی چنان تأثیر قاطعی بر هر یک از جمهوری‌ها گذاشت که این جمهوری‌ها مجبور شدند به صورت جدی به درون روی بیاورند، اما قطع صادرات کالا از جمهوری‌ها به همدیگر و بویژه قطع صادرات کالاهای صنعتی از جمهوری‌های شمالی به آسیای مرکزی موجب بحران شدیدی در روند اقتصادی این جمهوری‌ها شد.

با فروپاشی شوروی، آسیای مرکزی با تورم شدید اقتصادی و فقر لجام گسیخته‌ای مواجه شد که توانایی مردم را برای تأمین نیازهای روزمره آنها از بین برد. در واقع پس از فروپاشی، ماشین اقتصاد جمهوری‌های شوروی که هر بخشی از آن نقش خاصی را ایفا می‌نمود از کار افتاد و بخش‌های متفاوت آن نتوانستند وظایف خود را به درستی انجام دهند. این ناهماهنگی و در نتیجه توقف چرخهای اقتصاد موجب مشکلات فراوانی در صحنه اقتصاد جامعه شد. قیمت روبل که در زمان تعادل حکومت گورباچف ده روبل در مقابل یک دلار آمریکا بود، پس از فروپاشی به چهار تا پنج هزار روبل در مقابل یک دلار رسیده است. قیمت روبل در برخی جمهوری‌ها و در موارد استثنایی به بیش از ۳۰ هزار روبل در مقابل یک دلار رسید. هم اکنون نیز که این جمهوری‌ها دارای واحد پول مستقل هستند (قزاقستان: تنگه، ترکمنستان: منات، قرقیزستان: سوم، ازبکستان: سومکه و تاجیکستان: روبل تاجیکی) نیز با تورم روزافزون اقتصادی دست به گریبانند.

اقتصاد جمهوری‌های آسیای مرکزی هم اکنون و پس از فروپاشی شوروی، اقتصادی از هم پاشیده است و در رکود بسیار شدیدی به سر می‌برد. نرسیدن اقلام مورد نیاز کارخانجات از روسیه و دیگر جمهوری‌ها موجب تعطیلی بسیاری از کارخانجات شده است. هم اکنون در بسیاری از مناطق جمهوری‌های آسیای مرکزی، - به عنوان نمونه - ماشینهای کشاورزی در سالخوزها و کالخوزها به دلیل نداشتن قطعات یدکی بلااستفاده مانده است.

علی‌رغم وضعیت اسفبار فعلی جمهوری‌های آسیای مرکزی، این جمهوری‌ها از توانهای قوی نیز برخوردارند. در هر یک از این جمهوری‌ها کارخانجات متعددی وجود دارد که اقلام مختلفی را به تولید می‌رسانده است. در هر یک از این جمهوری‌ها تعدادی از اقلام صنعتی نیز تولید می‌شود. این کارخانجات در دو جمهوری قزاقستان و ازبکستان قابل توجه‌تر است. به عنوان نمونه در ازبکستان کارخانه تولید هواپیما و در قزاقستان کارخانجات متعدد، از جمله کارخانه‌های ذوب آهن و فولاد وجود دارد. این گونه کارخانجات و تأسیسات ساختارهایی است که در صورت بازسازی می‌تواند در جهت رشد و توسعه اقتصادی این جمهوری‌ها به کار آید.

منابع طبیعی جمهوری‌های آسیای مرکزی

منابع و ذخایر زیرزمینی، بزرگترین عامل در آینده اقتصادی این جمهوری‌هاست. این جمهوری‌ها سرشار از ذخایر و منابع عظیم و قیمتی هستند که می‌تواند در جهت رشد و توسعه آنها نقش بزرگی ایفا نماید. با فروپاشی اتحاد شوروی، این جمهوری‌ها درصدد هستند که با استفاده از منابع و ذخایری که در خاک هر یک از این کشورها وجود دارد وضعیت اقتصادی خود را بهبود بخشند. بی‌تردید برای رسیدن به توسعه اقتصادی، بهره‌برداری از منابع خام این جمهوری‌ها نزدیکترین راه به نظر می‌رسد. به همین دلیل رهبران این جمهوری‌ها با استفاده از همه امکانات داخلی و با دعوت از طرفهای خارجی اقدامات عاجلی را جهت استخراج و بهره‌برداری از منابع خود در پیش گرفته‌اند. این جمهوری‌ها دارای منابع و ذخایر سرشار زیرزمینی هستند که در بسیاری مناطق هنوز دست نخورده باقی مانده است.

در دوره قبل از فروپاشی بخشهایی از منابع طبیعی این جمهوری‌ها استخراج می‌شده است و این جمهوری‌ها بیشتر نقش تولید کننده را داشته‌اند تا مصرف کننده منابع و مواد اولیه، و مصرف کننده اصلی این منابع جمهوری‌های شمالی و بویژه روسیه بوده است.

در اینجا به بررسی مختصر منابع طبیعی هر یک از جمهوری‌ها می‌پردازیم:

قزاقستان

قزاقستان از جهت برخورداری از ذخایر و منابع در میان جمهوری‌های آسیای مرکزی در رتبه اول قرار دارد. این جمهوری دارای ذخایر عظیم تنگستن، کروم، روی، نقره، مس، سرب و اورانیوم است. این جمهوری پهناور و نوپا از قوای تولید نفت و گاز بالایی برخوردار است و علاوه بر اکتشافات قبلی اخیراً (در سال ۱۹۹۳ م.) طی قراردادی با شرکت نفت شورون شروع به یک سلسله عملیات اکتشافی مدرن نمود و در منتهای شمال شرقی دریای خزر موفق به کشف بزرگترین میدان نفتی قزاقستان به نام «تنگیز» شد. ۱

طبق اظهارنظر کارشناسان شرکت شورون ذخیره این میدان حدود ۲۵ میلیارد بشکه نفت است. این کارشناسان معتقدند با اکتشافات توسعه‌ای بعدی شاید این میدان بزرگترین حوزه نفتی دنیا باشد.

همچنین در منطقه «منگیشلاق» (شمال شرقی دریای خزر) نیز میدان عظیم گازی «شاخپاخت» با ذخیره حدود ۳۰۰ میلیارد مترمکعب قرار دارد. قزاقستان در سال ۱۳۷۲ ه.ش، از جهت استخراج نفت مقام بیست و چهارم را در جهان به خود اختصاص داد. نفت استخراج شده ۵/۹٪ کل نفت استخراج شده کشورهای مشترک‌المنافع بود. تولید نفت این کشور در سال ۱۳۷۲ ه.ش نزدیک به ۲۳ میلیون تن بوده است. تولید گاز در همین سال برابر با ۶/۷ میلیارد مترمکعب و تولید زغال ۱۱۹/۱ میلیون تن بوده است. معادن نفتی مهم «اوزن» ۴۸٪، «ژتیبای» ۳۵٪ و «کالامکاس» ۳۱٪ از جهت استخراج نفت در قزاقستان نقش مهمی ایفا می‌نمایند. در حال حاضر ۸۶٪ نفت استخراج شده به دوازده معدن

مهم از جمله «تنگیز»، «کارالوسکای» و «کاراچاگاناک» تعلق دارد. قزاقستان معادن نفتی مهمی نیز در ناحیه دریای خزر دارد که ظرفیت بالقوه آنها نزدیک به ۴ میلیارد تن تخمین زده می‌شود.

ذخایر طبیعی گاز جمهوری قزاقستان در ۸۳ معدن متمرکز شده است. این کشور ۵/۷ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی استخراج می‌کند. از این مقدار ۴/۵ میلیارد مترمکعب آن با لوله‌های موجود در داخل کشور توزیع می‌شود. در عین حال مصرف گاز در این جمهوری بسیار بیشتر از تولید آن است و این کشور از روسیه، ازبکستان و ترکمنستان نیز گاز وارد می‌نماید.

قزاقستان از نظر منابع زغال‌سنگ، کروم و مس نیز بسیار غنی است. این جمهوری، براساس آمارهای سال ۱۳۶۹ ه.ش، حدوداً ۹۴٪ کروم و ۵۰٪ زغال‌سنگ کل اتحاد شوروی را تأمین می‌کرده است.

به این صورت قزاقستان نقش برجسته‌ای در میان جمهوری‌های مشترک‌المنافع و جایگاه قابل توجهی در کل جهان به خود اختصاص داده است. در قزاقستان نظریه «سیاست مواد خام جمهوری تا سال ۲۰۱۰م» مطرح است. در این نظریه بر لزوم افزایش استخراج نفت و گاز تا سطح سالانه ۶۵-۷۰ میلیون تن تأکید شده است. منابع موجود قابلیت افزایش تا این اندازه را دارند، در حالی که منابع جدید نیز جستجو می‌شوند.

ترکمنستان

ترکمنستان نیز از جهت برخورداری از منابع مقام ویژه‌ای دارد. این کشور دارای نفت و گاز بسیاری است. ذخایر گاز جمهوری ترکمنستان حدوداً ۸/۱

تریلیون مترمکعب تخمین زده شده است. این جمهوری در حال حاضر گاز تولید شده خود را به مصرف نیروگاههای حرارتی می‌رساند و ۲/۳٪ تولید باقیمانده را نیز صادر می‌نماید. ذخایر نفتی ترکمنستان بالغ بر ۷۰۰ میلیون تن تخمین زده شده است که از این میزان ۱۰۰ میلیون تن به مرحله اکتشاف رسیده است. تولید گاز ترکمنستان حدود ۷/۷ میلیارد فوت مکعب و حدود ۱۰۰ هزار بشکه نفت در روز می‌باشد. این جمهوری یک برنامه مدرن ۲۵ ساله برای اکتشاف، تولید، تصفیه و انتقال نفت و گاز خود تهیه نموده است. براساس این طرح می‌باید ۵۶۰ هزار بشکه نفت در روز و ۱۲/۶ میلیارد فوت مکعب گاز در روز در سال ۲۰۰۰ تولید شود. این طرح براساس مطالعات زمین‌شناسی بالغ بر ۳۰۰۰ حلقه چاه اکتشافی و تحلیل اطلاعات بیش از ۲۴۵۰ چاه تولیدی پایه‌گذاری شده است. حوضه آمودریا با نفت قابل استحصال قطعی بالغ بر ۱۵۰ میلیون بشکه با پیگیریهای جدید می‌تواند به بیشتر از این نایل شود.

از حوزه دریای خزر نیز کارشناسان انتظار تولید روزانه ۵۶۰ هزار بشکه در سال ۲۰۰۰ را دارند. شرکت‌های غربی مصمم‌اند که توان تولید این جمهوری را حداقل به ۲۰۰ هزار بشکه نفت در روز برسانند که ۱۰۰ هزار بشکه آن صادر خواهد شد.

ترکمنستان در عین حال در اقتصاد خویش بر بخش کشاورزی نیز متکی است. پنبه محصول عمده‌ای است که ۶۰٪ کل تولیدات کشاورزی ترکمنستان را شامل می‌شود و بیش از ۵۰٪ زمینهای کشاورزی به این محصول اختصاص

دارد. ترکمنستان همچنین دارای ذخایر عظیم ید - برومین، سدیم و انواع مختلف نمک است. این کشور از جهت ذخایر نمک احتمالاً مقام اول را در سطح جهان کسب نمود. نمک این جمهوری متعلق به کویر پهناور «قره قروم» است که بخش‌های زیادی از این جمهوری را پوشیده است.

ازبکستان

- تولید اصلی ازبکستان پنبه است. این جمهوری را کشور طلای سفید می‌گویند. این کشور دارای ذخایر نقره، مس، روی، تنگستن و اورانیوم نیز می‌باشد. این جمهوری همچنین دارای ذخایر عظیم گاز است که تولید سالانه این کشور را بر ۴۰ میلیارد مترمکعب بالغ می‌گرداند. دو حوزه بزرگ در این کشور وجود دارد:

۱. حوضه فرغانه: فوران یک چاه در آوریل ۱۹۹۲م/ فروردین ۱۳۷۱ ه.ش در دره فرغانه موجب توجه زیادی به اکتشاف نفت و گاز در این جمهوری شد. این چاه که در نزدیک رودخانه سیر دریا قرار دارد روزانه حدود ۲۰ هزار مترمکعب نفت فوران داشت (معادل ۱۴۶۰۰۰ بشکه نفت در روز). متأسفانه این چاه دچار حریق شد و خسارات زیادی به مخزن وارد گردید و پس از حدود ۶ ماه با کمک متخصصین غربی خاموش شد. قبلاً در نزدیکی این چاه حدود ۱۰ میدان نفت و گاز نیز کشف شده بود. اولین چاه اکتشافی فرغانه که به نفت اقتصادی رسید در سال ۱۸۸۰م بود و اولین تولید رسمی به سال ۱۹۰۴م/ ۱۲۸۳ ه.ش از میدان چیمون می‌رسد.

۲. میادین گاز تجاری بخارا، خیوه: محاسبات اولیه، ذخایر مجموع این میادین را حدود ۷۵۰ میلیارد مترمکعب تخمین زده است که بزرگترین میدان گازی آن در منطقه «گاز لینک» است و حدود ۴۰۰ میلیارد مترمکعب ذخیره گازی دارد. در ازبکستان برنامه‌هایی پی‌ریزی شده است که مستلزم استخراج ۸ میلیون تن نفت در سال ۱۹۹۶م و ۱۰ میلیون تن در سال ۲۰۰۰م می‌باشد. در این زمینه فعالیتهای زمین‌شناسی بسیار شدت پیدا کرده است.

قرقیزستان

- قرقیزستان از جهت ذخایر و منابع در آسیای مرکزی از مرتبه چهارم برخوردار است. منابع نفت و گاز این کشور غنی نیست، اما دارای ذخایر زغال‌سنگ فراوان است و در کل آسیای مرکزی مقام اول را دارد. قرقیزستان همچنین دارای قابلیت انرژی هیدروالکتریک می‌باشد. قرقیزستان دارای ذخایر طلا، اورانیوم، سنگ سرمه و جیوه نیز هست. این جمهوری از نظر تولید سنگ سرمه مقام اول و از نظر تولید جیوه مقام دوم را در اتحاد شوروی دارا بوده است.

تاجیکستان

- تاجیکستان نیز دارای طیف وسیعی از مواد معدنی و فلزات کمیاب است. این کشور عمدتاً دارای تولیدات کشاورزی است. سرب، روی، تنگستن، سنگ سرمه، جیوه و طلا از جمله فلزاتی است که این جمهوری منابع متعددی از آنها را در خود جای داده است.

آسیای مرکزی دارای ذخایر و منابع عظیمی است که پس از استقلال این جمهوری‌ها و با پای گذاشتن متخصصین جهانی به این مناطق گستره عظیم این منابع روشن‌تر شده است. میزان ذخایر نفت جمهوری آسیای مرکزی در شوروی سابق در محاسبات کنونی چند برابر بیش از آمارهای قبلی برآورد شده است. این واقعیت باعث شده است که آسیای مرکزی با کشورهای حوزه خلیج فارس مقایسه شود و «کویت ساحل خزر» نامیده شود. ۲- پیش از این تصور می‌شد که چهار جمهوری مستقل آذربایجان، ترکمنستان، ازبکستان و قزاقستان مجموعاً سه میلیارد تن ذخیره نفتی دارند. میزان ذخایر این جمهوری‌ها اکنون سه برابر رقم مزبور برآورد شده است. ۳-

جمهوری‌های مستقل آسیای مرکزی با توجه به مشکلات فراوان اقتصادی به دنبال تسریع در بهره‌برداری از منابع خود و عرضه آن به بازارهای جهانی می‌باشند. این جمهوری‌ها به عقد قراردادهای متعدد با کشورهای غربی و سرمایه‌گذاران خارجی دست زده‌اند. جمهوری‌های آسیای مرکزی در ارتباط با اقتصاد خویش مواجه با دو پدیده هستند:

۱. این جمهوری‌ها با توجه به فروپاشی شوروی و از هم گسستن پیوندهای اقتصادی میان جمهوری‌ها و در داخل خود قادر به تأمین اقلام و کالاهای مورد نیاز مردم نیستند. این مشکل به اندازه‌ای جدی است که در بازارهای کنونی آسیای مرکزی، حضور کالاهای ساخت جمهوری‌ها به شدت کاهش یافته است و بازار مملو از مصنوعات خارجی است.

۲. این کشورها ذخایر عظیمی از نفت و گاز و دیگر منابع را دارا هستند، اما خود قدرت بهره‌برداری از آن را ندارند. این جمهوری‌ها به دلیل نیاز به استخراج، تولید و عرضه این منابع درصدد هستند که با جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی این هدف را عملی سازند.

هر دو واقعیت مذکور منجر به حضور گسترده شرکت‌ها، تجار و نمایندگان سیاسی کشورهای خارجی در آسیای مرکزی شده است. این جمهوری‌ها به دلیل فروپاشی و به علت نیازهای فوری درهای خود را به روی سرمایه‌گذاران خارجی باز نموده‌اند.

در طول چهار سال گذشته قراردادهای متعددی برای بهره‌برداری از منابع این جمهوری‌ها با سرمایه‌گذاران خارجی منعقد شده است. در اینجا به صورت خلاصه بخشی از این قراردادها مورد اشاره قرار می‌گیرد:

۱. قزاقستان: قزاقستان دارای بزرگترین سرمایه‌گذاریها در منطقه است. این جمهوری قراردادهای متعددی با شرکت‌های خارجی به امضا رسانده است. قزاقستان قراردادی با شرکت شورون آمریکا جهت توسعه میادین نفتی تنگیز امضا کرده است. این سرمایه‌گذاری ظرف ۳ تا ۵ سال آینده صورت خواهد گرفت و این شرکت در طول ۴۰ سال قرارداد حدود ۲۰ میلیارد دلار هزینه خواهد نمود. شرکت شورون قصد دارد ۱/۵ میلیارد دلار در زمینه توسعه مشترک مواد شیمیایی تنگیز سرمایه‌گذاری کند. علاوه بر این قزاقستان قراردادهای زیر را نیز به امضا رسانده است: ۴

- قرارداد با شرکت نفتی الف - آکتین فرانسه؛
- قرارداد احداث پالایشگاه جهت پردازش ۵۰۰/۰۰۰ تن نفت خام؛
- قرارداد توسعه منابع گاز طبیعی قره چگنک با شرکت بریتیش گاز؛
- قرارداد با شرکت ژاپنی میتسوبیشی جهت احداث یک پالایشگاه با ظرفیت ۱۲۰/۰۰۰ بشکه در روز در ساحل شمال شرقی خزر؛
- بانک جهانی با شرکت آدامز وارد قرارداد شده است تا میدان نفتی اوزن را ارزیابی کند. حدود ۲ میلیارد بشکه نفت در این میدان تولید شده است؛
- قرارداد سرمایه گذاری ۳۰۰ میلیون دلاری شرکت آمریکایی فیلیپ موريس در صنایع تنباکوی قزاقستان؛
- در قزاقستان تا به حال بیش از ۱۳۰۰ شرکت با سرمایه خارجی از جمله ۷۰ فعالیت اشتراکی مبتنی بر ۱۰۰٪ سرمایه خارجی ثبت شده است.
- شرکت های آجیب، بریتیش گاز، بریتیش پترولیوم، استات ایل، موبیل ایل، شل اکسپلوریشن و توتال در زمینه توسعه بخش متعلق به قزاقستان در دریای خزر آماده سرمایه گذاری شده اند. طبق برآورد انجام شده این ناحیه ۳/۵ میلیارد تن نفت و ۲۰۰۰ میلیارد مترمکعب گاز دارد. معادن طلای قزاقستان نیز توجه شرکت های استرالیایی، آمریکایی، کانادایی و فرانسوی را جلب نموده است.
- امریکا همچنین ۱ میلیون دلار برای توسعه معادن مس سرمایه گذاری خواهد نمود. یک طرح مشترک نیز توسط امریکا و ترکیه انجام خواهد شد که براساس آن یک نیروگاه گازی در اطراف آکتیوبینسک ساخته خواهد شد. این

طرح ۵۸۱ میلیون دلار هزینه در بر خواهد داشت. شرکت‌های غربی در صنایع سبک قزاقستان نیز سرمایه‌گذاری نموده‌اند. به عنوان مثال فیلیپ موریس یک کارخانه توتون در آلماتی خریده است.

در قزاقستان برنامه‌های مشترک فراوانی با همسایه بزرگ این کشور، چین، نیز طرح‌ریزی شده است. از ۱۰۰۰ سرمایه‌گذاری مشترک ثبت شده در قزاقستان تا پایان سال ۱۹۹۳م بیش از ۳۰۰ مورد آن با شرکای چینی بوده است. ۱۵۰ سرمایه‌گذاری مشترک با ترکیه نیز انجام می‌شود. امریکا از جهت تعداد طرح‌ها در رتبه سوم است، اما از جهت میزان مقام اول را دارد.

۲. ترکمنستان: دولت ترکمنستان در صدد مذاکره با طرفهای دیگر جهت احداث خط لوله جدید به منظور کم نمودن اتکای خط لوله روسیه است این جمهوری ۱۵ منطقه تجاری ایجاد نموده که در آن شرکتهایی از امریکا، ایتالیا، انگلستان، هلند، ترکیه و ایران شرکت داشته‌اند.

ترکمنستان یک قرارداد با شرکت ایتالیایی «تی.پی.ال» با مشارکت طرفهای محلی به امضا رسانده است که ذخایر «سووت آباد» را توسعه خواهند داد. ذخایر این میدان بالغ بر ۱/۳۷ میلیارد مترمکعب است. همچنین شرکت میتسوبیshi کارخانه پلی اتیلن در مجتمع تولیدات شیمیایی «سیدی» در شمال ترکمنستان احداث خواهد نمود. شرکت‌های «برایدز» از آرژانتین، «نوبل» از امریکا، «استپک ایترنشنال» از امارات و «لامارگ» از هلند قراردادهایی در زمینه اکتشاف نفت با دولت این کشور امضا نموده‌اند. تا اواخر ۱۹۹۳م تعداد ۲۴۳ سرمایه‌گذاری

مشترک در ترکمنستان به ثبت رسیده است. بانک اروپایی اعتباری برای ارتقای تجارت در ترکمنستان باز کرده است. این بانک وام ۲۵ میلیون دلاری با مدت ۲۵ سال به ترکمنستان اعطا نموده است. این وام جهت کمک به برنامه خصوصی سازی، نوسازی نظام بانکی و تغییر قوانین مالکیت اعطا شده است.

شرکت‌های ایتالیایی سرمایه‌گذاری‌های زیادی در تولید مواد مصرفی خوراکی در ترکمنستان نموده‌اند.

کشاورزی ترکمنستان نیز مورد حمایت و کمک شرکت‌های اروپایی لندن میلز از بریتانیا، رنگرو ازدانمارک، لوتی ازییتالیا و اگروپروگرس از آلمان قرار گرفته است.

۳. ازبکستان: برخی از شرکت‌های خارجی را جهت اکتشاف نفت، گاز و طلا جذب نموده است. براساس قراردادی سه شرکت (الف فرانسه، ماروبنی ژاپن و ساینوپک از چین) پالایشگاه نفتی با ظرفیت ۳۶/۵ میلیارد بشکه در سال تأسیس خواهند کرد. شرکت‌های ماروبدی و چیگورا نیز پالایشگاه دیگری با ظرفیت یک میلیون بشکه در روز با هزینه معادل ۱ میلیارد دلار در ۵۰ کیلومتری جنوب بخارا خواهند ساخت.

فرانسه با فراهم نمودن اعتبار تجاری در ساخت پالایشگاه جدید در بخارا شرکت می‌کند. شرکائی نیز از کشورهای در حال توسعه نظیر هند و ترکیه، در طرح‌های مهم در ازبکستان سرمایه‌گذاری نموده‌اند.

تا به حال بیش از ۹۰۰ سرمایه‌گذاری مشترک در ازبکستان ایجاد شده است.

اکثر شرکا، شرکت‌های چینی و ترک هستند. شرکت لوره‌ور بریتانیا و بانک جهانی با همکاری دو شرکت دولتی ازبک، توسعه استخراج طلای این جمهوری را به عهده گرفته‌اند. این طرح بیش از ۲۵۰ میلیون دلار هزینه در بر خواهد داشت.

با توجه به اینکه ازبکستان از جهت تولید پنبه دارای مقام چهارم در سطح جهان است، پنبه بیشترین جاذبه را برای سرمایه‌گذاری دارد. این کشور در زمینه بهره‌برداری این محصول با مشکلاتی مواجه است و در این راستا موافقت‌نامه‌ای با شرکت امریکایی استون ویل امضا کرده است. انجمن ازبک چیگروم سرمایه‌گذاری مشترکی با گروهی از تجار امریکایی برای تهیه الیاف با کیفیت عالی از پنبه ازبکستان انجام داده است. این سرمایه‌گذاری مشترک تولید سالانه ۸۰۰۰ تن پنبه را مورد نظر دارد. ازبکستان از سال ۱۹۹۲م عضو مرکز تجاری پنبه لیورپول است.

شرکای غربی در صنایع دستی نیز سرمایه‌گذاری می‌کنند. شرکت ازبکستان - ایوتون با سرمایه صددرصد بریتانیایی، ابزار و وسایل تلویزیون رنگی تولید می‌کند. مرسدس بنز و هوخست آلمان، سامسونگ و دئو نیز در طرح‌های بزرگ در ازبکستان شرکت می‌کنند. سازمان ملل برنامه ارتقای تجاری در ازبکستان را سازماندهی و سرمایه‌گذاری می‌کند. این برنامه آموزش و کار در شرکت‌های خارجی را برای مدتی فراهم می‌نماید.

در سال ۱۳۷۳ هـ ش قوانین اقتصادی ازبکستان به طور چشمگیری تغییر

یافت. بر اساس قوانین جدید تمام خارجی‌ها می‌توانند در این کشور اموال غیرمنقول را خریداری کنند. سرمایه‌گذاران خارجی از ۵ سال معافیت از مالیات بر درآمد ارزی برخوردارند و در فروش ارز به بانک مرکزی ازبکستان آزادند.

۴. قرقیزستان: مورد حمایت دولتهای خارجی و سازمانهای بین‌المللی است. برنامه‌های کمک فنی توسط ترکیه، ایالات متحده آمریکا، جامعه اقتصادی اروپا و ژاپن صورت می‌گیرد. بانک آسیا وام ۴۰ میلیون دلاری به قرقیزستان اعطا نموده است. کوهستانی بودن این کشور و شبکه ضعیف حمل و نقل در مناطق کوهستانی مانع فعالیت سرمایه‌گذاران خارجی می‌شود. علی‌رغم اینکه نفت قرقیزستان از کیفیت خوبی برخوردار نیست، شرکت «یو.اس. اکسپلوریشن» توافق‌نامه‌ای با شرکای محلی به منظور اکتشاف، راه‌اندازی، تولید و پالایش منابع نفتی قرقیزستان به امضا رسانده است. شرکت موریسون - نارسن آمریکا در زمینه بهره‌برداری از معادن طلا به قرقیزستان کمک خواهد نمود. مطالعات اولیه ۴۰ میلیون هزینه در برداشت. در عین حال شرکت کانادایی کامکو به توسعه معدن طلای کومنور خواهد پرداخت.

از میان ۷۵ سرمایه‌گذاری مشترک در قرقیزستان، شرکت‌های کوچک تجاری با شرکای چینی سلطه بیشتری دارند. شرکت‌های ترک در صنعت چرم و پشم سرمایه‌گذاری می‌کنند.

جنگ داخلی در تاجیکستان مانع سرمایه‌گذاری خارجی در این کشور شده و آینده اقتصادی این جمهوری همچون وضعیت سیاسی آن در ابهام است.

با توجه به آنچه گفته شد وضعیت اقتصادی جمهوری‌های آسیای مرکزی تا اندازه‌ای ترسیم شد. دیده شد که چگونه امروزه این منطقه جولانگاه شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی است. شرکت‌های غربی، ژاپنی، کره‌ای در طرح‌های با سرمایه‌انبوه در بخش‌های مواد معدنی، سوخت، پنبه و مهندسی نفوذ فراوان یافته‌اند. شرکت‌های ترک، چینی و هندی نیز در تجارت و چندین بخش از صنایع سبک موفقیت‌های چشمگیری به دست آورده‌اند. روسیه نیز به دلیل همکاری دیرینه با این کشورها هنوز نفوذ چشمگیری در این منطقه دارد، اما از نظر روابط تجاری و سرمایه‌گذاری، از بسیاری از کشورها در این رقابت عقب مانده است. سرمایه‌گذاران خارجی در آسیای مرکزی با دو مشکل عمده مواجه‌اند:

۱. در این جمهوری‌ها قوانین روشنی برای حمایت از سرمایه‌گذارهای خارجی و تضمین این گونه سرمایه‌گذارها وجود ندارد. نبود قوانین لازم، ابهام در قوانین موجود و تغییرات متوالی در این قوانین موجب شده است که بسیاری طرح‌ها و قراردادهای صرفاً بر روی کاغذ بمانند.

۲. سرمایه‌گذارهای عمده‌ای برای استخراج و تولید نفت و گاز در منطقه صورت گرفته است، اما مشکل عمده در این زمینه نبود خطوط لوله مناسب و مسیر توانزیت برای حمل است. هم اکنون این مشکل عمده، بخصوص سرمایه‌گذاری شرکت شورون امریکایی را در منطقه «تنگیز» قزاقستان با مشکل اساسی در زمینه حمل نفت مواجه نموده است.

با وجود سرمایه‌گذاریهای متعدد از جانب شرکت‌های غربی، در میان کشورهایی که دارای همکاری با جمهوری‌های آسیای مرکزی هستند کشورهای منطقه از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند؛ چین، ترکیه، ایران، پاکستان و هند از جمله کشورهایی هستند که همکاری‌های گسترده‌ای را با این جمهوری‌ها آغاز نموده‌اند.

جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری با امکانات عظیم اقتصادی و تجربیات فراوان، با موقعیت استراتژیک ویژه‌ای که در منطقه دارد می‌تواند در توسعه اقتصادی این جمهوری‌ها نقش عمده داشته باشد.

ایران می‌تواند از سویی کالاهای مصرفی مورد نیاز این جمهوری‌ها، از قبیل منسوجات، میوه‌جات و انواع کالاهای خوراکی و بعضاً صنعتی را به این جمهوری‌ها صادر نماید که این نقش هم اکنون تا حدودی ایفا می‌شود، و از سوی دیگر قادر است در استفاده بهتر از منابع و معادن و استخراج و تولید این منابع به آنها کمک نماید. همچنین جمهوری اسلامی با حلقه‌های ارتباطی خویش با شاهراه‌های بین‌المللی، می‌تواند پایه‌گذار اصلی ارتباط آسیای مرکزی با جهان خارج باشد.

علاقی اقتصادی موجود میان ایران و آسیای مرکزی در دو بخش «نیازهای ارتباطی» و «همکاری‌های اقتصادی» بررسی می‌شود.

● نیازهای ارتباطی

ایران به عنوان شاهراه ارتباطی جمهوری‌های آسیای مرکزی با دنیای خارج دارای اهمیت فراوانی است؛ این واقعیت ریشه در تاریخ دارد. جاده ابریشم، حلقه اتصال ایران و آسیای مرکزی در گذشته است. این جاده که در یک سوی آن ایران قرار دارد، از منطقه‌ای که اکنون در خاک قزاقستان جای گرفته است عبور می‌کند و به چین متصل می‌شود. از طریق این خط، ابریشم، طلا، نقره، انواع منسوجات و سنگهای قیمتی بین شرق و غرب عالم مبادله می‌شده است.

ایران از قدیم‌الایام مسیر تجاری و از شاهراههای اروپا با آسیا بوده است. واقعیت مذکور، ایران را به منطقه‌ای استراتژیک در سطح جهان و منطقه مبدل کرده است و در طول تاریخ آثار مثبت و منفی فراوانی برای ایران به بار آورده است؛ چنان که جنگهای متعدد و حملات مختلف به ایران از همین واقعیت ناشی شده است. در سده‌های اخیر، انگیزه رقابت انگلستان و روسیه که همیشه مشکلات عظیمی برای ما به همراه داشته است، تا حدود زیادی بر سر همین مسئله بوده است. روسیه هیچ‌گاه حاضر نشده است از ایران به عنوان راه اتصال آن کشور با شرق عالم و آبهای گرم چشم ببوشد. با مروری در تاریخ روشن می‌شود که بخش عمده معاهدات روسیه با ایران حاکی از اهمیت این مسئله برای همسایه شمالی است، چنان که فصل بیستم عهدنامه ۱۹۲۱م میان ایران و

روسیه به حمل و نقل کالا اختصاص یافته است. پس از آن در سال ۱۹۴۰ م شوروی طی معاهده‌ای حق حمل و نقل کالا از خاک ایران به مقصد هر کشور ثالث را به دست آورد. ۵ یکی از موارد سوءاستفاده از راه ایران دست‌اندازی متفقین، در طول جنگ جهانی دوم به خاک ایران بود. در این سالها متفقین برای بهره‌گیری از راههای مواصلاتی ایران این کشور را به اشغال خود درآوردند و ساز و برگ نظامی را از بنادر جنوب به مقصد شوروی روانه نمودند. در این سالها برای کشور ما جز نام «پل پیروزی» چیزی باقی نماند و ایران در زمان اشغال با مشکلات و مصائب متعددی دست به گریبان شد. در بحبویه جنگ عراق علیه ایران نیز به این مسئله توجه شده است. در تاریخ ۱۳۵۹/۹/۱۶ هـ ش قرارداد مربوط به حمل و نقل کالا با قید دو فوریت تقدیم مجلس شد. این قرارداد با استناد به ماده ۶ موافقت‌نامه بین دو کشور در ۱۳۳۶ هـ ش تنظیم شد و از تصویب گذشت.

ایران از لحاظ ژئوپلتیک (جغرافیای سیاسی) عمده‌ترین راه ارتباطی آسیای مرکزی و روسیه با خلیج فارس است و برای آسیای مرکزی آسانترین مسیر برای دستیابی به آبهای بین‌المللی به شمار می‌آید. در مورد جمهوری‌های آسیای مرکزی، ایران تنها راه حمل و نقل نیست؛ جمهوری‌های تاجیکستان، قرقیزستان و ازبکستان که با ایران مرز مشترک ندارند از طریق افغانستان و مثلاً پاکستان به دریا متصل می‌شوند و قزاقستان و ترکمنستان با قرار گرفتن در سواحل خزر می‌توانند از مسیر روسیه و از طریق راه آبی ولگا - دن به آبهای دریای سیاه

برسند. آنچه به راه ارتباطی ایران اهمیت بخشیده است، انحصار مسیر حمل و نقل کالا و محصولات آسیای مرکزی از طریق ایران نیست، بلکه در واقع بهره‌گیری از راههای ارتباطی ایران، متضمن مزایای مسلم اقتصادی برای این جمهوری‌هاست.، چنان که برای شوروی سابق همواره دستیابی به آبهای گرم جنوب برای احتراز از تنگناهای استراتژیک دریای سیاه، مدیترانه و بحر احمر و مسیر بسیار طولانی برای رسیدن به اقیانوس هند همواره یک آرمان بوده است. به طور خلاصه، در حال حاضر می‌توان ادعا نمود که ایران سهل‌ترین راه وصول آسیای مرکزی به آبهای آزاد است. این کار با متصل نمودن آسیای مرکزی از طریق یک شبکه حمل و نقل به خلیج فارس و دریای عمان صورت می‌گیرد.

پیش از بحث در زمینه خطوط ارتباطی جمهوری اسلامی ایران با آسیای مرکزی و تشریح موقعیت ژئواستراتژیک (سوق الجیشی) ایران نسبت به این منطقه، مناسب است که به عنوان مقدمه سخنی در مورد وضعیت نظام حمل و نقل فعلی در آسیای مرکزی و کل کشورهای مشترک‌المنافع گفته شود.

شبکه کامل و پیشرفته حمل و نقل شوروی سابق که شامل همه جمهوری‌ها و شهرها می‌شد، بنادر و مراکز اصلی اقتصادی را به یکدیگر وصل می‌کرد. با توجه به فروپاشی شوروی و از هم گسستن این مجموعه و به دلیل اینکه کشورهای آسیای مرکزی از نظر جغرافیایی بسته محسوب می‌شوند، جمهوری‌های مذکور به فکر انتخاب راههای بدیل افتاده‌اند. بزرگترین شبکه ارتباطی شوروی سابق راه آهن بود که با ۱۵۰/۰۰۰ کیلومتر کلیه نقاط شوروی، از

شرق به غرب و تقریباً نصف کره زمین را به هم متصل می‌کرد.

با فروپاشی شوروی، شبکه حمل و نقل به دلیل خدمت‌رسانی ناکافی با مشکلات بزرگی مواجه شده است، به صورتی که در برخی جمهوری‌های آسیای مرکزی (قزاقستان) در مقطع ۷۲-۱۳۶۹ ه. ش حجم حمل و نقل بار به نصف کاهش یافته است. ۶

مهمترین نگرانی کشورهای آسیای مرکزی درخصوص شبکه راه آهن CIS (جامعه کشورهای مشترک‌المنافع) مشکل فواصل و دسترسی به بنادر ترانزیتی و هزینه حمل و نقل بوده است.

برای کشورهای آسیای مرکزی سه دالان یا راه اصلی با استفاده از شبکه راه آهن اتحاد شوروی سابق وجود دارد. ۷

۱. راههایی که به بنادر خاور دور در فدراسیون روسیه منتهی می‌شود، مثل «ولادی وستگ» و «وناخودکا»؛

۲. دالانی که به بنادر شمال اروپا منتهی می‌شود مثل «سنت پترزبورگ» و «ریگا»؛

۳. دالانی که به بنادر دریای سیاه مثل «اودسا» و «سواستوپول» در اوکراین و «نوروسیسک» در فدراسیون روسیه متصل می‌شود.

برای جمهوری‌های آسیای مرکزی، دالان خط آهن به بنادر خاور دور شامل فواصل ۱۰/۰۰۰ تا ۱۱/۰۰۰ کیلومتر و تا بنادر اروپای شمالی ۸۰۰۰ تا ۹۰۰۰ و تا بنادر دریای سیاه ۶۰۰۰ تا ۷۰۰۰ کیلومتر می‌باشد.

- این مسیر بسیار طولانی است و با توجه به اینکه هدف آسیای مرکزی دسترسی به بندری است که مبدأ حمل و نقل دریایی باشد دسترسی به راههای حمل و نقل جایگزین در دست بررسی قرار دارد. علاوه بر این با توجه به هزینه‌های سنگین راه‌آهن برای این جمهوری‌ها اتکا به حمل و نقل جاده‌ای در حال افزایش است.

در شبکه حمل و نقل به ارث رسیده از اتحاد شوروی سابق در سه کشور قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان، خط لوله نیز نقش بسزایی ایفا می‌کنند. این خطوط همه به روسیه منتهی می‌شود.

کشورهای آسیای مرکزی از زمان اعلام استقلال خود در سال ۱۹۹۱ م. / ۱۳۷۰ ه. ش به مسئله جایگزین ترانزیت برای تجارت خارجی توجه بسیار کرده‌اند. در این رابطه برخی از مسیرهای حمل و نقل بالفعل و بالقوه تحت بررسی قرار گرفته‌اند و با کشورهای همسایه نیز گفتگوهای انجام شده است. مهمترین راههای مطرح شده بدین شرح است:

۱. راه‌آهن بین قاره‌ای شرق - غرب: این راه‌آهن از طریق بنادر پاسیفیک چین به شرق و از طریق استانبول در ترکیه و شهرهای اصلی اروپای غربی به غرب منتهی می‌شود. این دالان یک خط آهن مستقیم بین بنادر خاور دور و اروپای غربی ایجاد می‌کند که ۳۰۰۰ کیلومتر کوتاهتر از مسیر فعلی از طریق خط آهن سیبری است. همچنین این مسیر موجب می‌شود آسیای مرکزی یک چهار راه مواصلاتی بین دو مرکز اصلی تجارت جهانی باشد که یادآور جاده باستانی

ابریشم است. در حال حاضر شبکه راه آهن چین که بنادر اصلی خاور دور را به هم وصل می کند تا «اورمچی» در ۶۰ کیلومتری مرز قزاقستان امتداد دارد. با یک اتصال تقریباً کوتاه آسیای مرکزی از طریق راه آهن به بنادر پاسیفیک چین متصل می شود که فاصله کوتاهی از بنادر شرق دور روسیه است. خط آهن «دروزیبا» که از مرز قزاقستان چین شروع می شود از آسیای مرکزی به سوی غرب حرکت می کند و از کراسنودک (ترکمنستان) می گذرد. تحت شرایط عادی واگنها با عبور از دریای خزر به باکو می روند و از طریق راه آهن با گذر از قفقاز و ترکیه به بندر استانبول می رسند.

اکنون که در منطقه قفقاز مشکلاتی وجود دارد استفاده از این مسیر غیرممکن است، ولی با هماهنگی بین طرفهای ذی ربط مسیر جایگزین از طریق جمهوری اسلامی ایران فعالانه در حال توسعه است. این مسیر شامل ساخت یک خط راه آهن به طول هفتاد کیلومتر در ترکمنستان و خط دیگری به طول ۱۵۰ کیلومتر در ایران در منطقه تجن - سرخس می باشد که شبکه های خط آهن ایران و آسیای مرکزی را به هم متصل می کند. نتیجه اتصال این خط آهن به راه آهن ایران آن است که قطارهایی که از داخل مرز چین و از راه آهن «اورمچی» حرکت می کنند مسیر طولانی آسیای مرکزی را طی نموده از طریق ترکمنستان وارد سرخس ایران می شوند. اینک با احداث خط آهن ۱۵۰ کیلومتری یاد شده این قطارها می توانند مسیر خود را در خاک ایران تا مرز ترکیه و از آنجا تا بندر استانبول ادامه دهند. خلاصه موجود در این خط طولانی از طرف ترکمنستان با احداث خط آهن

کوتاهی با کمک مالی دیگر جمهوری‌ها پر و به مرز ایران متصل شد. احداث خط آهن در خاک ایران نیز به پایان رسیده و در اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۵ ه.ش با حضور بسیاری از رؤسای جمهوری منطقه افتتاح شده است.^۸

۲. مسیر ایران: جاده جنوبی ایران که به بندرعباس منتهی می‌شود با توجه به کوتاه بودن مسیر دسترسی آن به یک بندر امتیاز بزرگی محسوب می‌شود. در صورت اتصال این بندر به شبکه راه آهن یک شاهراه اصلی برای حمل و نقل بار آسیای مرکزی ایجاد می‌شود. نزدیکترین خط آهن به این بندر در ۳۰۰ کیلومتری قرار داشت که با تلاش فراوان مسئولین و دست‌اندرکاران امور راه آهن جمهوری اسلامی ایران این خط میان بافق - بندرعباس احداث شد و چندی پیش با حضور رؤسای جمهور ایران و ترکمنستان افتتاح شد. با افتتاح خط آهن سرخس - مشهد در اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۵ ه.ش قطارهای باربری و مسافربری از چین به مقصد بندرعباس و بالعکس حرکت می‌کنند. با تحقق یافتن این جاده طولانی امکانات حمل و نقل از طریق قطار و کشتی به هم ضمیمه شده و توانایی‌های فراوانی در زمینه حمل و نقل منطقه ایجاد شده است.

۳. مسیر پاکستان: جاده جنوبی به بندر کراچی پاکستان نیز فاصله ارتباط با یک بندر اصلی را، خصوصاً برای کشورهای جنوبی آسیای مرکزی و بخش‌های غربی آن، به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش می‌دهد. علاوه بر این جاده، یک خط آهن مهم نیز در ترمذ، در مرز بین ازبکستان و افغانستان، وجود دارد که دارای تسهیلاتی نظیر انبار است و می‌تواند یک مرکز حمل و نقل از طریق افغانستان

باشد. فاصله بین مرز تا کراچی حدود ۲۰۰ کیلومتر است و بین ترمذ و کابل جاده‌ای وجود دارد که باید بازسازی شود. راههای جایگزین دیگری نیز وجود دارند، مانند جاده «اوش» یا «نارین» در قرقیزستان که از شهر کاشغر در چین می‌گذرد و از مناطق کوهستانی به اسلام‌آباد یا کراچی منتهی می‌شود.

۴. راه افغانستان: دو مسیر جنوبی به ایران و پاکستان از سرزمین افغانستان می‌گذرد. یکی از این راهها از ترکمنستان عبور می‌کند که در آنجا خط آهن به کوشکا می‌رسد. یک شاهراه نیز کوشکا را به هرات متصل می‌کند و تا قندهار و کویته ادامه دارد و از آنجا به بندر کراچی منتهی می‌شود. علاوه بر این یک جاده بالقوه نیز از شاهراه هرات - قندهار از طریق فوات به زاهدان و بندرعباس در ایران منتهی می‌شود.

راه دیگر راه جایگزین از شهرهای شرقی ایران، زاهدان و مشهد، تا عشق‌آباد است. علی‌رغم اینکه این جاده از بیابانهای خشک و لم‌یزرع می‌گذرد هم اکنون در حال استفاده است.

از آنچه در مورد خطوط فعلی آسیای مرکزی در دوران اتحاد شوروی سابق و شبکه‌های محتمل جایگزین برای حمل کالا در آسیای مرکزی گفته شد روشن می‌شود که مسیر ایران در حال حاضر عملی‌ترین مسیر جاده‌ای مورد استفاده است.

با اتصال خط آهن بافق - بندرعباس و پایان کار احداث راه آهن مشهد - سرخس میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ترکمنستان ایران این خط آهن

را در خاک خود از سویی به بنادر خود در خلیج فارس و از سوی دیگر به غرب کشور امتداد می‌دهد که از آنجا نیز از طریق خطوط ترکیه به بندر استانبول منتهی می‌شود. پیش از ذکر نقاط اتصال ایران به آسیای مرکزی لازم است که اشاره مختصری به شبکه خطوط مواصلاتی و حمل و نقل در داخل خاک ایران و همچنین موقعیت بنادر ایران بنماییم.

شبکه حمل و نقل در جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران با توجه به موقعیت استراتژیک و وضعیت جاده‌های خود، در سالهای اخیر توسعه، بهسازی و گسترش خطوط مواصلاتی را یکی از اهداف استراتژیک خود قرار داده است. بر اساس آمار وزارت راه و ترابری، در سال ۱۳۷۱ هـ ش معادل ۴۷۷ کیلومتر آزاد راه، ۱۰۰۲ کیلومتر بزرگراه چهار خطه، ۴۲۱۵ کیلومتر راه اصلی عریض، ۱۴۲۳۶ کیلومتر راه اصلی معمولی، ۶۰۴۹ کیلومتر راه عریض، ۱۸۶۲۴ کیلومتر راه فرعی درجه یک، ۱۲۹۳۸ کیلومتر راه فرعی درجه دو، ۱۲۹۳۸ کیلومتر راه دسترسی آسفالتی و ۳۴۳۵۲ کیلومتر راه شنی در کشور وجود داشته است. طی سالهای اخیر بر حجم راههای مذکور افزوده شده است. به طور متوسط در حال حاضر سالانه ۱۴۰ میلیون تن کالا در کشور جابه‌جا می‌شود.^۸

بر اساس برنامه توسعه اول ظرفیت راه‌آهن ایران در پایان برنامه دوم می‌باید به ۱۰ میلیارد تن کیلومتر برسد. در پایان برنامه دوم این ظرفیت ۳۰ میلیارد تن - کیلومتر در نظر گرفته شده بود. با برنامه‌های جدید و با تکمیل احداث محورهای بافق - بندرعباس، چادرم‌لو - اردکان، باد - میند - بندرامام - اهواز از یک سو و احداث محورهای جدید مشهد - سرخس، تهران - اصفهان، کرمان - زاهدان - میرجاوه از سوی دیگر و بالاخره با بهینه‌سازی خطوط موجود، قدرت

حمل و نقل کشور به سه برابر افزایش می‌یابد.

در حال حاضر ایران در خلیج فارس، دریای عمان و دریای خزر دارای سواحل متعددی است. این بنادر از طریق راههای شوسه و راه‌آهن به هم متصل می‌شوند. با آغاز جنگ تحمیلی و بسته شدن بندر خرمشهر فعالیتهای زیادی برای توسعه دیگر بنادر در جنوب کشور صورت گرفت. بندرعباس و بندر چابهار بسیار توسعه یافتند و به صورت دو بندر مهم کشور درآمدند. طی سال ۱۳۷۳ هـ ش مجموعاً ۱۵۲۶۷۰۰۰ تن کالا از بنادر کشور وارد شده است. در بندرعباس دو اسکله بزرگ به نام اسکله شهید رجایی و اسکله شهید باهنر وجود دارد که هر یک دارای انبار و محوطه‌های بسیار بزرگی هستند. با تکمیل و توسعه این اسکله‌ها محوطه اسکله شهید رجایی به ۱۷۰۸۰۰۰ مترمربع و انبار آن ۱۷۳۰۰۰ مترمربع رسیده است. در محوطه اسکله شهید باهنر، ۶ سکوی تخلیه و بارگیری چند منظوره به ظرفیت ۷۵۰۰۰ تن، ۱۷ سکوی تخلیه و بارگیری عمومی به ظرفیت ۷۵۰۰۰ تن و ۲ سکوی تخلیه و بارگیری مایعات به ظرفیت ۷۰۰۰۰ تن وجود دارد.

در بندر امام خمینی (بندر شاپور سابق) مساحت محوطه انبارهای سر باز برابر ۱۰۹۸۰۷۹۰ مترمربع و انبارهای مسقف ۱۷۱۰۰۰ مترمربع است. در این بندر ۲۹ اسکله یا سکوی تخلیه و بارگیری کالاهای عمومی به ظرفیت ۳۰ هزار تا ۴۵ هزار تن، ۵ سکوی کانتینری، دو سکوی سیلوی غله، یک سکوی مخصوص پهلویی بارج، یک اسکله تخلیه و بارگیری مواد معدنی و دو

سکوی تخلیه و بارگیری خصوصی وجود دارد.

از دیگر بنادر مهم جنوب، بندر بوشهر با ظرفیت انبار مجموعاً ۴۶۶۰۰۰ تن با سکوهای تخلیه و بارگیری متعدد، بندر لنگه با ظرفیت سالانه ۲۵۰۰۰۰ تن، بندر جاسک با ظرفیت سالانه ۱۲۰۰۰۰ تن، بندر قشم با ظرفیت سالانه ۱۵۰۰۰۰ تن، بندر گناوه با ظرفیت سالانه ۱۰۰۰۰ تن و بندر دیلم با ظرفیت سالانه ۱۳۰۰۰۰ را نیز باید ذکر نمود.

بندر شهید بهشتی چابهار نیز یکی از بنادر مهم کشور و دارای محوطه انباری با ظرفیت ۳۶۸۰۰۰ تن و ۴ اسکله با ظرفیت ۱۵۰۰۰۰۰ تن است. ۱۰

جمهوری اسلامی ایران در شمال کشور نیز دارای بنادر مهم آستارا، انزلی، نوشهر و ترکمن می باشد. هر چند این بنادر با بنادر جنوب قابل مقایسه نیستند و در سالهای گذشته سهم این بنادر در کل تخلیه و بارگیری دریایی کشور ۳/۵٪ بوده است، لیکن با توجه به اهمیت منطقه و توافقات متعددی که به عمل آمده است این بنادر نیز فعال خواهند شد. از میان بنادر جمهوری اسلامی ایران بندر ترکمن در شمال و بندر خرمشهر و بندر امام خمینی در جنوب در حال حاضر به راه آهن متصل هستند. اخیراً با احداث راه آهن بافق - بندرعباس که بزرگترین طرح راه آهن بعد از انقلاب محسوب می شود، این بندر نیز به راه آهن متصل شد. سایر بنادر به خطوط مواصلاتی جاده متصل هستند. ۱۱

جمهوری اسلامی ایران به این طریق در داخل خاک خود خطوط مواصلاتی متعدد زمین و دریایی را از شمال و جنوب به هم متصل می نماید. در سالهای

اخیر و با ارتباط گسترده‌ای که با جمهوری‌های آسیای مرکزی ایجاد شده است، ایران در صدد احیای موقعیت حمل و نقل خویش برآمده و طرح‌های متعددی را در این راستا در داخل کشور به اجرا درآورده است. به صورت کلی وزارت راه و ترابری بهسازی جاده‌های اصلی آسفالت‌ه کشور را که دارای موقعیت ترانزیتی هستند مورد توجه بسیار قرار داده است. طرح راه‌اندازی قطار محلی اهواز - بندر ماهشهر، احداث، بازسازی و توسعه ساختمان ایستگاههای مسافربری قم، درود، اندیمشک، اهواز، ماهشهر، خرمشهر، دامغان، کاشان، قزوین، بهشهر، بندر گز و بندر ترکمن از جمله طرحهایی است که مورد بهره‌برداری قرار گرفته یا در آینده نزدیک مورد بهره‌برداری قرار خواهد گرفت. مرحله اول طرح توسعه و بازسازی ایستگاه راه‌آهن تهران با زیربنای ۵۰۰۰ مترمربع نیز از جمله این طرحهاست.

علاوه بر راه‌آهن بافق - بندرعباس و خط آهن مشهد - سرخس که مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند، از جمله طرحهایی که می‌تواند اثر بسیاری در گسترش خطوط آهن ایران و احیای موقعیت ترانزیتی آن داشته باشد می‌توان این موارد را ذکر نمود:

الف) دو خطه نمودن و برقی کردن راههای آهن بندر امام خمینی - تهران، تهران - تبریز، جلفا و تهران - مشهد؛

ب) ایجاد راه ارتباطی ۵۵۰ کیلومتری کرمان به زاهدان با یک ایستگاه عظیم راه‌آهن در پایانه جدید. بر اساس گفته وزیر راه و ترابری (تیرماه، ۱۳۷۶ه.ش) این

خط آهن تا ۳ سال دیگر مورد بهره‌برداری قرار خواهد گرفت؛

پ (راه ارتباطی ۱۵۰ کیلومتری میان شاهرود - گرگان و بندر ترکمن؛

ث (خطی در طول ساحلی خزر برای ارتباط تهران با آستارا در مرز شوروی؛

ج (طولانی‌ترین خط با ساختمان جدید که خط مستقیمی از شمال به جنوب

و بیش از هزار کیلومتر از مشهد تا زاهدان و چابهار در خلیج فارس است. این

طرح یادآور طرح کاپیتان ریتیچ روسی است. این طرح در ابتدای قرن مورد توجه

شوروی بود و جالب توجه است که در پیشنهادی که معاون وزیر خارجه

شوروی در تابستان ۱۹۸۷/م ۱۳۶۶ هـ از مسکو به تهران آورده بود نیز در نظر

گرفته شده بود. ۱۲

حالا با توجه به خطوط مواصلاتی داخلی به امکانات بالقوه حمل و نقل

کالا در ایران می‌پردازیم.

موقعیت مواصلاتی ایران

ایران، از دو طریق زمین و دریا، به آسیای مرکزی متصل است. از طریق زمین در دو استان مازندران و خراسان نزدیک به هزار کیلومتر مرز مشترک با ترکمنستان دارد و به همین دلیل این جمهوری دروازه ایران به آسیای مرکزی محسوب می‌شود. همچنین ایران از طریق دریای خزر که ترکمنستان و قزاقستان در دو سوی آن قرار دارند به آسیای مرکزی متصل می‌شود. جمهوری اسلامی ایران از طریق خطوط موجود راه‌آهن، دریایی و جاده‌ای که دارد و همچنین با پایان کار احداث طرح‌های متعدد دیگر می‌تواند امکانات عظیمی برای حمل و نقل کالا از آسیای مرکزی به مقصد اروپا و خلیج فارس و در دریای عمان و بالعکس ایجاد نماید.

در حال حاضر ایران از طریق خط آهن رازی به ترکیه و اروپا، از طریق خط آهن جلفا به آذربایجان، از طریق خط آهن میرجاوه به پاکستان، از طریق خط آهن سرخس (که در اردیبهشت ماه ۱۳۷۵ هـ ش گشایش یافت) به ترکمنستان و از طریق خط آهن منتهی به بندر ترکمن به دریای خزر می‌پیوندند. در عین حال از طریق خطوط راه‌آهن منتهی به بنادر خرمشهر، امام خمینی و بندرعباس به خلیج فارس و دریای عمان پیوند می‌خورد. به این صورت از طریق خط آهن بندرعباس - بافق و خرمشهر - بندر انزلی شبکه خط آهن پیوسته‌ای بوجود

آمده است.

ایران با آسیای مرکزی از طریق خطوط مختلف جاده، راه آهن و دریا متصل می شود. با بهره برداری از راه آهن بافق - بندرعباس و همچنین با افتتاح راه آهن مشهد - سرخس در آغاز سال ۱۳۷۵ ه ش ایران آسیای مرکزی را از سویی به خلیج فارس و دریای عمان و از سوی دیگر به ترکیه و اروپا متصل نموده است. یک طرح مهم دیگر در حال اجرا خط آهن کرمان - زاهدان است. با اجرای این طرح که ۵۷۵ کیلومتر طول دارد کرمان از طریق راه آهن موجود زاهدان - میرجاوه به دریای عمان و اقیانوس هند متصل می شود.

از طریق دریا نیز در شمال کشور، بنادر انزلی، نوشهر و ترکمن از موقعیت مناسبی برای حمل کالا به دو جمهوری ترکمنستان و قزاقستان که در ساحل خزر واقعند برخوردار است. بندر کراسنودسکی در ترکمنستان و بندر اوکتائو در قزاقستان از بنادر پیرامون این دریا هستند. در حوزه دریای خزر علاوه بر این بندر باکو در جمهوری آذربایجان و بنادر ماهاج قلعه و آستاراخان در روسیه نیز مورد توجه جمهوری اسلامی ایران می باشند. همه بنادر پیرامون دریای خزر بجز بنادر انزلی و نوشهر به خط آهن متصل هستند. بنابراین با ترکیب خطوط آهن و حمل و نقل دریایی، سطح بالایی از حمل و نقل در منطقه تحقق خواهد پذیرفت. انتقال کالا از بندر ترکمن از طریق راه آهن به بنادر جنوبی کشور صورت خواهد گرفت. طرح دیگری در دست اجرا ایجاد بندر دیگری در نزدیکی بندر ترکمن به نام بندر امیرآباد است.

در این بندر ظرفیت حمل و نقل دو میلیون تن کالا وجود دارد و این بندر به راه آهن متصل خواهد شد. بنابراین دو نقطه برای حمل و نقل ریلی مدنظر است: بندر ترکمن و بندر امیرآباد که با حمل و نقل دریایی ترکیب خواهند شد. دو نقطه دیگر هم سرخس و جلفاست که حمل و نقل ریلی در این دو نقطه انجام خواهد شد؛ ولی نه از طریق دریا بلکه از طریق خشکی. در زمینه حمل و نقل کالا از آسیای مرکزی به جانب خلیج فارس و دریای عمان، از میان بنادر جنوب کشور دو بندر بزرگ شهید رجایی و امام خمینی نقش اساسی خواهند داشت. این دو بندر مهمترین و بزرگترین بنادر حوزه خلیج فارس هستند. در جنوب کشور بندر خرمشهر و بندر امام خمینی متصل به راه آهن است و بندر شهید رجایی و بندر شهید باهنر نیز اخیراً به خطوط آهن متصل شده‌اند.

در زمینه خطوط جاده‌ای، هم اکنون چهار نقطه مرزی زمینی ارتباط ایران را با ترکمنستان و از آن طریق با سایر جمهوری‌های آسیای مرکزی برقرار می‌نماید:

۱. باجگیران گودان در استان خراسان: این نقطه مرزی یکی از قدیمی ترین نقاط ارتباط با آسیای مرکزی بوده است و نزدیکترین نقطه به عشق آباد، پایتخت ترکمنستان، می باشد (فاصله عشق آباد تا این نقطه مرزی تقریباً ۴۵ کیلومتر است).

۲. لطف آباد - آرتیق در استان خراسان: در این نقطه گمرکی با امتداد راه آهن آرتیق به لطف آباد امکان تخلیه و بارگیری واگن در لطف آباد فراهم گردیده است.

۳. اینچه برون - گودری اولوم که به «مرزپل» معروف است در استان مازندران: این

نقطه برای عبور کامیون و تریلی مناسب است و هم اکنون حجم عظیمی از حمل و نقل از این طریق صورت می‌گیرد.

۴. نقطه مرزی سرخس: این نقطه مرزی در دی ماه ۱۳۷۴ هـ ش با ساختمان و تأسیسات عظیم گشایش یافت. از این نقطه برای عبور کامیون و واگن استفاده می‌شود و راه‌آهن مشهد - سرخس نیز از همین نقطه می‌گذرد. منطقه سرخس به صورت منطقه حراست شده گمرکی درآمده و سرمایه‌گذاریهای کلانی در زمینه ساخت انبار و مؤسسات بازرگانی و حمل و نقل مشترک در این منطقه صورت گرفته است.

در زمینه حمل و نقل هوایی میان ایران با جمهوری‌های آسیای مرکزی، آنچه تا به حال صورت گرفته است برنامه ارتباط هوایی تهران با مراکز این کشورهاست. در حال حاضر پروازهایی از تهران به پایتخت‌های کشورهای آسیای مرکزی برقرار شده است. نکته دیگری که مورد توجه است ارتباط مشهد با پایتخت‌های این جمهوری‌هاست. این ارتباط با بیشکک پایتخت قرقیزستان و شهر اُش و با پایتخت‌های قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان نیز برقرار است. پروازهایی نیز در هفته از عشق‌آباد به مقصد جزیره کیش و بالعکس صورت می‌گیرد.

موقعیت ترانزیتی ایران موجب شده است که کشورهای منطقه آسیای مرکزی از ابتدای استقلال توجه جدی به خطوط مواصلاتی ایران داشته باشند. مهمترین خط اتصال و شاهراه ارتباطی میان ایران و آسیای مرکزی خط آهن

مشهد - سرخس - تجن است که احیاءکننده جاده ابریشم به شمار می‌آید و ارتباط سراسری میان ایران، آسیای مرکزی، شمال شرق آسیا، کشورهای حاشیه خلیج فارس و اروپا را برقرار می‌کند.

احداث این خط آهن به دست متخصصین داخلی و افتتاح آن در اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۵ هـ ش با حضور یازده تن از رؤسای جمهور کشورهای منطقه (۱۸ ماه زودتر از موعد مقرر) نشانه توجه بسیار مسئولین امر در جمهوری اسلامی ایران به این خط آهن است. راه آهن مشهد - سرخس به طول ۱۶۷ کیلومتر در هفت قطعه، از ایستگاه فریمان در مسیر راه آهن مشهد - تهران به سمت سرخس جدا شده و با عبور از روی رودخانه مرزی تجن، وارد خاک جمهوری ترکمنستان می‌شود. احداث این خط آهن از سال ۱۳۷۱ هـ ش آغاز شد، حدود ۹۴ کیلومتر مسیر این خط از دشت، ۲۹ کیلومتر از تپه ماهور و ۴۲ کیلومتر آن از کوهستان می‌گذرد. در طول مسیر این خط آهن، هشت ایستگاه، ۲۷۰۰ متر پل و سه تونل به طول ۲۳۱۳، ۲۵۸۴، و ۱۰۱ متر وجود دارد. علاوه بر افزایش درآمدهای ارزی کشور از طریق ترانزیت متقابل کالاهای آسیای مرکزی با سایر کشورها، امکان دسترسی راه آهن ایران به کشورهای آسیای مرکزی و چین و ایجاد مسیر جدیدی برای حمل و نقل ریلی با روسیه، منطقه بالتیک و اروپا از اهداف طرح راه آهن مشهد - سرخس - تجن می‌باشد. با بهره‌گیری از این طرح مسیر ریلی کشورهای آسیای میانه و چین با اروپا حدود ۳ هزار کیلومتر نسبت به مسیر ترانزیت ریلی سیبری و همچنین فاصله میان چین و آسیای میانه با استانبول در ترکیه، در

مقایسه با راه آهن سیبری، حدود ۴۵۰۰ کیلومتر کاهش یافته که به این صورت دسترسی کشورهای آسیای مرکزی به بنادر آزاد بسیار آسانتر و از جهت زمان نیز بسیار سریعتر انجام می شود. با احداث خط آهن بافق - مشهد باز تأثیر طرح «راه آهن ابریشم» فراوانتر می شود. با احداث خط آهن مذکور که طرح ساخت آن در تیرماه ۱۳۷۶ ه. ش به تصویب هیئت دولت رسید، محور بافق - مشهد - سرخس جایگزین مسیر بندر امام خمینی و بندرعباس به تهران - مشهد - سرخس می شود و حدود ۹۰۰ کیلومتر از طول مسیر کاسته خواهد شد. طول مسیر اصلی خط آهن مذکور که طی ۸ سال می باید ساخته شود. ۷۷ کیلومتر و طول خطوط فرعی آن ۲۰۸ کیلومتر است. برای اجرای این طرح ۱۳۸ میلیارد تومان اعتبار در نظر گرفته شده است. ۱۳

بر همین اساس فاصله سرخس تا بندر امام خمینی ۱۹۷۰ کیلومتر، تا بندرعباس از طریق تهران ۲۴۰۰ کیلومتر، تا بندرعباس از طریق خط آهن بافق - مشهد (پس از احداث این خط آهن) ۱۵۱۰ کیلومتر و تا بندر لیان آنگ یانگ چین ۷۰۳۰ کیلومتر می باشد. فاصله تاشکند، مرکز جمهوری ازبکستان، تا بندر امام خمینی ۳۵۰۰ کیلومتر، تا بندرعباس ۳۹۷۰ کیلومتر است. فاصله آلماتی (قزاقستان) تا بندر امام ۴۰۳۰ کیلومتر، تا بندرعباس از طریق تهران ۴۴۹۰ کیلومتر و تا بندر مذکور در چین ۴۹۹۰ کیلومتر برآورد شده است.

با توجه به اهمیت مسیر ایران برای جمهوری های آسیای مرکزی، مسئله ارتباطات و ترانزیت از اهم مباحث مطروحه در ملاقات سران و مقامات

جمهوری‌های مذکور با مسئولین جمهوری اسلامی ایران بوده است. خط آهن مشهد - سرخس - تجن برای آسیای مرکزی چندان مهم است که «نورسلطان نظربایف»، رئیس‌جمهور قزاقستان، پیشنهاد کرد برای تکمیل این راه‌آهن در سوی ترکمنستان دیگر جمهوری‌های آسیای مرکزی نیز مساعدت نمایند. در مسافرت رئیس‌جمهوری ایران به آسیای مرکزی در سال ۱۳۷۲ ه‍.ش مسئله ارتباطات و ترانزیت کالا از اهم مباحث مورد مذاکره با رؤسای جمهوری منطقه بود. همچنین در اجلاس وزرای راه و ترابری اکو در آلماتی پیشنهاد احداث راه‌آهن بافق - مشهد طرح شد که در این صورت بدون ترانزیت کالا به تهران کشورهای آسیای مرکزی می‌توانند کالاهای خود را مستقیماً به بنادر جنوب بفرستند. در همین اجلاس تشکیل شرکت هواپیمایی و کشتیرانی اکو نیز مورد بحث قرار گرفت. گفتنی است که شرکت هواپیمایی اکو با مرکزیت تهران در دی ماه ۱۳۷۳ ه‍.ش تأسیس گردید.

افتتاح راه‌آهن مشهد - سرخس که «جاده ابریشم جدید» نامیده شد یک تحول بزرگ در دهه آخر قرن بیستم تلقی شد. در مراسم افتتاح این خط آهن، رؤسای جمهور ۱۲ کشور عضو پیمان همکاری اقتصادی (اکو) و منطقه قفقاز و جمعی از مقامات بلندپایه بیش از ۴۰ کشور حضور یافتند. حضور رؤسای جمهوری ۱۲ کشور در مراسم افتتاح خط آهنی که استانبول را از طریق جاده ابریشم قدیم به پکن وصل می‌کند مورد توجه همه محافل سیاسی و مطبوعاتی دنیا قرار گرفت. این خط آهن در مرحله نخست، سالیانه بین ۲ الی ۳ میلیون تن کالا را

جابه‌جا خواهد کرد که این مقدار تدریجاً به ۸ میلیون تن خواهد رسید. این خط همچنین قادر است در حال حاضر ۵۰۰ هزار نفر را جابه‌جا کند که در مرحله دوم به یک میلیون خواهد رسید.

راه تاریخی ابریشم، ۲۰۰ سال پیش از میلاد مسیح، چین و آسیای مرکزی را به اروپا متصل می‌کرد و از طریق این راه، کالاهایی همچون حریر و انواع ادویه‌ها و پشم، از چین و آسیا به اروپا صادر می‌شد و در مقابل طلا و نقره و انواع سرامیک از اروپا به آسیا وارد می‌شد. ایران در طول تاریخ، راه اصلی تردد میان غرب و شرق بود، ولی از ۵۰۰ سال پیش که اروپاییها به بهره‌برداری از راه آبی روی آوردند، راه ابریشم، متروکه شد و در قرون اخیر و پس از پایه‌ریزی نظام کمونیستی در اتحاد شوروی سابق، رابطه آسیای مرکزی با جهان خارج قطع شد. این خط آهن جدید، از یکسو امکان دستیابی جمهوری‌های شوروی سابق را به راههای آبی خلیج فارس فراهم می‌سازد و از سوی دیگر، اروپا و جنوب شرق آسیا را به یکدیگر پیوند می‌دهد. به این طریق نقش تاریخی ایران در اتصال سه قاره اروپا، آفریقا و آسیا به خوبی احیا می‌شود.

رؤسای جمهوری ۱۱ کشور منطقه (ازبکستان، آذربایجان، ترکیه، پاکستان، قرقیزستان، قزاقستان، افغانستان، تاجیکستان، ارمنستان، گرجستان و ترکمنستان) به هیچ وجه خوشحالی خود را از افتتاح این طرح پنهان نکردند. همزمان، رسانه‌های ارتباط جمعی این کشورها، گزارشهای گسترده‌ای از افتتاح این خط آهن و تأثیرات آن بر اقتصاد و ارتباطات منطقه ارائه نمودند. صفرمراد

نیازوف رئیس‌جمهوری ترکمنستان، گفت: «طرح مزبور یک واقعه بسیار عظیم است». سلیمان دمیرل، رئیس‌جمهوری ترکیه، در آن مراسم باشکوه اظهار داشت: «یک واقعه تاریخی اساطیری زنده شد. راه ابریشم فقط درباره یک مسیر نبود، بلکه در باره ملل مختلفی بود که به واسطه آن به هم نزدیک شدند». وی گفت: «واقعه، فقط این نیست که امروز یک خط آهن افتتاح شد، بلکه چند قاره و مردمش با هم مرتبط شدند». دو روز پیش از افتتاح این طرح، رؤسای جمهوری ایران و قزاقستان یک موافقت‌نامه مهم نفتی امضا کردند که بر اساس آن قزاقستان در یکی از بنادر دریای خزر نفت خام به ایران تحویل دهد و در مقابل، ایران همین مقدار نفت را در خلیج فارس در اختیار مشتریان قزاقستان بگذارد.

افتتاح این خط آهن، که با حضور ۷۰۰ خبرنگار داخلی و خارجی صورت گرفت انعکاس بسیار گسترده‌ای در رسانه‌های ارتباط جمعی دنیا یافت. در بسیاری از مقالات چاپ شده در این زمینه، علاوه بر بعد اقتصادی به جنبه سیاسی این موضوع نیز پرداخته شده. در این زمینه گفته شد: در حالی که امریکا با متهم ساختن ایران به حمایت از تروریسم بیهوده می‌کوشد اتحادیه اروپا و روسیه را به قطع همکاری با آن متقاعد کند. ایران نشان داد که به هیچ وجه در انزوا قرار نگرفته، راه ارتباط شرق با غرب است و به خوبی نقش منطقه‌ای خود را ایفا خواهد کرد.

اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی در زمینه انعکاس خبری این واقعه در مطبوعات خارجی ارزیابی جالبی دارد که در آن آمده است:

«منحنی تبلیغات مطبوعات خارجی، در حالی که از ابتدای سال میلادی ۱۹۹۶م، با نسبت تقریبی دو به یک منفی بوده است، در ماه می (اردیبهشت و خرداد) به علت موفقیت جمهوری اسلامی ایران در به ثمر رساندن این طرح عظیم ملی که در معاملات اقتصادی منطقه‌ای اثر چشمگیری خواهد گذاشت، به نسبت تقریبی دو به یک، مثبت گردیده است».^{۱۴}

موقعیت ترانزیت ایران و بهره‌برداری از راه‌آهن سراسری ایران - آسیای مرکزی موجب شده است که توجه بسیاری از کشورها در اروپا، خاور دور و آسیای جنوب شرقی نیز به ایران جلب شود. آلمان، فیلیپین، بنگلادش، هند و برخی از دیگر کشورها مذاکراتی با ایران در زمینه همکاری مشترک برای حمل کالا به آسیای مرکزی و بالعکس انجام داده‌اند. بدون تردید افتتاح راه‌آهن مشهد - سرخس - تجن موجب خواهد شد که احیای موقعیت ترانزیتی تاریخی ایران عینیت بیشتری بیابد و ایران به عنوان دروازه اروپا، خلیج فارس و خاور دور و آسیای جنوب شرقی به آسیای مرکزی شناخته شود.

بخش عظیمی از نیازهای ارتباطی آسیای مرکزی به ایران به استفاده از مسیر ایران برای حمل نفت و گاز این جمهوری‌ها برمی‌گردد. یکی از مسائل بسیار ضروری برای این جمهوری‌ها یافتن راهی برای صادرات نفت و گاز این منطقه است. هم اکنون مسیر ایران به عنوان یکی از اصلی‌ترین راهها مطرح است. این مبحث به صورت مشروح در بخش «همکاری‌های اقتصادی» خواهد آمد.

نیازهای ارتباطی ایران و آسیای مرکزی دوطرفه و متقابل است. با استقلال

جمهوری‌های آسیای مرکزی ایران راه آسیای مرکزی به روسیه و از آن طریق به اروپا را به عنوان یک راه اصلی در حمل و نقل کالاهای خود مدنظر قرار داده است. قبل از این ایران از طریق ترکیه، به صورت زمینی با اروپا متصل بود. هر چند راههای مواصلاتی موجود در آسیای میانه هنوز چندان مطلوب نیست، اما وجود این شبکه ارتباطی با اروپای شرقی راه انتخاب را برای ایران باز نموده است. همچنین، راههای آبی قابل کشتیرانی متصل به دریای خزر زمینه‌هایی است که می‌تواند در آینده در سیاستهای مربوط به حمل و نقل کالا در جمهوری اسلامی ایران اهمیت یابد. دو راه ارتباطی قابل کشتیرانی متصل به دریای خزر عبارتند از: ۱۵

الف) آبراه ولگا - بالتیک: که از محل سرچشمه خود تا مصب آن در دریای خزر حدود ۳۶۰۰ کیلومتر طول دارد و ۸۵٪ آب دریای خزر را تأمین می‌نماید.

ب) آبراه ولگا - دن: این آبراه در خاک روسیه قرار دارد و رود «ولگا» را به رود «دن» وصل می‌نماید. کار تأسیس آبراه مذکور در ۱۹۵۲ م/ ۱۳۳۱ هـ ش پایان یافت. در واقع این آبراه حلقه اتصال پنج دریای خزر، سیاه، سفید، بالتیک و آزوف می‌باشد.

به هر حال راههای ارتباطی خشکی و آبی ایران و آسیای مرکزی می‌تواند زمینه عمده‌ای برای همکاری‌های متقابل باشد و به رفع نیازهای ارتباطی طرفین کمک نماید. جمهوری اسلامی ایران هم اکنون از طریق بیش از ۱۵۰۰ کیلومتر مرز مشترک با ترکمنستان، شبکه عظیم حمل و نقل کالا به آسیای میانه را به

وجود می‌آورد و برای اولین بار، راه دستیابی کشورهای منطقه خلیج فارس را هموار نموده است. در حال حاضر نیز، بسیاری از کالاهای مورد نیاز آسیای مرکزی که از ژاپن و آسیای جنوب شرقی وارد می‌شود، از طریق بنادر ایران در خلیج فارس و سپس از راههای شوسه به مقصد این جمهوری‌ها حمل می‌شود. این نکته برای این جانب بسیار جالب بود، که حتی پیش از افتتاح خط آهن جاده ابریشم، در حالی که جمهوری قرقیزستان در مرز کشور چین قرار دارد، در فروردین ماه سال ۱۳۷۳ ه.ش در دانشگاه قرقیزستان مدارکی را دیدم که نشان می‌داد وسایل صوتی آزمایشگاه دانشگاه که از جانب ژاپن به این کشور هدیه شده بود وارد بندر امام خمینی شده و از آن طریق در حال حمل به این جمهوری است. به هر حال، نیاز جمهوری‌های آسیای مرکزی به راههای مواصلاتی ایران، در حال حاضر قطعی و ضروری است و همین امر موجب می‌شود همه حکام منطقه، حتی آنها که ملاحظات را در ارتباط با ایران رعایت می‌نمایند و حساسیتهایی در این زمینه از خود نشان می‌دهند، دست دوستی به سوی ایران دراز کنند. در این رابطه از نکات ذیل نباید غفلت نمود:

۱. این جمهوری‌ها که هم اکنون از طریق خطوط مواصلاتی روسیه و اوکراین به دریای سیاه و آبهای آزاد متصل هستند. با این حال، به دلایل مختلف، از جمله اختلافات موجود میان این جمهوری‌ها با روسیه، ادعاهای روسیه در مورد تولیدات و منابع و کالاهای صادراتی آنها و خلاصه به دلیل خاطره ناخوشایند دهه‌های ممتد سلطه روس‌ها بر منابع آسیای مرکزی، مایل به استفاده از راههای

ارتباطی و لوله‌های نفتی روسیه نیستند. این گرایش به احتمال زیاد با توجه به روند تجزیه، واگرایی و عدم ثبات در اروپای شرقی تا مدت‌ها بر روابط این جمهوری‌ها با روسیه سایه‌افکن خواهد بود. در این مرحله به دلیل مزیت داشتن راه ارتباطی ایران و نزدیکی آن با آبهای آزاد و انحصار ارتباط با خلیج فارس از این طریق پیکان توجه آسیای مرکزی به سوی خطوط مواصلاتی ایران خواهد بود. این زمینه‌ای است بسیار مناسب که جمهوری اسلامی ایران می‌باید از آن طریق، مقدمه همکاری‌های با ثبات و دراز مدت را فراهم نماید و تلاش نماید که این مزیت نسبی در دوره‌های بعد نیز حفظ شود.

۲. این جمهوری‌ها در آینده می‌توانند از راههای شوسه و خطوط راه‌آهن پاکستان استفاده نموده، از آن طریق به اقیانوس هند متصل شوند چنان که توجه به راه مواصلاتی افغانستان و پاکستان به اقیانوس هند، می‌تواند در آینده، بخشی از سیاست خارجی جمهوری‌های آسیای مرکزی را شکل دهد. پاکستان از این امر استقبال نموده و تلاش فراوان کرده است که خود را پل ارتباط با اروپا به آسیای مرکزی معرفی نماید. راه ترانزیتی «پرچمن» به «توزنمندی»، پاکستان را از طریق غرب افغانستان به ترکمنستان مرتبط می‌سازد که برای احداث آن حدود ۳۰۰ میلیون دلار هزینه پیش‌بینی شده است. ۱۶

برای برخی جمهوری‌ها اتصال به دریا از طریق پاکستان کوتاه‌تر از ایران است. فاصله اسلام‌آباد تا دوشنبه، تاشکند، بیشکک و آلماتی به ترتیب ۶۴۰، ۸۰۰، ۹۶۰، ۱۰۴۰ کیلومتر و فاصله کراچی تا دوشنبه ۲۷۲۰ کیلومتر است.

تاجیکستان، قرقیزستان و ازبکستان که با ایران هم مرز نیستند از طریق پاکستان و افغانستان با فاصله کمتری به دریا متصل می‌شوند و ترکمنستان و قزاقستان نیز که در ساحل خزر واقع شده‌اند از طریق راه آبی ولگا - دن به آبهای آزاد می‌رسند. اینها نشان می‌دهد که راههای جایگزینی برای خط ارتباطی ایران وجود دارد، با این حال در حال حاضر سه دلیل عمده موجب مزیت نسبی راه ایران شده است: الف) برای عبور از مسیر پاکستان این جمهوری‌ها ناگزیر می‌باید از افغانستان عبور کنند. قرقیزستان علاوه بر این مجبور است بخشی از مسیر را در خاک تاجیکستان طی نماید. ناامنی و بی‌ثباتی در افغانستان و تاجیکستان و نامناسب بودن راههای موجود در این دو کشور موجب می‌شود که حداقل برای کوتاه مدت این طرح در بوته ابهام باقی بماند.

ب) با وجود اینکه برای دستیابی آسیای مرکزی به آبهای آزاد مسیر سه‌گانه روسیه به دریای سیاه، پاکستان به اقیانوس هند و ایران به دریای عمان وجود دارد، مسیر ارتباطی ایران تنها راه اتصال به آبهای گرم خلیج فارس است.

ج) بی‌تردید برای جمهوری‌های آسیای مرکزی، طرف معامله قرار گرفتن با جمهوری اسلامی ایران که کشوری بزرگ و قدرتمند در منطقه است و در سازمان اقتصادی اگو نیز که این جمهوری‌های به عضویت آن درآمده‌اند نقش مؤثری دارد و هم اکنون شاهراه ارتباطی این جمهوری‌ها به آبهای آزاد و ترکیه و اروپاست بسیار خوشایندتر است از طرف قرار گرفتن با روسیه و اوکراین یا افغانستان و تاجیکستان و پاکستان.

● همکاری‌های اقتصادی

اگر چه با توجه به حاکمیت‌های سیاسی و گرایش‌های گوناگون موجود در آسیای مرکزی و واقعیت‌های جغرافیایی و توپوگرافی هر یک از جمهوری‌ها، که مستقیماً بر نیازها و خواست‌های اقتصادی آنان تأثیر می‌گذارد دورنمای همکاری‌های اقتصادی با جمهوری‌های آسیای مرکزی، حاکی از زمینه‌های یکسانی نیست، با این همه بعد از فروپاشی اتحاد شوروی، در چند سال گذشته جمهوری اسلامی ایران فعالیت‌های گسترده‌ای در زمینه همکاری‌های اقتصادی با این جمهوری‌ها انجام داده است.

مبادلات تجاری بیشتر از هر چیز در روابط میان ایران با این جمهوری‌ها چشمگیر و مورد توجه است، در عین حال دیپلماسی گسترده‌ای نیز برای عقد قراردادهایی در زمینه استخراج، پالایش و تولید صنایع و معادن جمهوری‌های آسیای مرکزی صورت گرفته است.

همکاری‌های تجاری

در زمینه صدور کالا بدون تردید ایران می‌تواند به یکی از تأمین‌کنندگان اصلی نیازهای روزمره مردم در آسیای مرکزی تبدیل شود. این نقش تا اندازه‌ای، هم اکنون نیز بر عهده ایران است. با توجه به مشکلات عدیده اقتصادی و نبود کالاهای مصرفی مورد نیاز مردم در بازارهای آسیای مرکزی، این منطقه یک بازار

اشباع نشدنی است که می‌تواند برای سالیان دراز محل مصرف کالاهای ایرانی باشد. با استقلال یافتن جمهوری‌های شوروی تحرک ویژه‌ای در بخش‌های تجاری اقتصادی ایران بوجود آمده است. آسیای مرکزی و دیگر جمهوری‌ها هم اکنون به انواع و اقسام کالاهای مصرفی نیازمندند و توجه تجار و کارخانه‌داران ایرانی را جلب نموده‌اند. جمهوری اسلامی ایران برای استفاده از این بازار گسترده که به صورت متقابل می‌تواند بخشهایی از اقتصاد ایران را تأمین نماید اقدامات متعددی انجام داده است:

۱. جمهوری اسلامی ایران تسهیلات لازم را برای فعالیت بخش خصوصی در این منطقه فراهم نموده است و زمینه‌های لازم را برای تشویق سرمایه‌گذاری و تجارت در این منطقه به وجود آورده است. یکی از موارد مورد مذاکره هیئت‌های اقتصادی ما که عازم منطقه می‌شوند با مقامات محلی در این جمهوری‌ها تسهیل حضور و سرمایه‌گذاری مشترک تجار ایرانی با طرفهای محلی است. بدیهی است با توجه به شرایط خاص منطقه و نبود امنیت اقتصادی، تجار ایرانی نیاز به حمایت دولت دارند. برای تسهیل رفت و آمد با جمهوری ترکمنستان، از جانب طرفین گذرنامه‌های مرزی میان این جمهوری با استان خراسان صادر می‌شود.

۲. از ابتدای استقلال این جمهوری‌ها نمایشگاههای اقتصادی و تجاری متعددی از جانب ایران در همه جمهوری‌های آسیای مرکزی برگزار شده است. برگزاری این نمایشگاهها که در آن کالاهای متعدد و متنوعی عرضه شده است به تجار

ایرانی فرصت داده است که بازاریابی نموده با طرفهای محلی قراردادهایی امضا نمایند. این نمایشگاهها به دفعات در شهرهای مختلف جمهوری‌ها برگزار شده است و معمولاً پس از برگزاری این نمایشگاهها قراردادهایی برای مبادله کالا میان تجار ایرانی با طرفهای محلی به امضا رسیده است و شرکت‌های مشترکی ایجاد شده است. به دنبال برگزاری این نمایشگاهها هم اکنون قشر عظیمی از تجار ایرانی در مراکز جمهوری‌ها و سایر شهرهای منطقه مشغول به فعالیت هستند. این گروه با طرفهای ترکمن، قزاق، قرقیز، ازبک و تاجیک قراردادهای دوجانبه متعددی را امضا نموده و حجم عظیمی از کالاها را در چهارچوب این معاهدات مبادله می‌نمایند.

تجار و شرکت‌داران ایرانی با طرفهای محلی دست به تأسیس شرکت می‌زنند و شرکتی که به این صورت به وجود می‌آید ثبت شده و جایگاه قانونی پیدا می‌کند. علاوه بر این، شرکت‌های ایرانی می‌توانند یک نمایندگی و شعبه خارجی از شرکت خود در محل به ثبت برسانند. تجار ایرانی بسیاری از مبادلات خود را به صورت پایاپای انجام می‌دهند و از این طریق اقلامی از کالاها در محل خریداری شده به ایران فرستاده می‌شود.

هم اکنون روزانه دهها تن مواد خوراکی، پوشاک، ظروف پلاستیکی، تفلون، میز و مبیل و دهها قلم اجناس دیگر از مرزهای ایران روانه جمهوری‌های آسیای مرکزی می‌شود. به عنوان نمونه تنها طی یک ماه (دی ماه) از یکی از گمرکات متعدد موجود (گمرک اینچه برون مازندران) ۱۵۵۷ تن کالا معادل

۷۵۰/۲۸۰/۷۲۱ به آسیای مرکزی صادر شده است. ۱۶ این صادرات عموماً شامل کالاهای مصرفی از قبیل خوراکیها، میوه، پوشاک، ظروف پلاستیک، میز و مبل، فرش، روغن ماشین و انواع کفش می‌شود.

۳. ایجاد تأسیسات مناسب در گمرکات قبلی و افتتاح گمرکات جدید از جمله اقداماتی است که برای تسهیل صدور و ورود کالا میان ایران و آسیای مرکزی صورت گرفته است. اقدامات متعددی برای بازسازی گمرک اینچه برون در مازندران، باجگیران و لطف‌آباد در خراسان انجام شده است و گمرک سرخس با امکانات بسیار خوب در اواخر سال ۱۳۷۳ هـ ش افتتاح شد. توسعه و تجهیز گمرکات یکی از اولویت‌های مورد نظر برای تسهیل مبادله کالا میان ایران و آسیای مرکزی است که جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار داده است. هم‌اکنون حجم عظیمی از مبادلات تجاری میان ایران و آسیای مرکزی با حضور تجار ایرانی در منطقه انجام می‌شود. در اینجا به اختصار توضیحاتی در زمینه مبادلات تجاری ایران با هر یک از جمهوری‌ها بیان می‌شود.

ایران و ترکمنستان

با فروپاشی شوروی و امکان رفت و آمد از مرزهای ایران و ترکمنستان، مبادله کالا میان دو کشور آغاز شد. ابتدا برخی بازرگانان از دو استان مرزی مازندران و خراسان کالاهایی را به این جمهوری حمل نمودند و سپس تجار فراوانی از دیگر شهرها نیز برای شناسایی زمینه کار در این جمهوری وارد عشق‌آباد شدند. بر اساس اطلاعات موجود هم‌اکنون بیش از ۲۰۰ شرکت

تجاری و تولیدی ایرانی در ترکمنستان به ثبت رسیده است. ۱۷ در ترکمنستان حضور تجار ایرانی بسیار گسترده است؛ تا جایی که تجارت ایران در این جمهوری به صورت پبله‌وری نیز درآمد و برخی تجار از استانهای اطراف با یک کانتینر کالا به آن سوی مرز رفته پس از فروش به ایران مراجعت می‌نمایند. ترکمنستان دروازه ورود به آسیای مرکزی است و به دلیل حمل و نقل کالا از طریق این جمهوری به سایر جمهوری‌ها کامیونهای ایرانی در این جمهوری بسیار رفت و آمد می‌کنند. در خیابانهای عشق‌آباد هنگام عبور کامیونهای ایرانی صف بسیار طولی از کامیون و کانتینر دیده می‌شود.

جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۱ هـ ش نزدیک به ۲۰ میلیون دلار در سال ۱۳۷۲ هـ ش نزدیک به ۴۲ میلیون دلار صادرات به ترکمنستان داشته است. واردات ایران از این جمهوری طی سالهای مذکور به ترتیب حدود ۸ و ۲۸ میلیون دلار بوده است. نمودار زیر نشان می‌دهد که مبادلات بازرگانی ایران با ترکمنستان طی این دو سال دارای تراز مثبت بوده است. ۱۸

آمار مبادلات بازرگانی جمهوری اسلامی ایران با

کشور ترکمنستان در سالهای ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ هـ ش

واحد: دلار

سال ۱۳۷۱	سال ۱۳۷۲	
۱۹,۴۷۹,۴۶۱	۴۱,۷۲۶,۵۸۸	صادرات
۷,۰۷۷,۵۷۸	۲۷,۸۴۵,۶۰۸	واردات
۱۲,۴۰۱,۸۸۲	۱۳,۸۸۰,۹۸۰	تراز

کالاهای صادراتی به ایران عموماً مصرفی و برخی نیز صنعتی بوده است. در مورد سال ۱۳۷۳ هـ ش آمار مستقلى منتشر نشده است، اما برخی اطلاعات نشان می‌دهد که مبادلات دو کشور بیش از ۵۰ درصد افزایش داشته است. این روند در سال ۱۳۷۴ هـ ش نیز ادامه یافته است و در سال ۱۳۷۵ هـ ش با توجه به سیاستهای ارزی جدید و محدودیت در گشایش اعتبار این روند افزایش متوقف شده است.

در ترکمنستان تا به حال چندین نوبت نمایشگاه کالاهای تجاری و صنعتی ایران برگزار شده است. علاوه بر عشق‌آباد در دیگر شهرهای این جمهوری نیز نمایشگاههای متعددی برگزار شده است. در ترکمنستان فروشگاههایی نیز برای عرضه مستقیم کالاهای ایرانی ایجاد شده است. در عشق‌آباد هم اکنون ۴ فروشگاه ایرانی وجود دارد که دو فروشگاه آن دارای ساختمان بزرگ و غرفه‌های مختلف عرضه کالا است. فروشگاه بزرگ شهر نیز هم اکنون با مشارکت یک شرکت ایرانی به صورت فروشگاه ایرانی - ترکمنی درآمد و در آینده نزدیک این فروشگاه که تا به حال سروسامانی نداشته است به صورت فعال دست به عرضه کالا خواهد زد.

بسیاری از مبادلات تجاری ایرانیان در ترکمنستان به صورت پایاپای انجام می‌گیرد و تجار ایرانی در مقابل کالاهایی که می‌فروشند کالاهای دیگری را دریافت نموده به ایران می‌آورند. انجام معاملات گسترده خرده‌پا در این جمهوری که از چشم آمارگیران به دور می‌ماند موجب می‌شود که به آمارهای

اعلام شده به عنوان حداقل حجم مبادلات نگریسته شود. ۱۹

مبادلات بازرگانی ایران و قزاقستان

جمهوری اسلامی ایران با قزاقستان که دارای بالاترین توان اقتصادی در میان جمهوری‌های آسیای مرکزی می‌باشد نیز مبادلات بازرگانی برقرار نموده است. بازرگانان ایرانی از سویی کالاهای ایرانی را به این جمهوری می‌برند و از سوی دیگر کالاهای متعددی را از این کشور به ایران می‌فرستند. همسایگی این کشور با روسیه و نزدیکی استانهای شمالی آن به سیبری نیز موجب می‌شود که تجار ایرانی فعالیتهای هماهنگی را در روسیه و قزاقستان انجام دهند. بنا به گزارش اداره آمار قزاقستان تا دی ماه ۱۳۷۳ هـ ش حداقل ۴۵ شرکت ایرانی در قزاقستان به ثبت رسیده‌اند. ۲۰ شمار شرکت‌های ایرانی در قزاقستان بر اساس اطلاعات موجود هم اکنون به بیش از ۱۵۰ شرکت ثبت شده رسیده است. ایران تا به حال دو نمایشگاه بزرگ در این جمهوری برگزار نموده است و در این نمایشگاهها با عرضه و نمایش کالاهای ایرانی قراردادهای متعددی میان شرکت‌داران ایرانی و طرفهای قزاق امضا شده است. نمایشگاههای متعدد عرضه کالا نیز از جانب بخش خصوصی ایران در این کشور برگزار شده است و علاوه بر این برخی از شرکت‌های ایرانی غرفه‌هایی از نمایشگاههای دائم این کشور را به خود اختصاص داده‌اند. اگر چه در قزاقستان تا به حال هیچ فروشگاه مستقل ایرانی افتتاح نشده است، اما حضور کالاهای ایران که توسط شرکت‌داران ایرانی به طرفهای قزاق عرضه می‌شود در بازار این کشور به وضوح مشهود است.

صرف نظر از اقلام پوشاکی و خوراکی، لوازم و مصالح ساختمانی، انواع روغن ماشین و برخی اقلام مورد نیاز کارخانه‌های سرب این کشور بسیار مورد توجه قرار گرفته است. این کشور دارای حجم دامپروری عظیمی است و یکی از اقلام اصلی صادراتی این کشور به ایران گوشت و چرم می‌باشد. مصالح ساختمانی تولید ایران از جمله کالاهایی است که در قزاقستان بسیار مورد توجه قرار گرفته است و حجم قابل توجهی از مبادلات را شکل می‌دهد. یک نمایشگاه بزرگ دائم مصالح ساختمانی نیز در آبان ماه ۱۳۷۵ ه.ش با حضور وزیر صنایع ج.ا.ایران افتتاح شد.

دور بودن قزاقستان از مرزهای ایران، حجم عظیم توان اقتصادی و صنعتی قزاقستان و حضور گسترده شرکت‌های خارجی در این کشور از جمله عواملی است که موجب شده است صادرات قزاقستان به ایران حجم عمده مبادلات میان دو کشور را در برگیرد. نمودار زیر مبادلات میان دو کشور را در سالهای

۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ ه.ش نشان می‌دهد. ۲۱

آمار مبادلات بازرگانی جمهوری اسلامی ایران با

کشور قزاقستان در سالهای ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ ه.ش

واحد: دلار

سال ۱۳۷۲	سال ۱۳۷۱	
۲۸۹۸۸۰۸	۳۱۳۹۹۲	صادرات
۱۴۴۳۴۸۳۹	۳۷۹۶۴۵۰	واردات
۱۱۵۳۶۰۳۱	۳۴۸۲۴۵۸	تراز

مبادلات میان دو کشور قزاقستان و ایران در سالهای بعد افزایش فراوان یافته، با این حال همیشه تراز مثبت به نفع قزاقستان بوده است. بر اساس آمار وزارت بازرگانی قزاقستان مجموع حجم مبادلات ایران و قزاقستان در سال ۱۳۷۳/م ۱۳۷۴ هـ ش ۲۲/۴ میلیون دلار است که ۱۱/۸ میلیون دلار آن صادرات قزاقستان به ایران و ۱۰/۶ میلیون دلار آن واردات قزاقستان از ایران می‌باشد. ۲۲ حجم مبادلات در سال ۱۳۷۴ هـ ش افزایش یافته و به بیش از ۵۰ میلیون دلار رسیده است. کتاب منتشر شده از سوی وزارت بازرگانی قزاقستان در سال ۱۹۹۶ م نشان می‌دهد که حجم مبادلات این جمهوری با ایران در سال ۱۳۷۴ هـ ش ۶۲/۵ میلیون دلار بوده است. افزایش حجم مبادلات در سال ۷۴ بیشتر در جانب صادرات قزاقستان به ایران بوده است. متأسفانه در سال ۱۳۷۵ هـ ش این روند روبه رشد متوقف شده و قدری کاهش در حجم مبادلات نیز دیده می‌شود. آمار اعلام شد از سوی وزارت بازرگانی ج.ا.ایران نیز ارقام مذکور را تأیید می‌نماید. آمار مذکور همچنین نشان می‌دهد که واردات از قزاقستان بیش از واردات از هر یک از چهار جمهوری دیگر آسیای مرکزی است. ۲۳

مبادلات ایران و ازبکستان

در حالی که صحنه سیاسی روابط میان دو کشور ازبکستان و ایران تا به حال کمی احتیاط‌آمیز بوده است، اما روابط تجاری میان دو کشور وجود داشته و روبه رشد بوده است. تجار ایرانی در ازبکستان همچون سایر جمهوری‌ها مشغول فعالیت هستند و کالاهای ایرانی وارد ازبکستان شده، متقابلاً کالاهایی از

این کشور به ایران صادر می‌شود. در ازبکستان علاوه بر شرکت‌های ایرانی یک فروشگاه بزرگ کالاهای ایرانی متعلق به شرکت شاهد نیز در تاشکند فعالیت می‌کند. علاوه بر تاشکند بازرگانان ایرانی در شهرهای سمرقند، بخارا و ترمذ نیز حضور دارند و در بازارهای این شهرها حضور کالاهای ایرانی مشهود است. مبادلات میان دو کشور طی سالهای ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ هـ ش در نمودار زیر بیان شده است: ۲۴

آمار مبادلات بازرگانی جمهوری اسلامی ایران

و ازبکستان در سالهای ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ هـ ش

واحد: دلار

سال ۱۳۷۱	سال ۱۳۷۲
صادرات	۶۱۳۷۴
واردات	۸۸۳۹۴۱
تراز	۶۱۳۷۰۴

مبادلات تجاری با ازبکستان در سالهای ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ هـ ش افزایش نسبتاً چشمگیری داشته است. آمار موجود حجم مبادلات را طی این دو سال نزدیک به ۵۰ میلیون دلار در سال نشان می‌دهد. این افزایش مبادلات به دلیل افزایش حضور تجار ایرانی در ازبکستان است. این جمهوری زمینه‌های بسیار گسترده‌تری برای همکاری با ایران دارد و مسیر حمل و نقل کالاهای ایرانی به سایر جمهوری‌های شوروی نیز هست. در عین حال ایران نیز نقش ترانزیتی خود

را برای این جمهوری عمل می‌کند. هم اکنون نزدیک به چهارصد هزار تن پنبه این جمهوری سالیانه از طریق ایران صادر می‌شود. تا به حال حدود ۱۵۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری از جانب ایران در بخش‌های مختلف در این جمهوری صورت گرفته است. ۲۵

مبادلات ایران و قرقیزستان

مبادلات تجاری جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قرقیزستان حجم قابل توجهی دارد. این جمهوری با کمال اشتیاق از تجار و سرمایه‌گذاران ایرانی استقبال نموده است. مبادلات تجاری میان دو کشور در سالهای ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ هـ به دلیل حضور اندک بازرگانان ایرانی چندان قابل توجه نبوده است، اما از آغاز سال ۱۳۷۳ هـ و با گسترش حضور تجار ایرانی در شهر بیشکک، پایتخت این جمهوری، مبادلات دو کشور افزایش بسیار یافته است.

بر اساس اطلاعات موجود هم اکنون بیش از ۳۰ شرکت ثبت شده ایرانی در بیشکک مشغول فعالیت تجاری هستند. در قرقیزستان سه سال است که هر ساله نمایشگاه عرضه کالاهای تجاری و صنعتی ایران برگزار می‌شود و مورد استقبال فراوان مردم و تجار این جمهوری قرار می‌گیرد. همچنین نمایشگاه مستقل عرضه کالا از سوی بازرگانان استان خراسان در شهر اُش این جمهوری برگزار شده است. در بیشکک همچنین سه فروشگاه بزرگ عرضه کالاهای ایرانی وجود دارد. نمودارهای زیر حجم مبادله کالا میان دو کشور را در سالهای ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ هـ نشان می‌دهد:

آمار مبادلات بازرگانی جمهوری اسلامی ایران
با جمهوری قزاقستان در سالهای ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ هـ ش

واحد: دلار

سال ۱۳۷۱	سال ۱۳۷۲	
—	۵۹۶۲۴۴	صادرات
۱۸۴۲۲۷		واردات
- ۱۸۴۲۲۷	۵۹۶۲۲۴	تراز

حجم مبادله کالا میان ایران و قرقیزستان در سال ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ هـ ش بسیار افزایش یافته است. آمار اعلام شده از سوی وزارت بازرگانی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که کالاهای سفارش شده برای ثبت که از قرقیزستان طی ۶ ماهه اول ۱۳۷۴ هـ ش وارد ایران شده معادل ۲/۵۱۵/۰۰۰ دلار بوده است. انواع آهن آلات و فولاد، رقم عمده واردات ایران از قرقیزستان را شکل می‌دهد. حجم این مبادلات در سالهای ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ هـ ش به حدود ۱۰ میلیون دلار رسیده است. ۲۶

مبادلات ایران و تاجیکستان

علی‌رغم بحران داخلی در تاجیکستان، مبادلات تجاری میان جمهوری اسلامی ایران با این جمهوری وجود دارد. نمودار زیر آمار مبادلات را در سالهای ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ هـ ش نشان می‌دهد:

آمار مبادلات بازرگانی جمهوری اسلامی ایران
با کشور تاجیکستان در سالهای ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ ه.ش

واحد: دلار

سال ۱۳۷۱	سال ۱۳۷۲	
۱۱۴۷۲۱۹	۴۴۲۷۰۱۶	صادرات
۳۶۴۶۰۷	۱۸۲۶۹۸۷۷	واردات
۷۸۲۶۱۲	- ۱۳۸۴۲۸۶۱	تراز

کاهش صادرات ایران به تاجیکستان در سال ۱۳۷۲ ه.ش به دلیل بروز درگیریهایی داخلی در این کشور بوده است. حجم مبادلات با تاجیکستان به همین دلیل در سالهای بعد نیز افزایش چشمگیری نداشته است.

جمهوری اسلامی ایران و جمهوری‌های آسیای مرکزی طی سالهای ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ ه.ش نزدیک به ۱۵۰ میلیون دلار کالا مبادله نموده‌اند. ارزش این مبادلات در سال ۱۳۷۱ ه.ش معادل ۳۲/۴۲۴/۹۰۸ دلار بوده است که در سال ۱۳۷۲ ه.ش نزدیک به چهار برابر افزایش داشته است. (۱۱۲/۷۲۳/۹۳۷ دلار)، این افزایش چشمگیر در هر دو سوی صادرات و واردات کالا بوده است. سهم هر بخش از صادرات و واردات کالا نزدیک به نصف کل مبادلات طی دو سال مذکور بوده است. جمهوری اسلامی ایران طی این دو سال معادل ۷۲/۲۹۱/۷۱۸ دلار کالا به این جمهوری‌ها صادر نموده است و متقابلاً معادل ۷۲/۸۵۷/۱۲۷ دلار کالا از این جمهوری‌ها وارد کشور نموده است. جمهوری

اسلامی ایران در مبادلات خود با این جمهوری‌ها طی سال ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ ه‍.ش دارای کسری تراز بازرگانی بوده است. این کسری تراز که چندان زیاد نیست معادل ۵۶۵/۴۰۹ دلار می‌باشد.

حجم مبادلات انجام شده میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری‌های آسیای مرکزی در سالهای گذشته بیانگر فراهم شدن امکانات زیربنایی روابط اقتصادی و نیز برقراری روابط تجاری میان مؤسسات و شرکت‌های دو کشور است. رشد چشمگیر مبادلات در سال ۱۳۷۲ ه‍.ش نسبت به سال ۱۳۷۱ ه‍.ش فراهم شدن امکانات بیشتری برای توسعه این همکاری‌ها را نشان می‌دهد. هر چند مجموعه مستقلی از آمار مبادلات میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری‌های آسیای مرکزی در سالهای ۱۳۷۳، ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ ه‍.ش منتشر نشده است، اما آمارهای متفرقه منتشره از سوی مؤسسات مختلف نشان دهنده رشد فراوان روابط تجاری میان ایران و جمهوری آسیای مرکزی در این سالهاست. مجموع مبادلات میان ایران و قزاقستان در سال ۱۳۷۳ ه‍.ش که ۲۲/۴ میلیون دلار اعلام شده است نشان دهنده نزدیک به ۳۵٪ افزایش نسبت به سال قبل است. آمار اعلام شده از سوی وزارت بازرگانی قزاقستان، مجموع حجم مبادلات میان ایران و قزاقستان را در ۸ ماهه اول ۱۹۹۵ م معادل ۳۸ میلیون دلار نشان می‌دهد. ۲۷ این آمار حاوی یک نکته است که حجم مبادلات در ۶ ماهه اول سال ۱۳۷۴ ه‍.ش بیش از دو برابر حجم مبادلات در کل سال ۱۳۷۲ ه‍.ش بوده است. حجم این مبادلات در کل سال ۱۳۷۴ ه‍.ش بیش از ۶۲ میلیون دلار

بوده است. در طول سال ۱۳۷۴ هـ ش مجموع مبادلات با پنج جمهوری بیش از ۲۳۰ میلیون دلار بوده که نسبت به سال ۱۳۷۲ هـ ش دو برابر افزایش نشان می‌دهد. از این آمارهای متفرقه چنین استنباط می‌شود که همهٔ جمهوری‌ها بجز تاجیکستان هر یک در هر سال بیش از ۵۰٪ در مبادلات خود با ایران افزایش داشته‌اند. در این میان ترکمنستان بزرگترین شریک تجاری ایران بوده است؛ هر چند قزاقستان نیز سهم بسزایی در کل مبادلات داشته است. ۲۸ البته باید توجه داشت در این محاسبات انتقال نفت قزاقستان از طریق ایران که به صورت محدود چند نوبت در پائیز و زمستان ۱۳۷۵ هـ ش انجام شده است و برآورد دقیقی در مورد آن وجود ندارد، لحاظ نشده است.

مبادلات تجاری میان ایران و جمهوری‌های آسیای مرکزی بستری است مناسب برای توسعهٔ روابط اقتصادی این کشورها با جمهوری اسلامی ایران. نیازمندی این جمهوری‌ها به کالاهای مصرفی و امکانات موجود در جمهوری اسلامی ایران برای تولید و صادرات عظیم این کالاها موجب می‌شود که گسترش این روابط، در صورت برنامه‌ریزی صحیح از جانب مسئولین امر، عملی گردد. متأسفانه علی‌رغم افزایش سالانهٔ مبادلات ایران و جمهوری‌های آسیای مرکزی نشانه‌های متعددی دال بر استفاده نکردن صحیح و لازم از شرایط موجود وجود دارد. مقایسهٔ حجم صادرات و واردات ما به این جمهوری‌ها با برخی از دیگر کشورها و همچنین بررسی امکانات گستردهٔ ما برای افزایش مبادلات با جمهوری‌های آسیای مرکزی نشان می‌دهد که مؤسسات و سازمانهای ذی‌ربط از

ظرفیت موجود استفاده کافی نکرده‌اند.

حجم مبادلات این جمهوری‌ها با برخی کشورهای همسایه، مانند ترکیه، بسیار بیشتر از حجم مبادلات با ایران بوده است. به عنوان نمونه قزاقستان در سال ۱۳۷۳ هـ ش مجموعاً ۲۲/۴ میلیون دلار با ایران مبادلات داشته است، در حالی که در همین سال حجم مبادلات تجاری قزاقستان با ترکیه ۱۳۶/۳ میلیون دلار بوده است. در سال ۱۳۷۴ هـ ش نیز در حالی که حجم مبادلات قزاقستان با ایران، چنان که پیش از این نیز ذکر شد، ۶۲/۵ میلیون دلار بوده است، مبادلات این کشور با ترکیه معادل ۱۹۴/۷ میلیون دلار بوده است. ۲۹ این آمار و ارقام نشان می‌دهد که با آن که جمهوری اسلامی ایران در همسایگی جمهوری‌های آسیای مرکزی قرار دارد و از امکان حمل و نقل بیشتر برای حمل کالا به این منطقه برخوردار است از ظرفیتهای موجود بهره لازم را نبرده است. یکی دیگر از واقعیات قابل ذکر در روابط تجاری ایران و آسیای مرکزی، این نکته است که علی‌رغم رشد و گسترش مبادلات تجاری میان ایران و جمهوری‌های آسیای مرکزی، متأسفانه افزایش حجم مبادلات در سالهای اخیر بیشتر معلول افزایش واردات ایران از این جمهوری‌هاست. در سالهای ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ هـ ش در حالی که همچنان روند افزایش مبادلات ادامه یافته است، کسری تراز پرداخت از جانب ایران نیز بوجود آمده و رشد کرده است. این در حالی است که به عنوان نمونه در مبادلات سال ۱۳۷۴ هـ ش میان ترکیه و قزاقستان که برابر با ۱۹۴/۷ میلیون دلار بوده است سهم صادرات ترکیه ۱۲۳/۹ میلیون دلار بوده که نزدیک

به دوسوم کل مبادلات است.

برخی از علل وضعیت موجود در روابط تجاری ایران و آسیای مرکزی را

چنین می‌توان برشمرد:

الف) عدم برنامه‌ریزی صحیح برای تعیین انواع کالا و نحوه عرضه آن به جمهوری‌های آسیای مرکزی: در حالی که برخی کشورهای خارجی به دست‌اندازی به بازار و در انحصار درآوردن بازار در زمینه کالای مورد عرضه خویش می‌اندیشند متأسفانه شرکت‌های ایرانی، بدون توجه به این نکته، کالاهایی را به بازار عرضه نموده‌اند و گاهی برخی شرکت‌ها زمینه بازار شرکت دیگر را تخریب نموده و قیمت کالای ایرانی را بسیار کاهش می‌دهند. عمده‌ترین دلیل این مشکل این واقعیت است که جمهوری اسلامی ایران طی سالهای گذشته در تجارت خویش با آسیای مرکزی به صورت متمرکز و برنامه‌ریزی شده عمل ننموده است، بلکه بخش خصوصی به صورت افسارگسیخته و عجولانه کالاهایی را به منطقه صادر نموده است. عدم تمرکز در صادرات به منطقه مانع بزرگی است که می‌باید از صحنه مبادلات ایران با آسیای مرکزی برداشته شود.

ب) عدم نظارت بر صادرات کالا به جمهوری‌های آسیای مرکزی، موجب شده است که برخی کالاهای مصرفی غیراستاندارد توسط بخش خصوصی به منطقه صادر شود که به صورت جدی موجب تخریب بازار کالاهای ایرانی می‌شود. این پدیده خود معلول این واقعیت است که با فروپاشی شوروی بسیاری از تجار خرده‌پا به منطقه عازم شده‌اند. این گروه از قدرت سرمایه‌گذاری چندانی

برخوردار نیستند و به دنبال منافع زودگذر هستند.

پ (یکی دیگر از مشکلات تجارت ایران در آسیای مرکزی، عدم توجه به سرمایه‌گذاریهای درازمدت است. در حالی که برخی کشورهای دیگر روی طرح‌های بزرگ، چون ساختمان هتل، ایجاد کارخانه و... متمرکز شده‌اند، تجار ما بیشتر به عرضه کالاهای مصرفی گرایش داشته‌اند. این واقعیت در صحنه مبادلات دو کشور به وضوح مشهود است. اقلام کالاهای ما بسیار متنوع است، اما مجموع قیمت آنها چندان بالا نیست؛ در حالی که صادرات آسیای مرکزی به ایران تنها از اقلامی معدود و ذی‌قیمت شکل می‌گیرد. برای رفع این مشکل می‌باید تجار با سابقه و توانمند با حمایت دولت بیشتر وارد صحنه شده و حوزه فعالیت گسترده‌ای را به خود اختصاص دهند. ناگفته نماند مشکلات سرمایه‌گذاری و ابهام در قوانین سرمایه‌گذاری در این جمهوری‌ها از جمله عللی است که موجب می‌شود سرمایه‌گذاران اعتماد کافی برای سرمایه‌گذاری در این جمهوری‌ها نداشته باشند.

برخی مشکلات مذکور موجب شده است که تجار ایرانی با همکاری و مساعدت سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران در منطقه درصدد تأسیس اتحادیه‌های تجار ایرانی برآیند. این اتحادیه‌ها به حفظ بازار، جلب حمایت‌های دولتی از سوی جمهوری اسلامی ایران و همچنین دفاع از تجار در مقابل مشکلات و مخاطرات محلی کمک خواهد نمود.

نهایت اینکه وجود رقبای قویتر و عرضه کالاهای بهتر با روش دقیق

بازاریابی و به انحصار گرفتن بازار، گذرا بودن نیاز جمهوری‌ها نسبت به کالاهای مصرفی و ایجاد کارخانه‌های تولید این کالاها از جانب برخی کشورهای خارجی و نهایتاً عدم برنامه‌ریزی دقیق برای صادرات کالا به این جمهوری‌ها از جمله عواملی است که روابط تجاری ایران با آسیای مرکزی را در سطح غیر تعیین کننده‌ای نگاه داشته است. هر چند نقش ایران در سهولت حمل و نقل کالا و نقش راههای مواصلاتی ایران برای حمل کالای دیگر کشورها به آسیای مرکزی و بالعکس همچنان مورد توجه خواهد بود.

همکاری‌ها در زمینه منابع و معادن

جمهوری اسلامی ایران فعالیتهایی را نیز در ارتباط با سرمایه‌گذاری در استخراج، تولید و حمل منابع و معادن جمهوری‌های آسیای مرکزی انجام داده است. در این زمینه یادداشتهای تفاهمی با این جمهوری‌ها به امضا رسیده است. همچنین جمهوری اسلامی ایران در بخش سرمایه‌گذاری استفاده از منابع برق آبی برخی جمهوری‌ها و کمک به بهره‌برداری از این منابع و همچنین کمک به بهره‌برداری از منابع نفت و گاز در آسیای مرکزی و کمک به صدور آن از طریق بنادر ایران گامهایی برداشته است. به صورت مکرر از جانب ایران برای سرمایه‌گذاری در این جمهوری‌ها اعلام آمادگی شده و در برخی زمینه‌ها قراردادهای دقیقی نیز به امضا رسیده است. اکثر موافقت‌نامه‌های موجود در این بخشها با دو جمهوری ترکمنستان و قزاقستان به امضا رسیده است. با وجود رقبای بزرگتر و علی‌رغم حضور کشورهای بزرگ صنعتی در منطقه،

دو دلیل عمده موجب می‌شود که این جمهوری‌ها به همکاری با ایران در بخش منابع و معادن نیز توجه داشته باشند: نخست اینکه شرایط این جمهوری‌ها و مشکلات عدیده موجود در آنها موجب می‌شود که برخی طرحها توسط یک کشور منطقه عملی‌تر باشد. علاوه بر این جمهوری اسلامی ایران تجربیات فراوانی در بخش تولید و استخراج منابع و معادن دارد که این جمهوری‌ها مایلند از آن استفاده بنمایند.

دیگر اینکه مهمترین بخش منابع و معادن این جمهوری‌ها نفت و گاز است. با توجه به موقعیت استراتژیک ایران برای حمل و نقل نفت و گاز منطقه، این جمهوری‌ها مجبور به همکاری با جمهوری اسلامی ایران در بخش انرژی هستند. این واقعیت موجب شده است که همکاری‌های ایران و آسیای مرکزی در بخش منابع و معادن در زمینه حمل گاز و نفت این جمهوری‌ها به صورت جدی‌تر و دقیق‌تر مورد بحث قرار گرفته و قراردادهایی در این زمینه به امضا رسیده است.

جمهوری اسلامی ایران برای همکاری با این جمهوری‌ها در بخش منابع و معادن مواجه با یک مشکل اساسی نیز هست و آن اینکه در حال حاضر اعطای اعتبار از جمله پیش شرطهای اصلی برای سرمایه‌گذاری در این منطقه است. بدیهی است برخی کشورهای غربی که از توانمندی اقتصادی برخوردارند و همچنین برخی کشورهای منطقه چون ترکیه تا به حال اعتبارات فراوانی برای سرمایه‌گذاری در منطقه صرف نموده‌اند.

میان ایران و ترکمنستان توافق‌نامه‌هایی در بخش صنایع آب، در زمینه صنایع برق برای متصل کردن برق دو کشور، بیش از ده توافق دوجانبه در زمینه طرح‌های توسعه مشترک برخی از ذخایر نفت و گاز ترکمنستان، در زمینه انتقال پنبه این کشور به بازارهای جهانی، برای ایجاد بازارچه مشترک در مرز میان دو کشور و چندین توافق‌نامه مهم دیگر به امضا رسیده است. ۳۰ روابط اقتصادی ایران و ترکمنستان با حسن تفاهم همراه و بسیار در حال گسترش است. کمیسیون اقتصادی تشکیل شده میان دو کشور نقش فعالی در زمینه روابط دو کشور دارد.

با قزاقستان نیز تا به حال بیش از ۵۰ مورد قرارداد، موافقت‌نامه و یادداشت تفاهم امضا شده است. تنظیم‌کننده روابط اقتصادی میان دو کشور، اجلاس کمیسیون مشترک اقتصادی بین دو دولت است که یکبار در سال تشکیل می‌شود. رئیس کمیسیون مشترک از جانب قزاقستان قبلاً وزیر نفت این کشور بود و هم اکنون وزیر راه و ترابری این کشور عهده‌دار این سمت است. از جانب ایران وزیر معادن و فلزات، رئیس کمیسیون مشترک اقتصادی میان دو کشور می‌باشد. کمیته‌های مختلف صنعت، بانک، تجاری، نفت و گاز و کمیته علمی و آموزشی در این کمیسیون عمل می‌نمایند.

ایران و قزاقستان برای ایجاد شرکت مشترک اداره کشتارگاه چیمکنت (شهری در جنوب قزاقستان) که از نظر سهام ۵۰٪ متعلق به قزاقها، ۴۱٪ متعلق به شرکت بازرگانی وابسته به وزارت جهاد سازندگی و ۹٪ متعلق به یکی از تجار ایرانی

مقیم در آلماتی است. ۳۱

چنان که با ترکمنستان نیز توافقاتی امضا شده است. با قزاقستان نیز در زمینه ایجاد تجهیزات و تأسیسات در بندر ساحلی این جمهوری (بندر آکتاو) توافق نامه امضا شده است. شرکت «بنا»، وابسته به وزارت جهاد سازندگی، اعلام آمادگی کرده است که در زمینه تجهیزات موج شکن و اسکله این بندر ۳۰-۴۰ میلیون دلار سرمایه گذاری نماید.

ایران اعلام آمادگی نموده است که یک پالایشگاه روغن سازی در «آتراو» احداث نماید. قزاقستان از ایران خواستار ایجاد کارخانه تولید «نسوز» است. این جمهوری در کارخانه های فولاد و ریخته گری خود نیاز به مواد نسوز دارد. از جانب ایران همچنین طرح ایجاد کارخانه کاشی سازی و لوازم بهداشتی و کارخانه تائولن پیشنهاد شده است. همچنین کارخانه کمباین سازی ایران برای صدور کمباین به قزاقستان با طرفهای محلی مذاکراتی انجام داده است.

در زمینه معادن، قزاقستان اعلام آمادگی نموده است که «کنستانتره» (سنگ فلز) از ایران تحویل بگیرد و پس از تبدیل به محصول به ایران برگرداند. این پیشنهاد به دلیل ظرفیت خالی کارخانه های این جمهوری است. دو موافقت نامه مهم در اجتناب از «مالیات مضاعف» و «حمایت از سرمایه گذاری» نیز در سفر دکتر حسن حبیبی (دی ماه ۱۳۷۴ ه.ش) به قزاقستان به امضا رسید. همچنین طی سال ۱۳۷۵ ه.ش و بهار ۱۳۷۶ ه.ش قرارداد خرید چند کارخانه توسط ایران منعقد شده است. از جمله اینها کارخانه کفش جامبول است که توسط صنایع

ملی کفش ایران خریداری شده است.

نبودن ضمانت برای سرمایه‌گذاری در این کشور، عدم اعطای اعتبار از جانب ایران برای سرمایه‌گذاریها و نبود بخش خصوصی قوی از جانب ایران، شبیه سرمایه‌گذاران خارجی که در منطقه فعال هستند، از جمله عواملی است که موجب شده است ایران در میدان سرمایه‌گذاری از قزاقستان در دیگر کشورها عقب بماند. با این حال روی بسیاری از توافق‌نامه‌های امضا شده در حال حاضر با تبادل هیئت‌ها کار کارشناسی صورت می‌گیرد و امید هست که در آتیۀ نزدیک به ثمر بنشیند.

در زمینه سرمایه‌گذاری و منابع، مهمترین بخش همکاری ایران با آسیای مرکزی نفت و گاز است. جمهوری اسلامی ایران از ابتدا مبحث همکاری در زمینه انرژی را با این جمهوری‌ها مطرح نموده است. اقدامات در این رابطه در سفری که دکتر علی‌اکبر ولایتی وزیر امور خارجه در سال ۱۳۷۱ هـ.ش به منطقه داشت آغاز شد. در مباحثی که در ازبکستان مطرح شد روشن شد که ازبکها تمایل جدی به همکاری گسترده با ایران در زمینه انرژی ندارند. قرقیزستان اظهار علاقه‌مندی نمود، اما ذخایر نفتی این کشور غنی نیست و هیچ‌گونه کاری هم در جهت استخراج و تولید انجام نشده است و می‌باید سرمایه‌گذاریهای گسترده‌ای انجام شود. تاجیکستان و قرقیزستان درخواست خرید سوخت نیز از ایران داشتند که با توجه به عدم امکان ارسال آن در حال حاضر و با توجه به اینکه ایران خود تنها گاز و مازوت مازاد بر مصرف داخلی دارد این پیشنهاد نیز عقیم

مانده است.

قزاقستان و ترکمنستان برخلاف سه جمهوری دیگر از زمینه‌های گسترده برای همکاری با ایران در بخش نفت و گاز برخوردارند. دو جمهوری مذکور سواحل طولانی با خزر دارند و این واقعیت خود زمینه همکاری میان ایران با جمهوری‌ها را فراهم می‌آورد. علاوه بر این بزرگترین مشکل انرژی در آسیای مرکزی هم اکنون مسئله حمل و نقل آن است، و ایران راهی مناسب برای انتقال نفت و گاز ترکمنستان و قزاقستان می‌باشد.

قبل از توضیح موقعیت ایران برای انتقال نفت و گاز آسیای مرکزی و پیش از اشاره به توافقاتی که در این زمینه به دست آمده است، باید اشاره‌ای به وضعیت حمل و نقل انرژی در شوروی سابق بنماییم.

اتحاد شوروی سابق برای جابه‌جایی و صادرات نفت خود دارای دو خط لوله اصلی نفت بوده است که هر دو به طرف شمال متوجه گردیده‌اند. هر دو لوله مذکور از قلمرو و چینستان عبور می‌کند. یکی در خدمت روسیه است و دیگری برای صادرات نفت از بندر روسی «نوروسیسک» مورد استفاده قرار می‌گیرد. در شوروی سابق هیچ خط لوله‌ای به سمت جنوب کشیده نشده و علی‌رغم تمایل فراوان سردمداران شوروی سابق برای دستیابی به آبهای گرم جنوب، همه راههای حمل انرژی در شوروی به روسیه ختم می‌شد. ۳۲ در شبکه به ارث رسیده از اتحاد شوروی سابق، خطوط لوله در سه جمهوری قزاقستان، ازبکستان و ترکمنستان نقش مؤثری ایفا می‌نماید. سه جمهوری مذکور برای

انتقال نفت و گاز خود از این خطوط استفاده می‌کنند. قزاقستان برای صادرات گاز و نفت خود از لوله وصل شده به فدراسیون روسیه استفاده می‌نماید و در عین حال یک خط لوله دیگر نفت را از سیبری به پالایشگاههای شرق قزاقستان می‌رساند. در ترکمنستان صادرات گاز از طریق خط لوله به فدراسیون روسیه انجام می‌شود. در ازبکستان نیز برای صادرات گاز طبیعی یک خط لوله از بخارا به اورال کشیده شده است.

در ابتدای فصل دیده شد که شرکت‌های خارجی به صورت گسترده‌ای دست به همکاری با جمهوری‌های مذکور برای استخراج، تولید و پالایش نفت زده‌اند و قراردادهای عظیمی در این زمینه بسته شده است. از سوی دیگر لوله‌های حمل انرژی آسیای مرکزی به روسیه یکی از ابزارهای سلطه اقتصادی فدراسیون روسیه بر این جمهوری‌ها تلقی می‌شود. بدون تردید هر سه جمهوری قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان مایلند که با استفاده از خط لوله‌های جدید به استقلال بیشتری در زمینه صدور نفت و گاز خویش برسند. با اطمینان می‌توان گفت که ایجاد خطوط لوله جایگزین (به جای خطوط قبلی که به شمال منتهی می‌شوند) یکی از استراتژیک‌ترین موضوعات در آسیای مرکزی است که موضوع اصلی مذاکرات در زمینه انرژی آسیای مرکزی نیز می‌باشد. مسیرهای احتمالی برای خطوط لوله جایگزین اینهاست:

۱. مسیر چین: یکی از مسیرهای احتمالی برای حمل انرژی از آسیای مرکزی راه چین است. این کشور با توجه به تواناییهای عظیم اقتصادی و مرزهای طولانی با

دو جمهوری قزاقستان و قرقیزستان نقش مؤثری در آسیای مرکزی دارد. احداث خط لوله نفت و گاز از طریق چین خبری بود که برای بسیاری از کارشناسان انرژی منطقه شگفت‌آور بود. چندی قبل شرکت امریکایی «اکسون» شرکت ژاپنی «میتسوبیشی» و کرپراسیون ملی نفت و گاز چین در مورد احداث لوله گاز سراسری آسیا با مسیر ترکمنستان - چین - ژاپن به توافق رسیدند. این اتحاد سه گانه سه سال قبل وعده داده بود که در طرح‌ریزی این خط لوله شرکت نماید. هر یک از شرکت کنندگان علاقه‌مند خود را برای شرکت در پژوهشهای منابع طبیعی ترکمنستان پنهان نکرده‌اند. خط لوله مذکور که گاز ترکمنستان را به خاور دور انتقال می‌دهد ۶۷۰۰ کیلومتر (بر اساس محاسبه دیگری ۸۰۰۰ کیلومتر) طول خواهد داشت و هزینه احداث آن ۸ میلیارد و ۳۵۰ میلیون دلار برآورد شده است. این خط لوله از مسیر ازبکستان، قرقیزستان و قزاقستان نیز عبور خواهد نمود. ۳۳

۲. مسیر ایران: مسیر احتمالی دیگر حمل نفت و گاز آسیای مرکزی، ایران است که نفت و گاز آسیای مرکزی را به اروپا صادر می‌کند. این خط لوله از ترکیه نیز می‌گذرد. با توجه به مسیر مذکور، طرح مشترکی برای انتقال گاز ترکمنستان به اروپا با تبادل نظر میان ایران، ترکیه و ترکمنستان تهیه شد. خط لوله انتقال گاز ترکمنستان به اروپا بر اساس توافقات انجام شده قرار بود به طول ۱۴۵۰ میل با هزینه ۳/۹ میلیارد دلار از طریق ایران و ترکیه به جنوب شرقی اروپا متصل شود. کلنگ احداث این طرح توسط رؤسای جمهوری ایران و ترکمنستان به زمین زده

شد. قرار بود هزینهٔ احداث بخشی از این خط لوله که از ایران می‌گذرد از جانب این کشور پرداخت شود.

سرنوشت احداث خط لولهٔ مذکور هم اکنون در ابهام است. هر چند تردیدی نیست که مسیر مذکور یک راه بسیار مناسب برای حمل و انتقال انرژی آسیای مرکزی به اروپاست. با این حال احداث خط لوله مذکور برای انتقال گاز ترکمنستان به اروپا از طریق ایران و ترکیه، بنا به اخبار منعکس شده، به تعویق افتاده است. در مورد علل به تعویق افتادن آن مطالب مختلفی بیان شده است. بی‌نیازی اروپا از گاز تا سال ۲۰۱۰م، هزینهٔ سنگین اجرای آن و مشکل انتخاب گذرگاه خط لوله از جمله دلایلی است که در این مورد بیان شده است. روزنامهٔ دنیا، چاپ ترکیه، در این مورد نوشت: راهنمائیهای نادرست الکساندر هیگ، وزیر اسبق دفاع و امور خارجهٔ امریکا، و مشاور صفر مراد نیازوف، رئیس‌جمهور ترکمنستان، موجب به بن‌بست کشیده شدن طرح مذکور شد. موضوع احداث این خط لوله به ویژه پس از سفر نجم‌الدین اربکان، نخست‌وزیر ترکیه، در سال ۱۳۷۵ هـ ش به ایران یکبار دیگر به صورت جدی مطرح شده است. بر اساس مذاکرات انجام شده بین دو کشور، ترکیه طی ۲۰ سال آینده ۲۰ میلیارد دلار گاز از ایران خواهد خرید. کار احداث این خط لوله نیز پیگیری می‌شود و بر اساس اخبار موجود بخش دوم آن نیز در تیر ماه ۱۳۷۶ هـ ش به مناقصه گذاشته شده است. ۳۴

علی‌رغم به تعویق افتادن طرح مذکور، احداث یک خط لوله برای انتقال گاز

ترکمنستان به ایران مورد توافق قرار گرفته و مراحل اجرای این طرح در حال انجام شدن است که در مورد آن توضیح خواهیم داد.

۳. مسیر احتمالی دیگر حمل نفت و گاز آسیای مرکزی راه افغانستان و پاکستان است. این مسیر هم اکنون با مشکلاتی، از جمله ناهمواریهای فراوانی که در مسیر عبور خط لوله از افغانستان و پاکستان وجود دارد و وضعیت مبهم سیاسی و ناامنی موجود در افغانستان مواجه است. شرکت نفت و گاز «آنوکال» که دفتر مرکزیش در لوس آنجلس است اعلام نموده که در نظر دارد ۳ میلیارد دلار برای قرار دادن یک خط لوله ۱۳۰۰ کیلومتری انتقال گاز طبیعی از ترکمنستان به پاکستان از طریق افغانستان هزینه کند. ظرفیت انتقال گاز از خط لوله مزبور حداقل دو میلیارد فوت مکعب گاز در روز خواهد بود. ۳۵ شرکت «دلتاویل» عربستان نیز به این طرح پیوسته و دو شرکت مزبور توافق نامه مشترکی را با نیازوف امضا کردند. دو شرکت یاد شده از قزاقستان نیز دعوت نموده اند به طرح مذکور بپیوندند. ۳۶

۴. یک شرکت ترک اعلام نموده است که آماده است جهت احداث خط لوله از عشق آباد به ترکیه مشارکت نماید. این خط لوله ۴۸۰۰ کیلومتر طول خواهد داشت و از دریای خزر عبور خواهد کرد. هزینه اولیه این طرح ۸/۵ میلیارد دلار تخمین زده شده است. ۳۷

روسیه به دقت موضوع احداث خط لوله برای انتقال گاز و نفت آسیای مرکزی را دنبال می کند. یکی از رقبای اصلی روسیه در این زمینه ترکیه است.

روسیه در بهار سال ۱۹۹۵م (۱۳۷۴ ه.ش) یکجا با بلغارستان و یونان طرح احداث خط لوله «یورگاس - آکساندر و پولس» را مطرح نمود. علت عبور خط لوله از حاشیه سفر و داردانل محدودیتهایی است که ترکیه برای تانکرهای بزرگ قائل شده است. تانکرها طبق این طرح، نفت را از نوروسیسک تا بندر بورگاس بلغارستان حمل می‌کنند و از آنجا از طریق لوله به بندر یونانی الکساندر و پولس منتقل می‌شود. طول این خط لوله ۳۰۰ کیلومتر و هزینه آن ۷۰۰ میلیون دلار برآورد شده است. ۳۸

اخیراً مبحث انتقال نفت دریای خزر از طریق خاک گرجستان به بنادر «باتومی» و «پوستی» در دریای سیاه جدی شده است. در این صورت نفت منتقل شده به بنادر مذکور به وسیله تانکرها به ساحل ترکیه و از طریق خطوط سراسری ترکیه به بنادر مدیترانه انتقال خواهد یافت. این پیشنهاد از احتمال موفقیت بسیاری برخوردار خواهد بود. به این دلیل که ایالات متحده مخالف عبور خط لوله از طریق ایران است و از سوی دیگر ترکیه مخالف عبور تانکرها از داردانل و بسفر، و آذربایجان مخالفت انتقال نفت از نوروسیسک است. نهایتاً مسیر مذکور از جهات متعدد مطلوب به نظر می‌رسد، اما ترکیه هم در مورد تأمین امنیت خط لوله با مشکلاتی مواجه است، چون چریکهای کُرد احتمالاً در مسیر خطوط لوله عملیات تخریبی انجام خواهند داد.

در انتخاب مسیر برای ایجاد خطوط لوله انتقال نفت و گاز آسیای مرکزی چند نکته قابل دقت وجود دارد:

نخست اینکه روسیه به دنبال حفظ موقعیت استراتژیک خود در آسیای مرکزی است و لذا با احداث خط لوله از طریق جنوب مخالف است. این فشار و نفوذ بر قزاقستان و ازبکستان کاملاً محسوس و بر ترکمنستان کمتر است.

دیگر اینکه دو عامل در احداث لوله، امکان سرمایه‌گذاری و امنیت مسیر بسیار مهم است. به این معنا که کشور پیشنهاد دهنده برای احداث خط لوله علاوه بر امکان سرمایه‌گذاری وسیع، باید مسیر مناسبی برای انتقال این خطوط باشد. نهضت کردها در ترکیه، رویارویی آذربایجان و ارمنستان و مناقشات داخلی گرجستان از جمله موانعی است که بر سر راه برخی از این طرحها وجود دارد. در این زمینه ایران و روسیه به دلیل ناتوانی در سرمایه‌گذاری گسترده از توفیق کمتری برخوردارند و ترکیه نیز با مشکلات امنیتی خط لوله در کردستان ترکیه مواجه است. رقابت میان روسیه و ترکیه، ایران و ترکیه و سیاست خصمانه امریکا در قبال ایران از جمله عواملی است که در تعیین مسیر خطوط لوله انتقال نفت و گاز آسیای مرکزی مؤثر است.

در مورد احداث خطوط لوله نفت و گاز، چنانچه دیده شد، مشکلات متعدد وجود دارد. ترکمنستان به دلیل همسایگی با ایران در این زمینه که ایران مسیر مناسبی برای انتقال نفت و گاز این جمهوری است. تردیدی ندارد و قزاقستان نیز معتقد است که ارزانه‌ترین راه در حال حاضر صادر نمودن نفت از طریق ایران است. نفت قزاقستان می‌تواند از طریق بندر آکتاو به بندر انزلی و از آن طریق نیز به پالایشگاههای تهران، تبریز، اراک و اصفهان انتقال داده شود. برای صدور نفت

از طریق بندر انزلی به پالایشگاههای مذکور از طریق خطوط لوله تنها نیاز به احداث ۱۰۰ کیلومتر خط لوله هست.

جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با انتقال نفت و گاز قزاقستان و ترکمنستان به توافقهایی با این دو کشور دست یافته است. این دو کشور نیز از عزم قاطع نسبت به همکاری با جمهوری اسلامی ایران در این زمینه برخوردارند. ذیلاً فعالیتهای انجام شده در این ارتباط بررسی می‌شود. ۳۹

در ترکمنستان طرح اصلی ایران در زمینه گاز است. انتقال گاز ترکمنستان به ایران از یک سو از وابستگی شدید ترکمنستان به خطوط روسیه می‌کاهد و از سوی دیگر یک ارتباط بزرگ تجاری برای ایران شمرده می‌شود. قراردادی میان جمهوری اسلامی ایران با ترکمنستان برای ایجاد خط لوله‌ای به طول ۲۰۰ کیلومتر منعقد شده است. این خط لوله از غرب ترکمنستان شروع می‌شود و به خط لوله سرخس - تکا متصل خواهد شد. در این زمینه قرارداد اجرای طرح در سال ۱۳۷۴ هـ ش میان شرکت ملی مهندسی و ساختمان نفت ایران با وزارت نفت جمهوری ترکمنستان امضا شده است.

علاوه بر این، قرارداد خرید گاز این خط لوله نیز بین شرکت ملی گاز ایران و وزارت نفت و گاز ترکمنستان منعقد شده است. اینک مرحله اجرایی این خط لوله آغاز شده است و پیش‌بینی می‌شود که بر اساس محاسبات موجود، ترکمنستان حجمی از گاز معادل ۲۰۰ میلیون دلار در سال را از طریق این خط لوله ایران خواهد فروخت. پیش‌بینی شده است که در سالهای بعدی این رقم به

۴۰۰ میلیون دلار برسد.

در مقابل خرید گاز، ایران می‌تواند به ترکمنستان مازوت بفروشد که سوددهی فراوانی دارد. از سوی دیگر در حمل و نقل انرژی و سوخت در داخل ایران نیز صرفه‌جویی خواهد شد.

پیش از این توافق‌نامه‌ای میان ترکمنستان، ایران و ترکیه برای احداث لوله‌ی صدور گاز ترکمنستان به اروپا امضا شده بود که چنان‌که ذکر شد این طرح فعلاً منتفی شده و تا مدتها در بوته‌ی ابهام باقی خواهد ماند می‌توان گفت که خط لوله انتقال گاز ترکمنستان از طریق جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر جایگزین توافقات قبلی در مورد احداث خط لوله برای حمل گاز ترکمنستان به اروپا شده است و در این زمینه قراردادهای عملی امضا شده است.

علاوه بر این شرکت ملی نفت ایران طرح‌هایی اجرایی نیز برای تأسیس و ساخت به وزارت نفت و گاز ترکمنستان پیشنهاد نموده است. بازسازی بخشی از پالایشگاه کراسنودسکی در ترکمنستان از این جمله است. بخش مورد نظر واحد CCR پالایشگاه است که بنزین بدون سرب تولید می‌کند. یادداشت تفاهم‌هایی نیز در مورد طرح‌های مختلف، از جمله خرید نفت خام و فرآورده‌های نفتی مطرح است. شرکت ملی نفت همچنین پیشنهاد داده است که ساختمان وزارت نفت و گاز ترکمنستان را احداث نماید.

در قزاقستان نیز مجموعه فعالیت‌هایی برای همکاری در زمینه حمل نفت این کشور صورت گرفته است. آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهوری، صریحاً

آمادگی ایران برای انتقال نفت قزاقستان از طریق خاک ایران را اعلام کرد. ۴۰ با توجه به شرایط خاص قزاقستان، همسایگی این کشور با روسیه و نفوذ دولت روسیه بر این کشور و حساس بودن آن نسبت به آنچه در روسیه می‌گذرد و از سوی دیگر با توجه به حضور گسترده شرکت‌های غربی و سرمایه‌گذاری آنان در نفت و گاز این کشور، قزاقستان به صورت احتیاط‌آمیزی با حمل نفت خود از طریق ایران برخورد می‌کند. در قزاقستان این اعتقاد وجود دارد که در حال حاضر جمهوری اسلامی ایران بهترین مسیر برای صدور نفت این کشور است.

این کشور هم اکنون به صورت جدی با مشکل صدور نفت خود مواجه است. بخشی از سرمایه‌گذاری‌های پس از استقلال نیز در تولید و استخراج نفت به ثمر رسیده است در حالی که قزاقستان هنوز راه جدیدی برای صدور نفت خویش ایجاد نکرده و انتقال نفت از طریق خط لوله روسیه نیز با مشکلات متعددی مواجه است. طرح احداث خط لوله نفت قزاقستان برای انتقال نفت این کشور به شمال ایران از ساحل شرقی خزر از طریق ترکمنستان نیز مطرح است. این خط لوله در واقع رقیب خط لوله انتقال نفت به دریای سیاه خواهد بود.

این طرح چندین بار در مذاکرات بین وزرای دو کشور مطرح شده است. با وجود شرایط خاص قزاقستان، که مورد اشاره قرار گرفت، ۴۱ هنوز این اعتقاد که ایران مسیر مناسبی برای صدور نفت قزاقستان است از بین نرفته است، لذا هم اکنون حمل نفت قزاقستان با کشتی به ساحل خزر در طرف ایران در حال انجام است. قزاقستان برای حل مشکل صدور نفت خود با جدیت این موضوع را

دنبال می‌کند. این موضوع در مذاکرات رؤسای جمهوری دو کشور در اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۵ ه.ش در تهران مورد توافق قرار گرفت. بر اساس این توافق که از پائیز سال ۱۳۷۵ ه.ش عملی شده است، نفت قزاقستان در ساحل خزر تحویل ایران می‌شود و ایران معادل آن را در خلیج فارس تحویل مشتریان قزاقستان می‌نماید. نفت خریداری شده توسط ایران به پالایشگاه تهران منتقل می‌شود و بخشی از نیاز مناطق شمالی کشور را برطرف خواهد نمود. مبادله نفت به این صورت برای جمهوری اسلامی ایران مفید خواهد بود، از این جهت که از اختلاف قیمت نفت تحویلی در شمال با نفتی که در جنوب عرضه می‌شود بهره خواهد برد، حق ترانزیت خواهد گرفت و در داخل کشور نیز از حمل نفت از جنوب به شمال کشور به مقداری بی‌نیاز خواهد شد. بر اساس توافق مذکور قزاقستان سالانه دو میلیون تن نفت خود را از طریق ایران صادر خواهد کرد.

قزاقها از امضای قرارداد برای صدور نفت خویش به این طریق بسیار خوشنودند و هم اکنون کارهای کارشناسی جدی میان طرفین انجام می‌شود که مشکلات جزئی موجود در راه اجرای این قرارداد برطرف شود. این مشکلات مربوط به کیفیت نفت ارسالی از قزاقستان و نظرات کارشناسان شرکت نفت ج.ا. ایران در مورد عدم مطابقت این نفت با استانداردهای موجود در پالایشگاههای ایران می‌باشد. به هر حال این قرارداد انتقال نفت، تحول عظیمی در روابط ایران با آسیای مرکزی تلقی می‌شود که ذهنیت رهبران سایر جمهوری‌ها را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد.

در زمینه مسیر انتقال نفت و گاز آسیای مرکزی و تعیین مسیر احداث لوله واقعیاتی وجود دارد که مناسب است در پایان این بخش مورد اشاره قرار گیرد.

۱. کشورهای غربی بویژه امریکا در مورد حضور ایران در آسیای مرکزی حساس هستند و سرمایه‌گذاری عمیق ایران در منطقه حساسیت این کشورها را بر می‌انگیزد. این نگرانی از جانب امریکا بارها به صراحت اعلام شده است. از سوی دیگر برای قزاقستان که کشوری نوپاست و تحت این فشارها قرار دارد تعیین خط مشی رفتار با کشوری که به صراحت مورد تحریم و مخالف ابرقدرت امریکا قرار می‌گیرد دشوار است.

۲. روسیه با خط لوله‌های موجود سلطه اقتصادی خود را بر منطقه حفظ می‌کند. هم اکنون نیز روسیه دارای بالاترین حجم مبادلات با این جمهوری‌هاست و بدیهی است که مایل است نفوذ خود را در منطقه حفظ نماید. به همین دلیل روسیه انتقال نفت و گاز آسیای مرکزی را دنبال می‌کند. این تأثیر در مورد قزاقستان با توجه به همسایگی با روسیه و اینکه نزدیک به نصف جمعیت این کشور روس تبار هستند شدیدتر است.

به هر حال علی‌رغم فشارهای موجود بر قزاقستان برخی از مقامات این کشور معتقدند که بهترین راه انتقال نفت قزاقستان از ایران می‌باشد. این گروه پنهان نمی‌کنند که فشارهای موجود، بویژه از جانب کشورهای غربی مانع انعقاد قراردادی برای احداث خط لوله و انتقال نفت از طریق ایران می‌شود و امیدوارند که سران کشور با واقع‌بینی بیشتری به این موضوع نگاه کنند. نویسنده خود در

ملاقات با برخی مقامات قزاق به صراحت این موضوع را شنیده است. علاوه بر این، فشار روس‌ها نیز فراوان است، به نحوی که «نورسلطان نظربایف» در آستانه سال ۱۹۹۶م اعلام کرد که مسیر روسیه راه مناسبی است برای انتقال نفت قزاقستان. ۴۲

یادداشتها :

۱. مطالب این بخش از منابع زیر اخذ شده است:
الف) فوگو گوان، «نقش منابع در توسعه اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی»، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز (تهران - دفتر مطالعات سیاسی وزارت خارجه ۱۳۷۳ ه.ش) ش ۸ ص ۱۹۳-۱۹۸.
ب) کلارا رحمتوا، «منابع نفت و انرژی آسیای مرکزی»، منابع و ظرفیتهای اقتصادی آسیای مرکزی و قفقاز (تهران، مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز ۱۳۷۴ ه.ش) ص ۷-۲۷.

(پ)

Tangiz New oil field discovery, Oil and Gas Journal, Sed 1992.
VOL. 2 - 13.

۲. آنتونی هایمن، «آسیای میانه - نفت» مجله میدل ایست، (انگلستان ۱۹۹۴/۱/۱ م.) اداره کل مطبوعات خارجی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳. همان منبع.

۴. در ارتباط با مطالب این بخش ر.ک به منابع زیر:
الف) آکساندر آلیمف، «منابع معدنی و زراعی آسیای مرکزی»، ترجمه بدرالزمان شهبازی، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز (تهران - دفتر مطالعات سیاسی وزارت خارجه ۱۳۷۳ ه.ش) ش ۸، ص ۳۲۷.
ب) سید محمد موسوی روجبخش، «برآورد نفت و گاز کشورهای همجوار دریای خزر»، منابع و ظرفیتهای اقتصادی آسیای مرکزی و قفقاز، (تهران، مرکز

۵. مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۳۷۴ ه‍.ش) ص ۴۶-۶۰.
۵. علی اصغر کاظمی، «توسعه و مسئله ترانزیت کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز»، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز (تهران، مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۳۷۴ ه‍.ش) ش ۴، ص ۹۲-۱۰۰.
۶. همان.
7. *United Nations forty - ninth Session of the General Assembly, A/49/277, 25 July 1994.*
۸. اطلاعات موجود در سفارت جمهوری اسلامی ایران در قزاقستان.
۹. ایران محوراتصال شرق و غرب، مجله نامه اتاق بازرگانی (تهران، ۱۳۷۴ ه‍.ش) آذرماه تک شماره.
۱۰. همان.
۱۱. ر.ک: اکبر ترکان، راههای ارتباطی جمهوری اسلامی ایران با آسیای مرکزی، منابع و ظرفیتهای اقتصادی آسیای مرکزی، ص ۲۷۱-۲۷۵؛ همو، روزنامه اخبار (اخبار اقتصادی) ۲ تیرماه ۱۳۷۶ ه‍.ش.
۱۲. عظمت حیات خان، «راه آهن و اقتصاد آسیای مرکزی»، منابع و ظرفیتهای اقتصادی آسیای مرکزی، ص ۲۷۵-۲۸۹.
۱۳. روزنامه همشهری، دوشنبه ۹ تیرماه ۱۳۷۶ ه‍.ش.
۱۴. اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، نشریه ایران در مطبوعات جهان، شماره ۱۶۳۷، مردادماه ۱۳۷۵ ه‍.ش.
۱۵. مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، (تهران، مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۳۷۲ ه‍.ش، ش ۴، ص ۳۸۵).
۱۶. روزنامه ایران، دوشنبه اول اسفند ۱۳۷۳ ه‍.ش، ص ۳.

۱۷. هفته‌نامه خراسان، شنبه ۲۲ بهمن ۱۳۷۳ ه.ش، ص ۲.
۱۸. اطلاعات موجود در سفارت جمهوری اسلامی ایران در عشق‌آباد.
۱۹. معاونت امور بین‌الملل وزارت امور اقتصادی و دارایی، بررسی همکاری‌های اقتصادی ایران با کشورهای مستقل مشترک‌المنافع.
۲۰. وزارت بازرگانی جمهوری اسلامی ایران، آمار منتشره از سوی وزارت بازرگانی، اداره دوم مشترک‌المنافع وزارت خارجه، ۱۳۷۴ ه.ش.
۲۱. هفته‌نامه خراسان، پیشین.
۲۲. معاونت بین‌الملل وزارت امور اقتصادی و دارایی، پیشین.
۲۳. وزارت بازرگانی قزاقستان، حجم مبادلات دو جانبه صادرات و واردات قزاقستان، (به زبان روسی و انگلیسی، آلماتی ۱۳۷۴ ه.ش).
۲۴. ر.ک: وزارت بازرگانی جمهوری اسلامی ایران، آمار ثبت سفارش واردات از آسیای مرکزی (تهران، وزارت خارجه، اداره کل کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، ۱۳۷۴ ه.ش)؛ کمیته دولتی آمار جمهوری قزاقستان، بولتن آمار، آلماتی ۱۹۹۶ م.
۲۵. معاونت بین‌الملل وزارت امور اقتصادی و دارایی، پیشین.
۲۶. پرونده مبادلات اقتصادی سال ۱۳۷۵ ه.ش، سفارت ج.ا.ایران در تاشکند.
۲۷. گزارش همکاری‌های تجاری سال ۱۳۷۵ ه.ش، سفارت ج.ا.ایران در بیشکک.
۲۸. وزارت بازرگانی قزاقستان، پیشین.
۲۹. وزارت بازرگانی جمهوری اسلامی ایران، آمار ثبت سفارش...، پیشین.
۳۰. وزارت بازرگانی قزاقستان، پیشین.
۳۱. همکاری‌های ایران در جمهوری ترکمنستان، روزنامه کیهان، ۷۳/۹/۱۲، ص ۳.
۳۲. پرونده همکاری‌های اقتصادی، بایگانی سفارت جمهوری اسلامی ایران در

- قزاقستان، ۱۳۷۵ ه.ش.
۳۳. هفته‌نامه کاروان، به زبان روسی، قزاقستان، آلمان‌تی، ش ۱، ۱۲/۱/۱۹۹۶.
۳۴. «احداث خط لوله از ترکمنستان به چین»، هفته‌نامه آسیا، به زبان روسی (قزاقستان، آلمان‌تی) ش ۸ سپتامبر ۱۹۹۵ م.
۳۵. طرح انتقال گاز ترکمنستان به اروپا، روزنامه ایران، شنبه ۱۳۷۶/۴/۷، ص ۴ و همچنین روزنامه ایران، چهارشنبه ۱۳۷۴/۹/۱ ش ۸۴.
۳۶. روزنامه سلام، ۴ آبان ۱۳۷۴ ه.ش، ش ۱۳۷۶.
۳۷. روزنامه کاروان بلیتز، به زبان روسی، قزاقستان، آلمان‌تی، ش ۱۷۴، ۱۹۹۵/۱۱/۱.
۳۸. فوگوگوان، «نقش منابع در توسعه اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی»، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز (تهران - دفتر مطالعات سیاسی وزارت خارجه ۱۳۷۳ ه.ش، ش ۸، ص ۱۹۵).
۳۹. مؤسسه تحقیقات استراتژیک قزاقستان، روسیه، قفقاز و آسیای مرکزی: تنف، ...، مجله آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۳۷۴ ه.ش، ش ۱۲، ص ۱۱۱-۱۲۷.
۴۰. مجموعه اطلاعات این بخش از پرونده‌های موجود در دفتر نمایندگی شرکت ملی نفت جمهوری اسلامی ایران در عشق‌آباد و آلمان‌تی گرفته شده است.
۴۱. روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۳/۹/۲۰، ص ۳.
42. *Petroleum intelugence Weekly (PIW) Kazakhstan, The Golden raaly to oil and gas in Central Asia, Apr. 1993.*
۴۳. شبکه اخبار سراسری شب، کانال ۱ تلویزیون قزاقستان، ۱۹۹۶/۱/۱.



فصل سوم

**«جایگاه آسیای مرکزی
در سیاست خارجی
جمهوری اسلامی ایران»**

جایگاه آسیای مرکزی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

با فروپاشی شوروی، پرده‌های ابهام از روی علایق و ارتباط دیرینه ملت ایران با ملل آسیای مرکزی برداشته شد. مردمان این جمهوری‌ها، با تجدید سنت‌های خود و تجلیل از گذشته غنی و سابقه فرهنگی خویش نشان دادند که این گذشته مشترک، فراموش شدنی نیست.

جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی، جایگاهی قابل توجه دارد. این جمهوری‌ها از زمان استقلال با علاقه به جانب جمهوری اسلامی ایران گرایش یافته و درصدد تحکیم روابط خویش با این کشور بوده‌اند. گذشته طولانی تاریخی و فرهنگی مشترک، همسایگی با ایران، مسلمان بودن مردم آسیای مرکزی، نیاز مبرم به راههای ارتباطی و نهایتاً نیازهای اقتصادی به ایران از جمله عواملی است که موجب می‌شود حکام جمهوری‌های آسیای مرکزی توجه خود را به سوی ایران معطوف نمایند. از سوی دیگر نیز، آسیای مرکزی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران جایگاهی رفیع و ویژه را احراز نموده است. جمهوری اسلامی ایران اندکی پس از استقلال یافتن این جمهوری‌ها

سفارتخانه‌های خود را در پایتخت‌های جمهوری‌ها افتتاح و همکاری گسترده‌ای را با آنان آغاز نمود. بدون تردید فروپاشی شوروی و ایجاد جمهوری‌های مستقل، توجه جمهوری اسلامی ایران را به سمت مرزهای شمالی معطوف نمود و تحرک ویژه‌ای در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به وجود آورد.

استقلال یافتن جمهوری‌های آسیای مرکزی موجب تنوع در رفتار سیاسی جمهوری اسلامی ایران نسبت به همسایگان شمالی خود شده است. پیش از این، ایران در شمال کشور با یک ابرقدرت که یکی از دو پایه اصلی نظم روابط بین‌الملل محسوب می‌شد هم‌جوار بود. از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران در ساحل خزر نیز با یک کشور روبه‌رو بود و مسائل دریای خزر تنها میان ایران و اتحاد شوروی سابق حل می‌شد، در حالی که پس از فروپاشی، ایران همسایگان متعددی در مرزهای شمالی خود پیدا نموده است و حاکمیت‌های چندگانه و متعددی در سواحل خزر واقعیت یافته است. این چندگانگی و تنوع خود یک نوع تحرک و تنوع در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه به وجود آورده است.

رفتار جمهوری اسلامی ایران با جمهوری‌های آسیای مرکزی در سطوح تحلیل مختلفی قابل بررسی است. که عبارتند از سطح تحلیل بین‌المللی، منطقه‌ای، دو جانبه و استانی نخست رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در هر یک از این سطوح مذکور مورد بحث قرار خواهند گرفت و پس از آن

به مسائلی که جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با تعیین سیاست خارجی خود در منطقه با آنها دست به گریبان است اشاره خواهد شد.

در بُعد بین‌المللی، فروپاشی اتحاد شوروی انحصار سلطه ابرقدرتها را از میان برداشته و تنوع بیشتری نیز برای ایران در سطح روابط بین‌الملل ایجاد نموده است. جمهوری اسلامی ایران اکنون در مرزهای شمالی‌اش با یک همسایه برتر روبه‌رو نیست، بلکه با کشورهایی روبه‌روست که زمینه فعالیت وسیعی برای او در بُعد سیاسی و اقتصادی ایجاد نموده‌اند. از سوی دیگر جمهوری‌های آسیای مرکزی که پس از دهه‌های متمادی سلطه حکومت تزاری و کمونیستی استقلال خود را باز یافتند و در بخشی از بزرگترین توده خاکی به هم پیوسته (حدود ۹ میلیون کیلومترمربع) و در دورترین فاصله از دریای آزاد قرار گرفته‌اند اکنون با مشکلات اقتصادی، نهادی و اجتماعی بسیار حادی روبه‌رو هستند که اگر نتوانند این راه پریپیچ و خم را با حداقل تنش طی کنند طرحها و سرنوشت‌های خطرناکی در انتظار منطقه خواهد بود. حفظ ثبات و امنیت منطقه یکی از اهداف اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی است. با توجه به اینکه امنیت و ثبات در این منطقه پیش از این توسط ابرقدرت سابق تأمین می‌شده است جمهوری اسلامی ایران تلاش دارد که خلأ موجود با همکاری‌های دو جانبه و چند جانبه پر شود. با استقلال یافتن جمهوری‌های آسیای مرکزی برخی محافل غربی عکس‌العمل‌های منفی در مورد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه نشان دادند. این موضع‌گیریها با این

هدف صورت می‌گرفت که نشان دهد جمهوری اسلامی ایران با گسترش حوزه فعالیت خود موجب بی‌ثباتی و ناامنی در منطقه خواهد شد.

برخی از نویسندگان غربی تلاش نمودند نشان دهند که با توجه به پیشینه و نفوذ تاریخی و فرهنگی ایران بر منطقه، سیاست خارجی فعال جمهوری اسلامی ایران در منطقه می‌تواند به صورت وجه غالب درآمده و موجب تقویت بنیادگرایی شود. ۱- این گونه تحلیل‌ها با توجه به زمینه اسلام‌گرایی که در منطقه وجود دارد بیان می‌شد. از دیدگاه تحلیل‌گران غربی، در آسیای مرکزی علاوه بر مسئله ملیت‌ها، مرزبندی‌های انجام شده در دوران استالین و مشکلات اقتصادی، اسلام‌گرایی نیز می‌تواند از کانونهای بی‌ثباتی در منطقه باشد. این دیدگاه از فعالیتهای افراطی ناشی می‌شد که پس از استقلال در برخی جمهوری‌ها بروز نمود. موضع‌گیریهای منفی نسبت به جمهوری اسلامی ایران در مورد گسترش بنیادگرایی در منطقه، بیشتر از آن که ناشی از واقعیات باشد، در چهارچوب تبلیغات منفی علیه جمهوری اسلامی ایران صورت می‌گرفت. با فروکش کردن اقدامات افراطی انجام شده توسط برخی گروههای اسلامی، این گونه تحلیل‌ها نیز اعتبار خود را از دست داد. جمهوری اسلامی ایران نیز تلاش نموده است که با سیاست خارجی ملایم، این باور را در منطقه ایجاد کند که هدف اولیه ایران ایجاد همکاری و ثبات در منطقه است. این نکته را مسئولین جمهوری اسلامی ایران در مصاحبه‌ها و مذاکرات با مقامات سیاسی آسیای مرکزی مکرراً بیان کرده‌اند. جمهوری اسلامی ایران در عمل نیز نشان داده است

که فعالیت‌هایش در جمهوری‌های مذکور بیشتر جنبه اقتصادی دارد. پس از مدتی برخی سران آسیای مرکزی نیز به این واقعیت اعتراف کرده‌اند که تبلیغات منفی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران بی‌پایه و اساس است. «نورسلطان نظربایف»، رئیس‌جمهوری قزاقستان، در بازگشت از ایران در سال ۱۳۷۱/م ۱۹۹۲ ه‌ش پس از بازدید از تهران و کیش به اهمیت جمهوری اسلامی ایران برای آسیای مرکزی و صحیح نبودن تبلیغات منفی اشاره نمود. یکی از روزنامه‌نگاران قزاقستان پس از بازدید از تهران در خرداد ۱۳۷۴ ه‌ش با اشاره به همین نکته می‌گوید: «برخلاف آنچه غربی‌ها نشان می‌دهند خوف انتشار اسلام در منطقه آسیای مرکزی چندان جای نگرانی ندارد». ۲

امریکا در زمینه ثبات و امنیت در منطقه فعالیت‌هایی در جمهوری‌های آسیای مرکزی انجام داده و علاوه بر همکاری‌های نظامی به دنبال عقد قراردادهای نظامی با این جمهوری‌هاست. از سوی دیگر روسیه نیز که به طور سنتی بر این جمهوری‌ها استیلا داشته است مایل نیست که ناظر حضور گسترده هیچ قدرت خارجی در این منطقه باشد. بر همین اساس روسیه روابط و همکاری‌های نظامی و امنیتی خود را با جمهوری‌ها حفظ نموده و به صورت جدی نسبت به هر گونه بحران در این منطقه حساسیت نشان می‌دهد. روسیه با دخالت مستقیم در بحران تاجیکستان نیز می‌خواست این نکته را یادآور شود که در زمینه ثبات و امنیت منطقه هنوز می‌باید روسیه حرف اول را بزند. در همین راستا روسیه به صورت جدی با گسترش ناتو به شرق و عضویت جمهوری‌های آسیای مرکزی

در این پیمان مخالفت می‌نماید.

جمهوری اسلامی ایران در چند ساله اخیر با گسترش و تعمیق روابط خود با مسکو نوعی تعادل در روابط خود با روسیه از یکسو و جمهوری‌های آسیای مرکزی از سوی دیگر ایجاد نموده است. در سالهای اخیر همکاری ایران و روسیه در زمینه‌های مختلف گسترش یافته است که پس از این به تفصیل مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

در سطح بین‌المللی، عضویت این جمهوری‌ها در سازمان کنفرانس اسلامی یکی دیگر از اهداف مورد نظر جمهوری اسلامی بوده است. عضویت این سازمانها علاوه بر افزایش اعضا و گسترش سرزمینی این سازمان به قدرت و نفوذ آن در سطح نظام بین‌الملل نیز خواهد افزود. از سوی دیگر عضویت این جمهوری‌ها در این سازمان موجب افزایش اعضای غیر عرب سازمان کنفرانس اسلامی خواهد شد. افزایش اعضای غیر عرب سازمان احتمالاً زمینه تقویت موضع ایران در تصمیم‌گیریهای این سازمان را فراهم خواهد کرد.

نکته دیگر در تحلیل روابط ایران و آسیای مرکزی در سطح بین‌الملل، عضویت جمهوری‌های آسیای مرکزی در سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) است. بنا به گفته دبیرکل اوپک این سازمان سرگرم مذاکره با کشورهای نفت خیز آسیای مرکزی برای پیوستن به اوپک است. ۳

جمهوری اسلامی ایران از عضویت این جمهوری‌ها در اوپک استقبال می‌کند و مایل است یک نوع هماهنگی در تولید و صادرات نفت منطقه به

وجود آید. علاوه بر امکان حمل و نقل نفت و گاز منطقه از طریق ایران، که زمینه نفوذ و دخالت ایران را در امر نفت و گاز منطقه فراهم می‌نماید، جمهوری اسلامی ایران مایل است در امور انرژی، میان ایران و کشورهای حاشیه دریای خزر و از سوی دیگر میان ایران با همه جمهوری‌های آسیای مرکزی یک نوع توافق و هماهنگی وجود داشته باشد. با توجه به دیپلماسی گسترده‌ای که میان کشورهای حاشیه خزر در ارتباط با منابع نفتی این دریا صورت می‌گیرد، در صورت دستیابی به مواضع مشترک در دریای خزر و همچنین انتقال نفت و گاز آسیای مرکزی از طریق ایران در آینده نزدیک، قدرت مانور ایران در اوپک و کل صحنه بین‌الملل را افزایش خواهد داد.

در سطح تحلیل بین‌المللی، رفتار ایران در آسیای مرکزی، نکته بسیار مهم توجه به افزایش نقش ایران در صحنه بین‌الملل است. استقلال یافتن جمهوری‌های آسیای مرکزی خود موجب ایجاد مسائل جدیدی برای ایران به عنوان بهترین راه دستیابی به آسیای مرکزی است. فروپاشی شوروی احیای نقش تاریخی ایران به عنوان پل ارتباط سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا را به همراه داشته است. در واقع نه تنها ایران بهترین راه دستیابی آسیای مرکزی به بازارهای جهانی است، که بهترین مسیر دستیابی دیگر کشورها نیز به آسیای مرکزی شمرده می‌شود. موقعیت ژئواستراتژیک ایران نسبت به منطقه و راههای مواصلاتی ایران برای دستیابی به آبهای آزاد واقعی است که همه جمهوری‌های آسیای مرکزی را ناچار به همکاری و ایجاد مناسبات با ایران می‌کند. ایران نزدیک‌ترین

راه دستیابی آسیای مرکزی به آبهای آزاد و تنها راه دستیابی به آبهای گرم خلیج فارس است. همان گونه که پیش از این گفته شد، در گذشته تمام خطوط مواصلاتی آسیای مرکزی به دنیا به سمت شمال طراحی و اجرا شده بود به صورتی که همه خطوط مواصلاتی نفت، گاز و راه آهن به روسیه و از آنجا به سایر نقاط دنیا منتهی می شده است. توجه به جنوب، لزوم رهایی از نفوذ مواصلاتی روسیه و ضرورت ایجاد خطوط جدید مواصلاتی از طریق ایران به جنوب واقعیاتی است که موجب افزایش نقش ایران می شود و موجب می شود که نه تنها کشورهای آسیای مرکزی که سایر کشورهایی که به دنبال حمل و نقل کالا به مقصد و از مبدأ آسیای مرکزی هستند به موقعیت استراتژیک ایران در این ارتباط توجه نمایند. هند، بنگلادش و آلمان از جمله کشورهایی هستند که برای ایجاد ارتباطات گسترده با جمهوری های آسیای مرکزی با جمهوری اسلامی ایران مذاکراتی انجام داده اند. ۴ کشورهای دیگر جهان برای ارتباط با آسیای مرکزی چاره ای جز عبور از افغانستان، ترکیه، چین، ایران یا روسیه ندارند. کشورهای مذکور تنها مسیرهای دستیابی دیگر کشورها به آسیای مرکزی هستند. با توجه به اینکه راه چین بسیار دور و راه افغانستان ناامن است، استفاده از دو خط مذکور برای آسیای مرکزی با مشکل مواجه است. استفاده از خط روسیه نیز با مشکلات مخصوص به خود روبه روست و ترکیه خود برای ارتباط با آسیای مرکزی نیازمند به خطوط مواصلاتی ایران است. بنابراین ایران به عنوان بهترین مسیر حمل و نقل کالا مورد توجه دیگر کشورها قرار می گیرد و به همین دلیل

برخی از این کشورها گسترش روابط خود با منطقه آسیای مرکزی را تا حدی بسته به روابط خود با تهران می‌دانند. ۵

جامعه اروپا نیز برای ارتباط با آسیای مرکزی به ایران توجه دارد و برخی از کشورهای عضو این جامعه این نکته را یادآور شده‌اند. دولت آلمان موضوع همکاری با ایران در منطقه آسیای مرکزی را جزء موضوعات اصلی مورد بحث میان دو کشور قرار داده است. ۶

برای بررسی بیشتر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌باید به برخی طرفهای ذیربط در این موضوع اشاره نمود. به عبارت دیگر می‌توان چنین گفت که تعیین نقش ایران در آسیای مرکزی بستگی به مناسبات ایران با برخی طرفهای ذینفع در آسیای مرکزی دارد. روسیه، اروپای غربی و امریکا مواردی هستند که می‌باید دیدگاه آنها نسبت به آسیای مرکزی و همچنین روابط جمهوری اسلامی ایران با آنها مورد بحث قرار گیرد.

ایران و روسیه

روابط دو کشور ایران و روسیه دارای سابقه بسیار طولانی است. این روابط طی قرون گذشته فراز و نشیبهای فراوانی را پشت سر گذاشته است. این روابط که قدمت ۴۰۰ ساله دارد در برخی موارد بسیار دوستانه و در مواردی نیز بسیار خصمانه بوده است. دوره رکود اخیر به آغاز دهه هشتاد بر می‌گردد که انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید و اصل «نه شرقی - نه غربی» به عنوان یکی از اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اعلام شد. در این دوران نیز

روابط ایران و روسیه برقرار و لیکن همراه تنش فراوان و رکود بوده است. این شرایط در پایان دهه هشتاد و آغاز دهه نود پایان یافت و روابط دو کشور رو به گسترش نهاد. در اوائل دهه ۹۰ با فروپاشی ابرقدرت شوروی یخ‌ها در روابط ایران و روسیه آب شد، به این معنا که از سویی شبیح یک ابرقدرت خوفناک از مرزهای شمالی ایران رخت بریست و از سوی دیگر معلوم شد که مورد خطر انقلاب اسلامی و ترویج نهضت‌های اسلامی و بنیادگرایی در جمهوری‌های سابق شوروی بیش از اندازه مبالغه شده است.

روس‌ها در چشم ایرانیان

روس‌ها در تاریخ ایران به دلیل تجاوزات متعددی به مرز و بوم ایران، دارای چهره‌ای مثبت نیستند و هیچ‌گاه در طول دهه‌ها و قرون گذشته روابط ایران و روسیه از روند سالمی برخوردار نبوده است. با این حال طی سالهای اخیر گسترش روابط میان دو کشور نقطه آغازی برای تصحیح دیدگاه‌های طرفین تلقی می‌شود. این گسترش روابط، پس از فروپاشی شوروی ایجاد شده است و علاوه بر این، تغییرات عظیم در صحنه بین‌الملل و زوال بلوک شرق به عنوان یک صحنه مبارزات ایدئولوژیک زمینه را برای گسترش روابط دو کشور فراهم نموده است. لئونید اسکلیارف، رئیس بخش ایران شناسی آکادمی علوم روسیه، در مقاله‌ای تحت عنوان «روابط استراتژیک ایران و روسیه» می‌گوید: «این فرضیه که ایران و روسیه همسایه و مجبور به همکاری هستند دیگر یک عبارت عادی و معمولی شده است».^۷

طی پنج ساله اخیر پیشرفت فراوانی در روابط ایران و روسیه مشاهده شده و فضای روابط دو کشور روشن تر شده است. طی این مدت زمینه های همکاری و علل نزدیکی ایران و روسیه روشن تر شده است. از سویی جمهوری اسلامی ایران دریافته است که به هر حال روسیه کشوری است صنعتی با اقتصادی قوی و نقش اساسی در صحنه بین الملل و همواره به عنوان یک کشور مهم باقی خواهد ماند. بنابراین همکاری با روسیه برای ایران منافع فراوانی در بر خواهد داشت. این همکاری در زمینه های مختلفی است که مورد بررسی قرار خواهد گرفت. پیش از این مناسب است که اشاره ای به سیاست روسیه نسبت به آسیای مرکزی و کل منطقه طی سالهای اخیر صورت گیرد.

روسیه کشوری است که در مرز اروپا و آسیا واقع شده است. این موقعیت ویژه ژئواستراتژیک در طول تاریخ تأثیر خویش را در فرهنگ و سیاست روسیه گذاشته است و این کشور را به عنوان یک کشور اور - آسیایی درآورده است. اگر چه ملت روس از نژاد اسلاو و اروپایی هستند، اما برخورد نزدیک و تماس ممتد با نژادهای شرقی در طول قرون متمادی موجب شده است که فرهنگ ملت روس نیز از فرهنگ شرق متأثر شود.

با فروپاشی شوروی از سویی حوزه نفوذ و سلطه روسیه محدود شد و از سوی دیگر روسیه از مسئولیتهای متعددی که نسبت به تأمین اقتصادی مناطق تحت نفوذ خویش داشت رها شد.

پس از فروپاشی شوروی سه دیدگاه در سیاست خارجی روسیه وجود داشته

است: ^۸

الف) عضویت در گات و جامعه اروپا و همکاری با ایالات متحده امریکا، این دیدگاه معتقد است که روسیه باید نگاه خود را از شرق برداشته و تلاش نماید که خود را به عنوان یک عضو در خانواده اروپا و امریکا در آورد. این گرایش به عنوان اندیشه «مشارکت متحد» شناخته شده است و معتقد است که روسیه می باید به عضویت جامعه اروپا در آید و با ایالات متحد امریکا یک مشارکت متحد را برای ساختن جهانی نوین بر پا سازد.

این گرایش غرب گرایانه در سیاست خارجی روسیه ریشه در تاریخ این کشور دارد. برخی روشنفکران و سیاستمداران روسیه از زمان پتر کبیر و پس از آن، نجات و توسعه کشور خود را تنها در همکاری گسترده با غرب می دیدند.

ب) دیدگاه ملی گرایانه، این دیدگاه بر هویت مستقل روسیه تکیه دارد و مفهوم ویژه «دولت روسی» را طرح می نماید. در این دیدگاه که بر رسالت جهانی روسیه نیز تأکید می شود نفوذ و تأثیر دیدگاههای تولستوی و داستایوفسکی دیده می شود.

پ) دیدگاه اورآسیایی، این دیدگاه روسیه را پل فرهنگی میان شرق و غرب می داند و معتقد است که موقعیت ژئواستراتژیک روسیه اقتضا می نماید که این کشور روابط خویش را با هر دو طرف به طور متعادل حفظ نماید.

گرایش اول و اندیشه «مشارکت متحد» مظهر اصل حاکم در سیاست خارجی روسیه در مرحله اول پس از فروپاشی و مشخص کننده مرحله ابتدایی رابطه

روسیه با غرب است. این گرایش در سیاست خارجی شوروی، طولی نکشید که با تحولات سالهای ۳-۱۹۹۲م/۷۲-۱۳۷۱ هـ ش مورد تجدید نظر قرار گرفت. در پی رویارویی پارلمان و ریاست جمهوری روسیه در طی سالهای مذکور، با مشاهده آراء به دست آمده توسط حزب راست‌گرای افراطی لیبرال دموکرات روسیه در انتخاب پارلمانی دسامبر ۱۳۷۲ و همچنین با رشد جریان‌های افراطی در روسیه، دولت یلتسین در پاسخ به فشارهای ایجاد شده مجبور شد که از دسامبر ۱۹۹۳ دگرگونی‌هایی را در سیاست خارجی روسیه پذیرا گردد. طی دو ساله اخیر گرایش غرب‌گرایی مطلق کنار گذاشته شده و ملی‌گرایی روسیه چنان توسعه می‌یابد که یک استراتژی ضد موازنه‌ای سیاست خارجی را برای منحرف ساختن فشار غرب گسترش می‌دهد. دولتمردان روسیه مصممند تا قدرت نفوذ متقابل علیه غرب را به دست آورند و آسیب‌پذیری در مقابل غرب را کاهش دهند. با این وضعیت روند گفتگوهای پیشین در مورد کاهش سالهای استراتژیک نیز سست شده است، زیرا زمینه پذیرش آن از جانب روسیه از بین رفته است. ۹ انتظار می‌رود که گرایش موجود در سیاست خارجی روسیه که تلاش دارد روسیه از یک سیاست مستقل در مقابل غرب برخوردار باشد احتمالاً حرکت برای تقویت روابط با چین و جهان اسلام را به همراه داشته باشد.

تغییر فوق در سیاست خارجی روسیه دیدگاه این کشور نسبت به جمهوری‌های آسیای مرکزی را نیز تحت تأثیر قرار داده است. «خارج نزدیک» اصطلاحی است که پس از سپری شدن گرایش اول در سیاست خارجی روسیه

پس از فروپاشی مطرح شد. منظور از خارج نزدیک، جمهوری‌های سابق شوروی است که روسیه به آنها با دیدگاه کاملاً خارجی نمی‌نگرد، بلکه آنها را مناطقی می‌داند که در عین حالی که از روسیه جدا شده‌اند پیوندها و نزدیکی‌های فراوانی با روسیه دارند.

پیوند روسیه با جمهوری‌های سابق شوروی پس از فروپاشی در چهارچوب «جامعه کشورهای مشترک‌المنافع» (CIS) ادامه یافت. در ابتدای استقلال این جمهوری‌ها تصور بر این بود که این مناطق به یکباره از روسیه جدا شده‌اند. CIS نیز علی‌رغم اینکه یک پیمان اقتصادی است، اما واحد حقوق بین‌الملل محسوب نمی‌شود و این نکته به صراحت در موافقت‌نامه مینسک ذکر شده است.^{۱۰} با این حال به دلایل متعدد پیوندهای ناگسستنی میان روسیه و جمهوری‌های مزبور وجود دارد که تا سالیان دراز بدون تردید باقی خواهد ماند. در اینجا به برخی از این دلایل اشاره می‌شود:

۱. رشد نهضت‌های ملی‌گرایی در روسیه از یک سو و تجربه جنگ داخلی در یوگسلاوی پس از فروپاشی شوروی و نظام‌های کمونیستی بلوک شرق که موجب نگرانی روس‌ها در مورد تکرار این گونه حوادث در روسیه و جمهوری‌های پیرامون آن شد، از سوی دیگر، موجب شد که توجه روسیه به صورت جدی به سوی خارج نزدیک جلب شود. ملی‌گراها تبلیغات گسترده‌ای در مورد شرایط و مشکلات زندگی روس‌های ساکن در کشورهای خارج نزدیک مطرح نمودند چنان که سبب گردید آندره کوزیروف، وزیر امور خارجه روسیه،

نیز ضرورت مداخله این کشور را در خارج نزدیک مطرح نماید. ۱۱ روسیه تلاش دارد با بهره‌گیری از اهرمهای گوناگون، ثبات و آرامش جمهوری‌های مستقل را حفظ نماید و از توسعه نفوذ قدرتهای بیگانه جلوگیری کند.

۲. روسیه دارای منافع متعددی در آسیای مرکزی است که موجب می‌شود که این کشور نتواند از جمهوری‌های جنوب چشم‌پوشد. روسیه با توجه به موقعیت ژئوپولتیک خود که این کشور را به صورت یک قدرت اروپایی - آسیایی در آورده است، منافع زیادی در مناطق جنوبی خود می‌بیند. این امر نیاز به توضیح ندارد، زیرا روسیه در طول تاریخ هیچ‌گاه حاضر نشده است از جبهه جنوب چشم‌پوشد تا جائی که اندیشه دستیابی به آبهای گرم خلیج فارس و دریای عمان را نیز در سر پرورانده است. روسیه منافع اقتصادی متعددی نیز در این جمهوری‌ها دارد که میراث نظام اقتصادی گذشته است. نظام اقتصادی پیشین که در آن تقسیمات فراوانی میان جمهوری‌ها برای تأمین فرآورده‌های کل اتحاد شوروی صورت گرفته بود به نحوی پی‌ریزی شده بود که جمهوری‌های آسیای مرکزی علی‌رغم سرشار بودن از منابع زیرزمینی بدون تکیه بر روسیه قادر به تأمین کالاهای مورد نیاز خویش نباشند.

۳. حضور نزدیک به ۱۰ میلیون روس در جمهوری‌های آسیای مرکزی پدیده‌ای است که پیوندی محکم میان روسیه با کشورهای خارج نزدیک برقرار می‌نماید. این جمعیت هنوز هویت محلی در جمهوری‌های آسیای مرکزی پیدا ننموده‌اند و برای بسیاری از آنان جدایی کامل از روسیه و پنداشتن روسیه به عنوان یک

کشور خارجی بسیار دشوار و بلکه غیرممکن است. از سوی دیگر روسیه نیز با جدیت مواظب اوضاع اقلیت‌های روس در جمهوری‌های مذکور است. روسیه در این ارتباط تأکید بر کسب توافق برای تابعیت مضاعف دارد که تاکنون تنها ترکمنستان و تاجیکستان با آن موافقت نموده‌اند. ۱۲

عضویت در ناتو

با توجه به آنچه گفته شد و با توجه به حساسیتهای روسیه نسبت به آسیای مرکزی ممکن است ایران و روسیه در آسیای مرکزی بیشتر رقیب محسوب شوند تا شریک. این دیدگاه نه تنها به ایران، بلکه نسبت به هر کشور خارجی که در صدد ایجاد نفوذ گسترده در آسیای مرکزی باشد از جانب روسیه وجود خواهد داشت. با این حال جمهوری‌های آسیای مرکزی دارای ظرفیتهای بسیار بالایی برای حضور کشورهای خارجی و فعالیتهای آنان هستند که زمینه تضاد و تنازع را کاهش می‌دهد.

جمهوری اسلامی ایران تلاش می‌نماید از سویی روابط خود را با روسیه گسترش دهد و از این طریق از موقعیت این کشور در صحنه بین‌الملل بهره‌برد، و از سوی دیگر از مزایای اقتصادی ارتباط با این جمهوری‌ها بهره‌مند شود. علی‌رغم اینکه فعالیت ایران در آسیای مرکزی، به عنوان یک عضو اصلی سازمان همکاری اقتصادی اکو و عضویت جمهوری‌های آسیای مرکزی در این سازمان، آن را در مقابل جامعه کشورهای مشترک‌المنافع قرار می‌دهد، اما تلاشهای موازی برای گسترش روابط با روسیه از جانب جمهوری اسلامی ایران

موجب می‌شود که یک نوع فضای همکاری میان ایران و روسیه ایجاد شود. به عبارت دیگر تأمین منابع متقابل ایران و روسیه در آسیای مرکزی یک بازی با حاصل جمع صفر نیست. (Zero Sum Game).

زمینه‌های متعددی برای همکاری ایران و روسیه وجود دارد و جمهوری اسلامی ایران تلاش می‌نماید که با استفاده از این زمینه‌ها جایگاه و نقش خویش در روابط بین‌الملل را افزایش دهد و از فشارهای احتمالی ایالات متحده آمریکا جلوگیری نماید.

ایران و روسیه دارای دیدگاههای مشترکی در زمینه امنیت و ثبات در منطقه هستند. روسیه مایل است که از حضور گسترده و سلطه اروپا و آمریکا بر آسیای مرکزی جلوگیری نماید و ایران نیز همانند روسیه هر نوع بی‌ثباتی در این منطقه را تهدید علیه امنیت ملی خویش تلقی می‌کند و از هر طریق، چه از راه مذاکره و چه از طریق میانجیگری، خواستار ایجاد ثبات در منطقه است. در این ارتباط ایران مایل به ابراز تفاهم نسبت به تفوق روسیه در ساختار امنیتی CIS نیز می‌باشد. این واقعیت از این دیدگاه ناشی می‌شود که جمهوری اسلامی ایران معتقد است که در شرایط جدید یک روسیه قوی بهتر می‌تواند منافع ایران را در منطقه تأمین نماید تا یک روسیه ضعیف که راه را برای حضور گسترده کشورهای دیگر در این منطقه باز می‌نماید. ۱۳

ایران و روسیه در سالهای اخیر همکاری نزدیکی برای ایجاد ثبات و آرامش در تاجیکستان انجام داده‌اند. در مذاکرات متعددی که میان حکومت فعلی

تاجیکستان با گروه منازع انجام می‌گیرد روسیه و ایران دو طرف اصلی مذاکرات هستند و دارای دیدگاههای مشترکی نیز می‌باشند. روسیه به خوبی می‌داند که ایران با گروههای میانه‌رو روابط خوبی دارد و از نفوذ این کشور بر این گروهها می‌تواند برای ایجاد آرامش در تاجیکستان استفاده نماید. اخیراً یکی از مقامات عالی‌رتبه روسی اعلام داشت که ایران و روسیه در بسیاری موارد اهداف سیاسی مشترک دارند. ۱۴ روسیه هم‌اکنون همکاری‌های تسلیحاتی نیز با ایران دارد و به صورت یکی از تأمین‌کنندگان اصلی سلاحهای متعارف برای ایران در آمده است.

یک حوزه دیگر فعالیتهای متقابل ایران و روسیه منطقه خلیج فارس است. کشورهای حوزه خلیج فارس، بویژه در سالهای اخیر، زمینه حضور گسترده‌ای برای امریکا در منطقه فراهم نموده‌اند. روابط کشورهای منطقه با امریکا چنان توسعه یافته است که امریکا نقش کلیدی در امنیت منطقه پیدا نموده است. هم ایران و هم روسیه از این مسئله ناراضی هستند و به همین دلیل برای روسیه موضع ایران در این زمینه که مایل است امنیت منطقه به وسیله کشورهای همین منطقه حفظ شود، چون منجر به کاهش حضور امریکا می‌شود قابل ستایش است.

ایران و روسیه در زمینه دریای خزر نیز دارای دیدگاههای مشترکی هستند. بخش عظیمی از دریای خزر در مرزهای دو کشور واقع است و ترکمنستان و قزاقستان نیز که دو کشور ساحلی خزر هستند میان ایران و روسیه قرار دارند. در

سالهای اخیر در زمینه تعیین رژیم حقوقی دریای خزر مباحث متعددی مطرح شده است. برخی کشورها چون آذربایجان و قزاقستان مایل به تقسیم این دریا هستند و آذربایجان قراردادهایی نیز با شرکت‌های نفتی خارجی برای بهره‌برداری از منابع نفتی این دریاچه منعقد نموده است. ترکمنستان نیز تا به حال موضع‌گیریهای متفاوتی کرده است.

ایران و روسیه نمی‌خواهند دریای خزر تقسیم شود. مخالفت این دو کشور با تقسیم دریای خزر دلایل مختلفی دارد:

الف) در صورت تقسیم خزر، دو کشور مرز کلی خود را از دست می‌دهند و از همسایگی هم خارج می‌شوند.

ب) در این صورت قزاقستان از ۱۴۴ هزار مترمربع، ایران ۴۴ هزار مترمربع و سه کشور دیگر (گرجستان، روسیه و آذربایجان) از ۷۰-۸۰ هزار مترمربع حوزه آبی در خزر برخوردار خواهند بود. بدیهی است پایین آمدن کف ترازو در طرف ایران و روسیه که دو کشور مهم منطقه هستند برای این دو کشور قابل قبول نیست.

پ) تقسیم دریای خزر از نفوذ و تسلط ایران و روسیه کاسته و موجب تقویت نفوذ غربی‌ها در منطقه می‌شود.

ت) در این صورت کشورهای غربی راحت‌تر می‌توانند از شرکت ایران و روسیه در طرح‌های نفتی جلوگیری کنند.

ث) پیشنهاد ایران در مورد تأسیس سازمان همکاری کشورهای ساحلی خزر

بی‌معنی می‌شود. ۱۵

موارد فوق موجب شده است که در جلسات متعددی که تا به حال در زمینه تعیین رژیم حقوقی دریای خزر برگزار شده است، ایران و روسیه با حفظ موضع مشترک با تقسیم این دریا مخالفت نمایند. مستند ایران و روسیه قرارداد منعقدۀ میان دو کشور در ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ م/ ۶ اسفند ۱۲۹۹ هـ ش است. بر اساس فصل ۱۱ این عهدنامه و همچنین قرارداد بازرگانی - بحریمایی مورخ ۲۵ مارس ۱۹۴۰ م/ فروردین ۱۳۱۹ هـ ش میان ایران و شوروی، دریای خزر به عنوان محدوده مشترک آبی برای بهره‌برداری دو کشور ساحلی با برخورداری از حقوق متساوی قلمداد شده است.

از مباحث طرح شده در این بحث چنین استنباط می‌شود که روسیه و ایران در سالهای اخیر روند روبه رشدی را در توسعه روابط دوجانبه داشته‌اند و فعالیت ایران در آسیای مرکزی نیز تنها در صورتی مخالفت روسیه را بر خواهد انگیزد که ایران به صورت قدرت غالب در منطقه آسیای مرکزی با گرایشهای مذهبی در آید. این مسئله ناشی از تمایل روسیه به حفظ نفوذ و سلطه خود در آسیای مرکزی ناشی می‌شود و حاضر به پذیرش هیچ قدرت برتر دیگری در این منطقه نخواهد بود. همچنین روشن شد که دیدگاههای مشترک فراوان میان دو کشور در مورد مسایل منطقه وجود دارد.

ایران، غرب و امریکا

با فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی، کشورهای اروپای غربی و امریکا فعالیت گسترده‌ای در این منطقه آغاز نمودند. همزمان با این فعالیتها، تبلیغاتی نیز در مورد نفوذ ایران در آسیای مرکزی و تقویت موج بنیادگرایی از جانب برخی از این کشورها مطرح شد. چنان که پیش از این نیز مورد اشاره قرار گرفت، این موضع‌گیریها بیشتر از آن که ناشی از واقعیت باشد در چهارچوب تبلیغاتی که هر از چندگاه علیه جمهوری اسلامی ایران از جانب این کشورها صورت می‌گیرد قابل توضیح است و از جانب بسیاری از مقامات و روزنامه‌نگاران منطقه نیز مورد مخالفت قرار گرفته است.

ایالات متحده امریکا دارای منافع متعددی در آسیای مرکزی است. محدود نگاه داشتن بنیادگرایی، حفظ منافع نظامی و استراتژیک، محدود نگاه داشتن ایران و حفظ منافع اقتصادی - بازرگانی، از جمله این منافع است. بدیهی است که امریکا به دلیل دوری از این منطقه دارای مشکلات و مسائلی نیز هست. رویارویی با بنیادگرایی و مسائلی نظیر آن ممکن است مبدأ بیگانگی‌ها و رویارویی ملل آسیای مرکزی با امریکا شود. به همین دلیل امریکا در تعریف منافع و اتخاذ سیاستهای خود در مقابل این کشورها با مشکل مواجه است؛ همچنین مایل است منافع خود را از طریق ایجاد روابط امنیتی و استراتژیک در

آسیای مرکزی تضمین نماید. این هدفها از طریق کشورهای دیگر که با آسیای مرکزی دارای نزدیکی جغرافیایی هستند انجام می‌پذیرد. با توجه به عدم تمایل به روسیه، امریکا به پاکستان یا ترکیه روی خواهد آورد. در این راستا نقش ایران که کشوری مؤثر در منطقه و مهم برای آسیای مرکزی است برای امریکا نیز پوشیده نیست.

زمینه دیگر در روابط امریکا با آسیای مرکزی شکل‌گیری این روابط از طریق نهادهای بین‌المللی نظیر سازمان ملل، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی توسعه است.

کشورهای اروپای غربی نیز که فعالیتهای اقتصادی در منطقه آسیای مرکزی آغاز نموده‌اند با توجه به موقعیت ژئواستراتژیک ایران در منطقه به نقش ایران در آسیای مرکزی معترفند، چنان که پیش از این نیز ذکر شد برخی از این کشورها خواستار همکاری با ایران در زمینه فعالیت در آسیای مرکزی شده‌اند.

ممکن است چنین به نظر آید که توسعه روابط غرب و بویژه امریکا با جمهوری‌های آسیای مرکزی به معنای کاهش نقش جمهوری اسلامی ایران در منطقه است، اما شواهد متعددی وجود دارد که علی‌رغم فشارهایی که از جانب برخی محافل غربی به این جمهوری‌ها وارد می‌شود، روابط جمهوری اسلامی ایران با این جمهوری‌ها را واقعیات دیگری رقم می‌زند:

الف) نیاز کشورهای آسیای مرکزی به ایران قطعی است و این کشورها قادر به چشم‌پوشی از مراوده با ایران نیستند، زیرا ایران با دسترسی به دریا موقعیت

بهتری برای کمک به این کشورهای محصور در خشکی دارد. به عنوان نمونه علی‌رغم جو موجود در روابط میان ایران و آمریکا بر اساس اخبار اعلام شده در روزنامه‌های قزاقستان، این کشور اجازه داد که نفت استخراج شده در حوزه تنگیز قزاقستان که با همکاری شرکت شورون و دولت قزاقستان استخراج می‌شود از طریق ایران صادر شود. نورسلطان نظربایف در کتاب خود به نام در آستانه قرن ۲۱ به خوبی نقش استراتژیک ایران در همکاری‌های منطقه‌ای را مورد توجه قرار داده است. ۱۶ وی در این کتاب روحیات مردم ایران را مورد ستایش قرار داده و تبلیغات در مورد بنیادگرایی ایران را بی‌اساس می‌داند.

ب (روسیه کشوری است که مایل نیست سلطه و نفوذ خود را در آسیای مرکزی از دست بدهد. تقابل روسیه و آمریکا در آسیای مرکزی موجب می‌شود که فشارهای کمتری به ایران وارد شود. علاوه بر این روسیه و ایران، همچنان که پیش از این ذکر شد، دارای مواضع مشترک بسیار هستند.

پ (در جمهوری‌های آسیای مرکزی نسبت به آمریکا دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد و بسیاری از نویسندگان و مقامات این کشورها دارای گرایش شرقی هستند و معتقدند که تحکیم روابط با کشورهای منطقه به دلیل اینکه بخشی از تاریخ و سنت‌های آنها را در بر می‌گیرد ضرورتی‌تر از ایجاد روابط گسترده با غرب است. این گونه دیدگاهها موجب می‌شود که سران این کشورها بدون توجه به برخی تبلیغات علیه ایران، مصالح و منافع خویش را در نظر گرفته با دیدگاه مثبت رو به سوی ایران بیاورند. نویسنده بارها با صاحبان این دیدگاه در میان

سیاست‌گزاران امور فرهنگی، آموزشی و سیاسی این جمهوری‌ها مواجه شده است.

یک سطح تحلیل دیگر رفتار جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی مربوط به فعالیت‌های منطقه‌ای است که ایران در چهارچوب آن مناسبات خود با جمهوری‌های مسلمان‌نشین آسیای مرکزی را توسعه می‌دهد. مهمترین چهارچوب همکاری‌های منطقه‌ای از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران سازمان همکاری اقتصادی اکو است. بر اساس همین دیدگاه عضویت جمهوری‌های آسیای مرکزی در این سازمان از نکات مورد توجه جمهوری اسلامی ایران پس از استقلال این جمهوری‌ها بوده است. تحولات چند ساله اخیر منطقه و استقلال جمهوری‌های مسلمان‌نشین علاقه‌مندی‌هایی را بین جمهوری‌های مذکور برای پیوستن به اکو بروز داد. اعضای بنیانگذار (ایران، ترکیه، پاکستان) با توجه به ضرورت همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای و لزوم انسجام هر چه بیشتر کشورهای منطقه در گستره‌ای وسیع که منافع ملل منطقه را در برگیرد، از پیوستن اعضای جدید به اکو استقبال کردند. اولین کشوری که تقاضای پیوستن به اکو را مطرح کرد، جمهوری آذربایجان بود. در پی آن ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و قزاقستان نیز تمایل خود را ابراز داشتند و متعاقباً افغانستان نیز به جرگه علاقه‌مندان به عضویت در اکو پیوست. در هفتم آذرماه سال ۱۳۷۱ ه.ش در اسلام‌آباد، پایتخت پاکستان، نمایندگان کشورهای مذکور با امضای سند الحاق کشورشان به عهدنامه ازبیر رسماً به عضویت سازمان

همکاری اقتصادی (اکو) در آمدند. پس از گسترش سازمان در سال ۱۳۷۱ هـ ش/۱۹۹۲م اساسنامه جدید برای تعیین اولویت‌های جدید در بهمن‌ماه همین سال با توجه به اولویتهایی که عمدتاً توسط اعضای جدید مطرح شده بود، تنظیم و تصویب گردید. گسترش راههای ارتباطی از طریق جاده و وصل کردن شبکه‌های راه‌آهن، ایجاد خطوط هوایی و کشتیرانی، از جمله اولویت‌های اعضای جدید بود. توسعه و بهبود شبکه‌های مخابراتی، توسعه تجارت، همکاری در زمینه انرژی و بسیاری از زمینه‌های دیگر نیز در طرح کویته مورد تأکید قرار گرفته بود. پس از این، بیانیه استانبول یا دورنمای بلندمدت اکو سند دیگری است که در تیرماه ۱۳۷۲ هـ ش به تصویب رسید. اولین اجلاس سران اکو در بهمن‌ماه ۱۳۷۰ هـ ش فوریه ۱۹۹۲م دعوتی بود از جمهوری‌های تازه استقلال یافته شوروی و همچنین افغانستان به یک همکاری اقتصادی منطقه‌ای. دومین اجلاس سران اکو در تیرماه ۱۳۷۲ هـ ش ژوئیه ۱۹۹۳م در استانبول و سومین اجلاس سران اکو در اسفندماه ۱۳۷۳ هـ ش مارس ۱۹۹۵م در اسلام‌آباد نشست سران در اردیبهشت ۱۳۷۵ هـ ش قبل از افتتاح راه‌آهن مشهد - سرخس و اجلاس فوق‌العاده سران این سازمان در عشق‌آباد (۱۳۷۶ هـ ش) همگی نشانه اهمیت یافتن این سازمان در سیاست خارجی سه عضو اصلی این سازمان می‌باشد. با تلاشهایی که طی چند سال اخیر از جانب اعضای اکو، بویژه جمهوری اسلامی ایران، صورت گرفته است موافقت‌نامه‌های مهمی در چهارچوب این سازمان به امضا رسیده است:

۱. موافقت‌نامه تأسیس بانک توسعه و تجارت اکو که مقر اصلی آن در ترکیه است و شعب آن در ایران و پاکستان دایر خواهد شد. قزاقستان از هم اکنون برای پیوستن به این بانک اعلام آمادگی کرده است.

۲. موافقت‌نامه حمل و نقل تجاری که به منظور دستیابی متقابل این کشورها به بازار همدیگر و بازارهای بین‌المللی به امضا رسید. این موافقت‌نامه را کشورهای عضو، بجز ازبکستان و افغانستان، امضا کرده‌اند و به زودی به مرحله اجرا در خواهد آمد.

۳. شرکت مشترک کشتیرانی اکو: با توجه به محصور بودن برخی از کشورهای عضو اکو در خشکی و دسترسی نداشتن به آبهای آزاد، کشتیرانی مشترک اکو امکان دسترسی و بهره‌برداری از قلمرو آبی منطقه را - شامل آبهای دریای مدیترانه، دریای سیاه، خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند و دریاچه خزر - فراهم می‌نماید.

۴. احیای مؤسسه فرهنگی اکو: مؤسسه مذکور با استقرار مرکز اصلی آن در تهران وظیفه احیای گنجینه‌های فرهنگی، تبادل اطلاعات علمی فرهنگی و گسترش ارتباطات رسانه‌های گروهی را به عهده دارد. مؤسسه فرهنگی آر.سی.دی پیش از این به مدت حدود ۱۵ سال فعالیت داشته و در این مدت فعالیتهای فرهنگی موفق انجام داده است، که از جمله برگزاری سمینارهایی با حضور نمایندگان کشورهای عضو و تسهیل همکاری میان مراکز فرهنگی کشورهای عضو را می‌توان نام برد.

۵. بنیاد علمی اکو مرکزی است برای استمرار بخشیدن به اجرای طرح‌های مشترک تحقیقاتی و علمی و تربیت اعضای بسیار متخصص مقرر اصلی این بنیاد در اسلام‌آباد است.

۶. موافقت‌نامه اعطای تسهیلات صدور روادید تجاری که موجب گسترش مبادلات بازرگانی در سطح منطقه و تقویت فعالیت بخش خصوصی می‌شود که یکی از اهداف اصلی در اکو است.

۷. شرکت هواپیمایی اکو (اکو ایر): «اکو ایر» که انتظار می‌رود به زودی فعالیت خود را آغاز نماید به منظور ایجاد شبکه‌های ارتباطی مطلوب و ارائه خدمات موردنظر برای جابه‌جایی مسافر و کالا به تصویب رسید. مرکز این شرکت در تهران می‌باشد.

۸. تأسیس شرکت بیمه اکو: این مرکز، همکاری میان شرکت‌های بیمه کشورهای عضو سازمان را تضمین خواهد نمود و همچنین تضمینی است برای توسعه صادرات و خدمات در منطقه و خارج از آن. موافقت‌نامه‌های مذکور که در امضای هر یک از آنها دیپلماسی فعال جمهوری اسلامی ایران نقش اساسی داشته است. نشان دهنده اهتمام کامل جمهوری اسلامی ایران به همکاری‌های منطقه‌ای در چهارچوب سازمان همکاری اقتصادی اکو است. جمهوری اسلامی ایران معتقد است با توجه به رشد گروه‌های منطقه‌ای در بخش‌های مختلف از جهان، رشد همکاری در چهارچوب اکو می‌تواند به رشد اقتصادی کشورهای عضو منجر شود و از سوی دیگر این سازمان در صورت گسترش و فعال شدن

می تواند نقش اساسی نیز در تأمین امنیت منطقه ایفا نماید.

در سطح تحلیل رفتار سیاست خارجی منطقه ای جمهوری اسلامی ایران می توان توجه به همکاری منطقه ای میان کشورهای حاشیه خزر را مورد بررسی قرار داد. ارتباط مستمر میان کشورهای حاشیه این دریاچه، تبادل اطلاعات در مورد مسائل خزر و تقویت مواضع کشورهای واقع در ساحل این دریاچه، از جمله اهداف مورد نظر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه است که فعالیت های مختلفی نیز در ارتباط با آن صورت گرفته است. ایران در این زمینه خواستار تشکیل سازمان همکاری کشورهای ساحل خزر شده است. ^{۱۷} ترکمنستان و قزاقستان دو کشور از جمهوری های آسیای مرکزی هستند که مرزهای طولانی را در ساحل خزر صاحب هستند. جمهوری اسلامی ایران از ابتدای استقلال یافتن این جمهوری ها تلاش نموده است که مسائل مربوط به حوزه خزر از طریق ارتباط نزدیک کشورهای واقع در حاشیه این دریاچه حل شود و لذا اجلاس های متعددی در این زمینه برگزار شده است. تأمین امنیت در حوزه خزر و بهره برداری کشورهای ساحلی از منابع دریای خزر از جمله مسائلی است که بیانگر لزوم همکاری جدی کشورهای مورد نظر است. در حال حاضر با توجه به بهره برداری برخی از کشورهای ساحلی از منابع این دریاچه به صورت مستقل، لزوم تعیین رژیم حقوقی دریای خزر از جمله مسائلی است که به صورت جدی در محافل سیاسی کشورهای منطقه مطرح است. ایران همچنین تلاش نموده است کشورهای حاشیه خزر در زمینه نفت و گاز، حمل و نقل و

ماهگیری همکاری نمایند. ۱۸

جمهوری اسلامی ایران همچنین در راستای همکاری‌های منطقه‌ای تلاش‌های وسیعی برای جلوگیری از وقوع درگیری در منطقه انجام داده است و سعی نموده اختلافات منطقه‌ای به صورت مسالمت‌آمیز حل و فصل شود. دیپلماسی فعال برای حل و فصل بحران قره‌باغ و همچنین تلاش گسترده برای حل مشکل تاجیکستان و ایجاد آرامش در داخل این کشور در این راستا قابل توجه است.

جمهوری اسلامی ایران همچنین اخیراً همکاری‌های چند جانبه‌ای با برخی از این جمهوری‌ها آغاز نموده است. ارتباط مستمر میان ایران، ترکمنستان و ارمنستان و ایجاد کمیسیون سه جانبه یک نوع الگوی همکاری است که جمهوری اسلامی ایران مبتکر آن می‌باشد و تلاش دارد در چهارچوب آن فعالیت‌های سیاسی اقتصادی و فرهنگی میان کشورها گسترش یابد. این نمونه الگویی است که احتمالاً در آینده جمهوری‌های دیگر منطقه را ترغیب خواهد نمود که کمیسیون‌های چند جانبه مشابهی با مشارکت ایران تأسیس نمایند.

بعد دیگر رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه با بررسی روابط جمهوری اسلامی ایران با هر یک از این جمهوری‌ها روشن می‌شود. از آغاز استقلال و با گشایش سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران در هر یک از جمهوری‌های آسیای مرکزی، دیپلماسی فعالی از سوی جمهوری اسلامی ایران برای ایجاد مناسبات سیاسی اقتصادی و فرهنگی با این جمهوری‌ها به کار گرفته

شده است. سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران جزء اولین نمایندگی‌های سیاسی خارجی هستند که در این جمهوری‌ها افتتاح شده است. علائق و مشترکات متعدد تاریخی، مذهبی و سنتی میان ایران و آسیای مرکزی موجب می‌شد که پس از استقلال به صورت خودکار توجه مردم و نخبگان جمهوری‌های مسلمان‌نشین آسیای مرکزی به سوی ایران جلب شود. تلاشهای گسترده جمهوری اسلامی ایران در منطقه همراه با یک منطق صلح‌جویانه و توجه به علایق و منافع دو جانبه ایران و آسیای مرکزی بود، چنان که نشان داد جمهوری اسلامی ایران حمایت از همسایگان تازه استقلال یافته خود و تلاش در جهت رشد و توسعه آنها و گذار سالم از این دوره بحرانی را جزء سرخط اولویت‌های سیاست خارجی خود قرار داده است. با روشن شدن روابط سالم ایران با جمهوری‌های آسیای مرکزی بسیاری از محققین در زمینه آسیای مرکزی، اعتراف نمودند که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با توجه به موقعیت استراتژیک خود و برخورداری از راههای ارتباطی مناسب و همچنین با توجه به امکان برآوردن برخی نیازهای مصرفی آسیای مرکزی، نقش مؤثری در توسعه سیاسی و اقتصادی جمهوری‌های مسلمان‌نشین آسیای مرکزی ایفا نماید. ^{۱۹}

جمهوری اسلامی ایران بر همین اساس با همه جمهوری‌های آسیای مرکزی از ابتدای استقلال روابط و مناسبات گسترده‌ای ایجاد نموده است.

سطح روابط و علائق جمهوری اسلامی ایران با جمهوری‌های پنج‌گانه یکسان نیست، با این حال نوع فعالیتها از شباهتهای فراوانی برخوردار است. به

تعبیر بهتر می‌توان چنین گفت که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نسبت به جمهوری‌های مذکور از تنوع برخوردار است. ایران تلاش نموده است علی‌رغم حضور گسترده در آسیای مرکزی، روابط خود با روسیه را نیز به صورت متعادلی حفظ نماید. توجه کافی به قدرت برتر جمهوری‌های مشترک‌المنافع (روسیه) که پس از فروپاشی هنوز نیز از نفوذ کامل و همه‌جانبه‌ای در این جمهوری‌ها برخوردار است از نکات بسیار مثبت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، پس از فروپاشی شوروی، بوده است. تنوع در رفتار سیاست خارجی ایران در منطقه را یک روزنامه‌نگار قزاق چنین بیان کرده است: «به وجود آمدن جمهوری‌های مختلف مشترک‌المنافع خود به ایران امکان داد که یک تنوع در بازی سیاسی داشته باشد. حسن توجه به روسیه، توجه تشویق‌آمیز به قزاقستان و قرقیزستان، یک نوع سردی احتیاط‌آمیز در روابط با ازبکستان و گفتگوهای دیپلماتیک با آذربایجان».^{۲۰}

روابط و مناسبات جمهوری اسلامی ایران با دیگر جمهوری‌های آسیای مرکزی روند متعادل و معقولی داشته است. جمهوری اسلامی ایران از ابتدای استقلال تلاشهایی را در ارتباط با این جمهوری‌ها به صورت مشترک به انجام رسانده است. پذیرش این جمهوری‌ها در سازمان منطقه‌ای اکو در فوریه ۱۹۹۲ و بهمن‌ماه ۱۳۷۰ ه‍.ش در تهران، حمایت از شرکت و عضویت این جمهوری‌ها در مجامع بین‌المللی و ترغیب آنان به رعایت مرزها و حقوق بین‌الملل، تلاش برای اتصال این کشورها به بازارهای جهانی از طریق راههای مواصلاتی ایران،

برگزاری نمایشگاههای متعدد در مراکز و دیگر شهرهای جمهوریهای آسیای مرکزی برای عرضه کالاهای ایرانی، برگزاری نمایشگاههای متعدد در مراکز و دیگر شهرهای جمهوریهای آسیای مرکزی برای عرضه کالاهای ایرانی، برگزاری سمینارهای متعدد فرهنگی برای نزدیک نمودن نخبگان و دانشمندان دو طرف و تلاش برای جلوگیری از وقوع درگیری در منطقه و سعی در حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات از این جمله است. ۲۱

یکی از نکات مهم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه، ایجاد اطمینان نسبت به اهداف و سیاستهای مورد نظر ایران در منطقه در میان سران و حاکمان جمهوریهای آسیای مرکزی است ایران در عین حالی که با این جمهوریها علائق تاریخی و فرهنگی فراوانی دارد. با توجه به حساسیتهای موجود در دنیا، تلاش نموده است به حکومتهای آسیای مرکزی اطمینان دهد که اهداف ایران در آسیای مرکزی بیشتر جنبه‌های اقتصادی دارد و ایران درصدد نیست با تحریک احساسات اسلامی مردم مسلمان این منطقه به بنیادگرایی اسلامی دامن بزند، بلکه بیشتر به دنبال این هدف است که این جمهوریها در یک روند سالم با کمک و مساعدت ایران روند رشد و توسعه خود را طی نماید. آخرین نکته‌ای که در این ارتباط می‌باید به آن اشاره کرد و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه از آن متأثر است، واقع‌بینی سیاست‌گزاران جمهوری اسلامی ایران نسبت به وضعیت فرهنگی و مذهبی مردمان مسلمان آسیای مرکزی است. هر چشم واقع‌بینی که در آسیای مرکزی تحقیق نماید به

خوبی در می‌یابد که مردم این منطقه با توجه به هفتاد سال سرکوب مذهب در این مناطق برای بازیابی هویت اسلامی خویش نیاز به دوره‌ای طولانی دارند. این نکته بدان معنا نیست که این مردمان هویت اسلامی خویش را فراموش کرده اند، بلکه دقیقاً به عکس، طی این مدت مقاومت درونی و قومی خوبی را در مقابل برنامه‌ی ایجاد خلق واحد شوروی انجام داده‌اند، اما و به هر حال تأثیر ساختارهای آموزشی و فرهنگی بوجود آمده در دوران اتحاد شوروی را بویژه بر نسل جوان نمی‌توان نادیده گرفت.

در میان جمهوری‌های آسیای مرکزی، ترکمنستان به دلیل مرز طولانی مشترک، علائق تاریخی و فرهنگی و نزدیکی به ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است.

تاجیکستان نیز به دلیل علایق و اشتراکات فرهنگی و به دلیل هم‌زبانی دو ملت برای ایران از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. با استقلال یافتن این جمهوری چشم‌های همه‌ی مردم آن به ایران دوخته شد و به ارتباط با ایران به عنوان یک نوع برگشت به اصل خویش نگریستند. جمهوری اسلامی ایران از ابتدای استقلال نقش فعالی در این جمهوری ایفا کرد و شوز و اشتیاق زائدالوصف مردم تاجیک به سوی ایران موجب شد که علائق فرهنگی در روابط میان دو کشور جنبه‌ی غالب را پیدا نماید. متأسفانه شروع جنگ داخلی در تاجیکستان اوضاع این جمهوری را نابسامان ساخته است. جمهوری اسلامی ایران در حل مناقشات تاجیکستان و ایجاد صلح و آشتی میان

گروه‌های مختلف در این جمهوری فعالیت‌هایی انجام داده است و هم اکنون یکی از طرف‌های اصلی دخیل در حل مناقشه تاجیکستان می‌باشد. در طول این سالیان با قزاقستان و قرقیزستان نیز روابط گسترده سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایجاد شده است.

در میان جمهوری‌های آسیای مرکزی، ازبکستان از توسعه جدی روابط سیاسی با جمهوری اسلامی ایران ممانعت نموده و با یک نوع احتیاط خواهان گسترش روابط اقتصادی صرف بوده است. ازبکستان که پر جمعیت‌ترین جمهوری آسیای مرکزی است و از جهات فرهنگی و تاریخ غنی‌ترین جمهوری آسیای مرکزی به شمار می‌آید، طی چهار سال گذشته سیاست واقع‌بینانه‌ای نسبت به ایران اتخاذ نموده است. سیاست‌گزاران این کشور بر خلاف انتظار گاهی مواضع منفی نیز در قبال ایران اتخاذ نموده‌اند، چنان‌که این موضع‌گیری‌ها در چارچوب روابط بین‌المللی و بویژه همکاری‌های منطقه‌ای به هیچ وجه قابل تحلیل نبوده‌اند. برخی از علل این‌گونه موضع‌گیری‌های ازبکستان در قبال جمهوری اسلامی ایران از این قرار است:

۱. زمینه اسلام‌خواهی در ازبکستان نسبت به سایر جمهوری‌ها بیشتر است. این جمهوری دارای سابقه غنی در فرهنگ و تمدن اسلامی است. (البته با محدوده فعلی که سمرقند و بخارا نیز جزء سرزمین ازبکستان محسوب می‌شود). در طول حکومت بلشویک‌ها در سرزمین شوروی سابق نیز تاشکند پایتخت این جمهوری به صورت مرکز "اداره قاضیات مسلمانان آسیای مرکزی و قزاقستان"

در آمد و دو مدرسه علمی در تاشکند و بخارا و وظیفه تربیت ائمه مساجد آسیای مرکزی را به عهده گرفتند. به هر حال آنچه در اینجا مورد نظر است اینکه اسلام و احکام آن در ازبکستان شناخته شده تر است و حکومت "اسلام کریم اف" رئیس جمهوری ازبکستان، با توجه به این واقعیت از حضور و نفوذ گسترده جمهوری اسلامی ایران در این کشور هراس دارد.

۲. بحران تاجیکستان و وجود سمرقند و بخارا در خاک ازبکستان که اکثریت مردمان آن تاجیک هستند و به زبان فارسی گفتگو می کنند، یکی از عللی بوده است که ازبکستان را، از دادن اجازه حضور گسترده ایرانیان در ازبکستان باز داشته است.

۳. نهایتاً اینکه با توجه به تقابل ایرانیان و ازبکها در دوره هایی از تاریخ، برخی نویسندگان این جمهوری این پیشه را دامن می زنند. در این ارتباط ازبکستان یکی از کشورهای فعال ترک زبان است که به صورت جدی وحدت کشورهای ترک زبان را دنبال می کند.

علی رغم تنش های جزئی در برخی موارد، ایران تلاش نموده است که اعتماد ازبکستان را جلب نماید و در صدد است که طی یک روند معقول مناسبات خود را با این جمهوری افزایش دهد. ایران معتقد است که ازبکستان نیز همچون دیگر جمهوری ها در آینده یکی از طرفهای اقتصادی ایران خواهد بود و سیاستگزاران این کشور به تدریج به نقش ایران در منطقه آسیای مرکزی و لزوم ایجاد ارتباط گسترده میان طرفین پی خواهند برد. تلاشهای ایران طی چند ساله اخیر

موفقیت‌آمیز بوده و با توجه به نیاز ازبکستان به خطوط مواصلاتی ایران روند روابط دو کشور رو به افزایش است.

یکی دیگر از سطوح تحلیل رفتار ایران در آسیای مرکزی بررسی روابط استانی میان برخی از استانها در جمهوری اسلامی ایران با برخی جمهوری‌های آسیای مرکزی یا استانهای برخی از این جمهوری‌هاست. با استقلال یافتن جمهوری‌های آسیای مرکزی ارتباطات گسترده و مستقلى میان برخی استانها، چون خراسان و مازندران، با برخی از این جمهوری‌ها برقرار شده است. خراسان روابط وسیعی در بخش تجاری و اقتصادی با ترکمنستان ایجاد نموده است. مازندران نیز با توجه به هم‌مرزی با این جمهوری همکاری‌های گسترده‌ای را در بخش‌های مختلف تجاری و صنعتی آغاز نموده است. ارتباط این دو استان منحصراً با ترکمنستان نیست، بلکه مازندران و خراسان ارتباطات مستقلى با سه جمهوری دیگر نیز آغاز نموده‌اند. خراسان از این جهت فعالیت گسترده‌ای دارد. نمایشگاههای متعدد اقتصادی از سوی این استان در ترکمنستان و دیگر جمهوری‌ها برگزار شده است. ۲۲ این ارتباطات، بخش صنعت و تجارت خراسان را به صورت محسوسى تحت تأثیر قرار داده است و این بخشها فعالیت ویژه‌ای را در جهت بهبود بخشیدن روشهای صادرات کالا در این استان انجام داده‌اند.

از سوی دیگر حضور گسترده جهانگردان آسیای مرکزی که بدون استثنا برای خرید وارد مشهد می‌شوند رونق فراوانی به بازار این شهر بخشیده است.

ارتباطات استانی منحصر به مازندران و خراسان نیست، بلکه کرمان، گیلان و برخی دیگر از استانها روابطی را با جمهوری‌های آسیای مرکزی برقرار نموده‌اند. کرمان تا به حال دو نوبت نمایشگاه تجاری در قزاقستان برگزار نموده است و گیلان با استان «منگستاو» قزاقستان خواهرخوانده اعلام شده‌اند و این جمهوری اعلام نموده است که اهمیت ویژه‌ای برای ارتباط با خراسان قائل است. ۲۳

از آنچه به اختصار در زمینه بررسی رفتار جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی در سطوح تحلیل مختلف، مورد بحث قرار گرفت، به اهمیت نقش جمهوری اسلامی ایران در روند توسعه جمهوری‌های آسیای مرکزی پی می‌بریم. جمهوری اسلامی ایران معتقد است که توسعه مناسبات و همکاری‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی میان طرفین، هم‌منافع دوجانبه را تأمین خواهد نمود و هم به رشد و توسعه این جمهوری‌ها کمک خواهد کرد. این همکاری‌ها و مناسبات مبتنی بر علائق فرهنگی و اقتصادی میان ایران و آسیای مرکزی است. همین علائق و گرایشهاست که گستره و میزان روابط ایران با آسیای مرکزی و اولویت‌های آن را در آینده تعیین می‌نماید. در بررسی علائق فرهنگی و اقتصادی می‌توان به متغیرهای اصلی و تعیین کننده در روابط ایران با جمهوری‌های آسیای مرکزی دست یافت. در فصلهای دوم و سوم این رساله به بررسی و نقد این علائق و گرایشها پرداخته شد.

 یادداشتها :

۱. ر.ک: «آسیای میانه؛ کانون بحران آینده»، مجله تایم، هلند، ۱۶/۱۲/۱۹۹۱، بانک اطلاعات، اداره کل مطبوعات خارجی؛ شیرین آکیز، «تهدیدات و تصور تهدیدات در آسیای مرکزی»، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۳ سال ۱۳۷۵ ه.ش.
۲. فارالقاش، ایران و آسیای مرکزی، روزنامه پاناراما، قزاقستان، ۱۲/۷/۹۵، ص ۲.
۳. مذاکرات اوپک با کشورهای نفت خیز، روزنامه همشهری، ۱۴ آذر ۱۳۷۴ ه.ش ۸۲۴، ص ۱.
۴. ایران و هند در زمینه حمل و نقل ...، کیهان، ۱۳/۱۰/۷۳، ص ۳.
۵. گسترش روابط هند با آسیای میانه، اطلاعات، ۱۰/۶/۷۳، ص ۳.
۶. روزنامه اطلاعات، ص ۳.
۷. لثوتید اسکالیارف، «روابط استراتژیک ایران و روسیه»، ترجمه بهرام تهرانی، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، زمستان ۱۳۷۴ ه.ش، ش ۱۲.
۸. در این زمینه ر.ک:
- S. Neil Macfar Lane, "Russia, The West and European Secarity", *Survival*, Vol, 35, No. 3, Autumn 1993.
- S. Stankevich, "Russia in Search if Ttself", *The National interest*, No. 28, Summer 1992, PP 47 - 50.

و - عمر سربیک کاسنوف، آسیای مرکزی در آستانه قرن ۲۱، هفته‌نامه پانوراما، چاپ آلماتی، ۱۴ مارس ۱۹۹۷ م.

۹. الهه کولائی، «روسیه، غرب و ایران»، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، زمستان ۱۳۷۴ ه.ش، ش ۱۲.

10. *Anthony Hyman, "Power and Politics in Central Asias New Republics", Research institute for The Study of Conflict and Terrorism, August 1995.*

11. *Rodric Braithwaite, "Russian Realities and Western Policy", Survival, No. 3, Autumn 1994, P. 20-30.*

۱۲. الهه کولائی، پیشین.

۱۳. در این زمینه مراجعه کنید به:

- *Edmund Herzig, "Iran and the former Soviet South", the Royal institute of international Studies, Chatham House, June 1995.*

و - اکبر هاشمی رفسنجانی، ج.۱. ایران و کشورهای جدیدالبنیاد، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۱۳ بهار ۱۳۷۵ ه.ش.

14. *Albrecht Metzger, "Russian - Iranian rapprochement: The end of dual Containment", Middle East International, No. 505, July 1995, PP. 17-18.*

۱۵. ر.ک به: لئونید اسکالیاروف، پیشین.

همچنین به: ویژه‌نامه ضمیمه روزنامه قزاقستان پراورا، به زبان روسی چاپ

آلمآتی، ۲۹ آوریل ۱۹۹۷ م.

۱۶. نورسلطان نظربایف، در آستانه قرن ۲۱، به زبان روسی و انگلیسی، آلمآتی ۱۹۹۶ م.

۱۷. ایران خواستار تشکیل سازمان...، هفته نامه کیهان هوایی، ۷۳/۷/۲۷، ص ۸.

۱۸. ایران خواستار همکاری...، روزنامه قدس، ۷۳/۸/۵، ص ۳.

۱۹. اوکاماتو، آسیای میانه - اسلام، مجله یومیوری، ژاپن، توکیو، شماره ۹۰۳۷، ۱۹۹۱/۳/۶، بانک اطلاعات اداره کل مطبوعات خارجی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۲۰. قارالقاش، پیشین.

۲۱. ر.ک به: عباس ملکی، روابط ایران و جمهوری های آسیای مرکزی، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، تابستان ۱۳۷۱ ه.ش، سال اول، ش اول، ص ۵؛ سیدرسول موسوی، گزارش سمینار امنیت و سیاست خارجی در آسیای مرکزی و قفقاز، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۱۳ سال ۱۳۷۵ ه.ش.

۲۲. برگزاری نمایشگاه خراسان...، روزنامه جمهوری اسلامی ایران، ۷۳/۸/۵، ص ۱۱.

۲۳. قزاقستان اهمیت ویژه ای...، روزنامه قدس، ۷۳/۸/۵، ص ۳.



منابع فارسی

الف - کتاب :

۱. آکینر. شیرین، اقوام مسلمان اتحاد شوروی، ترجمه محمدحسین آریا، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۶۶ ه.ش.
۲. آلبرتی. ژم، مکانیسمهایی از رشد ماندگی، ترجمه الف، بنی صدر، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ۱۳۵۲ ه.ش.
۳. آورتورخانوف. آ، مسئله اقلیت‌های ملی در شوروی، ترجمه فتح‌الله دیده‌بان، تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱ ه.ش.
۴. احمد. میرالدین، نهاد آموزش اسلامی، ترجمه محمدحسین ساکت، مشهد: آستان قدس رضوی ۱۳۶۸ ه.ش.
۵. افتخاری. قاسم، مسائل سیاسی و اقتصادی کشورهای اروپایی شرقی، تهران، ۱۳۶۴ ه.ش.
۶. امیدوارنیا. محمدجواد، روندهای نو و قدرتهای آینده در آسیا - پاسیفیک، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی ۱۳۷۲ ه.ش.
۷. انصاری. جواد، ترکیه در جستجوی نقشی تازه در منطقه، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل، ۱۳۷۳ ه.ش.
۸. اولام. آدام، سیاست و حکومت در شوروی، ترجمه علیرضا طیب، ۱۳۷۱ ه.ش.
۹. برژینسکی. زببگنو، شکست بزرگ، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۱ ه.ش.

۱۰. برلین. آیزایا، متفکران روس، ترجمه نجف دریابندی، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۱ ه.ش.
۱۱. بنیگسین. الکساندر، مسلمانان شوروی؛ گذشته، حال و آینده، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰ ه.ش.
۱۲. بورلاتسکی. فیودور، قدرت سیاسی و ماشین دولتی، ترجمه احمد رهسپر، تهران: آموزگار، ۱۳۶۰ ه.ش.
۱۳. بهزادی. رقیه، قومهای کهن در آسیای مرکزی و فلات ایران، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۳ ه.ش.
۱۴. بیلی. ف.م، مأموریت به تاشکند، ترجمه پرویز محبت، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۹ ه.ش.
۱۵. پی‌تیر. آندره، مارکس و مارکسیسم، ترجمه شجاع‌الدین ضیائی‌ان، چاپ ششم، ۱۳۶۰ ه.ش.
۱۶. تاجبخش. احمد، تاریخ مختصر تمدن و فرهنگ قبل از اسلام، دانشگاه ملی، تهران، ۱۳۵۵ ه.ش.
۱۷. تراب‌زاده. منیژه و...، ماهیت تحولات در آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۳ ه.ش.
۱۸. ترنزیو. پیرکارلو، رقابت روس و انگلیس در ایران و افغانستان، ترجمه عباس آذرین تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹ ه.ش.
۱۹. تقوی. اکبر، جمهوری‌های آسیای میانه، تهران: دفتر عقیدتی - سیاسی

- نیروی انتظامی، ۱۳۷۳ ه.ش. .
۲۰. تودارو. مایکل. برنامه‌ریزی توسعه مدلها و روشها، ترجمه عباس عرب، تهران: انتشارات مازیار، ۱۳۶۳ ه.ش.
۲۱. تودارو. مایکل، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجاد، حمید سهرابی، تهران، ۱۳۶۹ ه.ش.
۲۲. حاج سید جوادی. علی اصغر، مبانی فرهنگ در جهان سوم، تهران: انتشارات پیام، ۱۳۴۹ ه.ش.
۲۳. حکیم اوغلو. اسماعیل، مسلمانان روسیه، ترجمه سعید سخاوند، قم: انتشارات پیام اسلام.
۲۴. دربی شایر. یان، تحولات سیاسی در اتحاد شوروی، ترجمه هرمز همایون‌پور، تهران: چاپ اول، ۱۳۷۶ ه.ش.
۲۵. دلد. اسکندر، اسلام در شوروی، تهران: مرکز فرهنگی - هنری اقبال، ۱۳۷۶ ه.ش.
۲۶. رحمت‌الهی. حسین، تشکیل و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، تهران: مؤسسه اطلاعات، ۱۳۷۱ ه.ش.
۲۷. رحیمی. مصطفی، چرا شوروی متلاشی شد؟، تهران: نشر البرز، ۱۳۷۳ ه.ش.
۲۸. روشنیان. کریم، اسلام و شوروی، تهران، ۱۳۳۰ ه.ش.
۲۹. ریوکین. مایکل، حکومت مسکو و مسئله مسلمانان آسیای مرکزی شوروی، تهران، ۱۳۶۶ ه.ش.

۳۰. زرین کوب. عبدالحسین، دنبالة جستجو در تصوف ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹ ه.ش.
۳۱. زیدان. جرجی، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهرکلام، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۶ ه.ش.
۳۲. ژینوویف. الکساندر، کاتاستروفیک، ترجمه عبدالرحمان صدریه، چاپ اول، ۱۳۶۹ ه.ش.
۳۳. ژید. آندره، بازگشت از شوروی، ترجمه جلال آل احمد، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۱ ه.ش.
۳۴. س. ولک و دیگران، تاریخ شوروی (۱۹۲۵-۱۹۱۸)، ترجمه بهزاد امین، تهران، ۱۳۶۱ ه.ش.
۳۵. سارلی. ارازامحمد، ترکستان در تاریخ، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴ ه.ش.
۳۶. سارلی. ارازامحمد، تاریخ ترکمنستان، ج ۱، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۳ ه.ش.
۳۷. سریع القلم. محمود، فرهنگ، توسعه و جهان سوم، تهران: سفیر، ۱۳۶۹ ه.ش.
۳۸. سوئیزی. پل و دیگران، شوروی به کجا می رود؟، ترجمه حیدر ماسالی، چاپ اول، ۱۳۶۹ ه.ش.
۳۹. سیف زاده. سیدحسین، نظریه های مختلف در روابط بین الملل، تهران: سفیر، ۱۳۷۲ ه.ش.
۴۰. شادمان. یوسف، تاجیکستان، بهای آزادی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی،

- ۱۳۷۲ ه.ش.
۴۱. شایگان. داریوش، آسیا در برابر غرب، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۶ ه.ش.
۴۲. شبلی. احمد، تاریخ آموزش در اسلام، ترجمه محمدحسین ساکت، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱ ه.ش.
۴۳. شکورزاده. میرزا، تاجیکان در مسیر تاریخ، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۳۷۳ ه.ش.
۴۴. شیخاوندی. داود، آموزش و پرورش در شوروی، تهران، ۱۳۵۳ ه.ش.
۴۵. صفر عبدالله و فرزانه خجندی، نگاهی به زندگی و آثار آبای، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۴ ه.ش.
۴۶. صفی‌پور. عبدالرحیم بن عبدالکریم، منتهی‌الارب فی لغة العرب، تهران: ابن‌سینا، ۱۳۷۷ ه.ش.
۴۷. طلوعی. محمود، از لنین تا گورباچف، چاپ اول، ۱۳۶۷ ه.ش.
۴۸. فرامکین. گوگورا، باستان‌شناسی در آسیای مرکزی، ترجمه صادق ملک شهیرزادی، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲ ه.ش.
۴۹. فرهنگ عمید، تاریخ و جغرافیا، اطلاعات عمومی، سازمان انتشارات جاویدان، تهران، ۱۳۶۴ ه.ش.
۵۰. قائم‌مقامی. فرهنگ، آموزش یا استعمار فرهنگی، تهران: انتشارات جاویدان، ۱۳۵۶ ه.ش.
۵۱. کارادانکوس. هلن، امپراطوری فرو پاشیده، ترجمه عباس آگاهی، مشهد:

آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶ ه.ش.

۵۲. کارادانکوس. هلن، غضب حاکمیت، ترجمه دکتر عباس آگاهی مشهد: آستان قدس، ۱۳۶۶ ه.ش.

۵۳. کار. ای اچ، تاریخ روسیه شوروی، «انقلاب بلشویکی» (۱۹۲۳-۱۹۱۷ م). ترجمه نجف دریابندری، تهران: نشر زنده رود، ۱۳۷۱ ه.ش.

۵۴. کالیگان. ویلیام، مادی‌ها و پارسی‌ها، ترجمه گودرز اسعدبختیار، تهران: ۱۳۵۰ ه.ش.

۵۵. گروسه. رنه، امپراطوری صحراگردان، عبدالحسین میکره، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۳ ه.ش.

۵۶. گرومیکو. آندری، خاطرات آندری گرومیکو، ترجمه مهوش غلامی، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۰ ه.ش.

۵۷. گلستان سعدی، به اهتمام محمدعلی فروغی، تهران: امیرکبیر، ص ۱۵۵ ۱۳۵۶ ه.ش.

۵۸. گورباچف. میخائیل، دومین انقلاب روسیه (پروستریکا)، ترجمه عبدالرحمان صدریه، ۱۳۶۶ ه.ش.

۵۹. محمداسد. شهاب، مبارزات خلق مسلمان ترکستان بر ضد استعمار سرخ شوروی، چین، ترجمه محمد پیشوایی، قم، ۱۳۵۸ ه.ش.



ب - مقالات، مجلات و روزنامه‌ها

۱. آسیای میانه. کانون بحران آینده، مجله تایم، هلند، ۱۹۹۱/۱۲/۶، بانک اطلاعات اداره کل مطبوعات خارجی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲. اطلاعات، ماهنامه سیاسی - اقتصاد، شماره اول و دوم، مهر و آبان ۱۳۷۲ ه.ش.
۳. اطلاعات، گسترش روابط هند با آسیای میانه ۱۳۷۳/۶/۱۰، ص ۲.
۴. اوکاموتو. آسیای میانه، اسلام، مجله یومیوری، ژاپن، ۱۹۹۱/۳/۶، به زبان ژاپنی، بانک اطلاعات اداره کل مطبوعات خارجی.
۵. ایران. محور اتصال شرق و غرب، مجله نامه اتاق بازرگانی، تهران، ۱۳۷۴ ه.ش.
۶. ایران. طرح انتقال گاز ترکمنستان به اروپا لغو شد، ۱۳۷۴/۹/۱، ص ۴.
۷. ایران. ۱۳۷۳/۱۲/۱، ص ۳.
۸. بشیریه. حسین، توتالتیریانیسم، پلورالیسم و توسعه سیاسی در اتحاد شوروی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال چهارم، شماره سوم، دی و بهمن ۱۳۶۸ ه.ش.
۹. ترکان. اکبر، «راههای ارتباطی جمهوری اسلامی ایران با آسیای مرکزی» منابع و ظرفیتهای اقتصادی آسیای مرکزی، تهران: مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز ۱۳۷۴ ه.ش.
۱۰. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۵/۳/۱۱، ش ۴۸۸۹، ص ۱۱.

۱۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۵/۲/۱۵، ش ۴۸۹۳.
۱۲. حیات خان. عظمت، «راه آهن و اقتصاد آسیای مرکزی» منابع و ظرفیتهای اقتصادی آسیای مرکزی و قفقاز... ص ۲۷۵.
۱۳. رئیس دانا. فریرز، ایران و جمهوریهای شوروی، آدینه، شماره ۶۸-۶۹، نوروز ۱۳۷۱ ه.ش.
۱۴. سجادیپور. سیدمحمدکاظم، بازگشت سولژنتسین به روسیه اطلاعات ۱۳۷۳/۳/۱۶.
۱۵. مجله صفحه اول، ویژه نوروز ۱۳۷۳ ه.ش ۳۶ و ۲۵، ص ۱۵-۱۴.
۱۶. صفحه اول، ش ۲۵، ص ۶۰.
۱۷. عینی. صدرالدین، معانی کلمه تاجیک، مجله صدای شرق، شماره ۸، سال ۱۹۸۳ م.
۱۸. کولائی. الهه، احیاء و گسترش احساسات ملی گرایانه در روسیه، اطلاعات، سیاسی اقتصادی، سال ۸، ش ۷۹-۸۰، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۳ ه.ش.
۱۹. کیهان، ایران و هند در زمینه حمل و نقل... ۱۳۷۳/۱۰/۱۳، ص ۳.
۲۰. کیهان، «همکاریهای ایران در جمهوری ترکمنستان» ۷۳/۹/۱۲، ص ۳.
۲۱. گفتگو با اکبر تورسانزاده، سیمرخ، سال یکم، شماره هفتم آبان ۱۳۶۹ ه.ش.
۲۲. لاکور. والتر، ناسیونالیسم روس، ترجمه علیرضا بیگی، مجله سیاست خارجی، سال هفتم ش ۴، زمستان ۷۲، ص ۸۰۸-۸۲۴.
۲۳. مسلمانیان قبادیانی. رحیم، پیوند ادبی ایران و تاجیکستان کیهان

فرهنگی، سال دهم، آبان ۷۲.

۲۴. مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت

امور خارجه، ۱۳۷۱ ه.ش، سال اول، ش ۱.

۲۵. مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت

امور خارجه ۱۳۷۱ ه.ش، سال اول، ش ۲.

۲۶. مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت

امور خارجه ۱۳۷۱ ه.ش، سال اول، ش ۳.

۲۷. مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: مرکز مطالعات آسیای مرکزی

و قفقاز، ۱۳۷۲ ه.ش، سال دوم، ش ۱.

۲۸. مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: مرکز مطالعات آسیای مرکزی و

قفقاز، ۱۳۷۲ ه.ش، سال دوم، ش ۲.

۲۹. مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: مرکز مطالعات آسیای مرکزی و

قفقاز، ۱۳۷۲ ه.ش، سال دوم، ش ۳.

۳۰. مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: مرکز مطالعات آسیای مرکزی و

قفقاز، ۱۳۷۳ ه.ش، سال دوم، ش ۴.

۳۱. مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: مرکز مطالعات آسیای مرکزی و

قفقاز، ۱۳۷۳ ه.ش، سال دوم، ش ۵.

۳۲. مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: مرکز مطالعات آسیای مرکزی و

قفقاز، ۱۳۷۳ ه.ش، سال دوم، ش ۶.

۳۳. مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۳۷۳ هـ.ش، سال دوم، ش ۷.
۳۴. مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۳۷۴ هـ.ش، سال دوم، ش ۸.
۳۵. مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۳۷۴ هـ.ش، سال دوم، ش ۹.
۳۶. مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۳۷۴ هـ.ش، سال دوم، ش ۱۰.
۳۷. مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۳۷۴ هـ.ش، سال دوم، ش ۱۱.
۳۸. مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۳۷۴ هـ.ش، سال دوم، ش ۱۲.
۳۹. نفیسی. سعید، «سرزمین پاک نیاکانم»، تاجیکان در مسیر تاریخ، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۳۷۳ هـ.ش، ص ۹-۱۲.
۴۰. هایمن. آنتونی، آسیای میانه، نفت، مجله میدل‌ایست، انگلستان، ۱۹۹۴/۱/۱، اداره کل مطبوعات خارجی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴۱. هفته‌نامه خراسان، ۱۳۷۳/۱۱/۱۲ هـ.ش، ص ۲.



1. Anthomy, Hyman, "Power and Politics in central Asian New Republics", Research institute for the study of conflict and terrorism, August 1995.
2. Rodric Braith Waith, "Russian Realities and Western Policy", survival, No. 3, Autumn, 1994, P. 20-30.
3. Cashel, J. "Western Assistance: Kazakhstan, Program and Prospects", Central Asia Monitor. 2. 1993; 5-11.
4. "Central Asian Repubcics: Regional outlook", country report, No. (1994).
5. Central Asian states battle shortage and Us. Dollar. Far Easteren Economic Review Vd. 157. N. 6 (10 Feb.94).
6. Conquest, Robert, the last Empire, Nationality and the soviet future a stanford: Hoover institution Press, 1986.
7. Dani, Ahmad, "New Light on Central Asia"

- Lahorisonge Meel Publication, 1993.*
8. *Daghestani and Amerah, Muslims in the former Soviet Union, Amman: Center for International Studies, Royal Scintific Society, 1992.*
 9. *Dani and Masson, "History of Civilization of Central Asia", Vol. I, Parisiun Esco, 1992.*
 10. *Dvornik, f, The making of Central and Eastern Europe, London, 1949.*
 11. *Freedman, R. "Israel and Central Asia: A Preliminary Analysis", Central Asia Monitor. 2, 1993: 16-20.*
 12. *Ginsburgs, G. "what is the U.S Interest in Central Asias futurel?" Central Asia Monitor. 5, 1992. 27-29.*
 13. *Ginsburgs, G. "Recent History of the Territorial Question in Central Asia", Central Asia Monitor, 3, 1992, 21-29.*
 14. *Grahamfuller, Central Asia the New Geopolitics, (Sanata Manica, RAND, 1992).*
 15. *Herzig, Edmund "Iran and the former. Soviet South",*

- the Royal institute of international studies, Chatham House, Jun. 1995.*
16. Metzger, Albkecht, "Russian - Iranian rapprochment: the end of dual containment", *Middle East Internal Jornal*, No. 505, July 1995.
17. *Pacific Research*, Vol. 5, No. 2, May 1992.
18. Richard Ltle, *Governing the Soviet Union*, New York: Longman, 1989, PP. 237-932.
19. Stankerich. S, "Russia in Search of Itself", *the national interest.*, No. 28, Summer, 1992, PP. 47-50.
20. Syed and Siddiaui, "Central Asia, A Historical Retrospective", *National Development and Security*, Vol. II, No. 1, Aug. 1003.
21. Tangiz New Oil field Discovery, *Oil and Gas Journal*, Sep. 1992, Vol. 9-13.
22. *The society for central Asian studies*, London, 1949.
23. *Turkey Review, Quarterly Digest*, Spring 1990.
24. Twining, David. *The New Eurasia A Guide to the Republics of the former Soviet Union*. Westport, Conni

Preager, 1993.

25. *Werner Gumpel. "Economic and Political development in the Central Asian Turkish Republic". Eurasian Studies - Vol. 1, No. 2 (Summer 1994) PP. 15-43.*

26. *Yakuborsk. Vladimir, "Russia in Transition", International Crossroad Nov. 93, P. 18.*



منابع به زبان روسی

۱. اخبار سراسری شب، کانال ۱، تلویزیون قزاقستان، ۱/۱/۱۹۹۶م.
۲. هفته‌نامه آسیا، به زبان روسی، قزاقستان، آلماتی، ش ۱، ۱۲/۱/۱۹۹۶م.
۳. عوض‌اف. مختار، پژوهشهای چاپ نشده راجع به آبای‌شناسی، آلماتی، ۱۹۱۸م.
۴. قارالقاش، «ایران و آسیای مرکزی»، روزنامه پاناراما، به زبان روسی، آلماتی، ۱۲/۷/۱۹۹۵م.
۵. روزنامه قزاقستان پراودا، به زبان روسی، آلماتی، ۱۲/۱۱/۱۹۹۵م.
۶. هفته‌نامه کاروان، به زبان روسی، قزاقستان، آلماتی، ش ۱، ۱۲/۱/۱۹۹۶م.
۷. روزنامه کاروان بلیتز، به زبان روسی، قزاقستان، آلماتی، ش ۱۷۴، ۱/۱/۱۹۹۵م.
۸. گزارش وزیر فرهنگ قزاقستان در افتتاحیه نمایشگاه فرهنگی ج.ا. ایران در قزاقستان، دی ماه، ۱۳۷۴ ه.ش، سفارت ج.ا. ایران، آلماتی، ۱۳۷۴ ه.ش.
۹. وزارت بازرگانی قزاقستان، حجم مبادلات دو جانبه صادرات و واردات قزاقستان، به زبان روسی، آلماتی ۱۳۷۴ ه.ش.
۱۰. وزارت فرهنگ قزاقستان، نگاهی به ترکستان، آلماتی، وزارت فرهنگ، ۱۹۹۵م.



سایر منابع

۱. پرونده‌های موجود در دفتر نمایندگی شرکت ملی نفت ج.ا. ایران در عشق‌آباد و آلماتی.
۲. پرونده همکاری‌های اقتصادی، بایگانی سفارت ج.ا. ایران، قزاقستان، ۱۳۷۴ ه.ش.
۳. رایزنی فرهنگی، ج.ا. ایران در قزاقستان، بولتن اخبار فرهنگی، ش ۵ و ۶.
۴. گزارش مصاحبه رایزنی فرهنگی ج.ا. ایران در ترکمنستان، بایگانی رایزنی، آذرماه ۱۳۷۴ ه.ش.
۵. سنایی. مهدی، «ایرانیان آسیای مرکزی» رایزنی فرهنگی ج.ا. ایران در قزاقستان.

